

تَبَارَكَ الَّذِي
بِيَدِهِ الْمَقْدَرُ
الْجَبَّارُ



فصلنامه علمی - اختصاصی (چند زبانه)

PURE LIFE

دوره نهم - اولین کنگراس بین المللی ظرفیت شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی

در ارتقای آموزش های دینی (۳)

سال چهارم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۹۶، جمادی الثانی ۱۴۳۹، مارس ۲۰۱۸

صاحب امتیاز: جامعة المصطفی العالمیة

دانشگاه مجازی المصطفی، معاونت پژوهشی و تولید

مدیر مسئول: حجة الاسلام دکتر محسن قنبری

سر دبیر: دکتر عابدین سیاحت اسفندیاری

دبیر علمی: دکتر توفیق اسداف

مدیر اجرایی: حجة الاسلام محمد جواد نجفلو

هیئت تحریریه:

معاون آموزش جامعة المصطفی العالمیة (ایران)	محسن قنبری
معاون پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی المصطفی (ایران)	عابدین سیاحت اسفندیاری
مدیر گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی (آذربایجان)	توفیق اسداف
مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (پاکستان)	غلام جابر محمدی
عضو هیئت علمی دانشگاه مجازی المصطفی (هند)	سید محمد علی عون نقوی
عضو هیئت علمی جامعة آل البیت (عراق)	یحیی عبدالحسن الدوخی
استاد دانشگاه مجازی المصطفی (ترکیه)	ییلدیز قدری

نشانی: قم، خیابان ساحلی جنوبی، نرسیده به مصلی، بین کوچه ۴۰۶ صندوق پستی: ۳۷۱۳۹۱۳۵۵۴

تلفن و نمابر: ۳۲۶۱۳۸۷۵ - ۳۲۱۱۴۱۷۵

تعداد صفحات: ۳۵۰ صفحه شمارگان: چاپ الکترونیکی

Web: http://journals.miu.ac.ir/content.php?pagename=journal&publication_id=320&journal_id=7

Email: research@mou.ir

بر اساس مصوبه:

جلسه بیست و دوم شورای نشریات المصطفی ﷺ

(مورخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹)

و شناسه مجوز ۷۴۳۲۷ سامانه جامع رسانه‌های کشور

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

این نشریه در سطح نشریات علمی - اختصاصی، تعیین شد.

این نشریه به صورت الکترونیکی است، که در نشانی زیر،

قابل دریافت است:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

راهنمای نویسندگان مقالات

۱) مقاله باید شامل قسمت‌های زیر باشد:

عنوان، چکیده و کلیدواژگان، مقدمه یا طرح موضوع، بدنه اصلی مقاله، نتیجه‌گیری، فهرست منابع.
۲) تنها مقاله‌هایی قابل بررسی است که قبلاً منتشر نشده باشد، و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد.

۳) مسئولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ علمی و حقوقی بر عهده نویسنده مسئول است.

۴) حق رد یا قبول مقاله‌ها برای نشریه محفوظ است؛ البته دبیرخانه نشریه موظف است ظرف حداکثر یک ماه (۳۰ روز) به نویسنده مسئول مقالات ارسالی، آخرین وضعیت مقاله را گزارش دهد.

۵) تأیید نهایی مقاله برای چاپ در نشریه، پس از نظر داوران با هیئت تحریریه نشریه است.

۶) حجم مقاله حداقل ۸ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای خواهد بود.

۷) نقل و اقتباس از مقاله‌های نشریه، با ذکر مأخذ آزاد است.

۸) جهت نوشتن مقاله فارسی، از فونت ۱۳، و خط (B Lotus) استفاده شود.

✓ جهت نوشتن مقاله به زبان عربی از فونت ۱۳ و خط (Taher) استفاده شود. جهت نوشتن

مقاله به زبان اردو از فونت (۱۴) و خط (Alvi Nastaleeq) استفاده شود، و جهت نوشتن مقاله

به زبان انگلیسی، از فونت ۱۴ و خط (Times New Roman) استفاده می‌شود.

۹) فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا و به شرح زیر آورده شود:

✓ کتاب: نام خانوادگی، نام، (سال نشر)، عنوان (Bold)، نام مترجم یا مصحح، چاپ، محل نشر: نام ناشر.

✓ مقاله: نام خانوادگی، نام، عنوان، نشریه (Bold)، دوره، شماره، مجموع صفحات: (سال نشر).

۱۰) درج ارجاعات مربوط به منابع در متن به صورت (نام مؤلف، سال نشر: صفحه) آورده شود.

۱۱) ارجاعات هر صفحه، مانند صورت لاتین کلمات، شرح اصطلاحات و... در پارو رقی

همان صفحه آورده شود.

۱۲) نویسنده لازم است به همراه ارسال مقاله به نشانی رایانامه معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه

(research@almustafaou.com)؛ نام و نام خانوادگی و رتبه علمی و خود را ارسال نماید.

✓ با توجه به چند زبانه بودن نشریه، پژوهشگران محترم می‌توانند مقالات خود را به زبان‌های:

فارسی، عربی، اردو، انگلیسی، فرانسوی، ترکی استانبولی، آذری و... به دفتر نشریه ارسال نمایند.

۱۳) پس از چاپ مقاله، دبیرخانه نشریه موظف است یک نسخه از نشریه الکترونیکی را به

رایانامه نویسنده/ نویسندگان ارسال کند.

فهرس المحتويات

بخش فارسی

- ۸ سخن مدیر مسئول
- ۹ سخن سردبیر
- ۱۱ تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی
فاطمه بیدی، محمد حسین شریفی‌نیا، محمد حاتمی
- ۳۳ فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی (با تأکید بر آموزش)
محمد نظیر عرفانی، سید محمدعلی عون نقوی
- ۵۹ آموزش اخلاق فناوری مبتنی بر آموزه‌های رضوی در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی .
رحیم مرادی، اسماعیل زارعی زوارکی
- ۹۱ جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ
فریده رضایی، علی فاطمی‌منش، شهره مختاری
- ۱۱۵ تحلیل شیطان‌گرایی مدرن از فضای مجازی
سید حسن امامیان، احمد رفیعی

القسم العربي

- ١٥٠ كلمة المشرف العام
- ١٥١ كلمة رئيس التحرير
- ١٥٣ (إيهاب مختار محمد).....
حيدر الشمري
- ١٨١ التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية .
زينب جابر
- ٢٠١ اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق (دراسة ميدانية).
علي خيري طعتن، حيدر زحام جبر، ياسر حسن نمر
- ٢٤٩ المعايير التقييمية في الحوار بين المذاهب الفقهية
عبدالله محمد الدرويش، نضال حنش شبار الساعدي
- ٢٨١ منهج التفسير عند العلامة الطباطبائي في التعامل مع الرواية
ساجد صباح ميس العسكري، محمد سليمان
- ٣٠٩ القراءات الخاطئة للدين؛ التيارات التكفيرية ودورها في تباعد العالم الإسلامي
علي خيري طعتن، حيدر زحام جبر، ياسر حسن نمر

فہرست (اردو حصہ)

- ٣٣٣ ہمارے بارے میں
- ٣٣٥ اداریہ
- ٣٣٧ سائبر اسپیس اور اسلامی طرز زندگی
سیدہ ہامہدی جعفری

سخن مدیر مسئول

"PURE LIFE" دریچه‌ای به زندگی جاوید بشری خواهد بود. دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، رسالت خود را معرفی آموزه‌های الهی برای انسان خاک‌نشین می‌داند تا از رهگذر دانشی که خداوند در اختیار او گذارده، زندگی جدیدی را پایه‌گذاری کند؛ به نحوی که آرامش دنیوی و سعادت اخروی را برای او به ارمغان آورد.

"PURE LIFE" فرصتی برای دانش‌پژوهان و دانش‌آموختگان دانشگاه و سایر پژوهشگران است تا آموزه‌های علمی- معرفتی خود را بر پهنای فضای مجازی بگسترانند، و با زبان عالمانه معرفت دینی را در ساحت‌های مختلف زندگی بشری بازتاب دهند. امید که با همت جویندگان نور دانش، این پنجره هر چه پرفروغ‌تر گردد.

سخن سردیر

پژوهش به عنوان شریان حیات در حوزه دانش و پیش عمل می‌کند، که پویایی آن می‌تواند به تحریک در رویش و گسترش مرزهای دانش انجامیده، و بی‌توجهی به این حوزه، ایستایی و نهایتاً میرایی دانش را رقم می‌زند، که جهل، اولین دستاورد آن می‌باشد. در دنیای امروز نیز شاهد جهالت مدرن هستیم، که محصول عدم پژوهش سلیم در حوزه‌های مختلف است.

امروزه پژوهش مجرای گسترش مرزهای دانش بوده، و جایگاه سترگی در فعالیت‌های بشری به خود اختصاص داده است؛ هم‌چنین تتبع در حوزه علوم انسانی و اسلامی، می‌تواند انسان را در فهم مسائل و دشواری‌های انسانی توانمند ساخته، و برای آن‌ها راه حل ارائه کند. پیشرفت روزافزون حوزه‌های دانشی، ضرورت ورود به عرصه‌های علمی بیشتری را می‌طلبد؛ چه آن‌که امروزه بسیاری از حوزه‌های دانشی علوم اسلامی نیازمند تبیین و ارائه در عرصه جهانی است.

فصلنامه علمی - اختصاصی **"PURE LIFE"** به منظور ایجاد فضای ارائه مقاله‌های دانش‌پژوهان دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ و سایر پژوهشگران در تلاش است ضمن ارتقای سطح پژوهش‌های دانش‌پژوهی مرتبط با علوم اسلامی، بستر مناسبی برای توسعه ارتباط میان پژوهش‌گران عرصه علوم اسلامی - انسانی باشد.

"PURE LIFE" به صورت فصلنامه چندزبانه و الکترونیکی منتشر می‌شود. این شماره به موضوع «اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی» می‌پردازد و ماحصل ۹ مقاله به سه زبان فارسی، عربی و اردو است.

فصلنامه **"PURE LIFE"** با عنایت کمیسیون نشریات جامعه المصطفی ﷺ العالمیه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نخستین نشریه علمی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ آمادگی انتشار مقاله‌های دانش‌پژوهان را دارد.

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی

نویسندگان: فاطمه بییدی (ایران)^۱، دکتر محمد حسین شریفی‌نیا (ایران)^۲، دکتر محمد حاتمی (ایران)^۳

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

چکیده

انتخاب سبک زندگی اثرات بسیاری در زندگی دارد؛ به طوری که از یک طرف می‌تواند تمدن اسلامی را بسازد، و از طرف دیگر موجب هدر رفتن تمامی استعدادهای فرد شود. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی بود، که با روش تحلیلی-توصیفی و با گردآوری اطلاعات از میان نظریه‌ها و آرای به جای مانده، به مطالعه و بررسی تأثیرات فضای مجازی بر سبک زندگی اقدام نمود، و سپس به تحلیل داده‌ها مطابق با هدف پژوهش، پرداخته شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است، که فضای مجازی- به طور مستقیم و غیر مستقیم- بر سبک زندگی کاربران، تأثیرات بانفوذی دارد؛ چرا که طراحان اصلی در فضای مجازی- خود- مروج سبک زندگی غربی بوده، و هدف اصلی نیز نشانه گرفتن اعتقادات کاربران می‌باشد؛ لذا سبک زندگی ربی- علی‌رغم سیما و سطح مرفه خود- حاوی چالش‌های عمیقی است، که آینده روشنی را نمایان نمی‌سازد. در این میان، به نظر می‌رسد بسط تفکر توحیدی در فضای مجازی تنها راه ساختارشکنی ریشه‌های فرسوده سبک زندگی غربی است؛ چرا که سبک زندگی الهی و اسلامی بر مدار توحید در فضای مجازی، بستر رشد و تعالی فردی و اجتماعی را آماده ساخته و برای احیا و بازسازی این مهم، تلاش و همت همگان را می‌طلبد.

۱- دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، bidi.fatemeh@gmail.com

۲- استادیار گروه روانشناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، MH.sharifinia@yhoo.com

۳- دانشیار گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی،

تهران، ایران، bpccir@gmail.com

در انتهای پژوهش نیز پیشنهاد شده است با عنایت به تأثیر عمیق و نافذ فضای مجازی بر سبک زندگی - در ابعاد مختلف کارکردی فرد - پرداختن به این موضوع به طور خاص مورد توجه سیاستگذاران فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی و استادان تدوین محتوای دینی مبلغان، قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، فضای مجازی، اثرگذاری

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین مضامین مورد توجه متخصصین علوم اجتماعی، دگرگونی‌های فرهنگی - اجتماعی در دهه‌های اخیر بوده است؛ این دگرگونی‌ها در حوزه‌های مختلفی رخ داده است، که از جمله آن‌ها می‌توان به تغییرات در شیوه‌های زندگی اشاره کرد.

از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی مفهوم سبک زندگی به عنوان یکی از مفاهیم مورد توجه در گفتمان علوم اجتماعی تبدیل شده، و به تعبیر کوکرهام^۱ جامعه‌شناس، هم‌چنان که جامعه‌شناسی به سوی قرن ۲۱ پیش می‌رود، همه شاخص‌ها نشان می‌دهد که پژوهش درباره سبک‌های زندگی نیز می‌تواند کانون تمرکز جامعه‌شناسی باشد.^۲

با این مقدمه، در این پژوهش تلاش می‌شود به تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی و مسائل پیرامونی آن پرداخته شود.

۱. William Cockerham

تبیین مسئله

سبک زندگی که در زبان‌های مختلف- از جمله انگلیسی^۱ و آلمانی^۲- از ترکیب سبک و زندگی در شکل‌های مختلف یاد شده است؛^۳ به عنوان یکی از پیامدهای پایگاه اجتماعی به صفتی مربوط می‌شود، که گروه‌های مربوط به پایگاه اجتماعی را از هم متمایز می‌کند؛ گروه‌هایی که هر یک دارای درجه‌ای از تشخیص رفتار هستند.

در ادامه به برخی از تعاریف سبک زندگی پرداخته می‌شود:

- نوعی روش زندگی فرد، گروه یا فرهنگ است؛^۴
- مجموعه رفتارها، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است؛
- شیوه زندگی یا سبک زیستن، که منعکس کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، که با هم‌طرز، زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد.^۵
- شیوه انجام چیزی- به ویژه- راهی که نشان دهنده تأکید بر طرز نگرش خاص یا مشخصه دوره معینی باشد؛^۶
- روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه؛^۷
- چیزی بیش از شخصیت یا طبقه اجتماعی شخص است؛
- شامل الگوی کامل کنش و واکنش فرد در جهان است.^۸

۱. Life Style/ Style of Life / Living

۲. Lebensstill

۳. Cambridge dic, 2004.

۴. Webster dic, 2004.

۵. The Random House dic, 1987.

۶. Msn Encarta dic, 2004.

۷. The Concise Oxford dic, 2004.

- ماکس وبر:^۱ سبک زندگی هم‌چون پاره فرهنگ، متمایز کننده طبقات اجتماعی در درون فرهنگ اصلی جامعه در نظر گرفته می‌شود.^۲
- مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و برخوردار از نوعی وحدت، که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی پیوند میان گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌کند.^۳

در قرآن کریم، هدف از خلقت انسان، عبودیت و بندگی خدا ذکر شده است،^۴ که این هدف سبب نوعی نگرش کلی به انسان و روش زندگی او می‌گردد؛ این همان سبک زندگی است.

به طور کلی، دین اسلام چارچوب‌های کاملی برای فهم انسان و حیات طیبه روشن نموده است؛ اما برای فهم دقیق و تطبیق آن بر زندگی امروزی، لازم است با روش‌های تجربی آثار پیداسازی این سیاست‌ها را در موضوعات معاصر بررسی نمود؛ بر این اساس، سبک زندگی اسلامی نیز برخاسته از آموزه‌های قرآنی، دینی و سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و است، که این سیره، انسان را به سمت معاد سوق داده، و یاد معاد را در اندیشه انسان، زنده می‌کند؛ لذا اگر انسان یاد خدا و یاد قیامت را در خود احیا کند، در سبک زندگی او اثر گذاشته و متوجه می‌شود فرصت‌هایی که در اختیار اوست، آزمایشی بیش نیست.^۵

۱. Max Weber (1864-1920)

۲- رسولی، ۱۳۸۲.

۳- گیدنز، ۱۳۸۶.

۴- ر. ک: ذاریات، ۵۶.

۵- سلیمانی، ۱۳۹۱.

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی / ۱۵

در سال‌های اخیر مقوله تأثیر فضای مجازی بر شیوه تفکر و سبک زندگی مسئله‌ای بوده است، که نگرانی‌ها و نیز پرسش‌های زیادی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است؛ به طوری که گاهی بدون تأمل و تحقیقی که بتواند تأثیرات این پدیده‌ی مجازی را بررسی کند، شاهد اظهار نظرهای متناقض و مبهمی در ارتباط مستقیم فضای مجازی و سبک زندگی جوانان هستیم.^۱

در جامعه اطلاعاتی امروز، دنیای الکترونیکی نامحدود، یک منبع بزرگ اطلاعات است؛ تا جایی که اگر همه کانال‌های بزرگترین شبکه‌های تلویزیونی را ۵۰ برابر کنیم، باز هم به پای تعداد منابع اطلاعاتی اینترنت نمی‌رسد.^۲

با نگاهی به آمارها می‌توان رشد اینترنت را در قالب اعداد و ارقام بهتر مشاهده کرد، تعداد کاربران اینترنت در آمریکا از ۱۸ میلیون نفر - ۶/۷ درصد جمعیت - در سال ۱۹۹۵ میلادی، به ۱۶۵ میلیون نفر - ۵۹٪ جمعیت - در سال ۲۰۰۲ میلادی رسیده است، و در همین سال تعداد کاربران اینترنت در دنیا ۶۰۵ میلیون نفر بوده است؛ بر این اساس، تعداد کاربران اینترنت به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد؛ یعنی هر شش ماه دو برابر می‌شود.

در گذشته، بیشتر استفاده کنندگان از شبکه اینترنت را پژوهشگاه‌ها و مؤسسه‌های عالی تشکیل می‌دادند؛ اما در سال‌های اخیر، جنبه‌های بازرگانی و سرگرمی این شبکه جهانی غلبه یافته است.

با توجه به رشد روزافزون اینترنت، می‌توان پذیرفت که اینترنت و در معنای گسترده‌تر آن رسانه، از عواملی به شمار می‌رود که می‌تواند بر جنبه‌های مختلف زندگی تأثیر بگذارد.

۱- عیوضی، ۱۳۸۸.

۲. Young, 1998.

در کانادا، ۳۰ درصد تعاملات دولتی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود؛ بر اساس اعلام روزنامه نیویورک تایمز^۱، تعداد ساکنان نیویورک که مایحتاج خود را از اینترنت سفارش داده‌اند، از ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۳ میلادی به ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۴ میلادی افزایش یافته است؛ هم‌چنین درصد رزروهای اینترنتی شرکت هتل‌های هیلتون از ۲ درصد در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۱۴ درصد در حال حاضر افزایش یافته است؛ در آمریکا نیز در سال ۲۰۰۴ میلادی، ۲۸ درصد و در سال ۲۰۰۵ میلادی، ۳۴ درصد صاحب‌خانه‌ها پرونده‌های مالیاتی خود را به صورت الکترونیکی تکمیل کرده‌اند.^۲

اخیراً نیز فناوری جدیدی معرفی شده است، که شکارچیان به کمک آن می‌توانند از منزل خود و تنها با برقرار کردن ارتباط با تارنمای شرکتی که این امکان را فراهم ساخته است، با یک اسلحه واقعی در ایالت تگزاس - از مناطق معروف آمریکا در زمینه شکار حیوانات - صید مورد نظر را نشانه بروند، و به آن شلیک کنند.^۳

به طور کلی، حضور در رسانه‌های اجتماعی هزینه زیادی را بر کاربر تحمیل نمی‌کند؛ هم‌چنین به تخصص و سواد بالایی نیاز ندارد؛ چرا که اغلب رسانه‌های اجتماعی از زبان‌های گوناگون پشتیبانی می‌کنند؛ و نیز به دلیل شباهت قالب و نحوه فعالیت در هر یک از انواع رسانه‌های اجتماعی و البته ساده بودن کلمات و اصطلاحات، کاربر به راحتی می‌تواند در رسانه‌های مختلف - ولو به زبان دیگری باشند - فعالیت کند؛ نتیجه آن‌که روز به روز بر تعداد کاربران و استفاده‌کنندگان از رسانه‌های اجتماعی افزوده خواهد شد.

۱. The New York Times

۲- بیدی، ۱۳۹۶.

۳- بولن و هاره، ۱۳۸۴.

البته در کنار سهولت در استفاده، امکان شخصی‌سازی و آزادی بیانی که در رسانه‌های اجتماعی وجود دارد، تمایل افراد برای نگارش و ارسال مطالب دلخواه را افزایش می‌دهد؛ چرا که در رسانه‌های اجتماعی مرز میان مخاطب و رسانه کمرنگ است، و مدیران این رسانه‌ها- به ندرت- مانع ارسال پست‌های کاربران می‌شوند؛ چه این‌که رسانه‌های اجتماعی از قواعد جوامع آزاد تبعیت می‌کنند؛ هم‌چنین امکان عضویت در انجمن‌های گوناگون و تعامل با افرادی که حول موضوع و یا موضوعاتی مشخص دور هم جمع شده‌اند نیز از جمله عواملی است که افراد را به سمت رسانه‌های اجتماعی می‌کشاند.

از طرف دیگر رسانه‌های اجتماعی دامنه فعالیت خود را به سمت ارتباط با تارنماها و منابع گسترش می‌دهند، که این نیز می‌تواند رغبت کاربران را به عضویت افزایش دهد.^۱

مفهوم‌شناسی کارکردی سبک زندگی

رویکرد مقام معظم رهبری به مقوله سبک زندگی با تعابیر زیر بیان شده است:

اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، این تمدن دارای دو بخش ابزاری و نیز حقیقی و اساسی خواهد بود، که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد؛ بخش ابزاری یا سخت‌افزاری این تمدن نیز موضوعاتی است که در فضای امروز به عنوان نمودهای پیشرفت مطرح می‌شود؛ از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن.

در معارف اسلامی اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است، و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در زمینه سبک زندگی وجود دارد.^۲

۱- فاضلی، ۱۳۸۲.

۲- مقام معظم رهبری، در جمع مردم خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱.

ورود مفهوم و واژه نوظهور سبک زندگی در ادبیات و فضای گفتمانی کشور و تأکید ویژه مقام معظم رهبری بر آن، جامعه نخبگانی کشور را بر آن داشته است ضرورت بیشتری برای مطرح کردن مفهوم صحیحی از سبک زندگی اسلامی - ایرانی احساس کنند.

از طرف دیگر، سبک زندگی که رهبری بر آن تأکید کردند، و آن را منجر به تمدن اسلامی دانستند، نمی‌تواند الگوپذیری از سکولاریسم^۱ یا مدرنیسم^۲ غربی باشد؛ اما شبکه‌های مجازی که عمدتاً سبک زندگی و عقاید را هدف گرفته‌اند، با سبک زندگی مورد نظر رهبری منافات دارد.

به نظر می‌رسد افراد با ورود به دنیای مجازی^۳ و چت‌روم‌ها^۴ از دنیای واقعی فاصله گرفته، و فضای مجازی به افراد این امکان را می‌دهد که با گذاشتن ماسک‌هایی بر هویت واقعی و اجتماعی خود، بتوانند با هویت‌های کاذب وارد این دنیای بی‌انتها شوند.

بر این اساس، کاربران می‌توانند ماهیت وجودی خود را به گونه‌ای دیگر نشان دهند، و همین امر باعث شده بسیاری از صاحب‌نظران با دیده شک و تردید به شبکه‌های اجتماعی مجازی نگاه کنند.^۵

۱. Secularism

۲. Modernism

۳. Virtual World

۴. Chat Rooms

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی / ۱۹

در دنیای کنونی ارتباطات و فناوری اطلاعات، سرعت توسعه صنعتی و علمی آنچنان از فراهم آمدن زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی پیشی گرفته است، که خیلی وقت‌ها به نظر می‌رسد اخلاق و ارزش‌ها در جاده توسعه زیر گرفته می‌شوند. بر این اساس، فروپاشی نظام‌های اخلاقی در جامعه به معنای در دست داشتن ابزار علم بی‌تعهد است؛ لذا ورود اینترنت و گسترش لحظه‌ای کاربران اینترنتی بدون فراهم آمدن زیرساخت‌های فرهنگی لازم، به مثابه شمارش معکوس بمبی در میان ارزش‌ها، باورها و هنجارهای ملی مذهبی و در یک کلمه سبک زندگی است؛ هر چند فناوری خدمات بسیاری فراهم می‌آورد، و بسیاری از امور را تسهیل می‌کند، و باید اذعان داشت در دنیای امروزی نمی‌توان از این فناوری چشم‌پوشی کرد.^۲

بسیاری از صاحب‌نظران ظهور و فراگیر شدن فضای مجازی را مهم‌ترین تغییر دهه‌های اخیر در زندگی بشر دانسته‌اند؛ تغییری که بر سبک زندگی افراد تأثیرات مهم و گسترده‌ای داشته است؛ اما مسئله سبک زندگی کاربران در فضای مجازی مسئله مهم دیگری است، که باید مورد توجه قرار بگیرد.^۳

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش تحلیلی- توصیفی انجام شده است، و تلاش نموده به بررسی تأثیرات فضای مجازی بر سبک زندگی بپردازد؛ در انتهای پژوهش نیز به استناد تطبیق انجام شده و تجربه‌های پژوهشگران، جمع‌بندی کاربردی ارائه می‌شود.

۱. Communication and Information Technology

۲- بشیر و افراسیابی، ۱۳۸۸.

۳- صالحی و حمله‌داری، ۱۳۹۳.

نتایج پژوهش

سبک زندگی بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد؛^۱ در عصر انقلاب اطلاعات و ارتباطات^۲ که در آن وسایل ارتباط جمعی به پیچیده‌ترین ابزار القای اندیشه‌ها و کارآمدترین سلاح‌ها برای تسخیر آرام جوامع تبدیل شده است، و هر روز بر پیچیدگی و کارآمدی این ابزار و وسایل مرتبط با آن در جهان افزوده می‌شود، وجود رسانه‌های جمعی و استفاده از این فضا در صحنه مناسبات اجتماعی به امری اجتناب‌ناپذیر بدل شده است.

در این میان و در جامعه علمی ایران با توجه به جدید بودن مبحث شبکه‌های اجتماعی مجازی- در چند سال اخیر- پژوهش‌های معدودی در خصوص این شبکه‌های اینترنتی و سبک زندگی صورت گرفته است.^۳ به طور کلی- در فضای مجازی- فضایی نو و جدیدی برای شکل‌دهی به یک نوع زندگی که زندگی دوم^۴ نامیده می‌شود، در اختیار بشر قرار گرفته است، که یک فرد می‌تواند با چهره مطلوب و یا دلخواه خود حضور پیدا کرده، و با دیگران به تعامل بپردازد، و مبتنی بر رؤیاهای خویش و یا آنچه که در درون خود دارد، زندگی کند؛ اما هیچ‌یک از مؤلفه‌های این زندگی واقعیت ندارند؛ ولی در زندگی افراد اثرگذارند؛ لذا مخاطراتی که در این نوع سبک زندگی مطرح است، برای همین منظور طرح می‌شود.

۱- رضوی‌زاده، ۱۳۸۴.

۲. The Era of Information and Communication Revolution

۳- عدلی‌پور و میرمحمدتبار دیوکلایی، ۱۳۹۳.

4. Second Life

در فضای زندگی مجازی^۱، سبک زندگی خاصی که هیچ‌گاه رنگ و بوی واقعیت و تجسم مادی را به خود نخواهد گرفت، روی می‌دهد که بسته به نوع فرهنگی که در یک جامعه وجود دارد، رؤیاهای فرد تحقق می‌یابد؛ در این فضا که مرز هم نمی‌شناسد، همه به نوعی یک متعامل^۲ به حساب می‌آیند، و هیچ‌کس به خاطر آن‌که از کشوری خاص است، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد؛ بلکه بیشتر به خاطر آن‌چه که هست، مورد ارتباط قرار می‌گیرد؛ اهمیت این نوع زندگی، به خاطر تجارب با واسطه‌ای است که روی می‌دهد، و دوسویه و فراگیر است.

در سبک زندگی مجازی شده، یک نوع «ازجاکنندگی» دیده می‌شود، که افراد با این‌که در محلی خاص زندگی می‌کنند- اما بدون مرز- در فضا و زمانی دیگر در حال سیر هستند، که شرط وقوع از جاکنندگی است.^۳

در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان ایرانی» نشان داده شده، سبک زندگی افرادی که عضو فیس‌بوک^۴ هستند و کسانی که عضو نیستند، متفاوت است؛ تا جایی که الگوی خرید و مصرف فرهنگی افراد بر حسب عضویت یا عدم عضویت آن‌ها در فیس‌بوک متفاوت است؛ هم‌چنین میزان استفاده از فیس‌بوک بیشترین اثر را بر الگوی خرید و مصرف فرهنگی دارد، و مدت زمان عضویت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک، تأثیر زیادی بر الگوی تغذیه داشته است.^۵

1. Virtual Life

2. Interactor

۳- صالحی و حمله‌داری، ۱۳۹۳.

4. Facebook

۵- عدلی‌پور و میرمحمدتبار دیوکلائی، ۱۳۹۳.

نوع دیگری از سبک زندگی، وابسته به انتخاب است، که انتخاب نیز وابسته به اطلاعات و اطلاعات محصول فرایند ارتباطات است؛ ارتباطات نیز می‌تواند میان فردی یا رسانه‌ای باشد؛ در این میان، رسانه‌ها در زمینه این‌که فرد در حوزه‌های متفاوت چه گزینه‌هایی دارد، و چه انتخاب‌هایی می‌تواند داشته باشد، اطلاعات می‌دهند؛ لذا رابطه رسانه‌ها و سبک زندگی یک چرخه بسته است.

بر این اساس، استفاده از رسانه‌ها- به عنوان سبک مصرف رسانه‌ای- بخشی از یک مجموعه کلان است، که به عنوان سبک زندگی شناخته می‌شود؛ رسانه‌ها با اطلاعات خود در ارزش‌ها، نگرش‌ها، آرزوها، انتخاب‌ها و رفتارهای انسان در سبک زندگی، نقش والایی ایفا می‌کنند.

به ابتدای نتایج پژوهشی که درباره شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان انجام شده است، ۳۰/۶ درصد مردان و ۴۱/۳ درصد زنان معتقدند شبکه‌های اجتماعی اینترنت، فناوری و فضاهای مجازی توانسته است به میزان بالایی در نوع ادبیات افراد جامعه مؤثر باشد؛ این مسئله بیان‌گر آن است که بیشتر اعضای شبکه‌های اجتماعی معتقدند میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی اعضای شبکه‌های مجازی رابطه چشمگیری وجود دارد. هم‌چنین ۴۹/۵ درصد زنان و ۴۱/۴ درصد مردان بر این باور هستند، که عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در مقادیر متوسط به بالا توانسته است بر سبک پوشش آن‌ها در جامعه مؤثر باشد.

در بخش‌های دیگری از این پژوهش، تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر ادبیات هویتی افراد در ارتباط با جنس مخالف و تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر سبک زندگی مجازی افراد نیز بررسی شده است.^۱

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی / ۲۳

در پژوهشی دیگر، که با عنوان «رسانه‌های نوین و بحران هویت» انجام شده است، این نتیجه حاصل شد که استفاده از اینترنت و مواجهه با فضای مجازی در میان جوانان ایرانی روز به روز در حال افزایش است.

این پژوهش تنها بر جنبه‌های بحران‌زای این فرایند تأکید کرده، و یکی از آثار فضای مجازی را در جوامع - به خصوص جوامع در حال گذر - ایجاد بحران هویت فردی، گروهی، قومی و دینی می‌داند.

هم‌چنین تغییرات هویتی در سطوح مختلف و بحران ناشی از آن را در مواجهه با رسانه‌های نوین - به خصوص فضای مجازی - نیز در این پژوهش بررسی شده است.

به طور کلی، بررسی‌ها نشان می‌دهد بر اساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده، و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت بوده است؛ هم‌چنین درمی‌یابیم که رسانه‌های نو عامل تغییرات در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند، و فضای مجازی عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده است.^۱

یافته‌های پژوهشی دیگر با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان شهرستان شهرکرد» نشان می‌دهد میان نوع شبکه، محل سکونت، انسجام ارزشی و سبک زندگی رابطه‌ای وجود ندارد؛ ولی میان متغیرهای جنسیت، میزان تحصیلات، انسجام رابطه‌ای، تجمع اجتماعی و سبک زندگی رابطه معناداری وجود دارد.^۲

۱- رضوی، ۱۳۹۳.

۲- عدلی‌پور و میرمحمدتبار دیوکلایی، ۱۳۹۳.

پژوهشی دیگر نیز با عنوان «مصرف اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان تهرانی» به تعامل میان تجربه‌های آنلاین و غیر آنلاین فراغتی در سبک‌های مختلف فراغتی جوانان پرداخته، و این‌که چه عواملی در شکل‌گیری این تعاملات دخیل می‌باشند.

داده‌های لازم برای بررسی موضوع مطالعه از طریق مصاحبه عمیق با ۳۲ کاربر ۱۸ تا ۲۸ ساله تهرانی گردآوری شده بود، که نتایج نشان می‌دهد فراغت آنلاین در همه سبک‌های فراغتی، تداوم تجربه‌های فراغت غیر آنلاین است؛ چه این‌که در سبک فراغتی‌گذار، کاربرد اینترنت از طریق ایجاد رفتارهای فراغتی جدید مانند چت کردن موجب افزایش زمان فراغت و ارتقای کیفی تجربه‌های فراغتی شده است؛ اما در سبک فراغتی دانش‌محور، کاربرد فراغتی اینترنت بدون تأثیر بر زمان فراغت، جایگزین رفتارهای فراغتی فرهنگی شده است، و نیز در سبک فراغتی طبقه‌محور، کاربرد فراغتی اینترنت فاقد هر گونه تأثیری بر زمان و تجربه‌های فراغتی است.^۱

ماری المجلد از طریق تحلیل محتوای یک گروه ساخته شده در شبکه اجتماعی مای اسپیس^۲ - توسط دانش‌آموزان دختر دبیرستان منطقه میدوسترن - نشان داد، که عضویت و حضور در مای اسپیس چگونه سبب تغییر سبک زندگی اعضای شبکه‌های اجتماعی اینترنتی می‌شود؛ هم‌چنین نتیجه گرفت، که میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با نوع پیام‌ها و عکس‌هایی که توسط اعضا منتشر می‌شود، ارتباط وجود دارد.

۱- رضوی، ۱۳۹۳.

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی / ۲۵

از طرف دیگر، یافته‌های پژوهش گراسموک^۱ حاکی از آن است، که استفاده افراطی کاربران از فیس‌بوک، زندگی روزمره‌شان را در زمینه‌های مختلفی - هم‌چون فعالیت‌های زندگی، خواب و تغذیه - دچار اختلال می‌کند؛ تا جایی که این افراد نمی‌توانند مثل گذشته به اداره امور زندگی و فعالیت‌های خود بپردازند.

در همین زمینه جسیکا هیلبرمن^۲ - پژوهشگر آمریکایی - معتقد است امروزه بسیاری از جوانان به فعالیت‌های اجتماعی شبکه‌ای اشتغال دارند، و برای ساختن زندگی خود از روابط و مناسبات اینترنتی استفاده می‌کنند؛ لذا فعالیت در شبکه‌های اجتماعی دربرگیرنده همه ابعاد زندگی است.^۳

علاوه بر این، رسانه‌ها نقش میانجی میان واقعیت اجتماعی و تجربه فردی ایفا می‌کنند؛ اعم از میانجی مخاطب با دیگران و تجربه‌ای خارج از ادراک یا تماس مستقیم او، میانجی مخاطب و نهادهای قانونی، صنعتی، دولتی و ادراک مخاطب از سایر گروه‌ها؛ از این رو استعاره‌هایی مانند پنجره‌ای رو به جهان خارج، مفسر حوادث پیچیده، تریبون انتقال اطلاعات و عقاید، آئینه بازتابنده جامعه یا پرده و حجابی بر حقیقت و خدمت به مقاصد تبلیغاتی ناظر بر میانجی بودن رسانه‌های جمعی در روابط اجتماعی است.^۴

در این میان، طیف سبک‌های زندگی با گونه‌های آرمانی که در رسانه‌ها طرح می‌شوند، شاید محدود باشند؛ اما گسترده‌تر از سبک‌های زندگی‌ای هستند که افراد در زندگی روزمره خود در قالب آن‌ها جای می‌گیرند؛ لذا تصور وجود سبک‌های زندگی بدون رسانه‌های جمعی غیر ممکن است.

1. Grasmuck

2. Jessica Hilberman

۳- عدلی پور و میرمحمدتبار دیوکلاپی، ۱۳۹۳.

۴- مک‌کوایل، ۱۳۸۵.

هم‌چنین از نظر آنتونی گیدنز^۱ - جامعه‌شناس انگلیسی - رسانه‌ها نقش مهمی در تبلیغ سبک‌های زندگی مختلف دارند؛ البته به اعتقاد او رسانه‌ها در جهان جدید در عین این‌که امکان‌ها و گونه‌ها را به دست می‌دهند، تفسیرهای باریک‌اندیشانه‌ای از نقش‌ها یا سبک‌های زندگی خاص نیز ارائه می‌کنند. در مجموع، سبک‌های زندگی با توجه به محبوبیت و قدرت اجتماعی خویش از رسانه‌های گوناگون برای اشاعه خود استفاده می‌کنند، و شکل‌دهنده محتوا و فرم برنامه‌ها هستند.

از نقطه نظر دیگر، سبک زندگی می‌تواند به مثابه فرهنگ یا ارزش‌های ارتباط‌گران رسانه‌های جمعی نمود پیدا کند.

به عنوان مثال؛ نویسندگان، کارگردانان و سایر عوامل تولید در سریال‌های تلویزیونی بازتاب‌دهنده سبک زندگی خود - سبک زندگی طبقه متوسط - هستند؛ لذا پوشش خبری رسانه‌ها می‌تواند ترویج‌دهنده مبانی سبک‌های زندگی باشد.

در مورد اخبار، بررسی این تأثیرات، پیچیده‌تر بوده و نیازمند این است که سیاست خبری، ایدئولوژی^۲ یا ارزش‌های اجتماعی مؤثر بر آن بررسی شود.^۳ در اینترنت نیز علاوه بر تارنماهای معروف و تخصصی سبک زندگی،^۴ تارنماهای خبری معروف نیز بخشی را به سبک زندگی اختصاص داده‌اند تا به نیازهای خبری مخاطبان خود در این حوزه پاسخ دهند.

1. Anthony Giddens (1938)

2. Ideology

۳- زارعیان و دیگران، ۱۳۸۶.

۴- مانند "The Beauty Bean" (برای طراحی داخلی)، "Smitten Kitchen" (برای آشپزی و مواد خوراکی)، "Jezebel" (زندگی چهره‌های مشهور).

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی / ۲۷

از دیگر اشکال برنامه‌های سبک زندگی، برنامه‌های مربوط به پوشش است که در آن کارشناسان طراحی لباس و مد، برای مخاطبانی که با آن‌ها مکاتبه کرده‌اند، مدل مو و پوشش و سایر خصوصیات ظاهری را طراحی می‌کنند؛ این نوع برنامه‌ها در مورد طراحی داخلی خانه‌های مخاطبان نیز تهیه می‌شود.^۱ بنابراین، فضای مجازی عرصه حضور قدرت‌های اطلاعاتی و محتوایی است؛ لذا جوامعی که قدرت بیشتری در این عرصه دارند، حضور قوی‌تری در این فضا خواهند داشت، و این بدین معناست که فرصت بیشتری برای تأثیرگذاری بر روی دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دارند؛ همین موضوع به فرهنگ‌های ارزشی، غنی و ریشه‌داری که به دلایل متعدد، از حضور مؤثر در فضای مجازی محروم یا ناتوان‌اند، آسیب جدی وارد می‌کند، و به نوعی آن‌ها را در معرض استحاله و اثرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه مسلط بر فضای مجازی قرار می‌دهد.

به بیان دیگر، دهکده جهانی^۲ گاهی شبیه جنگلی می‌شود که در آن، قوی‌ترها می‌مانند و ضعیف‌ترها یا می‌روند یا زیر سلطه آنان زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که فضای مجازی و فناوری‌های مرتبط با این دنیا- اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری- دانشی است که در غرب تولید شده، و هنوز امتیاز این علم در دست آنان است.^۳ نکته دیگر این‌که با افزایش فراگیری اینترنت و کاربران فضای مجازی، اعتیاد تازه‌ای شکل گرفته است.

۱- رضوی، ۱۳۹۳.

2. Global Village

۳- حقیقی و احتشامی اکبری، ۱۳۸۵.

اعتیاد به اینترنت یک واژه نیست؛ بلکه حقیقتی است که سبب دور شدن اعضای خانواده از یکدیگر می‌شود.

از سوی دیگر، بسیاری از کاربران فضای مجازی جوانان متأهلی هستند، که در اتاق‌های گفتگو و شبکه‌های اجتماعی عضو می‌شوند، و برخی از تصاویر بدحجاب به نمایش درآمده در آلبوم‌ها یا نمایه‌های فیس‌بوک، زنان شوهردار هستند، و این به معنای آن است که فضای مجازی، نظام ارزشی موجود در جامعه را از طریق تغییر در سبک زندگی، دچار دگرگونی نموده است؛ همین تصاویر و پوشش‌های نامتعارف، خط قرمزهای ارتباط با نامحرم را می‌شکند، و در نهایت موجب فراهم آمدن زمینه‌های خیانت در زندگی و ارتباطات نامشروع می‌شود.^۱

با توجه به مطالبی که مطرح شد، چند پیشنهاد با نگرشی عملیاتی به موضوع مورد بحث- در پژوهش‌های آتی- ارائه می‌گردد:

- ۱- شناخت روان‌شناسی فضای مجازی؛
- ۲- توجه بیشتر و عمیق‌تر به آموزه‌های دینی در همه جنبه‌های زندگی فضای مجازی و فهم واقعی آن‌ها؛
- ۳- ارتباط مستمر علما و نظریه‌پردازان دلسوز، و همکاری نهادهای دینی با مدیران و سیاست‌گذاران فعالیت‌های سایبری؛
- ۴- ترجیح دادن و تشریح منافع سبک زندگی اسلامی- ایرانی در فضای مجازی؛
- ۵- آگاهی‌دهی بیشتر به تمامی اقشار- به خصوص نسل جوان- و دامن زدن به توسعه و ترویج سبک زندگی غربی در فضای مجازی؛

- ۶- لزوم شناخت‌شناسی^۱ بنیادهای فکری غرب در فضای سایبری؛
 - ۷- راهکارهایی جهت اصلاح سبک زندگی در فضای مجازی؛
 - ۸- آسیب‌شناسی موضوع سبک زندگی در فضای مجازی؛
 - ۹- شناساندن و بیان آسیب‌های رهایی کاربران در فضای مجازی.
- البته در این میان، دو مانع بزرگ برای تحقق یافتن این مطلب- به جریان افتادن بعد معنویت و اعتقاد در فضای سایبری- وجود دارد، که مسئولین امر را به تفکر جدی وادار نموده است؛ این دو مانع عبارتند از:
- ۱- عدم نیازسنجی، شفاف‌سازی و لزوم تدوین محتوای مناسب و اسلامی برای کاربران اینترنتی مبتنی بر دین و معنویت؛
 - ۲- نگرش ابهام‌آمیز پیرامون کاربرد نقش دین و معنویت در فضای مجازی.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری، <http://farsi.khamenei.ir>
- ۳- آتش‌پور، سید حمید، جنتیان، سمیرامیس، (۱۳۸۲)، روان‌شناسی رفتار مصرف‌کننده، تهران: نشر روزآمد.
- ۴- بیدی، فاطمه، (۱۳۹۶)، **اعتیاد به اینترنت**، چاپ چهارم، ویراست اول، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۵- بولن، پت، هاره، نیکی، شکار حیوانات از فاصله هزار کیلومتری، ترجمه شهرام تقوی‌الحسینی، **روزنامه جام‌جم**، ویژه‌نامه کلیک: ۲۱ فروردین ۱۳۸۴.

- ۶- بشیر، حسن، افراسیابی، محمد حسن، (۱۳۸۸)، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان (مطالعه موردی بزرگترین جامعه مجازی ایرانیان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- ۷- حقیقی، محمد، احتشامی اکبری، کاملیا، تحلیل رفتار مصرف کننده در اینترنت، *دانش مدیریت*، دوره نوزدهم، ۲۰۷۵ (۱۳۸۵): ۲۳-۴۲.
- ۸- رضوی، سیده غفت، (۱۳۹۳)، *بررسی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی و سبک زندگی ایرانی اسلامی (مطالعه موردی دانشجویان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور اردبیل.
- ۹- رضوی‌زاده، سید نورالدین، بررسی تأثیر ارتباطات بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی، *علوم اجتماعی*، دوره دوازدهم، ۳۱ (۱۳۸۴): ۱۱۱-۱۴۴.
- ۱۰- رسولی، محمد رضا، بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، *علوم اجتماعی*، ۲۳ (۱۳۸۲): ۹۴-۴۳.
- ۱۱- سلیمانی، حمید، تفاوت سبک زندگی غربی با سبک زندگی اسلامی، *نام‌نویز*، (۱۳۹۱/۰۸/۲۸).
- ۱۲- زارعیان جهرمی، آرمین، غفرانی‌پور، فضل الله، احمدی، فضل الله، کاظم‌نژاد، انوشیروان، اختردانش، نوری، محمدی، عیسی، تبیین مفهوم سبک زندگی در نوجوانان پسر: یک تحقیق کیفی، *پژوهش پرستاری ایران*، دوره دوم، ۶-۷ (۱۳۸۶): ۸۴-۷۳.
- ۱۳- صالحی، زهرا، حمله‌داری، شهپر، (۱۳۹۳)، *بررسی اثرات و پیامدهای تربیتی فناوری‌های نو و فضای مجازی، تبیین اثرات و پیامدهای فضای مجازی بر سبک زندگی*، هشتمین همایش ملی تربیت اسلامی و فضای مجازی.
- ۱۴- عدلی‌پور، صمد، میرمحمدتبار دیوکالایی، سید احمد، (۱۳۹۳)، *تحلیل پدیدارشناختی سبک زندگی جوانان قمی کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک*، هشتمین همایش ملی تربیت اسلامی و فضای مجازی.

تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی / ۳۱

- ۱۵- عیوضی، غلامحسین، سبک زندگی تلویزیونی و مصرف، فصلنامه فرهنگی- دفاعی زنان و خانواده، سال پنجم، ۱۶ (۱۳۸۸): ۱۶۷-۱۴۳.
- ۱۶- فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران: انتشارات فرهنگ و ارتباطات.
- ۱۷- مهدوی کنی، محمد سعید، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، تحقیقات فرهنگی، دوره اول، ۱ (۱۳۸۶): ۲۳۰-۱۹۹.
- ۱۸- مک کوایل، دنیس، (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجاللی، تهران: دفتر مطالعه و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۹- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

20. **Cambridge dic**, Online, (2004).

21. **Msn Encarta dic**, (2004).

22. **The Concise Oxford dic**, (2004).

23. **The Random House dic**, Of the English language, (1987).

24. **Webster dic**, Online, (2004).

25. Young, K. S., (1998), **Caught in the Net: How to Recognize the Signs of Internet Addiction and a Winning Strategy for Recovery**, New York: John Wiley.

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی (با تأکید بر آموزش)

نویسندگان: محمد نظیر عرفانی (پاکستان)^۱، دکتر سید محمدعلی عون نقوی (هندوستان)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵

چکیده

فضای مجازی از پدیده‌های نوظهور عصر حاضر است، که با توجه به ویژگی‌هایی هم‌چون جذابیت و تنوع گسترده علاوه بر نفوذ در میان اقشار مختلف جامعه، به منبع هویت‌ساز جدیدی مبدل شده که موجب تعارض ارزشی و بروز آسیب‌ها و چالش‌های جدیدی در هویت دینی جوامع گردیده است؛ مقوله‌ای که می‌تواند به تضعیف گرایش‌های دینی منجر گردد. در این میان، نهادهای دینی به عنوان یکی از ارکان اساسی جوامع در مواجهه با حرکت شتابنده فضای مجازی با فرصت‌ها و چالش‌های سهمگینی روبرو هستند؛ از سویی باید از هنجارهای دینی و ملی خود محافظت نمایند؛ و از سوی دیگر در تعامل با فضای مجازی، از آن برای پیشبرد اهداف دینی و مقابله با ناهنجاری‌های ضد دینی کمک بگیرند. این در حالی است، که فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی به طور کامل و دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزش پرداخته شده است. برخی چالش‌هایی که در اثر کم‌توجهی و ضعف نهادهای دینی در فضای مجازی به وجود آمده است، عبارتند از: مقابله با احکام دینی، از بین رفتن قبح هنجارهای دینی، تأثیر از فرهنگ غرب و

۱- دانشجوی دکتری گروه قرآن و علم، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية، قم، ایران، mna8181@yahoo.com

۲- استادیار گروه قرآن و حدیث، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية، قم، ایران، aonmaqvi@gmail.com

بیگانگی فرهنگی، انحرافات جنسی، سست شدن بنیان خانواده، عدم آشنایی مبلغان دینی با فضای مجازی، تسخیر فضای مجازی توسط دین‌گريزان و شبهات گسترده علیه بنیان‌های دینی. از جمله فرصت‌های نهادهای دینی نیز در فضای مجازی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تولید محتوای دینی، تبلیغ و اطلاع‌رسانی مباحث دینی، مقابله با شبهات و تهدیدات ضد دینی، ایجاد مراکز آموزش مجازی، آموزش متخصصان دینی در حوزه فضای مجازی، کاهش هزینه، سرعت و یکسان‌سازی اطلاعات.

واژگان کلیدی: نهادهای دینی، آموزش، فضای مجازی، فرصت‌ها و چالش‌ها

مقدمه

موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف علوم، و بهبود شرایط زندگی مرهون نقش فضای مجازی^۱ در عصر حاضر است.

بر این اساس، برای ارتقای علمی و افزایش آگاهی‌ها در حوزه‌های مختلف باید از فرصت‌های فضای مجازی بهره برد؛ به ویژه در عرصه دین و تبلیغ معارف و حیانی، نهادهای دینی و مبلغان دین‌پژوه می‌توانند با حضور گسترده در کرانه‌های مختلف فضای مجازی- از قبیل شبکه‌های اجتماعی- ارزش‌ها و مبانی دینی را ترویج نموده، و با شبهات ضد دینی مقابله نمایند. از سوی دیگر، فضای مجازی دارای چالش‌ها و فرصت‌های مختلفی برای نهادهای دینی است، که استفاده صحیح و کاربردی از آن- در عصر کنونی-

۱. Cyberspace

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی / ۳۵

امر لازمی است؛ به همین جهت در این پژوهش به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های نهادهای دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزش می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی فضای مجازی

برخی در تعریف فضای مجازی بیان کرده‌اند:

یک اصطلاح ایجاد شده توسط نویسنده داستان‌های علمی تخیلی ویلیام گیسون^۱ برای توصیف طیف وسیعی از منابع اطلاعاتی از طریق شبکه‌های کامپیوتری است، که توسط داده‌های دیجیتال رد و بدل می‌شود. اینترنت در حال حاضر بزرگ‌ترین شبکه برای ایجاد ارتباط است؛ هر چند فضای مجازی مفهومی مستقل از اینترنت است، و ارتباطات فضای مجاز قبل از اینترنت و شبکه‌های جهانی آغاز شد.^۲

بر این اساس، این فضا، فضایی است که به واسطه عدم حضور نشانه‌های فیزیکی، همه در آن بی‌جسم، بی‌مکان و متعاقباً گمنام و به طرز محسوسی کنترل‌ناپذیرند، و در عین حال به واسطه خصوصیات و چارچوب‌های مستحکم تکنولوژی آن، به شدت تحت کنترل ساختارهای بی‌شمار مرئی و نامرئی موجود در این فضا هستند.^۳

در تعریفی دیگر، کاتلر^۴ معتقد است تعامل، خصیصه اصلی رسانه در فضای مجازی است، که سطحی از تعامل محاوره‌ای را فراهم می‌آورد؛ تعاملی که در دیگر رسانه‌ها از جمله وسایل ارتباط جمعی - روزنامه و تلویزیون - در دسترس نیست.^۵

۱. William Gibson (1948)

2. Abelson and Lessig, 1998, p. 67.

۳- ذکایی و خطیبی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۳.

۴. Kutler

5. Cutler, 1996, pp. 317-337.

چنین فضایی به دلیل ظهور و گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی^۱ در عصری که آن را عصر جهانی شدن^۲ می‌نامند، به سرعت در حال گسترش است؛ لذا در دنیای مجازی هیچ‌گونه ساختار اجتماعی مشترکی وجود ندارد، و دنیایی مبهم و ناشناخته است.

چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی

۱- مقابله با شعائر دینی

مقدسات و شعائر دین، نمادهای دینی هستند که دارای حرمت و قداست بوده، و دین اسلام، مسلمانان را موظف به رعایت و حفاظت از آن‌ها کرده است؛ لذا دشمنان دین مبین نیز برای ضربه زدن به اسلام همین شعائر دینی را هدف آماج تهمت‌ها و شبهات خود قرار می‌دهند.

این مسئله تنها به عصر جاهلیت منتهی نمی‌شود؛ بلکه در دوره کنونی نیز به هر شیوه‌ای در صدد مقابله با شعائر دینی هستند، که در این میان، فضای مجازی فرصتی را برای آن‌ها فراهم آورده تا بتوانند در حجم گسترده‌ای به شبهه‌افکنی بپردازند؛ هم‌چون آتش زدن قرآن کریم، طراحی کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اسلام ﷺ و ساخت فیلم «برائت از مسلمین»؛ هم‌چنین عوامل این‌گونه اقدامات ضد دینی، دیگر کاربران را نیز با برگزاری مسابقه و در نظر گرفتن هدایایی تشویق به مقابله با شعائر دینی می‌کنند.

۱. Communication and Information Technology (CIT)

۲. Globalization

۲- کمرنگ شدن هنجارهای دینی

هر جامعه‌ای صاحب هنجارهایی است که از فرهنگ آن ناشی می‌شود؛ در عصر کنونی با رشد و توسعه فضای مجازی برخی از هنجارهای دینی به موجب تأثیر از فضای مجازی که در سیطره فرهنگ اباحه‌گری غرب است، در حال کمرنگ شدن هستند؛ هنجارها و ارزش‌هایی هم‌چون حیا و عفت زن، اهمیت داشتن شخصیت انسان- نه جنسیتش- و قبح عریان‌نمایی بدن. دین چابنر در پژوهشی، چنین پیامدهایی را ناشی از رواج اباحه‌گری جنسی و هرزه‌نگاری دانسته، و می‌گوید مطالعات دقیق و گسترده‌ای در طول این سال‌ها در این باره صورت نگرفته است؛ ولی روان‌شناسان شبکه ای.بی.سی.نیوز^۱ بر اساس تجربه‌های خود در مواردی که با کودکان سر و کار داشته‌اند، بر این باورند پسرانی که با تصاویر خشونت‌آمیز و مستهجن روبه‌رو بوده‌اند، انگیزه‌های بوالهوسانه‌ای در برابر دختران دارند؛ با این حال، دختران نیز به این‌گونه خواسته‌های پسران پاسخ مثبتی نشان می‌دهند. در نتیجه رواج بوالهوسی است که فرستادن تصاویر مستهجن در میان جوامع اسلامی رشد می‌یابد، روابط آزاد دختر و پسر ترویج می‌شود، کم‌پوشی و عریانی در مهمانی‌ها و عروسی‌ها- به ویژه در میان جوانان- گسترش می‌یابد و در نهایت، قبح برخی کارها که سازنده ارتباطی سالم و مفید در میان افراد جامعه است، از بین می‌رود.

همین وضعیت در گذر زمان به رشد ارتکاب برخی کارهای خلاف اخلاق متعالی و ارزش‌های دینی و حتی ارتکاب برخی جرم‌ها منتهی خواهد شد.^۱

۳- طرح و ترویج شبهات ضد بنیان‌های عقیدتی دین

از جمله چالش‌های فراروی نهادهای دینی، طرح و ترویج شبهات و تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات دینی افراد است؛ در چنین فضایی، گروه‌های مغرض با اهداف از پیش تعیین شده و با شیوه‌های مخصوص، اقدام به تزلزل در باورهای کاربران سست‌عقیده و کم‌اطلاع می‌نمایند؛ هم‌چنان‌که - اینک - شبکه‌های اجتماعی^۲، یکی از ابزارهای مورد استفاده برای تبلیغ بهائیت و عرفان‌های کاذب به شمار می‌روند.

البته بهترین شیوه تنها انفعالی برخورد کردن و اکتفا نمودن به پاسخگویی به شبهات نیست؛ بلکه این حضور باید همراه با تهاجم نیز باشد؛ به این معنا که عقاید و باورهای فرهنگ مهاجم را نیز با سؤالاتی که در مورد عقاید و نگرش‌هایشان وجود دارد، مورد هدف قرار داده، و هیبت ظاهری آنان را شکست.

به بیان دیگر، فضای مجازی از جمله آوردگاه‌های جنگ نرم^۳ است، که در آن تبلیغات ضد دینی و حمله به باورهای مذهبی رواج دارد؛ تا جایی که برخی بیان کرده‌اند بیش از ۷۰۰۰ تارنما در فضای مجازی، علیه شاخص‌های سبک زندگی ایرانی - اسلامی و مبانی دینی و اعتقادی مسلمانان، سرگرم فعالیت شبانه‌روزی هستند.^۴

۱- طارمی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲.

۲. Social Network

۳. Soft Power

۴- صاحب حجتی، پایگاه خبری شبستان، کد خبر: ۳۱۹۷۰۳.

بر این اساس، شبکه‌های مجازی با جلب اعتماد کاربران خود از راه القای شبهات دینی یا منتسب نمودن عقب‌ماندگی کشورهای در مسیر توسعه به فرهنگ دینی و اتهام به خرافه‌پرستی و تحجرگرایی، می‌کوشند اعتقادات دینی افراد را سست نموده، و افکار و باورهای جوانان را هدف بگیرند، و الگویی به نام تمدن نوین غربی را معرفی و جایگزین اعتقادات دینی نمایند.

۴- استحاله فرهنگی

بیگانگی فرهنگی به معنای بیگانه ساختن ملل با ارزش‌های دینی و ملی، باورها، تعصبات مذهبی، تعبدات و تقیدات اسلامی از راه هجمه تبلیغاتی و خبری است.^۱ دشمن دریافته است، که راه اصلی برای ایجاد یک تغییر مبنایی و بنیانی در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، از بین بردن ویژگی‌های انقلابی است که با این حرکت، عقاید انقلاب از درون تهی می‌شود؛ لذا هنگامی که استحاله فرهنگی، دین را از صحنه اجتماع حذف کرد، ضد ارزش‌ها در جامعه، فراگیر شده،^۲ و جایگزین ارزش‌های مقدس می‌شود؛ در این صورت، فضای جامعه زمینه پذیرش الگوی تکثرگرایی فرهنگی را فراهم می‌آورد که در آن، نسبی‌گرایی و ضعف انسجام اجتماعی حاکم است.^۳ چنین امری موجب تحقیر فرهنگی و ضعف خودباوری در کشورها می‌شود، و به تدریج جامعه را با نبود الگوهای برآمده از فرهنگ بومی خود رو به‌رو می‌سازد؛

۱- حسینی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص. ۵۷.

۲- نگارش، ۱۳۸۰، صص. ۱۸۷-۱۸۶.

۳- صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۹، صص. ۹۸-۹۷.

وضعیتی که در آن، فرصت ارائه الگوهای ضد فرهنگی و ضد ارزشی در حوزه‌های گوناگونی هم‌چون رفتارهای فردی، اجتماعی، تربیتی، نگرشی و اندیشه‌ای را موجب می‌شود؛ این خطر که همواره کشورهای اسلامی را تهدید می‌کند، حوزه زندگی اجتماعی مردم را به سوی زندگی غیر ارزشی پیش می‌برد. افزون بر این، استحاله فرهنگی به اختلاف‌های قومی، تأکید بر گرایش‌های ناسیونالیستی^۱ برای مقابله با همگرایی قومیت‌ها و زنده کردن تبعیض نژادی برخلاف وحدت اسلامی و اختلاف میان احزاب و گروه‌های سیاسی و... دامن می‌زند تا امید خود را برای یافتن جایگاهی برتر تقویت کنند.^۲

۵- گسترش انحرافات اخلاقی در جامعه

در فضای مجازی هر شبکه اجتماعی فرهنگ ارتباطاتی خاص خود را دارد؛ یعنی منش و گفتار مخصوص و منحصر به فردی را برای خود برگزیده است؛ به نحوی که فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی، درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطاتی می‌شود، که شامل برخورد، تکیه‌کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیتی و ظاهری و... است. به طور کلی، میزان تأثیرپذیری فرد از این محیط، صفر مطلق نخواهد بود؛ پس هر شبکه اجتماعی، هویت مطلوب خود را ترویج می‌کند.

۱. Nationalism

هم‌چنین، برخی از این شبکه‌ها از راه آسیب رساندن به هویت ملی و جایگزینی هویت جهانی به جای آن، سبب تضعیف امنیت اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده، که این سبب می‌شود هویت ملی جوانان خدشه‌دار شود. به عنوان مثال؛ در فیسبوک^۱، جوان ایرانی با جوان نروژی درباره آزادی جنسی صحبت می‌کند؛ در خلال این گفتگو، جوان ایرانی درمی‌یابد در نروژ چه آزادی‌هایی بی‌حد و حصری وجود دارد؛ لذا به مرزهای فکری و محدودیت‌های اخلاقی جامعه خودش بدبین می‌شود.

یکی از آثار مخرب فضای مجازی، به وجود آمدن اختلالات و انحرافات جنسی است؛ اینترنت به دلیل داشتن رویکرد آزاداندیشی در روابط جنسی از سوی گردانندگان اصلی آن- غرب و به‌ویژه آمریکا- و نگرش تجاری نسبت به مسائل جنسی، موجب به وجود آمدن پدیده پلید شهوانی و رواج سرسام‌آور آن گردیده است؛ این پدیده مرزهای اخلاقی را در هم می‌شکند، و برای فرهنگ‌ها به‌خصوص فرهنگ‌های دینی- هم‌چون فرهنگ اسلامی- تهدید به شمار می‌رود؛ لذا این امکان وجود دارد که جوانان به دلیل دیدن مطالب و تصاویر مستهجن، دچار پدیده‌ای به نام بلوغ زودرس شوند، و به دنبال آن رفتارهای جنسی از خود بروز دهند.^۲

از طرف دیگر، حفظ حرمت قوانین اجتماعی و رعایت آموزه‌های اخلاقی، از ریشه‌ای‌ترین اصول هر فرهنگ است؛ لذا با گسترش اباحه‌گری در فضای مجازی، این روند- سرانجام- در میزان خودداری افراد جامعه از

۱. Facebook

ارتکاب کارهای غیر اخلاقی و ناهنجار، در فضای جامعه نیز اثر خواهد گذاشت؛ بر این اساس، منشأ برخی کارهای خلاف اخلاق در سطح جامعه، مباح شدن آن در فضای مجازی است.

۶- سست شدن جایگاه نهاد خانواده در تربیت

فضای مجازی به علت برخوردار بودن از فناوری پیشرفته، نقش نهادهای سنتی و وظایف آنها در فرآیند تربیت را کمرنگ کرده است؛ هم‌چنین با ایجاد ارزش‌هایی فرهنگی که ارتباطی با نظام و ساختار اجتماعی نوجوانان و جوانان ندارد، و برخاسته از متن توسعه اجتماعی و طبیعی جوامع آنها نیست، در ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی خلل ایجاد می‌کند، و بدون مقدمه و آمادگی، آن را در معرض تحریف و نوعی نوگرایی ناصحیح قرار می‌دهد.^۱ از طرف دیگر، میان مفهوم فرایند تربیت اجتماعی که رسانه‌های معاصر - به‌ویژه فضای مجازی - دنبال می‌کنند، و مفهوم همین فرآیند در خانواده، نوعی تضاد وجود دارد؛ چه این‌که این رسانه‌ها پیام‌هایی متضاد می‌فرستند، که در تربیت و جهت‌دهی کودک، نوجوان و جوان نوعی سردرگمی و پریشانی ایجاد می‌کند. این امر موجب می‌گردد خانواده به‌جای تولید مفاهیم، موضعی دفاعی و درمانی برای تربیت خود بگیرد که بتواند پیامدهای منفی رسانه‌ها را خنثی نموده، و کجروی‌ها و مفاهیم تولیدی آنها را اصلاح کند؛ حتی گاهی در این مسیر نیاز به پشتیبانی و مشاوره تخصصی نیز دارد.^۲

۱- ر. ک: بلقزیز، ۱۹۹۸، صص. ۳۱۲-۳۰۸؛ محمد منصور حسن، ۲۰۰۲، صص. ۱۸۸-۱۸۶.

۲- خشاب، ۲۰۰۰، ص. ۳.

۷- عدم آشنایی مبلغان دینی با فضای مجازی

چالش اصلی تبلیغ دین در فضای مجازی، شناختن فضای تبلیغ است؛ لذا برای رسیدن به نتیجه مطلوب، شناخت دقیق این محیط ضروری است. فضای مجازی- و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی- وضعیت خاص خودش را دارد که با کتاب، روزنامه، نشریه، منبر و دیگر رسانه‌ها تفاوت دارد. بر این اساس، هر فردی که می‌خواهد کار تبلیغ دین را در این فضا انجام دهد، لازم است آن را به‌خوبی بشناسد، که این شناخت باعث می‌شود فرد توانایی خود را ارزیابی کند، و وارد فضایی شود که با توانایی و سلیقهش تطبیق دارد؛ وقتی فضا شناخته شود، روش‌های متناسب به کار گرفته می‌شود تا بتواند بهترین نتیجه را به دست بیاورد؛ این در حالی است که عدم آشنایی مناسب از جانب مبلغان دینی با ظرفیت‌ها و کارکردهای فضای مجازی- در فضای کنونی- موجب سلطه شبه‌افکنان بر این فضا گردیده است.

فرصت‌های نهادهای دینی در فضای مجازی

۱- سرعت و گستره تبادل اطلاعات

از مهم‌ترین فرصت‌های فضای مجازی، سرعت و گستره تبادل اطلاعات است، که یک نمونه عینی آن، شبکه‌های اجتماعی است؛ شبکه‌های که امکان تبادل آرا و به اشتراک‌گذاری رسانه‌های مختلف- اعم از فیلم، عکس، موزیک و متن- را برای تمام اعضای آن- در سراسر جهان- و در کوتاهترین زمان ممکن، فراهم می‌کند.^۱

۱- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، صص. ۲۹-۲۲.

۲- اطلاع‌رسانی

از تحولات عصر جدید، پیشرفت روزافزون وسایل ارتباطی است؛ از سویی به دلیل اتکای تبلیغ بر وسایل ارتباطی، هرچه این ابزارها کامل‌تر شده‌اند، تبلیغ نیز راهکارهای فراوانی پیش روی خود یافته است.

مهم‌ترین دستاوردهای وسایل ارتباطی - به‌ویژه فضای مجازی - برای تبلیغ، سرعت و مداومت انتشار پیام تبلیغی و فراگیر بودن آن برای مخاطبانی در جهان، و فراهم آمدن شکل‌ها و قالب‌های متنوع برای بیان و القای یک مطلب واحد است.^۱ برای وسایل ارتباط جمعی، کارکردهای گوناگونی برشمرده‌اند - مثل اطلاع‌رسانی، خبری و آموزشی، راهنمایی و رهبری، تفریحی و تبلیغی - اما در عمل، کارکرد اصلی و غالب رسانه‌ها، اقناع سیاسی مردم برای تثبیت حکومت یا همان نقش تبلیغی است؛^۲ چنان‌که تبلیغات بازرگانی - به‌صورت غیر مستقیم - هدف‌های تبلیغات سیاسی را تأمین می‌کند.^۳

با این‌که مدت زیادی از عمر وسایل ارتباط جمعی جدید - مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات و حتی سینما - نمی‌گذرد؛ اما پیشرفت‌های صنعتی موجب شده، که این وسایل در زمره وسایل ارتباطی قدیمی به‌شمار آیند؛ به‌نحوی که امروزه ابزارهای جدید ارتباطی، شامل وسایلی است که با اختراع و بکارگیری رایانه‌ها و ماهواره‌ها پدید آمده‌اند.^۴

۱- معتمدنژاد، ۱۳۷۸، صص. ۲۱۹-۱۹۸.

۲- همان، صص. ۱۸-۱۱.

۳- همان، ص. ۱۹.

۴- همان، صص. ۳۷۶-۲۲۰.

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی / ۴۵

بر این اساس، فضای مجازی فرصت مناسبی است تا جوامع بشری با هر نوع گرایش عقیدتی، تمدنی و فرهنگی بتوانند حضور پیدا کنند، و با سایر کشورهای جهان ارتباط برقرار نمایند، و نیز فرهنگ و تمدن خود را به جهانیان عرضه نمایند. بنابراین، اگر یک مبلغ دینی بتواند با کشورهای دیگر جهان ارتباط برقرار کند، باعث می‌شود این رسانه‌ها به مکانی تبدیل شوند که او بتواند فرهنگ و تمدن اسلامی خود را به دیگران معرفی نموده، و به اشتراک بگذارد. با توجه به این‌که بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی افرادی هستند که در صورت تبلیغ صحیح ارزش‌های اخلاقی و انسانی، از آن استقبال کرده و تحت تأثیر آن قرار خواهند گرفت، مبلغ دینی می‌تواند مخاطبین خود را در اقصی نقاط جهان در فضای مجازی پیدا کند، و رابطه خود را با آنان برقرار نماید.

۳- تبلیغ و ترویج مباحث دینی

برخی از مهم‌ترین کارکردهای فضای مجازی در عرصه تبلیغ و ترویج دین، عبارتند از:

۳-۱- ابلاغ پیام دین

فضای مجازی مطلوب، ابزاری برای ابلاغ پیام الهی و تبیین دین است. گزینه مطلب آن است، که با توجه به نوع دین مسلمانان، فضای مجازی نیز لازم است در قالبی اسلامی عرضه شود؛ یعنی در چهارچوب اسلام شکل بگیرد، و رشد و نمو پیدا کند.

در این میان استفاده از فضای مجازی در چارچوب اندیشه اسلامی، مهم است- و به نوعی- بهره بردن از ابزارهای تبلیغی در دوره کنونی، برای رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان، مفید است.

۳-۲- بسط و گسترش دین

فضای مجازی می‌تواند دین را در تلاش برای جلب و جذب مخاطبان جدید، تعمیق باورهای مؤمنان، بسط قلمرو و نفوذ به عرصه‌ها و ساحت‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی کمک کند؛ هم‌چنین ورود دین به عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... را آسان می‌کند.

۳-۳- بسترسازی برای اثرگذاری در مخاطبان

فضای مجازی در صورت بهره‌گیری از جاذبه‌های دینی، معنوی و عرفانی و پردازش‌های مناسب برای ایجاد تلنگرهای مثبت، قدرت زیادی دارد؛ حتی برای تحول روحی افراد و نیز اثرپذیری آنها زمینه‌سازی می‌کند. به بیان ترنز، فیلم و دیگر رسانه‌ها افراد را وارد مرحله آستانه‌ای می‌کند، که در آن از زندگی روزمره خود فاصله گرفته‌اند، و برای تحول آمادگی می‌یابند؛ این امر موجب می‌شود مراسم عبادی در جامعه به جای این‌که نقش محافظه‌کارانه داشته باشند، نقش خلاق^۱ ایفا کنند.^۲

۳-۴- آسان‌سازی دستیابی به اطلاعات دینی

رسانه‌های گروهی^۱ - از جمله فضای مجازی - زمینه مناسبی برای دستیابی به تعالیم دینی و رفع مشکلات و پاسخگویی به شبهات را با روشی کم‌هزینه و همیشه در دسترس، برای جویندگان حقیقت و پویندگان گوهر دین فراهم می‌سازد.

هم‌چنین، دستیابی به منابع دیگر ادیان و اطلاعات لازم در این زمینه، دامنه دید پیروان یک دین را نسبت به وضعیت دیگر ادیان بسط داده - و به طور طبیعی - در افزایش واقع‌بینی آن‌ها از یکدیگر، و کاهش پیشداوری‌های تعصب‌آلود، مؤثر خواهد بود.

به بیان برخی نویسندگان، یکی از آثار عصر اطلاعات^۲، آسان‌تر شدن دستیابی به اطلاعاتی درباره تعالیم، آموزه‌ها و فعالیت‌های دیگر مذاهب است؛ حتی کسانی که از تربیت تخصصی برخوردار نیستند، می‌توانند به آسانی به چنین اطلاعاتی دست یابند.^۳

۴- تولید محتوای دینی

به نظر می‌رسد با گسترش فناوری و جدید شدن ابزار ارتباطی - به ویژه فضای مجازی - باید از این ابزارها در تبلیغ و گسترش معارف دینی بهره گرفت. به طور کلی در دین اسلام، افق گسترده‌ای برای تبلیغ دین در نظر گرفته شده است، که نباید آن را به زمان، مکان و ابزار تبلیغی محدود کرد؛ لذا - امروزه - می‌توان در رویارویی با هججه‌های عوامل ضد دین از این شبکه‌ها، به بهترین نحو

۱. Mass Media

۲. Information Era

۳- شاه‌محمدی، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۴.

در جهت رساندن پیام‌های دین اسلام، نمایاندن چهره اسلام حقیقی و نیز پاسخگویی به شبهات مطرح در این شبکه‌ها- در حوزه اعتقادی- بهره‌مند شد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند:

امروز دشمن جبهه وسیعی را با استفاده از ابزارهای مؤثر خطرناک و کارآمد، و نیز با بهره گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا جمهوری اسلامی را با هدف یک یورش همه‌جانبه فرهنگی قرار دهد؛ مقابله با این تهاجم بسیار خطرناک و ویرانگر، نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و روش‌های مشابه دشمن و یا شیوه‌های جایگزین است.^۱

بر این اساس، به نظر می‌رسد تولید محتوای دینی مهم‌ترین فرصت در فضای مجازی برای مقابله با آثار سوء اعتقادی و کنش‌های ضد دینی در شبکه‌های اجتماعی مجازی دانست؛ لذا ایجاد پایگاه مناسب اینترنتی برای رویارویی با مطالب و عملکردهای ضد دینی، جدا از برخورداری از مختصات پایگاهی جذاب- مانند گرافیک مناسب و طراحی زیبا، محتوای غنی در عین سادگی و روزآمدی مطالب یا ارتباط مداوم با کاربران از طریق رایانامه و پیامک- می‌تواند در این زمینه موفقیت چشمگیری داشته باشد. هم‌چنین، ایجاد محیط‌های گفتگو با محوریت طرح پرسش‌ها و شبهات اعتقادی و پاسخگویی به آن در قالب چت‌روم‌ها، با نظارت افراد متخصص، سودمند است؛ در این محیط‌ها برای کارشناسان و متخصصان حوزه دینی فرصتی فراهم می‌آید تا به صورت برخط، پاسخگوی شبهات و پرسش‌ها باشند.

از آن‌جا که رسانه‌ها، محمل اساسی فرهنگ هستند، در برابر سیطره فناوری رسانه‌ای نباید منفعل و گوشه‌گیر بود؛ بلکه لازم است با بهره‌گیری از ماهواره‌ها، خبرگزاری‌ها و تکنولوژی‌های ساخت رایانه- به‌عنوان یک وسیله ارتباطی- از راه اخبار، جریان بین‌المللی گسترش کتاب‌ها، نشریه‌ها، فیلم‌های تلویزیونی و دیگر محصولات فرهنگی، به ارائه و اشاعه ارزش‌های فرهنگی خویش اقدام نموده، و با روشنگری، سیطره فرهنگ سلطه و تهاجم فرهنگی را خنثی کرد.^۱

علاوه بر این، رسانه دینی می‌تواند با بهره‌گیری از پیشرفت تکنولوژی ارتباطات^۲، فرهنگ غنی خود را به تمام جهان عرضه کند، و زمینه تبادل فرهنگی را فراهم آورد؛ چرا که فرهنگ جامعه آمیزه‌ای از باورهای اسلامی و ارزش‌های انقلابی و ملی است؛ از این رو، با توجه به رابطه دیالکتیک فرهنگ و رسانه، رسالت اصلی رسانه دینی بر اساس نگاه فرهنگ اسلامی، هماهنگی کامل تولیدات و فرآورده‌های رسانه با اندیشه دینی است؛^۳ چون اسلام، دین جامع است، و برای همه حوزه‌های فردی و اجتماعی مورد نیاز بشر، برنامه منسجمی تدوین کرده است.

بنابراین، باید محتوای همه برنامه‌های فضای مجازی، همسو با اهداف رسانه دینی شکل گیرند، که همان انتقال فرهنگ اسلامی به حوزه عمل اجتماعی و زندگی مردم است.

۱- صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۷، ص. ۷۶.

۲. Communication Technology

۳- حسینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۸.

۵- مقابله با شبهات و تهدیدات ضد دینی

ایترنت^۱، فضایی را پدید آورده که کاربران جوان می‌توانند - به‌خوبی - با فرهنگ و رسوم، افتخارها، توانمندی‌ها و آداب اجتماعی کشورها و جوامع گوناگون آشنا شد، و تحت تأثیر این جوامع قرار گیرند؛ از این رو، اگر باورها و آئین‌های قابل احترام جامعه خود را - به‌خوبی - نشناسند، در این رویارویی دچار تردید خواهند شد، که این تردید در بحران هویت ریشه دارد.

از آن‌جا که جامعه دینی است و چهارچوب رفتاری آن را اصول و قواعد دینی مشخص می‌سازد؛ اما داشتن این تصور که آنچه تا به امروز در حوزه‌های دینی صورت گرفته برای نسل جدید نیز کافی خواهد بود، فکری ناپخته و خام است.

بنابراین، اگر جوان به پاسخ‌های لازم برسد، و معرفت و شناخت کافی را به‌دست آورد، و بداند در کدام جهان زندگی می‌کند، برای خود تکیه‌گاه فکری نیرومندی در رویارویی با فراز و فرودها و تحلیل و تبیین مسائل در پرتو درک هدفمندی و قانونمداری جهان به دست می‌آورد، و خود را در بیکران عالم هستی، رها و معلق احساس نمی‌کند.^۲ از طرف دیگر، فضای مجازی یکی از رسالت‌های اصلی‌اش پاسداری از حوزه اخلاق و دین در جامعه است؛ لذا لازم است در تولید برنامه‌ها نسبت به شبهات دینی، پاسخ خود را به‌روز کند، و با تکیه بر فرهنگ غنی و ملی، خودباوری و دینداری را در جوانان، عمیق‌تر و باصلاحت‌تر گرداند، که این امر می‌تواند دانش دینی و ملی جوان را پر بار ساخته، و آن‌ها را در برابر آسیب‌های دینی و ملی شبکه‌های اجتماعی ایمن سازد.

۱. Internet

۲- قائمی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۴.

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی / ۵۱

به طور کلی، وسایل ارتباطی باید در برابر افکار آسیب‌زا- به‌ویژه اندیشه‌های التقاطی- که هدف جدایی دین از دانش و سیاست، و گسست میان حوزه و دانشگاه را پیگیری می‌کنند، به مبارزه برخیزد،^۱ و به تقویت بنیان‌های فرهنگی جامعه پردازد؛ چون بستر لازم در هویت‌سازی دینی را ممکن می‌سازد. هویت دینی^۲ نیز انسان را به جایگاه واقعی‌اش فرا می‌خواند، و پیوسته گوشزد می‌کند که آدمی در میان آفریدگان، جایگاهی والا دارد، که نباید به‌واسطه پیروی از هواهای نفسانی و ضد ارزشی، «خود» خیالی را جایگزین «خود» واقعی کند، که در این صورت، جز فاصله گرفتن از ارزش‌های اسلامی، نفی فرهنگ اصیل گذشته و ایجاد بحران هویت، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. این سه مورد، لازمه تهاجم فرهنگی فرهنگ بی‌هویت غرب است، که با ایجاد شبهه و تغییر در باورها، اعتقادات، آرمان‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی، زمینه بریدگی فرهنگی و دور ماندن از تاریخ گذشته را فراهم می‌آورد.^۳ بدین ترتیب، رسانه موظف است در جهت رشد فکر و فرهنگ غنی اسلامی، و نیز مبارزه با تهی شدن آن اهتمام ورزد.

۶- گسترش آموزش مجازی

از جمله قابلیت‌های فضای مجازی این است، که نوعی فرهنگ مشارکتی^۱ مبتنی بر وب را پیشنهاد می‌دهد، که موانع عمده‌ای را از سر راه ابراز وجود خود برداشته،

۱- کریمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۰.

۲. Religious Identity

۳- نگارش، ۱۳۸۰، صص. ۸۴ و ۱۹۰.

و قابلیت کسب توصیه‌ها و دریافت بازخوردها از دیگرانی که به آن‌ها اعتماد دارند را ارتقا می‌دهد، که بتوانند پروژه‌های خود را مدیریت کرده، و راه‌حل‌های لازم را ارائه دهند؛ این قبیل فرصت‌ها به شکل بالقوه به غنای یادگیری می‌انجامد؛ چرا که لحاظ شخصی، فرایند یادگیری را معنادار و توأم با همکوشی می‌سازد.^۲

هم‌چنین، فضای مجازی در توسعه آموزش‌های تخصصی و عمومی نقش مؤثری دارد؛ چه این‌که شبکه‌های اجتماعی علمی و آموزشی - به صورت- تخصصی و با هدف آموزش از راه دور، سرگرم فعالیت هستند.

در این میان، نهادها و مبلغان دینی با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی آموزشی مجازی می‌توانند دامنه فرآیند یادگیری خود را در هر لحظه که نیازمند پرسش و برقراری رابطه با استاد یا دیگر همکاران باشد، به خارج از محدوده‌های فیزیکی گسترش دهند، و علاوه بر آن، آموزش علوم اسلامی و دینی را به منازل و خلوتگاه‌های تشنگان هدایت برسانند.

۷- آموزش متخصصان دینی در حوزه فضای مجازی

نهادهای دینی با فراگیری سواد دیجیتالی^۳ است، که می‌توانند بهره‌مندی مناسبی از فناوری‌های جدید دیجیتالی داشته باشند؛ این سواد شامل اطلاعات

۱. Participatory Culture

۲- بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲، ص. ۶۸.

۳. Digital Literacy

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی / ۵۳

اولیه درباره قابلیت‌ها، فرصت‌ها و شیوه بکارگیری فناوری‌های جدید و آسیب‌های احتمالی و شیوه رویارویی با آن‌هاست.

بیشتر کاربران شبکه‌های اجتماعی با امکانات این وب‌سایت‌ها آشنایی کافی ندارند؛ آن‌ها تنها با امکاناتی مانند جستجو برای یافتن دوستان، افزودن دوستان به لیست، عضو شدن در گروه‌ها و صفحه‌های هواداری، نوشتن متن‌های کوتاه و قرار دادن عکس در آلبوم تصاویر، آشنا هستند.

به‌موازات رشد جمعیت در سال‌های اخیر، شاهد رشد و پیشرفت علم و فناوری‌هایی بودیم، که با بهره بردن از امکانات مدرن، اندیشمندان دینی رسالت اصلی خود را که ابلاغ پیام الهی بود، بهتر انجام می‌دادند؛ لذا بهره‌گیری از این قبیل فناوری‌های مدرن - هم‌چون صنعت چاپ، تلویزیون، رادیو، اینترنت، ماهواره - و انواع و اقسام رسانه‌های جمعی و گروهی، امری اجتناب‌ناپذیر است.

از طرف دیگر، رسانه‌ها که در رأس آن فضای مجازی قرار دارد، فراهم آورنده دانش و شکل دهنده ارزش‌ها به‌شمار می‌روند، و مردم همواره از آن‌ها اثر پذیرفته و می‌آموزند.

بنابراین، بحث آموزش و تربیت جامعه، می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین ویژگی‌های رسانه باشد.

وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به اندازه‌ای اهمیت دارد که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما و دیگر رسانه‌ها - هم‌چون فضای مجازی - به نقش آموزش موازی یا آموزش دائمی قائل هستند.

جامعه‌شناسان معتقدند وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و استادها، وظیفه آموزشی را انجام داده، و دانستی‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کند.^۱

بنابراین، اندیشه‌وران دینی و طلاب حوزوی- و به طور کلی- همه مراکز و نهادهایی که عهده‌دار امر تبلیغ و تولید پیام دینی هستند، اگر نتوانند مهارت استفاده درست- و به‌موقع- از امکانات پیشرفته در فضای رقابتی جدید و نیز ارائه بسته‌های جدید تبلیغ دینی را به دست آورند، وظیفه خود را در تبلیغ دین و تولید فرهنگ دینی از دست می‌دهند.

نتیجه آن‌که آن‌چه امروز برای تبلیغ دین اهمیت دارد، فهم درست ماهیت رسانه‌های جدید در فضای مجازی، کارکردهای مختلف آن و استفاده بهینه و درست از این فضا است.

نتیجه‌گیری

نهادهای دینی در جهان امروز با تکیه بر روش‌های تبلیغی سنتی، قدرت ارضا و اشباع انسان امروزی را ندارند.

در دهه اخیر، با پیشرفت فناوری در حوزه فضای مجازی با پدیده‌های مختلفی از جمله شبکه‌های اجتماعی مواجه هستیم تا جایی که تارنماهای چندمنظوره با ابتکاری که در نوع ارائه مطالب به خرج داده‌اند، در کوتاه‌مدت به شهرت و محبوبیت فراوانی دست یافته‌اند، و میلیون‌ها کاربر را به فهرست خود اضافه کرده‌اند.

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی / ۵۵

از این رو، در تبلیغات جدید- لازم است- به بررسی و شناخت چالش‌ها و فرصت‌های فضای مجازی پرداخت، که عرصه نبرد تبلیغی دین با ملحدان است. در چنین وضعیتی، استاد مطهری با تأکید بسیار بر نقاط صحیح تبلیغات سنتی- و به‌ویژه حوزوی- به طرح ضرورت تجدید نظر و دقت دوباره در برنامه‌های تبلیغی پرداخته و معتقد است:

وسایل هدایت هر زمانی، مخصوص خود آن زمان است.^۱

او- به‌خوبی- این نکته را طرح می‌سازد، که- در عصر معاصر- با تبلیغات سنتی نمی‌توان جوانان و نوجوانان را جذب کرد. هم‌چنین، در این سبک جدید تبلیغات، وظایف و وضعیت مبلغ نیز باید روشن شود؛ به نحوی که با آگاهی کامل از فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو در این مسیر، حرکت نموده، و هرچه بیشتر شناخت و توانایی خود را تقویت کند. همان‌طور که بیان شد، چالش‌های فضای مجازی برای نهادهای دینی عبارتند از: مقابله با شعائر دینی، کمرنگ شدن هنجارهای دینی، طرح و ترویج شبهات ضد بنیان‌های دین، استحاله فرهنگی، گسترش انحرافات اخلاقی در جامعه، سست شدن جایگاه نهاد خانواده در تربیت و عدم آشنایی مبلغان دینی با فضای مجازی. در نقطه مقابل، فرصت‌های فراروی نهادهای دینی در فضای مجازی نیز عبارتند از: سرعت و گستره تبادل اطلاعات، اطلاع‌رسانی، تبلیغ و ترویج مباحث دینی، تولید محتوای دینی، مقابله با شبهات، گسترش آموزش مجازی و آموزش متخصصان دینی در حوزه فضای مجازی.

۱- مطهری، ۱۳۶۵، ص. ۱۶۸.

منابع و مأخذ

- ۱- تارنمای مقام معظم رهبری، به نشانی: <http://farsi.khamenei.ir>
- ۲- بصیریان جهرمی، حسین، (۱۳۹۲)، رسانه‌های اجتماعی؛ ابعاد و ظرفیت‌ها، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- ۳- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۲)، فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی، تهران: مرکز توزیع پیام دیدار.
- ۴- حسینی، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ و رسانه‌های نوین، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- ۵- حسینی اصفهانی، مرتضی، (۱۳۸۲)، راه‌های تهاجم فرهنگی و مبارزه با آن، چاپ ۲، قم: فرهنگ قرآن.
- ۶- ذکایی محمدسعید، خطیبی، فاخره، بررسی رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی، علوم اجتماعی، ۳۳ (۱۳۸۵): ۲-۳۵.
- ۷- الخشاب، سامیه، (۱۹۸۷)، النظرية الاجتماعية ودراسة الأسرة، قاهرة: دار المعارف.
- ۸- شاه‌محمدی، عبدالرضا، عصر ارتباطات و اطلاعات جهانی شدن دین، پژوهش و سنجش، ۳۵ (۱۳۸۲): ۱۵۰-۱۳۱.
- ۹- صالحی امیری، رضا، عظیمی دولت‌آبادی، امیر، (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۰- صالحی امیری، رضا، محمدی، سعید، (۱۳۸۷)، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

فرصت‌ها و چالش‌های نهادهای دینی در فضای مجازی / ۵۷

۱۱- طارمی، محمد حسین، فضای سایبر؛ آسیب‌ها و مخاطرات، رهاورد نور، سال ۷، پیاپی ۳۹، ۲۲ (۱۳۸۷): ۳۹-۳۲.

۱۲- بلقریز، عبدالإله، (۱۹۹۸)، *عولمة الثقافة أم ثقافة العولمة؟ العرب والعولمة*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.

۱۳- قائمی، علی، (۱۳۸۳)، *شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان*، تهران: انتشارات امیری.

۱۴- کریمی، سعید، (۱۳۸۲)، *رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی*، قم: بوستان کتاب.

۱۵- کلارک، لین اسکافیلد، ام‌هوور، استوارت، (۱۳۸۵)، *فصل مشترک رسانه، فرهنگ و دین*، تهران: نشر دین و فرهنگ.

۱۶- محمد منصور حسن، (۲۰۰۲)، *التحولات الاقتصادية والإجتماعية ومشكلات الأسرة العربية*.

۱۷- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۵)، *ده گفتار*، تهران: انتشارات صدرا.

۱۸- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۷۸)، *وسایل ارتباط جمعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۹- نگارش، حمید، (۱۳۸۰)، *هویت دینی و انقطاع فرهنگی*، تهران: نمایندگی ولی فقیه مرکز تحقیقات اسلامی.

20- Abelson, Hal., Lessig, Lawrence., (1998), **Digital Identity in Cyberspace**, London: Routledge.

21. Cutler, R., (1996), **Technologies, Relations and Selves**, In L. Strate, R. Jacobson and S. Gibson (Eds.), *Communication and Cyberspace: Social Interaction in an Electronic Environment* (pp. 317-333). Crosskill, NJ: Hampton.

22. www.shabestan.ir

آموزش اخلاق فناوری مبتنی بر آموزه‌های رضوی

در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی

نویسندگان: رحیم مرادی (ایران)^۱، دکتر اسماعیل زارعی زوارکی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۲

چکیده

یکی از حوزه‌های پرکاربرد اخلاق، اخلاق در محیط‌های مبتنی بر فناوری یا اخلاق فناوری اطلاعات است، که در سال‌های اخیر با ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی به یک ضرورت تبدیل شده است. این پژوهش بر آن است با بهره‌گیری از آموزه‌های رضوی، اخلاق فناوری را در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی فراگیرسازی کند؛ خصوصاً این‌که دقت در سیره زندگی اهل بیت علیهم‌السلام و تأسی به شیوه رفتاری و سبک زندگی ایشان - به‌ویژه سیره امام رضا علیه‌السلام - می‌تواند انسان را در رسیدن به الگوی مطلوب اخلاقی و اتخاذ روش صحیح زندگی و نیز رسیدن به حیات آرمانی رهنمون سازد. روش این پژوهش از نوع کاربردی است، که در آن کوشش شد ابتدا مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شود، و با روش توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ سپس با استخراج اسناد، احادیث و روایات مورد نظر کار طبقه‌بندی آن‌ها در پژوهش انجام شده، و مطالب با مراجعه به منابعی مانند پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر استخراج شده و به توصیف مطالب مرتبط با عنوان تحقیق پرداخته،

۱- دانشجوی دکتری گروه تکنولوژی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی،

دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، rahimnor08@gmail.com

۲- دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، ezaraii@yahoo.com

و پس از آن آموزه‌های اخلاق فناوری مبتنی بر سیره رضوی در بستر شبکه‌های اجتماعی استخراج شده است. در این پژوهش تأکید بر مهم‌ترین ابعاد اخلاق فناوری است، که سعی شده از آموزه‌های اخلاقی رضوی برای آموزش این ابعاد در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده شود. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین ابعاد اخلاق فناوری، آداب معاشرت و حریم خصوصی است، که با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی رضوی در شبکه‌های اجتماعی مجازی- و در سطحی کلان‌تر- در محیط‌های مبتنی بر فناوری، می‌توان از رفتارهای ضد اخلاقی در این محیط‌ها با تکیه بر این ابعاد کاست؛ و در عین حال از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در این زمینه بهره‌مند شد.

واژگان کلیدی: آموزه‌های رضوی، اخلاق فناوری، شبکه‌های اجتماعی مجازی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که امروزه در علوم انسانی مطرح می‌شود، مباحث اخلاقی است.

در مبانی دینی، اخلاق- به صورت عام- به عنوان رسالت پیامبران اشاره شده است؛ همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

من برای به کمال رساندن مکارم اخلاقی برانگیخته شده‌ام.^۱

هم‌چنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

اگر امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشته باشیم، باز هم

شایسته است در پی کسب مکارم اخلاق باشیم؛ چون راهنمای نجاتند.^۲

۱- قمی، ۱۳۷۳.

۲- محدث نوری، ۱۴۰۸.

به طور کلی، در آیات قرآن کریم بهترین اعمال «حسن خلق» معرفی شده، و نیز در جای دیگر، مهم‌ترین اصول اخلاقی بیان شده است.^۱
در دعای مکارم اخلاق نیز آمده است:

«وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ»^۲ خداوند! به من اخلاق بلندمرتبه عطا کن.
از سوی دیگر، یکی از حوزه‌های پرکاربرد اخلاق^۳، اخلاق در محیط‌های مبتنی بر فناوری^۴ یا اخلاق فناوری اطلاعات^۵ است، که در سال‌های اخیر با ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی^۶ به یک ضرورت تبدیل شده است.
بر این اساس، یکی از پرکاربردترین فناوری‌هایی که با زندگی بسیاری از مردم جهان ممزوج شده است، فناوری‌های نوین ارتباطات از طریق اینترنت است.^۷
در واپسین دهه قرن بیستم، به‌خاطر رشد و توسعه اینترنت، اخلاق فناوری در سطح جهانی بسط و گسترش یافت؛ در این دوران مسائل اخلاقی ناشی از توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی - عمدتاً - حول پیامدهای اخلاقی و اجتماعی اینترنت و فضای مجازی مطرح گردید.
پیدایش مسائل، چالش‌ها و نگرانی‌های اخلاقی و اجتماعی ناشی از رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی در ایالات متحده بر می‌گردد؛ در دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز ظهور اینترنت و

۱- ر.ک: اسراء، ۳۶.

۲- محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۳.

3. Ethics
4. Technology
5. IT Ethics
6. Virtual Social Network (V.S.N)

۷- زارعی زوارکی و قربانی، ۱۳۹۴.

شبکه جهانی وب، به آگاهی بیشتر درباره پیامدهای اخلاقی و اجتماعی رایانه‌ها و ارتباطات شبکه‌ای و اینترنتی منجر شد؛ چرا که گسترش و نفوذ رایانه‌ها در حیطه‌های فردی و اجتماعی افزایش یافته بود.^۱

فناوری اینترنت از آغاز شکل‌گیری آن تاکنون - به طور مداوم - بهبود، اصلاح و تکامل یافته است؛ به گونه‌ای که از ظهور پست الکترونیکی به وب ۲، امکان فعالیت، مشارکت و تشکیل شبکه‌های اجتماعی مجازی را برای دانش‌آموزان و معلمان فراهم می‌سازد تا از راه دور بتوانند تجارب خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.^۲

امروزه اینترنت نقش مهمی در آموزش و یادگیری افراد ایفا می‌کند؛ البته استفاده از اینترنت در امر یادگیری و در بستر آموزشی، امتیازات و تفاوت‌هایی در مقابل آموزش در فضای واقعی دارد؛^۳ به گونه‌ای که در بیشتر کشورهای جهان با توجه به رشد سریع فناوری و با در نظر گرفتن دیدگاه‌های فرهنگی - اجتماعی و مذهبی، توجه خاصی به برنامه درسی اخلاق فناوری معطوف داشته‌اند، که تلاش‌های آنان در این زمینه، دلیلی بر ضرورت موضوع است.^۴

۱- ثقة الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۳.

۲- زارعی زوارکی و همکاران، ۱۳۹۲.

۳. Brandstrom, 2011.

۴- خاقانی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹.

هم‌چنین، اخلاق فناوری از مباحثی است که در اخلاق کاربردی^۱ مطرح می‌شود؛ اخلاق فناوری موضوعی بین رشته‌ای است، که بحث از آن نیازمند آشنایی و تخصص در دو حوزه اخلاق و فناوری اطلاعات است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی در تمامی دوره‌ها و سطوح تحصیلی منجر به تحولات چشمگیری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده است.^۲

فناوری اطلاعات- نه تنها- در چگونگی افعال و اقدامات روزمره تأثیر می‌گذارد؛ بلکه تلقی از آن‌ها را نیز تغییر داده است.

برخی از مفاهیمی که در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی کاربردی خاص داشته‌اند، با پیشرفت فناوری اطلاعات دچار چالش‌هایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مفهوم مالکیت، مفهوم حریم خصوصی، مفهوم توزیع قدرت، آزادی‌های اساسی و مسئولیت اخلاقی اشاره نمود؛ لذا یکی از حوزه‌های مهم فناوری که امروزه به‌عنوان تأثیرگذارترین سرویس‌های ارائه شده در اینترنت شناخته شده است، شبکه‌های اجتماعی مجازی است که یکی از فراگیرترین فناوری‌های قرن ۲۱ است؛ شبکه‌ای بودن و اجتماعی بودن دو جزء از این مفهوم هستند.^۳

1. Applied Ethics

۲- زارعی زوارکی و همکاران، ۱۳۹۲.

۳. Kietzmann and Others, 2011.

از لحاظ تئوری‌های یادگیری نیز نظریه‌هایی هم‌چون یادگیری فعال، یادگیری اجتماعی، یادگیری همیارانه و یادگیری تعاملی از این فناوری حمایت می‌کنند.^۱

از طرف دیگر، متخصصان حامی شبکه‌های اجتماعی مجازی در امر آموزش، به‌هنگام بودن یادگیری و ادغام شدن آن در زندگی روزمره را به‌عنوان قابلیت شبکه‌ها در نظر می‌گیرند. بنابراین- خواه، ناخواه- فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به‌وجود آمده، و هر روز نیز در حال گسترش است؛ از این رو به نوعی بخش عظیمی از زندگی شخصی، کاری و حتی اجتماعی را فرا گرفته است، که از الزامات حضور در این اجتماعات، رعایت آداب اخلاقی است.

توجه به این امر باعث می‌شود اخلاق، فرهنگ و کرامت انسانی و اسلامی در فضاهای مجازی گسترش پیدا کند، و اخلاق در فضای مجازی نهادینه شود؛ زیرا امروزه با معضلی در جامعه به‌عنوان اخلاق در فضای مجازی روبرو هستیم، که البته این موضوع جهانی است؛ لذا برای کشوری که به اصول اخلاقی تأکید دارد، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

طبق آمار موجود، جمهوری اسلامی ایران چهارمین کشور در استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی بعد از فرانسه، آلمان و انگلستان است، که البته استفاده از تلگرام در رأس استفاده‌ها قرار دارد.

مطابق با توضیحات بیان شده، این پژوهش سعی دارد با بهره‌گیری از آموزه‌های رضوی، اخلاق فناوری را در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی فراگیرسازی کند، و از آن‌جایی که دقت در سیره زندگی اهل بیت علیهم‌السلام و تأسی به شیوه رفتاری و سبک زندگی

۱. Gulbaharm, 2014.

ایشان- به‌ویژه سیره امام رضا^{علیه‌السلام}- همواره می‌تواند انسان را در رسیدن به الگوی مطلوب اخلاقی و اتخاذ روش صحیح زندگی و رسیدن به حیات آرمانی رهنمون سازد؛ لذا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از آموزه‌های رضوی برای گسترش اخلاق فناوری در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده و پیاده‌سازی کرد؟

مبانی نظری پژوهش

أ. اخلاق

اخلاق^۱ از واژه یونانی اتیکو^۲- شخص- گرفته شده، و با واژه اتوس^۳ به معنای خلق و منش، هم معنا است.^۴

از نظر لغوی نیز جمع خلق و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است، که تنها با دیده بصیرت قابل درک است، و در مقابل خَلق قرار می‌گیرد، که به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود.^۵

در مورد علم اخلاق می‌توان گفت، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند، و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.^۶

هدف نهایی علم اخلاق این است، که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود که همان هدف اصلی خلقت جهان و انسان است، برساند.^۱

1. Ethics

2. Ethiko

3. Ethos

۴. Annas, 1991.

۵- راغب اصفهانی، ۱۳۷۵.

۶- مکارم شیرازی، ۱۳۷۸.

ب. فناوری

واژه فناوری^۲ به معنای هنر یا استادی^۳ است، و از پسوند لوجیا^۴ ساخته شده است. از بکارگیری این واژه، زمان درازی نمی‌گذرد، و شاید بتوان نخستین کاربرد رسمی آن را از قرن ۱۹ پی گرفت؛ برخی آن را بسیار خاص معنا کرده، و نمودش را در محصولات فناوری برتر- مانند رایانه‌ها- می‌دانند، و برخی دیگر مانند اسکینر^۵- با دیدگاه شرطی‌سازی- در همه رفتارهای انسانی نوعی فناوری می‌جویند؛ لذا فناوری به معنای دانش مربوط به کاربرد علوم و معارف بشری در زندگی روزمره به کار برده می‌شود.^۶

واژه فناوری اطلاعات نیز اولین باز از سوی لویت^۷ و وایزر^۸ در سال ۱۹۵۸ میلادی به منظور بیان نقش رایانه در پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌ها و پردازش اطلاعات در سازمان به کار گرفته شد.

ج. اخلاق فناوری

اخلاق فناوری از مباحثی است، که در اخلاق کاربردی مطرح می‌شود، و از زیرشاخه‌های فلسفه اخلاق است، و به مباحثی می‌پردازد که به ارزش‌های عملی رفتار انسان در حوزه‌های خاص مربوط می‌شود.

۱- مصباح یزدی، ۱۳۹۴.

2. Technology
3. Technê
4. Logia
5. Burrhus Frederic Skinner (1904-1990)
۶. Webster, 2008.
7. Harold Leavitt (1922-2007)
8. Thomas Whisler

اخلاق در فناوری اطلاعات یک پدیده نوظهور از برخورد اطلاعات، بهداشت روانی و ارتباطات در عصر اطلاعات است، که از طریق شبکه جهانی و فناوری‌های مرتبط با آن ارتقا و تکامل می‌یابد؛ اخلاق ارتباطات را نه تنها به‌عنوان یک توسعه فنی؛ بلکه به‌عنوان حالتی روحی، طرز تفکر و یک حرکت عمومی جهانی می‌توان توصیف کرد.

هرچند از فناوری و اخلاق بسیار گفته‌اند، و ریشه‌های آن را می‌توان از یونان باستان پی‌گرفت؛ اما اخلاق فناوری موضوعی تازه است که با همه‌گیر شدن فناوری و روشن شدن پیامدهای ویرانگر آن، اقبال یافته است. از چشم‌انداز علم^۱ نیز پرداختن به اخلاق و اخلاق فناوری چندان پررنگ نبوده است.

د. شبکه‌های اجتماعی مجازی و قابلیت‌های آن

شبکه‌های اجتماعی مجازی سرویس‌های تحت فناوری وب^۲ هستند، که به کاربران خود امکان ایجاد صفحات شخصی و درج اطاعات شخصی را می‌دهند.^۲ این شبکه‌ها یکی از عناصر اصلی زندگی انسان امروزی برای برقرار کردن ارتباط با دیگران است.^۳

شبکه‌های اجتماعی مجازی در قرن ۲۱ به‌عنوان بستری مناسب در شکل‌گیری یادگیری مبتنی بر نظریه اجتماعی- فرهنگی ویگوتسکی^۴ پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند^۵

1. Science

۲- پوری، ۱۳۸۹.

۳. Li and Others, 2015.

4. Lev Semyonovich Vygotsky (1896-1934)

۵- زارعی زوارکی و همکاران، ۱۳۹۲.

افراد در این شبکه‌ها نحوه ارتباط برقرار کردن و به اشتراک گذاشتن تجربیات را می‌آموزند.^۱ کارکرد این شبکه‌ها تنها به اطلاع‌رسانی محدود نمی‌شود، و می‌توان آموزش مبتنی بر شبکه را در این تارنماها طرح‌ریزی کرد.^۲ تاکنون مطالعات فراوانی درباره استفاده از شبکه‌های اجتماعی در امر یاددهی و یادگیری به انجام رسیده است، که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

- نیکولا کانت^۳ - (۲۰۱۱ میلادی) - در پژوهش خود با عنوان «قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش / یادگیری» که در دانشگاه بورگوین فرانسه انجام داده است، به ظرفیت شبکه‌های اجتماعی در آموزش زبان خارجی می‌پردازد؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که این شبکه‌ها، امکان دستیابی به موقعیت تعاملی ارتباط واقعی را میان زبان‌آموزان فراهم می‌آورد، و با رشد توانش‌های زبان‌شناختی و فرهنگی، زبان‌آموز را به کاربر واقعی زبان خارجی تبدیل می‌کند، و ساخت مشارکتی دانش در میان اعضای شبکه را باعث می‌شود و به مستقل‌تر شدن آن‌ها کمک می‌کند.

- مطالعات کرامر و وینت^۴ - (۲۰۰۸ میلادی) - نشان داد، که بین خودکارآمدی و حضور افراد در پلت‌فرم‌های وب ۲،۰ مانند شبکه‌های اجتماعی ارتباط مستقیم وجود دارد.^۵

۱- آکینو؛ به نقل از: لی و همکاران، ۲۰۱۵.

۲- زارعی زوارکی و همکاران، همان.

3. Nicolas Kant

4. Walker and Veinte

۵. Krämer and Winter, 2008.

- نتایج پژوهش‌های باران (۲۰۱۰ میلادی)، یانگ (۲۰۱۱ میلادی) و بسیاری از محققان دیگر نیز نشان داده است، که دانش‌آموزان به این سبک از یادگیری الکترونیکی علاقه نشان داده، و بهبود رابطه اجتماعی معلم- دانش‌آموز، انگیزه آن‌ها برای یادگیری و به تبع آن خودکارآمدی را افزایش می‌دهد.^۱
 - هم‌چنین، شبکه‌های اجتماعی این فرصت را به یادگیرندگان می‌دهد که اطلاعات را سازماندهی کرده، ایده‌ها را به اشتراک گذاشته، نظرات و بازخوردها را دریافت نموده، و مهم‌تر این‌که از دیگران بیاموزند.^۲
 - از طرف دیگر، این شبکه‌ها امکان ارتباط میان معلم و دانش‌آموز را در هر زمان و مکان فراهم می‌آورند.^۳
 - به عقیده یوئی و همکاران، فراگیران می‌توانند با تشکیل جامعه برخط و به وسیله شبکه‌های اجتماعی به اهداف آموزشی دست یابند.
 - تحقیقات اخیر نشان داده، الگوی یادگیری تلفیقی مبتنی بر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مورد قبول و پذیرش دانش‌آموزان قرار گرفته است، و شبکه‌های اجتماعی پتانسیل بالایی در تحول یاددهی و یادگیری دارند.^۴
- بر این اساس، عواملی هم‌چون دیده شدن، مشارکت، تولید محتوا به جای مصرف محتوا، ارتباط‌گیری از طریق اشتراک‌گذاری منابع، کمک گرفتن از

1. Baran, 2010- Young, 2011.

۲. Wang and Woo, 2008.

۳. Tadeu and Joana, 2014.

۴. Bosch and Preez, 2009- 32- Roblyer and Others, 2010- Prez and Araiza, 2013- Selwyn, 2009.

دیگران برای بهبود تولیدات، انگیزه‌های شخصی و استفاده از تولیدات آموزشی دیگران را می‌توان از جمله علل مقبولیت پدیده شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر خودکارآمدی برشمرد.^۱

- از سوی دیگر، بندورا^۲ معتقد است هنگامی که افراد بتوانند مسائل مختلف را به صورت کنترل شده و بر حسب توانایی خود تجربه کنند، تواناتر و موفق‌ترند.

نتیجه آن‌که بازنگری پیشینه نشان داد، شبکه‌های اجتماعی علاوه بر آن‌که مورد اقبال و علاقه دانش‌آموزان هستند، امکانات فراوانی برای انتقال اطلاعات و گرفتن بازخورد در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار می‌دهند، و مرزهای کلاس را در بعد زمان و مکان از میان برمی‌دارند، و موجب افزایش خودکارآمدی می‌شوند. از آن‌جا که در دهه حاضر شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین آموزشی وارد حوزه آموزش شده‌اند، و فرایند یاددهی-یادگیری را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند، مقوله‌ای درخور توجه به‌خصوص در امر آموزش اخلاق مبتنی بر آموزه‌های رضوی هستند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است، که در آن کوشش شده مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شود، و با روش توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ سپس با استخراج اسناد، احادیث و روایات مورد نظر، طبقه‌بندی آن‌ها در تحقیق انجام شده، و مطالب با مراجعه به منابعی مانند

۱- حسینی، ۱۳۸۹.

2. Albert Bandura (1925)

پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر استخراج شده، و به توصیف مطالب مرتبط با عنوان تحقیق پرداخته، و پس از آن آموزه‌های اخلاق فناوری مبتنی بر سیره رضوی در بستر شبکه‌های اجتماعی استخراج شده است.

جامعه تحلیلی این پژوهش تمام منابع از جمله اسناد، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر و نیز کتاب‌های اسلامی - اعم از منابع دست اول و دست دوم - از جمله قرآن کریم، آموزه‌های اخلاقی و رفتاری امامان شیعه، آئین زندگی، رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، فضایل علمی و اخلاقی و مسند امام رضا علیه السلام است؛ و در زمینه اخلاق فناوری نیز منابعی هم‌چون سند اخلاق فناوری، سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند راهبردی جامعه اطلاعاتی است، که مؤلفه‌های اخلاق فناوری و آموزه‌های اخلاق رضوی از این اسناد استخراج گردیده است.

نمونه پژوهش نیز تمامی مواردی است، که پژوهشگر به لحاظ موضوعی و مفهومی می‌توانسته به آن دسترسی داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

انسان همواره در زندگی برای تشخیص درست امور و در نهایت داشتن زندگی سالم و سعادت‌مند، نیازمند راهنما و الگوهای اخلاقی و تربیتی است، و البته با مطالعه در زندگی بزرگانی هم‌چون امام رضا علیه السلام افراد می‌توانند در این راه قدم برداشته تا به کمال و سعادت حقیقی دست یابند.

از این رو با توجه به اهمیت مباحث اخلاق فناوری در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن در زندگی انسان‌ها، در این پژوهش سعی شده با

استمداد از آموزه‌های اخلاقی حضرت، دستورالعمل‌های مناسبی جهت رعایت اخلاق فناوری در این فضاها ارائه شود.

به طور کلی، از آنجا که ائمه اطهار علیهم‌السلام مورد تأیید خداوند متعال بوده، و نیز همواره از فیوضات ویژه الهی برخوردار بوده‌اند، رفتار و منش ایشان می‌تواند راهگشای خوبی جهت سعادت و خوشبختی جوامع انسانی تلقی شود.

در این پژوهش، تأکید اصلی نویسندگان بر مهم‌ترین ابعاد اخلاق فناوری - آداب معاشرت و حریم خصوصی - است، که سعی شده از آموزه‌های اخلاقی رضوی برای آموزش این ابعاد در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده شود، که در ادامه به مهم‌ترین یافته‌ها اشاره می‌شود:

أ. آداب معاشرت در شبکه‌های مجازی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی رضوی

فعالیت‌های آدمی در شبکه‌های اجتماعی مجازی مشمول اصول و قواعد اخلاقی است؛ لذا کسی حق ندارد با استناد به ویژگی‌های منحصر به فرد فضای مجازی، اصول اخلاقی متعارف بشر را که میراث پیامبران بزرگ و محصول عقلانیت جمعی آدمی و حوزه مشترک ارزشی بشر است، نادیده بگیرد؛ البته این امکان وجود دارد که ضوابط و حتی اصول اخلاقی جدیدی به اقتضای ظهور کنش‌های نوین در فضای مجازی کشف و وضع گردد؛ مشروط بر آن‌که ناقض ارزش‌های اخلاقی پایه و بنیادین نباشد.

مطلب دیگر این‌که در برخورد و معاشرت اسلامی با مردم، رعایت ادب و نزاکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به همین قرینه، فرهنگ اسلام سرشار از رهنمودها و دستوراتی است که انسان را به رعایت ادب و نزاکت فرا خوانده است.

از طرفی هر جایی آداب مخصوص به خود را دارد، که شبکه‌های اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ این‌که چگونه در این محیط‌ها با دیگران تعامل کنید، چگونه از فضای موجود استفاده شود و این‌که چه قوانینی را برای ورود و ماندن در این شبکه‌ها باید رعایت کنید.

بنابراین، یکی از قوانین حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی، حفظ اصول و آداب معاشرت شبکه‌ای است؛ هم‌چنین، احترام به بزرگ‌تر، رعایت ادب در گفتار و عدم استفاده از الفاظ ناپسند و حفظ حریم در ارتباط با نامحرم از جمله موارد اخلاقی است که ممکن است به‌خاطر حذف ارتباط رو در رو با دیگران فراموش شود.

به عبارت دیگر، برافروختن، فحاشی و سخنان خشونت‌آمیز یکی از مسائل اخلاقی است که لحن گفتگوها را در اجتماعات مجازی بر هم می‌زند؛ هم‌چنین، زورگویی و آزار و اذیت در محیط‌های یادگیری مجازی و وارد شدن به حریم خصوصی افراد از دیگر مشکلاتی است، که در شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌ویژه هنگامی که هنجار مشخصی در نحوه استفاده از اطلاعات موجود در محیط مجازی وجود نداشته باشد، با آن برخورد خواهیم کرد.^۱

بنابراین، توجه نکردن به معیارهای اخلاقی در فضای مجازی باعث شکسته شدن حریم اخلاقی برخی از رفتارهای ناپسند در فضای مجازی گردیده، و زندگی در فضای واقعی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

یکی از این معیارها، «نتیکت^۱» است، که از ترکیب دو واژه شبکه^۲ و آداب معاشرت^۳ تشکیل شده، و شامل باید و نبایدهای شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی است. بر این اساس، رعایت ادب و احترام به حقوق دیگران از نمودهای بارز فروتنی است، که در روایات از آن به «رأس تواضع» یاد شده است؛ زیرا تواضع ایجاب می‌کند که انسان، مودب باشد. امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} می‌فرماید: ادب نیکوترین اخلاق است.

هم‌چنین در وصیت به امام حسن مجتبی^{علیه السلام} فرمودند:

ادب مایه باروری عقل و تزکیه قلب و زینت زبان، و راهنمای انسان به اخلاق پسندیده است؛ اگر ادب همراه انسان نباشد، او حیوانی رها شده بیش نیست؛ خداوند به ادب خیر دهد، کوچک را آقایی می‌بخشد؛ پس در جستجوی ادب باش تا شخصیت و ثروت به دست آوری؛ هر کس پی ادب باشد، به وسیله آن چیره می‌شود؛ کسی که آن را رها کند، بر او چیره می‌شوند و حمله می‌آورند.^۴

از طرفی ارشادات و موعظه‌هایی که امام رضا^{علیه السلام} برای مردم زمان خود داشتند، تأثیرگذاری زیادی برای همگان داشته است؛ لذا بیشتر کسانی که به دیدن ایشان می‌آمدند، و با منش اخلاقی و موعظه‌های حضرت رو به‌رو می‌شدند، درس‌های بزرگ اخلاقی می‌گرفتند که در رشد و کمال ادامه و سیر زندگی آن‌ها تأثیرات مطلوبی به همراه داشته است، و به تبع می‌توان از این آموزه‌ها در این فضاهاى اجتماعى مبتنى بر فناوری بهره‌مند شد.

-
1. Netiquette
 2. Network
 3. Etiquette

یکی از اصول مهم سیره رضوی، در تعاملات اجتماعی- که لازمه آن رعایت هنجارهای جامعه مطابق با موازین و اصول حاکم بر جامعه است- در برخورد مهربانانه با کسانی است، که دچار انحراف و فتنه گشته‌اند.

صفوان که یکی از اصحاب حضرت است، نقل می‌کند:

دوستی داشتم به نام محمدبن خالد؛ او که فردی دانشمند- اما تندخو- بود نیز دچار انحراف شده بود. بعد از بحث‌ها و جدل‌ها از او خواستم با هم نزد حضرت برویم و با ایشان سخن بگوییم؛ او ابتدا در خواست مرا قبول نمی‌کرد، و در نهایت به اصرار من پذیرفت.

من نیز از حضرت اجازه گرفته و به دیدار ایشان رفتیم؛ در این دیدار محمدبن خالد متحول شد، و از حضرت عذر خواست، و به اشتباه رفتار و عقاید گذشته خود اعتراف کرد، و طلب بخشش نمود.

حضرت در جواب این فرد فرمود:

عذرت را پذیرفتم و تو را بخشیدم، و از گذشته تو چشم‌پوشی نمودم. سپس به سؤالات محمدبن خالد پاسخ داد، و او با توبه‌ای مقبول خارج شد.^۱

بنابراین، رعایت ادب و احترام، هم به شخصیت خویش و هم به دیگران است که در صورت عدم داشتن چنین ویژگی بارز شخصیتی، دیگران- آن‌طور که لازم است- به شخصیت متقابل احترام نمی‌گذارند؛ زیرا او را شایسته چنین عزت و احترامی نمی‌بینند؛ لذا رعایت هنجارهای یک جامعه- بالاخص یک جامعه اسلامی- امری لازم و ضروری است.

بر این اساس، سنن و قوانینی که در جامعه حکم فرماست، از همان
هنجارهای مخصوصی برخوردار است که بر همه افراد جامعه لازم و ضروری
است که آن‌ها را رعایت کنند.

در سیره پیشوایان دینی نیز به نمونه‌های متعددی از برخوردهای مؤدبانه
دست می‌یابیم؛ هم‌چنان که گفته‌اند:

کمال ادب هیچ‌کس را نبود مگر انبیا و صدیقان را.^۱

در وجود مبارک امام رضا علیه السلام این صفت اخلاقی مشهود است؛ هم‌چنان که
از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده، که گفته است:

ابوالحسن را هرگز ندیدم، که سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند،
هرگز پاهای خود را جلوی همنشین دراز نمی‌کردند، و هرگز ندیدم آب
دهان بیندازد، و هرگز ندیدم که با سخنش کسی را ناراحت کند و برنجاند.

با چنین ترسیمی، این سؤال مطرح می‌شود، که:

- آیا به کار گرفتن اخلاق فناوری در جامعه کنونی که نبود موازین
اصلی و اخلاقی و یا عدم رعایت حقوق انسانی مشاهده می‌شود،
لازم و ضروری نیست؟

قرآن کریم - خطاب به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله - می‌فرماید:

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ
الشَّيْطَانُ كَانَ لِلنَّاسِ عَدُوًّا مُّبِينًا»^۲

۱- عیاشی، ۱۳۸۰.

۲- اسراء، ۵۳.

و بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را به زبان آورند، که شیطان چه بسیار میان شما دشمنی و فساد می‌انگیزد؛ زیرا دشمنی او با آدمیان واضح و آشکار است.

منظور از بهترین سخن، بهترین از نظر توأم بودن با فضایل اخلاقی و انسانی است؛ چرا که ترک قول احسن و کشیده شدن به سوی لجاجت و مخاصمه سبب می‌شود شیطان در میان آن‌ها رسوخ کرده و فتنه ایجاد کند.^۱ از طرف دیگر، از جمله ویژگی‌های نیکوی امام رضا^{علیه السلام} آن بوده که به اعضای خانواده خویش محبت می‌نموده‌اند؛ چون شرط کمال در ایمان فرد را در محبت و مهربانی با اعضای خانواده‌اش دانسته، و فرمودند:

«أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا وَاللَّطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا اللَّطْفُكُمْ بِأَهْلِي»^۲ کسی ایمانش بهتر است از دیگران، که اخلاقش نیکوتر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد، و من مهربان‌ترین فرد نسبت به خانواده‌ام هستم.

این محبتی که انسان می‌تواند با اعضای خانواده خود داشته باشد، در همه ابعاد شخصیتی او تأثیرگذار است؛ چرا که اطرافیان او نیز -متقابلاً- او را مورد احترام قرار می‌دهند، و او را شایسته این احترام می‌دانند. هم‌چنین، حضرت در خصوص مناسبات اخلاقی میان اعضای خانواده می‌فرمایند: «إِجْعَلْ مَعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»^۳ برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ، نیکو گردان.

۱- مکارم شیرازی، ۱۳۷۸.

۲- صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲.

۳- کلینی، ۱۳۷۷.

بر این اساس، توجه نمودن به شخصیت افراد و تکریم آنها از اصول مهم در ابعاد مختلف زندگی است.

از طرف دیگر، با بررسی آیات قرآنی درمی یابیم، که برخورد با انسان‌های مختلف باید هماهنگ و متناسب با روحیه آنها باشد.

خداوند عز و جل در قرآن کریم می فرماید:

«مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ»^۱ محمد فرستاده

خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

هم چنین، در آیه دیگر فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^۲ ای پیامبر! با

کافران و مجاهدان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر.

از این دو آیه شریفه چنین نتیجه گیری می شود، که برخورد قرآن کریم و دین اسلام با انسان‌های مختلف، فرق می کند؛ لذا در بعضی جاها دستور به برخورد نیک و پر محبت می دهد،^۳ و در جای دیگر دستور به برخورد میانه می دهد.^۴

در این میان، امام رضا علیه السلام به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه نسبت به

بندگان خدا بود؛ هم چنان که در زیارت - مشهور به جوادیه - آمده است:

«السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّءُوفِ»؛ سلام بر امام و پیشوای با رافت و مهربان.

۱- فتح، ۲۹.

۲- توبه، ۷۳.

۳- ر. ک: بقره، ۸۳.

۴- ر. ک: فتح، ۲۹.

این لقبی است که از طرف خداوند به ایشان داده شده است؛ چون بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمتگزاران خود داشتند تا جایی که نقل شده است:

در روزی که مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسیدند، بعد از

این‌که نماز ظهر را خواندند، به فردی که نزدیکشان بود فرمودند:

مردم- خانواده، کارکنان و خدمتگزاران- غذا خورده‌اند؟

آن فرد جواب داد: آقای من! در چنین وضعیتی کسی می‌تواند غذا بخورد؟

در این لحظه که حضرت متوجه می‌شوند کسی غذا نخورده، می‌نشینند

و دستور آوردن سفره‌ای را می‌دهند، و همه را سر سفره دعوت کرده،

و آن‌ها را یکی‌یکی مورد محبت قرار می‌دهند.

به طور کلی، حضرت در جایی که مربوط به شخص خودشان بود،

بزرگترین گذشت‌ها، عالی‌ترین ایثارها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران

داشتند؛ لذا رفتار عملی حضرت، نشانه انسانی کامل و نمونه است که

علاقه‌ای به دنیا و ظواهر آن ندارد.

از طرف دیگر، اگر فردی حتی کوچکترین خدمتی برای حضرت انجام

می‌داد، نهایت تشکر و قدردانی را به جای می‌آوردند، و خدمت آن فرد را

جبران می‌نمودند.

هم‌چنین، حضرت به مستضعفان و گرفتاران توجه خاصی می‌کردند؛ لذا

اگر گرفتاری و ناراحتی داشتند، سعی می‌کردند مشکل آنان را حل کنند؛ زیاد

بودند افرادی که در سایه یاری‌رسانی‌های حضرت، به خیری دست یافتند.^۱

نتیجه آن که رعایت ادب و خوش‌لحنی در سیره اخلاقی و عملی ائمه معصومین علیهم‌السلام امری نمایان بوده است، که در ابتدای امر خود را ملزم به رعایت کردن این صفت اخلاقی کرده، و سپس دیگران را متذکر شده‌اند، که این، هم الگو و سرلوحه اخلاقی برای همه است، و هم لازمه حضور در فضای مجازی و رعایت اخلاق مبتنی بر فناوری است.

ب. رعایت امانت، رازداری و حفظ حریم خصوصی در شبکه‌های

مجازی مبتنی بر آموزه‌های رضوی

مسئله حریم خصوصی در فضای مجازی از پیچیده‌ترین مسائل اخلاق فناوری به شمار می‌رود؛ به نحوی که برخی از صاحب‌نظران آن را در کنار سه اصل دیگر - مالکیت معنوی، صحت و دقت و در دسترس بودن - برای تنظیم ضوابط اخلاقی فضای مجازی کافی می‌دانند.

به طور کلی، امنیت اطلاعات کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی موضوعی است، که همواره محل بحث جدی واقع شده، و بر روی آن تأکیدات مختلفی صورت گرفته است.

امروزه حریم خصوصی اشخاص در معرض خطراتی است که قبل از فناوری اطلاعات وجود نداشته است؛ همان‌طور که قبل از پیدایش فناوری الکتریسته کسی در معرض خطر برق گرفتگی نبود؛ حال باید مواظب بود که توسعه فناوری، حریم خصوصی افراد را دچار تنش نکند.

یکی دیگر از مشکلات فناوری اطلاعات آن است، که مردم برای این که حریم خصوصی خود را حفظ کنند، ناچارند از بسیاری از کارهایی که - قبلاً - انجام می‌دادند، دست بردارند.

به نظر ناظران حقوق بشر این امر موجب محدودیت در آزادی‌های مدنی و خودمختاری و استقلال رأی افراد می‌شود، که امری ناپسند است؛ البته احکام این موارد در فرهنگ اسلامی گاهی متفاوت با فرهنگ غرب است. امام رضا علیه السلام که مزین به این نوع صفت اخلاقی بودند، از این آموزه‌ها در شبکه‌های اجتماعی مجازی بهره می‌بردند؛ هم‌چنین از بعضی اشعار در جهت بیان مضامین اخلاقی و انسانی استفاده می‌نمودند؛ به عنوان نمونه:

انی لانفسی السر کی لا اذیعه فیامن رای سرا یصان بان ینسی
همانا مرا رسم بر این است، که راز دیگری را فراموش کنم تا مبدا آن
را فاش کنم و شایع گردد؛ پس ای کسی که رازی و سرّی را می‌دانی،
بدان که با فراموش کردن، آن راز حفظ می‌شود.

با توجه به این‌که یکی از ویژگی‌های دنیای مجازی که می‌تواند هم به عنوان فرصت و هم تهدید به شمار آید، امکان ناشناخته ماندن و گمنامی افراد است؛ لذا این ویژگی ممکن است انسان‌هایی را که مستعد رذایل اخلاقی هستند، به پیشروی از این راه ترغیب کند؛ اما از سویی دیگر، می‌توان آن را به عنوان زمینه‌ای برای رشد فضایل اخلاقی در انسان‌ها نیز به شمار آورد، که با فراهم آمدن زمینه‌های لازم، افراد جامعه می‌توانند از این امکان در راستای ارتقای فضایل اخلاقی و دوری از رذایل بهره جویند. بر این اساس، افشای اسرار باعث می‌شود نوعی حس بی‌اعتمادی و ترس در انسان ایجاد شود، که در نتیجه آن کرامت و بزرگی در حفظ و رعایت این نوع امانت از بین برود.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمن از دیدگاه امام رضا علیه السلام همین رعایت امانت و رازداری و حفظ حریم خصوصی است تا آن‌جا که می‌فرماید:

- مؤمن به کمال واقعی نمی‌رسد مگر این‌که دارای سه خصلت شود:
- ۱- سنتی از خدایش شود؛ و آن، پرده‌پوشی است.
 - ۲- دارای سنتی از رسول خدا شود؛ و آن، مدارا کردن با مردم است.
 - ۳- دارای سنتی از ولی خود گردد؛ و آن، صبر و استقامت در برابر حوادث تلخ است.

از آن جایی که یکی از صفات خداوند ستارالعیوب بودن است، و همواره از بابت لطف و کرم خویش عیوب و گناهان و کوتاهی بندگان- در امر بندگی- خویش را می‌آموزد، بنده نیز باید از این دریای احسان الهی درس بزرگ اخلاقی بیاموزد، و در زندگی خود به‌کار بندد، و پرده‌پوشی از سنت خدا که از جمله صفات مؤمن حقیقی نیز هست را سرلوحه کار خویش قرار دهد.

هم‌چنین، حضرت می‌فرمایند:

«لَمْ يَخُنْكَ الْأَمِينُ وَلَكِنْ اتَّيَمَّتَ الْخَائِنَ»^۱؛ «امین به تو خیانت نکرد؛ بلکه تو خائن را امین دانستی.»

بنابراین، حضرت به عنوان فردی امین و امانتدار بوده‌اند، و دیگران را نیز توصیه و تشویق به این امر می‌نموده‌اند؛ پس اگر این امر در جامعه و در بین مردم درونی شود، حس اعتماد به‌نفس در میان تمامی مردم در جامعه برقرار می‌شود.^۲

بحث و نتیجه‌گیری

۱- حائری کرمانی، ۱۳۸۶.

۲- میرمحمدی، ۱۳۹۰.

افزایش روزافزون استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تحولی عظیم را در تمام حوزه‌ها و از همه مهم‌تر حوزه آموزش و یادگیری نوید می‌دهد. در دهه‌های اخیر رویکردهای سنتی یادگیری با ظهور فناوری‌های جدید یادگیری نظیر چندرسانه‌ای‌ها، فرارسانه‌ها و ارتباطات از راه دور دستخوش تغییرات اساسی شده است.

امروزه در بیشتر کشورها اقدامات بسیاری برای استفاده از فناوری‌های نوین در امر آموزش ویژه انجام شده است.^۱

از طرف دیگر، در عصری زندگی می‌کنیم که انحطاط اخلاقی زیادی گریبانگیر جوامع شده، و از سویی در اثر پیشرفت صنعت و فناوری و ارتباطات نزدیک ملت‌ها همه چیز در همه‌جا در دسترس همه‌کس قرار گرفته است؛ به همین دلیل مفاسد اخلاقی نیز گسترش پیدا کرده، و مرزها را در هم شکسته است.^۲

به همین دلیل و تا اقصی نقاط جهان پیش رفته تا آنجا که صدای بنیانگذاران مفاسد اخلاقی نیز در آمده است؛ لذا بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی و کمرنگ شدن آن در تربیت نسل جدید نیز به چشم می‌خورد، که یکی از مهم‌ترین دلایل این معضلات، نپرداختن متفکران و اندیشه‌وران تعلیم و تربیت به مسائل ارزشی و اخلاقی است.^۳

بی‌توجهی به ارزش‌های اصیل اخلاقی و تهذیب و تزکیه نفس، موجب تسلط تمایلات و غرایز مادی و یا به عبارت دیگر، نفسانیات - نفس اماره - بر

۱- اسپاروهایک و هیلد، ۱۳۹۲.

۲- باقری، ۱۳۹۰، ج ۲.

۳- صمدی و دیگران، ۱۳۹۱.

انسان می‌شود؛ لذا یکی از این اجتماعات گروهی، شبکه‌های اجتماعی مجازی است، که در آن گروهی با یکدیگر به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. در شبکه‌های مجازی، فقدان هویت فیزیکی که به معنای ناشناختگی یا برخورداری از نام مستعار بود، چالش‌های تازه‌ای حول موضوعاتی هم‌چون هویت شخصی، رفتار و مسئولیت اجتماعی پدید می‌آورد؛ از این رو در دهه‌های اخیر حوزه‌های تحقیقاتی اخلاق فناوری، مطالعاتی با عنوان مدیریت و هدایت، دامنه فراگیری از موضوعات و مسائل اخلاقی ناشی از رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته است.^۱

اخلاق، جمع خلق است و به معنای نیروی درونی انسان که با چشم باطنی درک می‌شود؛ لذا خلق صفت نفسانی راسخ و استواری است، که افعال متناسب با آن بی‌درنگ صورت می‌گیرد، و این صفت راسخ درونی اگر متناسب با خود ملکوتی باشد، فضیلت نامیده می‌شود؛ و اگر متناسب با خود حیوانی باشد، رذیلت نامیده می‌شود.

هم‌چنین، اخلاق حالت و صفت راسخ نفسانی - اعم از خوب یا بد-صفت برای افعال اختیاری انسان و صفت برای رفتار متناسب با خود ملکوتی است؛ علم اخلاق نیز علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند، و شیوه کسب صفات خوب و انجام دادن افعال پسندیده و دوری از صفات نفسانی و افعال بد را نشان می‌دهد.^۲

۱- چاوشی و همکاران، ۱۳۹۴.

۲- نراقی؛ به نقل از: سلحشوری، ۱۳۹۰.

از طرفی اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی به اسلام و جوامع اسلامی اختصاص ندارد؛ تجربه نشان داده است که انسان- خواه به دینی آسمانی متدین باشد یا نباشد؛ حتی در دوره مدرن و پسامدرن- هیچ‌گاه از تربیت اخلاقی بی‌نیاز نیست؛ لذا در دوران معاصر و در کشورهای غربی، به دنبال پیشرفت‌هایی که در زمینه علوم تجربی به دست آمد- به تدریج- اصول اخلاقی و توجه به فضایل و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقی، کمرنگ شده است.^۱

در این میان، دین اسلام به عنوان دینی همه‌جانبه و چندبعدی، اساس و مبانی تربیت اخلاقی خود را بر پایه اعتقاد و ایمان به ذات اقدس خداوندی قرار داده، و اصلاح اخلاقی انسان‌ها و مبارزه با مفاسد اخلاقی را از مهم‌ترین اهداف پیامبران بر شمرده است. بنابراین، چنان‌چه مبانی و اصول تربیت از آموزه‌های والای امام رضا علیه السلام- به درستی- تحلیل و تبیین شود، می‌تواند مناسب‌ترین نمونه برای عملکردهای تربیتی جامعه اسلامی تلقی شود.

هم‌چنین، با دقت و تأمل در احادیث و روایات بسیاری که از سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله به دست رسیده است، می‌توان به استخراج مبانی و اصول مناسبی برای حضور در شبکه‌های اجتماعی برای آموزش اخلاق فناوری اقدام کرد.

با توجه به فاصله طولانی که جامعه امروز با عصر رسالت و ائمه اطهار علیهم السلام دارد، ضرورت یادآوری و بررسی سیره عملی و رفتاری ایشان در ادوار مختلف، امری اجتناب‌ناپذیر است.

به عنوان نمونه؛ امام رضا علیه السلام اصل حاکم بر معاشرت اجتماعی را این گونه معرفی می‌کنند:

در مراعات حقوق و اخلاق و آداب معاشرت با مردم چنان رفتار نمایی، که دوست داری آن‌طور با تو رفتار نمایند.^۱
بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی رضوی در شبکه‌های اجتماعی مجازی- و به طور کلی- محیط‌های مبتنی بر فناوری، می‌توان تا حدودی از رفتارهای ضد اخلاقی در این محیط‌ها کاهش داد، و در عین حال از توانایی‌های شبکه‌های اجتماعی بهره‌مند شد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *غرر الحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۳- اسپاروهایک، آئی.، هیلد، یسانی، (۱۳۹۲)، *فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیازهای آموزشی ویژه*، ترجمه اسماعیل زارعی زوارکی و الهه ولایتی، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۴- باقری، خسرو، (۱۳۹۰)، *نگاهی دوباره بر تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- ۵- بهشتی، سعید، رشیدی، شیرین، اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا علیه السلام، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۱ (۱۸): ۱۳۹۲: ۶۷-۵۱.

- ۶- پوری، احسان، (۱۳۸۹)، بررسی نقش و تأثیر فیسبوک بر شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی از دیدگاه متخصصان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران- مرکز.
- ۷- ثقه الاسلامی، علیرضا، اکبری، مجید، جوادی، محسن، اخلاق فناوری اطلاعات مبتنی بر رهیافت موجییت‌گرایی فناورانه، اخلاق در علوم و فناوری، سال ۹، ۴ (۱۳۹۳): ۱۰-۱.
- ۸- چاوشی روح الله، رحمتی، حسینعلی، ثقه الاسلامی، علیرضا، ملاحظات اخلاقی درباره فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقد کتاب اخلاق، علوم تربیتی و روانشناسی، ۱ (۱۳۹۴): ۱۸۸-۱۶۴.
- ۹- حائری کرمانی، حسین، (۱۳۸۶)، هشاد و هشت کلام از هشتمین امام به هشت زبان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۰- حسینی، محمد مصطفی، مدیریت در شبکه‌های اجتماعی، رهاورد نور، ۳۱ (۱۳۸۹): ۴۹-۴۰.
- ۱۱- خاقانی‌زاده، مرتضی، ملکی، حسن، عباسی، محمود، ضرورت طراحی الگویی برای برنامه درسی اخلاق پزشکی با رویکرد اسلامی، راهبردهای آموزشی، ۳ (۱۳۸۹): ۹۹-۹۳.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۷۵)، المفردات فی الفاظ القرآن، تهران: انتشارات مرتضوی.
- ۱۳- زارعی زوارکی، اسماعیل، قربانی، حمید رضا، تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان، فناوری آموزش و یادگیری، دوره ۱، ۳ (۱۳۹۴): ۳۶-۲۳.

- ۱۴- زارعی زوارکی، اسماعیل، مؤمنی، اکبر، قاسم تبار، عبدالله، (۱۳۹۲)، **مبانی نظری و علمی کاربرد اینترنت در فرایند تدریس و یادگیری**، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۱۵- سلحشوری، احمد، حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، ۲ (۱۳۹۰): ۵۶-۴۱.
- ۱۶- صلوق، ابوجعفر محمد، (۱۴۰۴)، **عیون أخبار الرضا**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۷- صمدی، معصومه، دوابی، مهدی، اقبالیان، طاهره، مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، پژوهش در **مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۱۶ (۱۳۹۱): ۶۴-۳۷.
- ۱۸- عابدی، رها، (۱۳۹۴)، **طراحی شبکه‌های اجتماعی مجازی جهت تضعیف رفتارهای ضد اجتماع موجود در محیط برخط**، همایش ملی شبکه‌های اجتماعی مجازی: بستری برای آموزش و یادگیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۹- عطاردی قوچانی، عزیزالله، (۱۳۸۷)، **راویان امام رضا** در مسند الرضا، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- ۲۰- عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰)، **تفسیر عیاشی**، تهران: مکتبه العلمیه الإسلامیه.
- ۲۱- قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۳)، **منتهی الآمال**، قم: انتشارات هجرت.
- ۲۲- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۷۷)، **الکافی**، قم: مؤسسه انتشاراتی حضرت ولی عصر ﷺ.
- ۲۳- محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، بیروت: مؤسسه آل‌البیت ﷺ.
- ۲۴- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۵)، **میزان الحکمة**، قم: دار الحدیث.
- ۲۵- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴)، **اخلاق در قرآن**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، دیگران، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- 28- Annas, j., Ethics and Morality, *Encyclopedia of ethic*, 1 (1991): 329-331.
- 29- Baran, B., Facebook as a Formal Instructional Environment, *British Journal of Education*, 2010: 146-149.
- 30- Bosch, T., Preez, A., Using Online Social Networking for Teaching and Learning: Facebook Use at the University of Cape. *South African Journal for Communication Theory and Research*, 2009: 200-285.
- 31- Brandstrom, Camilla., (2011), **Using the Internet in Education-Strengths and Weaknesses**, Queens University.
- 32- Gulbaharm Y., Current State of Usage of Social Media for Education: Case of Turkey, *Journal of Social Media Studies*, 1(1) 2014: 53-69.
- 33- Kietzmann, J., Hermkens, K., McCarthy, I., Silvestre, B., Social Media? Get Serious! Understanding the Functional Building Blocks of Social Media, *Business Horizon*, 54(3) 2011: 241-251.
- 34- Krämer, N., Winter, S., The Relationship of Self-Esteem, Extraversion, Self-Efficacy and Self-Presentation Within Social Networking Sites, *Journal of Media Psychology*, 20(3) 2008: 106-116.
- 35- Li, Yan., Yingju, Yan., Qiang, Deng., Robert, H., Privacy Leakage Analysis in Online Social Networks,

Research Collection School Of Information Systems,
49 (2015): 239-254.

36-Prez, T., Araiza, M., Using Facebook for Learning: A Case Study on the Perception of Students in Higher Education, *Social and Behavioral Sciences*, 2013: 3259-3267.

37-Roblyer, M., McDaniel, M., Webb, M., Herman, J., Witty, J., Findings on Facebook in Higher Education: A Comparison of College Faculty and Student Uses and Perceptions of Social Networking Sites, *The Internet and Higher Education*, 2010: 134-140.

38-Selwyn, N., Faceworking: Exploring Students' Education Related Use of Facebook, *Learning, Media and Technology*, 2009: 157-174.

39-Tadeu, P., Joana, L., Social Network in Education: A Mathematical Pilot Test. *Social and Behavioral Sciences*, 2014: 2409-2418.

40- Wang, Q., Woo, H., (2008), **New Educational Technology**, New York: Nova Science Publishers, 183-199.

41- **Webster dic**, Online, 2008.

42- Young, K., Ties, Social Networks and the Facebook Experience, *International Journal of Emerging Technologies and Society*, 2011: 20-34.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی

دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ

نویسندگان: فریده رضایی (ایران)^۱، علی فاطمی منس (ایران)^۲، شهره مختاری (ایران)^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۴

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴

چکیده

تألیف قلوب و مدارا با انسان‌ها یکی از بزرگترین سفارش‌های دین مبین اسلام به مسلمانان است، و این مهم یکی از اهداف اصلی تأسیس دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ محسوب می‌شود؛ زیرا به واسطه امکان ارتباط راحت، سریع و ارزان با مردم سراسر جهان- در شیوه آموزش از راه دور- فرصت بی‌نظیری وجود دارد تا کشورهای گوناگون با فرهنگ ایرانی- اسلامی آشنا شده، و دیدگاه مثبتی نسبت به شیعیان ایرانی پیدا کنند؛ از این رو، در پژوهش حاضر با توجه به نکات ارائه شده در آیات و احادیث معتبر، تحقیقی میدانی از فارغ‌التحصیلان نیمسال دوم تحصیلی سال ۹۶-۱۳۹۵ که تعداد ۳۰ نفر از ملیت‌های گوناگون بودند، به عمل آمد، و میزان موفقیت دانشگاه مجازی در این رابطه سنجیده شد؛ سپس بر روی پاسخ‌های به دست آمده تحلیل آماری صورت گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش گویای آن است، که دانشگاه مجازی تا حد زیادی در زمینه تألیف قلوب موفق عمل کرده، و توانسته است رضایت بیشتر دانش‌پژوهان با ملیت‌های گوناگون را جلب نموده، و تصورات مثبتی نسبت به اسلام و ایران در

۱- استادیار دانشگاه فرهنگیان حضرت معصومه، قم، ایران، frezaee1342@gmail.com

۲- مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، قم، ایران،

FATEMI2435@yahoo.com

۳- مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، قم، ایران،

mokhtari.shohreh@gmail.com

ذهن آن‌ها ایجاد کند. با توجه به این امر مشخص می‌شود، که می‌توان از دریچه دنیای مجازی و با جذب قلب‌های انسان‌ها، با تبلیغات سوء علیه ایران و اسلام مبارزه نمود، و با هزینه‌ای کمتر از هزینه تبلیغات سوء صورت گرفته- در همه کشورها- پایگاهی برای دفاع از دین اسلام، مذهب شیعه و فرهنگ ایرانی در میان قلب‌های انسان‌ها تأسیس نمود.

واژگان کلیدی: تألیف قلوب، سیاست‌های آموزشی، دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ

مقدمه

امروزه یکی از مسائل مهم در سطح جهانی برقراری ارتباط سالم و ایجاد سازگاری بین افراد است؛ به گونه‌ای که جامعه جهانی^۱ به سوی پیشرفت و تکامل گام برداشته، و بتواند راهگشای خود و دیگران باشد.

با بررسی آئین‌ها و ادیان الهی مختلفی که در سطح جهان بین جوامع رسمیت دارد، می‌توان دریافت که اساس و پایه تمامی آن‌ها برقراری صلح و دوستی در بین افراد است؛ از آن‌جا که انسان دارای فطرتی خداجوست، صفات شایسته انسانی در او ذاتی است، و فطرت او به گونه‌ای سرشته شده است که پیوسته جویای تکامل، پیشرفت و بهتر شدن است.

یکی از دلایل اسلام‌گرایی افراد در این برهه از تاریخ، توجه این دین به صلح و آرامش است؛ در جهانی که برخی آرامش آن را بر هم زده، و دنیای اطراف خود را به جهانی پر از کینه و نفاق تبدیل نموده‌اند- به‌حق- باید اذعان نمود که صلح و دوستی نعمتی کمیاب و دری‌گران‌بها است.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۹۳

تفاهم و درک متقابل، چیزی است که قرآن کریم همگان را بدان فرا می‌خواند، و آن را نه تنها به دینداران؛ بلکه به عموم افراد بشر - جز آنان که راه ستم‌پیشگی و ستیزه‌جویی در پیش گرفته‌اند - توصیه می‌کند.

امام علی علیه السلام در حدیث شریفی خوش‌خلقی را زمینه‌ای جهت کسب و جذب قلوب و تأکید دوستی‌ها می‌داند؛ دوستی‌ای که در پی آن انسان آرامش خاصی خواهد یافت:

«حَسَنُ الْخُلُقِ يُوْرِثُ الْمَحَبَّةَ وَيُوَكِّدُ الْمَوَدَّةَ»^۱ خوش‌اخلاقی محبت را به ارث می‌گذارد، و مودت و دوستی را محکم می‌کند.

به طور کلی، احترام به دیگر مذاهب و اعتقادات آن‌ها نه تنها در قرآن کریم و از سوی خداوند متعال مورد تأکید است؛ بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پیوسته آن را مد نظر داشتند؛ لذا احترام به آئین و مذهب دیگران می‌تواند پشتوانه محکمی برای جذب قلوب و ترویج صلح و دوستی در بین افراد باشد؛ چه بسا افرادی که بعد از دیدن چنین برخورد و احترامی از مسلمین، به دین اسلام - که کاملترین دین است - جذب شده، و به آن گرویده‌اند.

در این میان، جامعه المصطفی علیه السلام العالمية بیش از ۳۰ سال است، که در مراکز گوناگون به آموزش حضوری و مجازی زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان می‌پردازد، که واحد دانشگاه مجازی آن یکی از آن‌هاست.

دانشگاه مجازی المصطفی علیه السلام از سال ۱۳۸۷ به عنوان بخشی از جامعه المصطفی علیه السلام در رشته‌های گوناگونی هم‌چون آموزش زبان فارسی به ارائه خدمات آموزشی به افرادی که امکان تحصیل حضوری ندارند، شروع به کار کرد، و به علت انعطافی که در ساعت کار خود ایجاد کرده است، به صورت شبانه‌روزی به

آموزش زبان فارسی می‌پردازد تا زبان‌آموزان بتوانند از سراسر جهان با این دانشگاه ارتباط برقرار کنند، و به فراگیری زبان فارسی بپردازند.

پژوهشگران این مقاله، در صدد هستند میزان موفقیت گروه زبان فارسی دانشگاه مجازی را در جذب قلوب دانشجویان- در هر مذهب و فرقه‌ای- را سنجیده، و به این نتیجه دست یابند که بخش آموزش زبان فارسی دانشگاه- در این زمینه- تا چه میزان موفق بوده است؟

از آن‌جا که این بخش، هم مخاطب فراوانی دارد و هم بیشتر مخاطبان این دانشگاه قبل از ورود به رشته‌های مختلف و ادامه تحصیل نیازمند آشنایی با زبان فارسی- به عنوان زبان دوم جهان اسلام- هستند، برای نیل به این مقصود، پیشینه تحقیقات قبلی- به ترتیب زمانی- ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش

۱- ارجینی (۱۳۸۵) در مقاله «تألیف قلوب در اسلام» در ضمن بیان آیه‌ای از قرآن کریم در مورد مصرف زکات، به شناسایی «مؤلفه قلوب» پرداخته، و دیدگاه فقهای شیعه و اهل تسنن درباره مصادیق آن را بیان می‌کند، که در نتیجه تحقیق، یکی از راه‌های مسالمت‌آمیز برای دعوت به اسلام در کنار کارهای فرهنگی را کمک‌های اقتصادی معرفی می‌کند؛ لذا تا زمانی که از این طریق امکان جذب کفار به دین اسلام باشد، نوبت به جهاد نظامی نمی‌رسد.

۲- سلطانی (۱۳۸۸) در مقاله «اصول همزیستی با غیر مسلمانان از منظر قرآن کریم» به بیان اصولی می‌پردازد، که ناظر بر روابط غیر مسلمانان است، که اولین اصل آن دعوت به یکتاپرستی و دین اسلام است.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۹۵

با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز، یکی از آن راه‌ها، دعوت کافران به اسلام با تشویق مالی است تا دل‌هایشان به سوی اسلام متمایل شود، که از آن به عنوان اصل تألیف قلوب یاد شده است.

۳- ضرغامی (۱۳۸۹) در تحقیقی به عنوان «وضعیت آموزش مجازی با هدف‌های تربیت از دیدگاه فلسفه هستی» به نقش آموزش مجازی با هدف‌های تربیتی می‌پردازد؛ تجربه مجازی بیش از آن‌که تجسیدی و همراه با درگیری کامل بدنی با واقعیت باشد، مشاهده‌ای و ذهنی است؛ لذا آموزش مجازی در زمینه آماده کردن فراگیران برای شغل و زندگی آینده، فرصت‌های فراوان و مفیدی فراهم کرده است.

در نتیجه‌گیری تحقیق نیز به برخی تلویح‌های کاربردی هم‌چون پیگیری آموزش مجازی در کنار آموزش حضوری و چهره به چهره، تأکید بر جامع‌نگری در بهره‌گیری از آموزش مجازی به جای یکسونگری فنی، طراحی آموزشی مجازی برای تسهیل خردورزی، نقد و خلاقیت پیشنهاد شده است.

۴- چگنی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش و پژوهش مجازی؛ مزیت‌ها و چالش‌ها» به شکل‌گیری و ضرورت فضای مجازی اشاره کرده است، و دانشگاه مجازی را به عنوان یکی از گونه‌های آموزش مجازی مطرح نموده، که بر پایه آموزش‌های الکترونیکی دروسی ارائه می‌شود، که نتایج مشابه با یک دوره تدریس در دانشگاه سنتی را دارد.

در همین خصوص به معرفی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ می‌پردازد، و آن را به عنوان نهاد متولی گسترش معارف ناب اسلامی در محیط بین‌الملل با هدف

بهره‌گیری هوشمندانه از آخرین فناوری‌های آموزش روز که قدم در فضای غیر حضوری نهاده است، معرفی می‌نماید؛ به طوری که اکنون با ساختاری مناسب و هماهنگ با ماهیت آموزش الکترونیکی در قالب گروه‌های علمی و غیره مشغول فعالیت هستند.

۵- دهباشی شریف و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد رشته تربیت مدرس آموزش مجازی زبان گامی ضروری برای توسعه مشارکت علمی در اجتماعات مجازی» به مسئله اهمیت گسترش زبان خارجی پرداخته‌اند.

ضرورت دسترسی به اطلاعات روز در مجامع علمی و دانشگاهی و توسعه شبکه‌های تخصصی در سطح جهانی، توجه محافل علمی را به گسترش زبان خارجی یا قرار دادن زبان ملی خود در فهرست زبان‌های قابل تعلیم خارجی جلب کرده است.

برای رسیدن به این مهم، ایجاد رشته تربیت مدرس آموزش زبان خارجی می‌تواند گامی اساسی برای مشارکت فعال در اجتماعات تخصصی، و اقدامی مؤثر برای رشد و توسعه هویت علمی و فرهنگی کشور به شمار آید.

۶- مبلغ دایمیر دادی (۱۳۹۱) در تحقیقی به عنوان «تألیف قلوب و سیاست»، تألیف قلوب را از جهت اقتصادی در زمینه زکات و ارتباط آن با سیاست را بررسی نموده است.

پژوهشگر معتقد است ویژگی سیاست انسانی- الهی، که با تألیف قلوب سازگار است، آن است که- غالباً- با تساهل و مهرورزی سیاسی همراه و تألیف قلوب، راهبرد سیاست دلجویی و مهرورزی اسلام است.

۷- وکیلی‌فرد، مهدوی و خدادادیان (۱۳۹۱) در پژوهشی به عنوان «ابزارهای آموزش زبان فارسی در محیط مجازی: از طراحی تا اجرا» ضرورت آموزش زبان فارسی در قالب دوره‌های مجازی را بیان کرده‌اند. آموزش زبان فارسی به عنوان زبان خارجی با توجه به گستردگی و پراکندگی داوطلبان حجم بالای درخواست، عدم وجود منابع کافی و دشوار بودن ارائه دوره‌های حضوری آموزش زبان فارسی برای همگان، اهمیت راه‌اندازی دوره‌های مجازی و غیر حضوری را دو چندان کرده است.

محققین با انجام نیازسنجی و امکان‌سنجی نتیجه گرفتند در ارائه محتوای مناسب آموزشی زبان فارسی باید ابزارهای تازه‌ای متناسب با نوع محتوای درسی ساخته شود، که راهکارهای متعددی در این خصوص ارائه نموده‌اند. مقالات پژوهشگران به سه موضوع تألیف قلوب، آموزش مجازی و زبان به صورت جداگانه پرداخته‌اند، و مورد تحلیل و تحقیق قرار داده و نتایجی را بیان نموده‌اند؛ اما در پژوهش متمرکز آن‌ها به ارتباط این سه موضوع در قالب گروه زبان فارسی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ پرداخته شده است تا از این جهت به موضوعی بدیع و کاربردی پرداخته، و بتوان نتایج آن را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش زبان فارسی در فضای مجازی مورد استفاده قرار داد.

۸- حاجی جباری (۱۳۹۲) در تحقیقی به عنوان «بررسی تألیف قلوب در فقه امامیه» با نگاه جامع‌تری، اصل تألیف قلوب را بررسی کرده، و می‌نویسد:

می‌توان به این اصل نگاه جامع‌تری داشت، و در سطح کلان بین‌المللی و داخلی و روابط بین مسلمانان با یکدیگر و با سایر فرق اسلامی را بهبود بخشید، و با توجه به فراگیر بودن موضوع تألیف قلوب در متن قرآن کریم و احکام فقهی، آن را به عنوان یک قاعده فقهی مطرح نموده است.

۹- دهقانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تأثیر فرهنگی (پیوست فرهنگی)

فعالیت در فضای مجازی» به تأثیرگذاری فرهنگی اشاره می‌کند.

در این پژوهش، سیستم‌های آموزشی به مثابه یکی از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی بشر از چنین وضعیتی برخوردارند؛ در این خصوص، جایگاه دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ به عنوان مرکزی آموزشی - دینی را که در فضای مجازی به فعالیت می‌پردازد، معرفی می‌کند.

بنابراین، پیشنهاد می‌کند دانشگاه مجازی به تأثیرات فرهنگی خود به صورت جدی اندیشیده، و با این ارزیابی به پیوست فرهنگی دست یابد که بر اساس آن تأثیرات مطلوب را تقویت کرده، و تأثیرات نامطلوب فرهنگی فعالیت خود را تعدیل کند.

در این پژوهش سعی شده است روش‌های موجود در ادبیات نظری، ارزیابی تأثیر اجتماعی - که ارزیابی تأثیر فرهنگی یکی از ابعاد آن محسوب می‌شود - با نگاهی به نظریه‌های فرهنگی موجود در حوزه فرهنگ آموزش مجازی، افق‌هایی از این تأثیرات گشوده شده، و راهکارهای متناسب با آن به مدیریت دانشگاه مجازی پیشنهاد شود.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۹۹

۱۰- کریمی و داوری (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «عوامل و چالش‌های وحدت سیاسی اجتماعی در نظام مردم‌سالار دینی از منظر قرآن کریم» در صدد پاسخ به این سؤال هستند، که:

○ عوامل و چالش‌های وحدت سیاسی اجتماعی در نظام

مردم‌سالار دینی چیست؟

آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند، که عوامل و ظرفیت‌های وحدت‌بخش در جامعه، اخوت و عدالت، تألیف قلوب و صلح است، و در ادامه عوامل وحدت‌آفرین و وحدت‌زای اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی با بیان مصادیق و شواهدی از رهبران انقلاب اسلامی با روش توصیفی - تمثیلی بررسی شده است.

۱۱- میر محمدی و شریفی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تألیف قلوب؛ مفهوم، قلمرو و کاربست آن در وضعیت معاصر»، درباره تألیف قلوب می‌نویسند: تألیف قلوب به عنوان یکی از موارد مصرف زکات، ریشه در قرآن دارد، و هدف از آن همدلی و جستجوی روابط دوستانه و ملیت‌همکاری در حفظ صلح و امنیت جوامع اسلامی است.

رویکرد این تحقیق، فقه تطبیقی است، و نتیجه گرفته می‌شود که تألیف قلوب مفهومی گسترده دارد، که هدف آن از یکسو جلب همدلی افراد صاحب رأی و نفوذ برای همراهی و همکاری با جوامع اسلامی است؛ و از سوی دیگر، تقویت باورهای دینی و مکتبی مسلمانان است.

مبانی نظری پژوهش

اسلام دین ایجاد انس و دوستی میان قلب‌های انسان‌ها است، و از این رو به تألیف قلوب اهمیت فراوانی داده است، که در ادامه به بررسی موردی تألیف قلوب پرداخته می‌شود.

تألیف از ریشه «إلف» است، و مفهوم اجتماع یا پیوستن به جمع و ضمیمه کردن دو جزء کنار هم معنا می‌دهد،^۱ که همراه با انس، دوستی، و مهربانی با دیگران به کار برده می‌شود.

تألیف قلوب نیز که ترکیبی اضافی است، به ایجاد اتحاد میان کسان تعبیر می‌شود، که همان ایجاد دوستی و محبت میان مردم است.^۲

بر این اساس، تألیف قلوب به معنی پیوند دادن معنوی دو چیز به یکدیگر است؛ اما در اصطلاح فقهی به معنای حمایت اقتصادی پیامبر، امام یا حاکم اسلامی از کفار، منافقین یا مسلمانان متزلزل است تا آن‌ها به همراهی با اسلام ترغیب شوند، و به این روش - به نوعی - از اسلام دفاع شود؛ لذا افرادی که با این نیت حمایت می‌شوند، «الْمَوْلَفَةُ قُلُوبُهُمْ» یا «مَوْلَفَةُ الْقُلُوبِ» نامیده می‌شوند.

به طور کلی، در آیات و روایات توجه ویژه‌ای به تألیف قلوب شده است، که در ادامه به برخی اشاره می‌شود:

- توجه به «تألیف قلوب» بین مؤمنان

«هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَالْفِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۳

۱- فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۳۶.

۲- دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ذیل حرف «ت».

۳- انفال، ۶۳-۶۲.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۱۰۱

او بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند ساخت، و میان دل‌های آنان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌های آنان الفت برقرار کنی؛ اما خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ چرا که او توانای حکیم است.

- نعمت برادری میان مسلمانان

«وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۱ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد تا به لطف او برادران هم شدید.

- مستحقین دریافت زکات

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۲ صدقات، تنها به فقیران و بینوایان و متصدیان آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و در راه مانده، اختصاص دارد؛ [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.

- نبی مکرم اسلام ﷺ

«خياركم احسنكم اخلاقا الذين يالفون و يؤلفون»^۳ بهترین شما از لحاظ اخلاقی کسانی هستند، که انس و الفت ایجاد می‌کنند، و با دیگران الفت می‌گیرند.

۱- آل عمران، ۱۰۳.

۲- توبه، ۶۰.

۳- نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص. ۴۵۱.

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام

«طوبی لمن یألف الناس و یألفونه علی طاعة الله»^۱؛ خوش به حال

کسی که با مردم انس و الفت می‌گیرد، و مردم هم بر اطاعت از خداوند با او الفت می‌گیرند.

در یک نگاه اجمالی، حداقل سه دیدگاه در مورد این که تألیف شونندگان چه کسانی هستند، وجود دارد:

۱- فقط کفار؛

۲- منافقان و برخی مسلمانان ضعیف الایمان؛

۳- قول به جمع.

شهید اول با اشاره به قول به جمع، به دیدگاه بزرگانی هم‌چون شیخ مفید^۲، ابن ادریس حلی^۳، محقق حلی و علامه حلی اشاره می‌کند، که تألیف شونندگان را علاوه بر کفار، گروهی خاصی از مسلمانان نیز می‌داند؛^۴ سپس به تشریح تألیف شونندگان مسلمان می‌پردازد، که این گروه از مسلمانان نیز جزو تألیف‌شونندگان بوده‌اند.

این گروه نیز به چهار دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱- گروهی از مسلمانان که در میان کفار طرفدارانی دارند، با پرداخت قسمتی

از زکات به آنها، طرفداران مشرکشان به اسلام آوردن ترغیب می‌شوند.

۱- مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۵۶.

۲- مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۴۱.

۳- حلی (محمد بن منصور)، ۱۴۱۰، ص ۴۵۷.

۴- حلی (نجم‌الدین جعفر)، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۳؛ حلی (حسن بن یوسف)، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۰۰.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۱۰۳

۲- آن دسته از مسلمانان که ضعیف‌الایمان هستند، و پرداخت زکات به آنان موجب پایداری آن‌ها در دین می‌گردد.

۳- آن عده از مسلمان‌ها که با گرفتن زکات، به جمع‌آوری زکات از دیگران کمک می‌رسانند، و موجب بی‌نیازی امام مسلمین از گسیل داشتن عاملان زکات می‌گردد.

۴- دسته‌ای از مسلمانان مرزنشین که پرداخت زکات به آنان باعث می‌شود از مرزها در برابر نفوذ و هجومه کفار محافظت کنند، و یا دیگران را به اسلام متمایل گردانده و در نشر اسلام به اطراف مرزهای اسلامی گام بردارند.^۱

بر این اساس- در این پژوهش- به موضوع میزان موفقیت دانشگاه مجازی در تألیف قلوب پرداخته می‌شود.

نتیجه آن‌که تألیف قلوب، از اهداف اصلی فعالیت‌های بین‌المللی مسلمانان است، که در چنین وضعیتی، دانشگاه مجازی با داشتن دانشجویانی از بیش از ۶۰ کشور، به عنوان یکی از دریچه‌های ارتباطی مسلمانان ایران با مردم جهان می‌بایست توجه ویژه‌ای در جذب قلوب انسان‌ها داشته باشد.

برای نیل به این مقصود، ابتدا پرسشنامه‌ای شامل ۱۵ سؤال تهیه شد، و به صورت تصادفی در اختیار ۳۰ نفر از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه قرار گرفت تا میزان محبوبیت این دانشگاه، استادان و دیدگاه افراد نسبت به ایران و تشیع پس از آشنایی با دانشگاه مجازی بررسی شود.

۱- شهید اول، ۱۴۱۲، صص. ۳۱۴-۳۱۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص. ۴۶.

محورهای بررسی شده در این پرسشنامه‌ها- که در ذیل هر بند تبیین می-شود- عبارت است از:

أ. دین اسلام؛ دین انس و الفت

از مهم‌ترین اهداف تربیتی و سیاسی و اجتماعی اسلام و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای اسلام در جامعه آشفته و پراکنده جاهلی صدر اسلام است. در این میان، دانشگاه مجازی به عنوان نهادی اسلامی و شیعی، دانشجویانی از دین‌ها و مذاهب گوناگون دارد؛ هر چند وظایف مریبان آن برای جذب قلوب دانشجویان سخت‌تر است؛ چرا که رفتار آن‌ها می‌تواند تبلیغی مثبت یا منفی برای شیعیان محسوب شود.

ب. بسترهای ایجاد کننده تألیف قلوب و انس

انس و الفت در صورتی می‌تواند در میان افراد رواج یابد، و به عنوان صفتی پسندیده در ذات آن‌ها جای گرفته و رشد کند، که بسترهای ایجاد و رشد آن فراهم شود؛ لذا انسان‌ها در صورتی می‌توانند نسبت به یکدیگر مهربان باشند که از بسیاری از رفتارهای تهدیدزا دوری نمایند.

از طرف دیگر، توجه به محبت و دوستی، احترام به شخصیت افراد، پایبندی به اصول اخلاقی، پرهیز از ردائلی مثل خودخواهی و غرور، تفرقه و جدایی، قومیت و نژادپرستی می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به انس و الفت باشد. بسترهای ایجاد کننده تألیف قلوب را می‌توان در محورهای زیر مشاهده کرد:

۱- تفرقه‌گریزی؛^۱

۱- ر.ک: آل عمران، ۱۰۵ و ۱۰۳؛ انعام، ۱۶۰ و ۱۵۳؛ انفال، ۸؛ روم، ۳۲.

۲- عدم پایبندی به قومیت و نژادپرستی؛^۱

۳- ترویج صلح جهانی؛^۲

۴- توجه به محبت و دوستی؛^۳

ج. کارکرد دانشگاه مجازی- به ویژه استادان- در تقویت و تألیف قلوب

دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ به عنوان نهادی که به واسطه مجازی بودن، امکان تعامل با مردم سراسر جهان را دارد، می‌تواند به عنوان نماینده‌ای از شیعیان در ذهن افراد مطرح شود- و خواه ناخواه- هر رفتار از ناحیه استادان آن به همه شیعیان و ایرانیان تعمیم داده می‌شود.

از این رو توجه زیادی باید در این زمینه صورت گیرد، و استادها و کارشناسان و همه افرادی که با دانشجویان برخورد دارند- لازم است- تلاش خود را برای تألیف قلوب و خودداری از رفتارهای سرد با دانشجویان داشته باشند.

با در نظر گرفتن این مهم، سؤالاتی- به صورت زیر- در این زمینه در

پرسشنامه گنجانده شد:

۱- رفتار استادان با شما در کلاس چطور بود؟

طیف	بسیار خوب	خوب	معمولی	بد	خیلی بد
تعداد	۱۹	۸	۲	۱	۰
درصد	۶۳,۳٪	۲۶,۶٪	۶,۶٪	۳,۳٪	۰

۱- ر.ک: حجرات، ۱۳.

۲- ر.ک: بقره، ۲۰۸؛ نساء، ۴۸.

۳- ر.ک: مائده، ۵۴؛ طه، ۳۹؛ حجرات، ۷.

با توجه به ارقام به دست آمده در این بخش، مشخص می‌شود که استادان دانشگاه توانسته‌اند نقش مهمی در تألیف قلوب داشته باشند، و با وجود فرهنگ‌های متفاوت دانشجویان، ۳،۳٪ از دانشجویان عملکرد آنها را بسیار رضایت‌بخش توصیف کرده، و ۶،۶٪ از دانشجویان نیز رفتار استادها را خوب ارزیابی کرده‌اند، و تنها ۳،۳٪ رضایت اندکی از برخورد استاد داشته‌اند که این امر نشان دهنده موفقیت دانشگاه مجازی در این زمینه است.

۲- برخورد استادان در شبکه‌های مجازی با شما چگونه بود؟

طیف	بسیار خوب	خوب	معمولی	بد	خیلی بد
تعداد	۱۶	۶	۷	۱	۰
درصد	۵۳،۳٪	۲۰٪	۲۳،۳٪	۳،۳٪	۰

همان‌گونه که از آمار به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها قابل مشاهده است، ۳،۳٪ از دانشجویان، عملکرد استادان در خارج از کلاس را مثبت ارزیابی نموده‌اند، که از این تعداد، ۳،۳٪ رضایت کامل داشته‌اند، و تنها ۳،۳٪ از فعالیت استاد در گروه‌های مجازی اعلام نارضایتی کرده‌اند؛ این درحالی است که ۳،۳٪ از دانشجویان نیز برخوردهای استادها را متوسط دانسته‌اند.

۳- آیا استادان، میان شما و ملیت‌های دیگر تفاوت قائل می‌شدند؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	معمولی	کم	اصلاً
درصد	۵۳٪	۷۳،۳٪	۲۳،۳٪	۳،۳٪	۰

همان‌گونه که از آمار به دست آمده از پرسشنامه‌ها قابل مشاهده است، ۳،۳٪ از دانشجویان، عملکرد استادان در خارج از کلاس را مثبت ارزیابی نموده‌اند، که از این تعداد، ۳،۳٪ رضایت کامل داشته‌اند، و تنها ۳،۳٪ از فعالیت استادان در گروه‌های مجازی اعلام نارضایتی کرده‌اند؛ این درحالی است که ۳،۳٪ از دانشجویان نیز برخوردهای استادها را متوسط دانسته‌اند.

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۱۰۷

۴- آیا زبان‌آموزان از کرامت لازم که شایسته آن‌هاست، برخوردار بوده‌اند؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۰	۱	۲	۵	۲۲
درصد	۰	٪۳,۳	٪۶,۶	٪۱۶,۶	٪۷۳,۳

اعداد و ارقام گویای آن است، که ٪۷۳,۳ در طول مدت تحصیل در دانشگاه مجازی هیچ موردی از تبعیض میان قومیت‌های مختلف را مشاهده ننموده‌اند، ٪۱۶,۶ نیز به میزان خیلی کم شاهد چنین رفتارهایی بوده‌اند، و تنها ٪۳,۳ ابراز نارضایتی کرده‌اند، که این آمار برای دانشگاه مجازی رضایت‌بخش است.

۵- دانشگاه مجازی توانست با شما ارتباط دوستانه برقرار کند؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۱۰	۱۶	۲	۲	۰
درصد	٪۳۳,۳	٪۵۳,۳	٪۶,۶	٪۶,۶	۰

مطابق با آمار، ٪۳۳,۳ از افراد، رفتار کلی کارمندان دانشگاه را بسیار دوستانه دانسته‌اند، ٪۵۳,۳ این رفتار را دوستانه و رضایت‌بخش قلمداد کرده، و ٪۶,۶ میزان برخورد دوستانه را کم دانسته‌اند؛ البته ٪۶,۶ نیز این ارتباط دوستانه را خیلی کم و بیشتر رسمی و اداری اعلام کرده‌اند، که این آمار نشان دهنده توجه فراوان همه افراد شاغل در دانشگاه به تألیف قلوب بوده است.

۶- آیا تا به حال مشکلی با دانشگاه مجازی داشته‌اید؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۰	۰	۲	۱۰	۱۸
درصد	۰	۰	٪۶,۶	٪۳۳,۳	٪۶۰

نتایج بالا نشان دهنده آن است، که ۶۰٪ از فراگیران در طول تحصیل در دانشگاه مجازی دچار هیچ‌گونه مشکلی نشده‌اند، ۳،۳۳٪ شاهد مشکلات بسیار اندکی بوده‌اند، و ۶،۶٪ با مشکلات کمی مواجه بوده‌اند، نکته مهم این‌که هیچ‌یک از دانشجویان، مشکلات زیاد یا بسیار زیاد را انتخاب نکرده‌اند.

۷- نظر شما درباره اسلام و شیعیان- پس از آشنایی با دانشگاه مجازی-

بهبتر شده است؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۷	۱۲	۸	۲	۱
درصد	۳،۳٪	۴۰٪	۲۶،۶٪	۶،۶٪	۳،۳٪

آمار بالا از دانشجویان شیعه و غیر شیعه به دست آمده است، که نشان می‌دهد نظر ۳،۳٪ از افراد پس از برخورد با استادان تغییر بسیار زیادی کرده است، ۴۰٪ این تغییر را زیاد دانسته‌اند، ۲۶،۶٪ از زبان‌آموزان تغییر نظر اندکی داشته‌اند، ۶،۶٪ نظرشان تا حد بسیار کمی تغییر نموده است، و از نظر ۳،۳٪ نیز ارتباط استادان تأثیری بر آن‌ها نداشته است.

۸- آیا کارهای دانشگاه مجازی تأثیری در ایجاد تفرقه در کلاس شما داشته است؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۰	۰	۱	۳	۲۶
درصد	۰	۰	۳،۳٪	۱۰٪	۸۶،۶٪

با توجه به اعداد و ارقام، هیچ‌یک از دانشجویان گزینه زیاد و بسیار زیاد را انتخاب نکرده‌اند، ۳،۳٪ از دانشجویان این تأثیر را کم دانسته، و ۱۰٪ از افراد نیز اعلام کرده‌اند که این تأثیر ۱۰٪ است؛ هم‌چنین ۸۶،۶٪ از دانشجویان اعلام کرده‌اند که دانشگاه مجازی تأثیری در ایجاد تفرقه نداشته است.

۹- آیا تحصیل در دانشگاه مجازی را به دوستانان پیشنهاد می‌کنید؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۱۳	۱۵	۲	۰	۰
درصد	۴۳,۳٪	۵۰٪	۶,۶٪	۰	۰

با توجه به نتایج به دست آمده از پرسشنامه، ۴۳,۳٪ از دانشجویان گزینه بسیار زیاد را انتخاب کرده‌اند؛ یعنی دوستانشان را تا حد بسیار زیادی به تحصیل در دانشگاه مجازی تشویق می‌کنند، ۵۰٪ از افراد نیز گزینه زیاد را انتخاب نموده‌اند؛ این بدان معناست که ۹۳,۳٪ از دانشجویان- به عنوان مبلغ در کشورهای گوناگون- برای دانشگاه مجازی به تبلیغ می‌پردازند، ۶,۶٪ از افراد نیز اعلام کرده‌اند که کمی برای دانشگاه تبلیغ می‌کنند؛ اما هیچ‌کس گزینه خیلی کم و اصلاً را انتخاب نکرده است.

۱۰- بعد از فارغ‌التحصیلی با استادها در تماس خواهید بود؟

طیف	بسیار زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً
تعداد	۱۸	۱۰	۰	۲	۰
درصد	۶۰٪	۳۳,۳٪	۰	۶,۶٪	۰

نتایج پرسشنامه نشان می‌دهد، ۶۰٪ از افراد گزینه بسیار زیاد و ۳۳,۳٪ نیز گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند، و این بدان معناست که ۹۳,۳٪ از دانشجویان با استادهایشان ارتباطی دوستانه دارند؛ هم‌چنین ۶,۶٪ از افراد گزینه خیلی کم را انتخاب کردند، که نشان دهنده موفقیت استادان در تألیف قلوب دانشجویان است.

۱۱- خدمات دانشگاه مجازی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصلاً	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	طیف
۰	۱	۲	۷	۲۰	تعداد
۰	٪۳	٪۶,۶	٪۲۳,۳	٪۶۶,۶	درصد

کلیت پاسخ‌ها به این پرسش نشان می‌دهد ۶۶,۶٪ دانشجویان، این دوره‌ها را بسیار خوب ارزیابی کرده‌اند، ۲۳,۳٪ کیفیت دوره آموزشی در دانشگاه را خوب دانسته‌اند، ۶,۶٪ از این تعداد، دوره‌ها را معمولی شمرده‌اند، که این افراد نیز ابراز نارضایتی نکرده‌اند، و تنها ۳٪ از افراد از این دوره‌ها راضی نبوده‌اند- که در مجموع- آمار رضایت‌بخشی است.

د. موانع و آسیب‌های پیش‌رو

ی. راهکارهای پیشنهادی جهت کارآیی بهتر

در انتهای این بخش، به ارائه پیشنهادهایی به منظور رسیدن به کارایی بهتر و مناسب‌تر از پژوهش، پرداخته می‌شود:

- ۱- برخوردارها می‌بایست همراه با خوش‌حلقی، مدارا، نرمش و رأفت، طمأنینه و آرامش باشد.
- ۲- لازم است از خشونت و عکس‌العمل‌های آنی جلوگیری کرد.
- ۳- در محیط کلاس باید به مسائل فرهنگی و اسلامی نیز پرداخت.
- ۴- پیش از شروع کلاس‌ها، پیشینه‌ای از دین و ملیت فراگیران به استادها ارائه شود تا از برخی از مشکلات بالقوه جلوگیری شود.

- ۵- استادان، نمایندگان شیعیان و ایرانیان هستند؛ این مهم همیشه در نظر گرفته شود.
- ۶- در کلاس‌های چندملیتی نیاز است بیش از پیش به عدالت در کلاس توجه شود تا از بروز سوء تفاهم‌ها جلوگیری شود.
- ۷- از شوخی‌های دینی و قومی در محیط کلاس و در شبکه‌های مجازی خودداری شود.
- ۸- رأفت اسلامی در همه مراحل برخورد با دانشجویان مدنظر قرار گیرد.
- ۹- کلاس می‌بایست پویا و جذاب باشد تا شوق فراگیری و ادامه کلاس در زبان‌آموز بیشتر شود.
- ۱۰- احترام به همه ادیان الهی - در همه موقعیت‌ها- رعایت شود.
- ۱۱- به نظرات دانشجویان توجه شود.
- ۱۲- مسائل دینی- به طور غیر مستقیم- و حساب شده طرح شوند.
- ۱۳- همیشه به انس و الفت میان مردم جهان توجه شود.
- ۱۴- به جای تأکید بر مسائل بحث‌برانگیز، تلاش شود به حقیقت دین پرداخته شود.
- ۱۵- در تغییر کلاس، زمان و استاد به نظرات فراگیران توجه شود.
- ۱۶- چنانچه کلاسی به دلایل آموزشی منحل می‌شود، نسبت به انتقال سریع دانشجویان خواهان ادامه تحصیل آن کلاس به کلاس‌های دیگر، اقدام شود.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، ابتدا آیات و روایات مرتبط با تألیف قلوب استخراج شد، و نکات مرتبط با برخورد با دیگران از آن استخراج شد، که این نکات در چند محور تقسیم‌بندی گردید.

در مرحله بعد، پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان انطباق رفتار استادان و کارکنان دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ با محورهای استخراج شده تدوین شد، و در اختیار فارغ‌التحصیلان کاردانی زبان فارسی و معارف اسلامی دانشگاه که تعداد ۳۰ نفر از ملیت‌های گوناگون بودند، قرار گرفت؛ سپس پاسخ‌های هر یک از سؤالات- به طور جداگانه- تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج به دست آمده گویای آن است که دانشگاه مجازی توانسته است با توجه به روح اسلام و نکات مرتبط با تألیف قلوب، تکیه بر کلیات دینی و پرهیز از تأکید بر نکات تفرقه‌برانگیز توانسته است قلب دانشجویانی با ملیت‌های گوناگون را به این نهاد شیعی متمایل نماید تا حدی که این دانشجویان راغب به ادامه همکاری با این دانشگاه هستند، و این دانشگاه را به دیگران معرفی می‌کنند که نشان دهنده رضایت آن‌ها از دوران تحصیلشان در دانشگاه مجازی است.

بر این اساس، می‌توان به کمک توسعه آموزش مجازی آموزش زبان فارسی و بهره‌گیری از استادان و کارکنان متخصص، مؤمن و متعهد فضای کلاس‌ها را جذاب‌تر کرده، و دانشجویان را هر چه بیشتر به فراگیری زبان فارسی ترغیب نمود، و با افزایش پایگاه مردمی در کشورهای مختلف، نه تنها تبلیغات سوء علیه ایران و اسلام را بی‌اثر نمود؛ بلکه بدون پرداخت

جایگاه تألیف قلوب در سیاست‌های آموزشی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ / ۱۱۳

هزینه‌های اضافی، پایگاه‌هایی خودجوش برای آشنا نمودن ملل گوناگون با فرهنگ غنی شیعی ایرانیان در سراسر جهان ایجاد نمود.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ارجینی، حسین،. تألیف قلوب در اسلام، معرفت، ۱۰۵ (۱۳۸۵): ۲۲-۱۱.
- ۴- چگنی، حسن،. آموزش و پژوهش مجازی؛ مزیت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مریبان، ۳۹ (۱۳۹۰): ۱۱۴-۱۱۰.
- ۵- حاجی جباری، ملیحه،. (۱۳۹۲)، بررسی تألیف قلوب در فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران- مرکز.
- ۶- مبلغ دایمیر دادی، محمد امین،. تألیف قلوب و سیاست، معرفت سیاسی، سال ۴، ۷ (۱۳۹۱): ۸۷-۱۰۶.
- ۷- حلی، محمدبن منصور،. (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ ۲، قم: انتشارات اسلامی.
- ۸- حلی، حسن بن یوسف،. (۱۴۱۳)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، چاپ ۲، قم: انتشارات اسلامی.
- ۹- حلی، نجم‌الدین جعفر،. (۱۴۰۷)، المعتمد فی شرح المختصر، تصحیح محمد علی حیدری و دیگران، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
- ۱۰- دهباشی شریف، فروزان، زندگی، بهمن، ضیاحسینی، سید محمد، ابراهیم‌زاده، عیسی، علی‌پور، احمد،. ایجاد رشته تربیت مدرس آموزش مجازی زبان گامی ضروری برای توسعه مشارکت علمی در اجتماعات مجازی، پژوهش اجتماعی، دوره ۴، ۱۰ (۱۳۹۰): ۱۳۵-۱۱۱.

- ۱۱- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۲- دهقانی، روح الله، ارزیابی تأثیر فرهنگی (پیوست فرهنگی) فعالیت در فضای مجازی، *پژوهش های منطقه ای*، ۱۳ (۱۳۹۳): ۲۱۴-۱۷۵.
- ۱۳- سلطانی، اسمعیل، اصول همزیستی با غیر مسلمانان از منظر قرآن کریم، *الاهیات اجتماعی*، ۱ (۱۳۸۸): ۱۶۲-۱۲۱.
- ۱۴- ضرغامی، سعید، نسبت آموزش مجازی با هدف های تربیت از دیدگاه فلسفه هستی، *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۱۱ (۱) ۱۳۸۹: ۶۰-۳۹.
- ۱۵- عاملی (شهید اول)، محمدین مکی، (۱۴۱۲)، *البیان*، تصحیح شیخ محمد حسون، قم: محقق.
- ۱۶- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، تحقیق سید محمد کلانتر، قم: کتابفروشی داوری.
- ۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، *العین*، چاپ ۲، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- ۱۸- کریمی، محمود، داوری، روح الله، عوامل و چالش های وحدت سیاسی اجتماعی در نظام مدرنسالار دینی از منظر قرآن کریم، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۳۶ (۱۳۹۳): ۱۹۱-۱۷۳.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۲۰- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ۲۱- میرمحمدی، سید مصطفی، شریفی، محمد حسین، تألیف قلوب، *حکومت اسلامی*، ۷۹ (۱۳۹۵): ۵۲-۲۷.
- ۲۲- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۲۳- وکیلی فرد، امیر رضا، مهدوی، محمد امین، خدادادیان، مهدی، ابزارهای آموزش زبان فارسی در محیط مجازی: از طراحی تا اجرا، *پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*، سال ۱، ۲ (۱۳۹۱): ۸۲-۶۱.

تحلیل شیطان‌گرایی مدرن از فضای مجازی

نویسندگان: دکتر سید حسن امامیان (ایران)^۱، احمد رفیعی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۳

چکیده

تفکر شیطان‌گرایی به سال‌ها قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام برمی‌گردد؛ زمانی که فشار مسیحیت بر مردم و سختگیری‌های آن‌ها از یک سو و آموزه‌های یهودی-مسیحی، فلسفه یونانی و افول معنویت از سوی دیگر، باعث رشد مخفیانه این حرکت ضد دینی گردید، که با گذشت زمان و با تغییر تمدن‌ها تنها صورت و عنوان آن عوض شده است. برای شناخت وضعیت موجود لازم است حرکت جریان‌های مبلغ این فرقه، و آنچه در مقابل از طرف جریان‌های منتقد در حال ارائه است، جمع آوری شده و نقاط ضعف و قوت آن معلوم شود تا راه‌حلی مناسب برای مقابله با این جریان ارائه گردد. در این پژوهش با ارائه دیدگاه، اعمال، اصول و عقاید شیطان‌پرستی به آسیب‌شناسی آن و راهکارهای برون‌رفت از آن در فضای مجازی، و نیز روند شیطان‌گرایی و بسترهای آن در غرب و ایران پرداخته شده است. بیان این نکته نیز لازم است، که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت شیطان‌پرستان، موسیقی است، که از آن برای ترویج و تبلیغ استفاده می‌کنند؛ نکته دیگر این‌که بیشترین آسیب دیدگان این فرقه فاقد تحصیلات مناسب هستند، و در نهایت به پوچی رسیده‌اند.

واژگان کلیدی: شیطان‌پرستی، شیطان‌گرایی مدرن، تعالیم ضد دینی، فضای مجازی

۱- مدرس گروه فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران،

dr.imamian@gmail.com

۲- رئیس اداره توسعه منابع انسانی، دانشگاه مجازی المصطفی علیه السلام، قم، ایران،

r.rafi60@gmail.com

مقدمه

در دنیای امروز که عصر اینترنت است، شاهد رشد چشمگیر علم و صنعت هستیم به شکلی که بسیاری از خدمات مورد استفاده از طریق رایانه و اینترنت انجام می‌گیرد؛ این مطلب وقتی نمایان‌تر می‌شود که نه تنها شاهد حرکت دانشگاه‌ها برای آموزش از نظام حضوری به تحصیل مجازی بوده؛ بلکه سرمایه‌گذاری چندبرابری نسبت به آموزش حضوری مشاهده می‌شود؛ از همین قبیل شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که بزرگترین ارائه‌کننده مباحث و انتقال دهنده اطلاعات به شمار می‌روند.

در عین حال، نکته این‌جاست که این فضای باز و گسترده- به سادگی گذشته- مدیریت‌شدنی نیست؛ لذا اگر بی‌توجهی و غفلت شود، آن را مدیریت خواهند نمود.

در چنین محیطی هر کس دیدگاه و نظری را می‌تواند ارائه یا نقد کند، و این‌جاست که گروه‌ها و اعتقاداتی که در بیرون از فضای مجازی امکان عرض‌اندام ندارند، فعالیت خود را آغاز کرده و رشد می‌کنند.

شیطان‌گرایی یکی از عمده‌ترین فرقه‌هایی است، که مکان اصلی تبلیغ خود را در فضای مجازی یافته است؛ به نحوی که با وجود محدودیت‌هایی که در داخل کشور برای مدیریت فضای مجازی ایجاد می‌شود؛ اما به راحتی برای تمامی افراد قابل دسترس است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد برای شناخت و درک وضعیت موجود باید حرکت جریان‌های مبلغ این فرقه، و آنچه در مقابل از طرف جریان‌های منتقد در حال ارائه است، جمع‌آوری و ارزیابی گردد تا مشخص شود

در کدام مسیر قرار داشته، و چه نقاط ضعف و قوتی وجود داشته، و برای آن، چه راه‌حلی باید ارائه کرد تا بتوان در مقابله با این جریان- به بهترین شکل- از اصول خود و جوانان جامعه حمایت کرد، و به نیاز آنان پاسخگو بود.

این پژوهش سعی دارد نما و گزارشی از تارنماهای فعال در این زمینه و جهت‌گیری آن‌ها از یکسو ارائه نموده، و از سوی دیگر می‌خواهد آن‌چه که در فضای مجازی به عنوان شیطان‌گرایی مدرن در حال معرفی و نقد است را بیان کند. آن‌چه در این پژوهش انجام گرفته شد، حضور فعال فرهیختگان و اندیشه‌وران را می‌رساند که با رصد حرکت این فرقه قبل از ورود گسترده در کشور موج عظیمی از آگاه‌سازی را فراهم ساخت؛ به شکلی که آن‌چه از این فرقه در فضای مجازی دیده می‌شود- به صورت پراکنده و معمولاً- خلاصه شده در ظاهر است؛ اما لازم است درباره میزان نیاز به پرداختن نسبت به این فرقه‌ها بحث شود تا مبلغ آن فرقه یا اعتقاد نشد.

به نظر می‌رسد این نوع حرکت و دفاع گسترده از ارزش‌ها که- تقریباً- موفق ارزیابی می‌شود، راه مبارزه با دیگر جریان‌ها همسو را بهتر نشان دهد.

تعریف شیطان‌پرستی

شیطان‌پرستی^۱ به معنی پرستش شیطان^۲ به عنوان قدرتی قوی و مؤثر از نیروهای خوب دنیوی هم‌چون خدا است؛ در شیطان‌پرستی شیطان به عنوان نماد قدرت و حاکمیت بر روی زمین، قدرتی به عنوان برترین قدرت دو جهان مورد توجه و پرستش قرار دارد، و این دنیایی که به عنوان دوزخ برشمرده می‌شود را قانونمند می‌کند.

1. Satanism

2. Satan

در شیطان‌پرستی غیر از استفاده از شیطان به عنوان قدرت تاریکی و قدرت مطلق از نیروها و اجنه و روح‌های پلید و شیطانی نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌شود؛ و در نهایت معنای شیطان‌پرستی، پرستش قدرت پلیدی است. شیطان‌گرایان، شیطان را یک طرح و الگوی اصلی و قبل از عالم هستی می‌پندارند؛ آن‌ها شیطان را موجودی زنده و با چند وجه از طبیعت انسان، مشترک می‌دانند؛ البته آن را در گروه راه چپ مخالف با راه راست طبقه‌بندی می‌کنند، که دست چپی‌ها به غنی‌سازی روحی خود در جریان کارهای خودشان معتقدند، و بر این باورند که باید تنها به خود جواب پس دهند؛ در حالی که دست راستی‌ها غنی‌سازی روحی خود را از طریق وقف کردن و بندگی خود در مقابل قدرتی بزرگتر به دست می‌آورند. در این میان، لاویان‌ها خدایی از جنس شیطان و یا خدایی دیگر را برای خود قائل نیستند؛ آن‌ها حتی از قوانین شیطان نیز پیروی نمی‌کنند، که این جنبه اعتقادی آن‌ها- به اشتباه- نادیده گرفته می‌شود؛ چون آن‌ها را افرادی می‌شناسند که شیطان را به عنوان خدا پرستش می‌کنند.¹

شیطان‌گرایی به جای اطاعت از قوانین خدایی یا قوانین طبیعی و اخلاقی- عموماً- بر پیشرفت فیزیکی خود با راهنمایی‌های موجودی مافوق یا قوانینی فرستاده شده تمرکز دارد؛ به همین دلیل بسیاری از شیطان‌گرایان معاصر از باورها و گرایش‌های ادیان گذشته اجتناب می‌کنند، و بیشتر گرایش‌های خودپرستانه دارند؛ به گونه‌ای که خود را در مرکز هستی و قوانین طبیعی می‌بینند، و بیشتر شبیه به مکاتبی مثل ماده‌گرایی و یا خودمحوری و جادو محوری هستند.

1. <http://fanoosekhis.blogfa.com>

به هر حال، بعضی شیطان‌گرایان به طور داوطلبانه بعضی از قوانین اخلاقی را انتخاب می‌کنند، که این یک جریان وارونه‌سازی را نشان می‌دهد؛ بر این مبنا شیطان‌گرایان به دو گروه اصلی شیطان‌گرایان فلسفی و شیطان‌گرایان دینی تقسیم‌بندی می‌شوند.^۱

بیان این نکته نیز لازم است، که فرقه‌های غیر شیطان‌پرستی در بسیاری از موارد- به اشتباه- به عنوان گروه‌های شیطان‌پرستی در نظر گرفته می‌شوند. به طور کلی، دو تعریف برای گروه‌های شیطان‌پرستی در نظر مسیحیان وجود دارد: ۱- هر گروهی که شیطان را- مشابه شیطان تعریف شده در دین مسیحیت که عاری از مفاهیم غیر طبیعی مربوط به پلیدی و زشتی است یا یک شیطان انتزاعی- به عنوان خدا قبول داشته باشد، و آن را عبادت کند، که از آن به عنوان الهه سیاه نیز یاد می‌کنند، و آن را متناسب به طبیعت حقیقی انسان می‌نامند.

۲- گروه‌هایی که از دین مسیحیت تبعیت نکرده، و یا عیسی را با خصوصیتی که در دین مسیح تعریف شده است، قبول ندارند؛ این تعریف- معمولاً- توسط بنیادگرایان مسیحی مورد استفاده قرار می‌گیرد، و بر مبنای این تعریف بسیاری از گروه‌ها را شیطان‌پرست می‌نامند.^۲ این بنیادگرایان- بیشتر- دین‌های کافر جدید- مثلاً ویکا یا استرو- را با استفاده از این تعریف، شیطان‌پرست می‌نامند.

1. <http://amirwarcraft.blogfa.com/post-25.aspx>

2. <http://ch5moghabeleh.blogfa.com>

هم چنین - به ندرت - از دین‌هایی مانند اسلام و یهود و فرقه‌های مسیحی به عنوان شیطان‌پرست تعبیر می‌شود؛ چون چنین گروه‌هایی که دین‌های گذشته را شیطان‌پرست بنامند، کم است؛ مانند فرقه مورمون‌ها^۱ یا چند فرقه کوچک دیگر؛ البته شنیده شده که - بعضاً - کاتولیک‌ها، پروستان‌ها را نیز شیطان‌پرست نامیده‌اند، و یا بالعکس؛ اما چنین خطابی - به ندرت - اتفاق می‌افتد.

حرکت دیگری که - به اشتباه - به عنوان شیطان‌پرست شناخته شده است، گروه‌های هوی‌متال^۲ موسیقی است؛ هر چند گروه‌هایی وجود دارند که به دلایلی از شبیه‌سازی‌های شیطانی استفاده می‌کنند؛ اما غالب گروه‌های متال و راک^۳ ارتباطی با انواع شیطان‌پرستی ندارند.^۴

تحلیل روند تاریخی شیطان‌گرایی

بررسی تاریخی این جریان، حرکت تکاملی شیطان‌گرایی را تا اواسط قرون وسطی و سپس تحرک انکشافی آن را از نیمه دوم این دوره تا شیطان‌گرایی مدرن نشان می‌دهد.

قوم بنی‌اسرائیل از دوره‌های بدوی و باستان که در مصر و بابل و مناطق شمال آفریقا، جنوب غرب آسیا و جنوب شرق اروپا آواره بودند، از تمدن‌های مختلف توجه و تجلیل از نیروهای شر، ستایش الهه باروری و مادر - خدا را آموختند، و فنون سحر و علوم جادویی و سایر علوم و فلسفه‌ها را به تدریج فرا گرفتند.

حدود قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی، که نظریه تجلی و سایر نگرش‌های عرفانی از جهان اسلام توسط اعراب یهودی به گنجینه حکمت پنهان یهود

1. Mormons

2. Heavy-Metal

3. Rock and Metal Music

4. <http://fanoosekhis.blogfa.com>

منتقل شد؛ در این دوره- مجموعه هزاره‌های باستان تا حدود هزاره اول مسیحیت که به اواسط قرون وسطی می‌رسد- حرکت تکاملی شیطانی با محوریت خانواده‌های بزرگ و پر نفوذ یهودی سپری شد.

از قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی- به تدریج- تحرک انکشافی شیطان‌گرایی آغاز می‌شود، که تا آغاز قرن بیست و یکم ادامه می‌یابد؛ در این دوره که شامل سده‌های پایانی قرون وسطی، دوران نوزایی و عصر روشنگری و دوره مدرن می‌شود، پرده‌برداری و انکشاف نگرش‌ها و آیین‌های شیطانی مشاهده می‌شود. هم‌چنین نخستین بروز، ترویج و شیوع سحر و جادو در قرون یازدهم میلادی به بعد است- که در عصر معاصر- به اوج خود می‌رسد.

پرده دوم از قرن سیزدهم میلادی به بعد با علنی کردن عرفان یهود- کابالا یا قبالا- آغاز می‌شود، که امروز به اوج جلوه‌گری خود رسیده است. پرده سوم دخالت در نهضت علم‌گرایی و روی آوری به دانش در عصر رنسانس بود، که با تکیه بر علوم سرّی و مبانی کابالا^۱ و در چهارچوب تحریفات سنت یهودی- مسیحی، رویکرد به دانش را بر شالوده سکولاریسم^۲ رقم زدند. در پرده چهارم با ایجاد سازمان ماسونی^۳ به جذب دانشمندان و درونی کردن ارزش‌های شیطانی برای آن‌ها پرداخته شد.

در پرده پنجم از سطح نخبگانی به حوزه فرهنگ عمومی آمدند، و موسیقی شیطانی را ابداع و ترویج نمودند تا از طریق آن، نمادها و آئین‌های شیطانی را- به صورت آشکار- به نام شیطان معرفی کنند.

1. Kabbalah
2. Secularism
3. Masonic

پرده ششم سینمای شیطانی است، که ایدئولوژی شیطان‌گرایی را در سراسر جهان تبلیغ می‌کند، و پرده جادویی به ذهن جهانیان انداخته، و همانند ساحران فرعون که ریسمان‌ها را مارهای زنده و جنبنده نمایانند، شیطان را مدبری قدرتمند می‌نماید.¹

اعمال شیطان‌پرستی

یکی از اصول ادیان و مذاهب- چه مادی و چه الهی- مراسمات و آداب خاص آن است؛ شیطان‌پرستی نیز آن‌گونه که پیروان آن اعتقاد دارند، یکی از مذاهب دنیای ماده است؛ لذا برای آن آدابی را در نظر گرفته شده است. صرف‌نظر از تمامی آدابی که برای شیطان‌پرستی عنوان می‌شود، یک مقایسه تاریخی می‌تواند، نمونه خوبی برای اثبات این مدعا باشد که شیطان‌پرستی، آن چیزی نیست که خود آنان ادعا می‌کنند. به طور کلی، شیطان‌پرستان مکتب خود را یک مکتب نوظهور می‌پندارند؛ در حالی که آداب این فرقه همان آداب گذشتگان آنان است. در ادامه به بررسی مهم‌ترین اعمال شیطان‌پرستان پرداخته می‌شود:

۱- مراسم قربانی کردن

یکی از واجبات، قربانی کردن و ریختن خون است؛ زیرا خون مظهر زندگی و نیرو است؛ البته به شرط این‌که خون ریخته شده، تازه باشد، و یک جادوگر مجرب این کار را بکند؛ این کار بهترین روش برای تسکین شیاطین است.

1. <http://www.nrmnews.ir/category/new-religious/sorcery/>

این عمل باعث بخشیده شدن افراد می‌گردد، و این مرگ زندگی را برای دیگران در پی دارد؛ این مراسم - هم در گذشته و هم امروزه - سالیانه انجام می‌گیرد، که بخشی از کتاب مقدس شیطان‌پرستی نیز به آن اختصاص دارد.

علاوه بر این، دعاها و سایر آداب از جمله عبادات و اذکار نیز وجود دارد؛ اما مراسم قربانی کردن انسان که تشریفات خاص خود را دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در میان قبایل گذشته، تشریفات قربانی انسان چنین بود؛ شخصی را که باید قربانی شود، یک سال پیش انتخاب می‌کردند، مردم در طول سال او را مقدس می‌شمردند، و انواع امکانات زندگی را برایش فراهم می‌نمودند؛ سپس روز موعود او را در کوچه و بازار گردانده، و به سمت معبد می‌بردند.

پس از آن، پنج نفر از کاهنان ویژه با لباس سیاه و با مراسم وحشت‌زا آن شخص را روی سنگ قربانگاه می‌خوابانده؛ به این نحو که چهار نفر دست و پای او را و دیگری سرش را نگاه می‌داشتند، و آن‌گاه کاهن بزرگ با لباس سرخ، تیغ مخصوص خود را با یک ضربت ناگهانی بر سینه او می‌کوفت، و قلب او را بیرون می‌آورد، و آن را در حالی که می‌تپید به پای بت می‌انداخت تا مورد قبول بت قرار گیرد، که مورد خشم و غضب قرار نگیرند.

در عین حال، شیطان‌پرستی امروز که مملو از عوامفریبی است، به گونه‌ای مرموز این سنت را نقد کرده، و آن را به باد انتقاد می‌گیرد؛ اما چگونه می‌توان حقیقتی را که از مسلمات این آئین است، پوشیده نگاه داشت؟

آنتوان لاوی^۱ - مؤسس کلیسای شیطان در آمریکا - می گوید:
قربانی کردن انسان بسیار زشت است؛ یک شیطان پرست، دنیا را زیبا می بیند،
و همه انواع موجودات - چه انسان و چه حیوان - را مقدس می شمرد.

این ها سخنان کسی است که در زندگی خود، در تمامی مراسمات قربانی
کردن انسان در طول تاریخ شیطان پرستی که خود او بنیان گذارده، شرکت
کرده و خود - مستقیماً - آن را هدایت کرده است.^۲
مطابق با گزارش رسمی پلیس فدرال آمریکا^۳ در سال ۲۰۰۰ میلادی،
۸۷۶۲۱۳ نفر در آمریکا مفقود شدند، که ۷۵۰۰۰۰ نفر ایشان کودک بودند؛ در
عین حال، امروزه از مقدار گزارش و بحث درباره این سرطان کاسته شده، و
این به دلیل سیطره هر چه بیشتر عوامل پشت این اعمال شیطانی بر وسایل
ارتباطی است.^۴

نکته قابل تأمل این که شیطان پرست که طبق اظهارات لاوی، همه چیز را
سیاه و تاریک می بیند، در این جا زیبا بین شده و همه را تقدیس می کند؛ در
حالی که واقعیت چیز دیگری است؛ چون از منظر شیطان پرست، هیچ چیز
مقدسی وجود ندارد.

این تناقض آشکار را می توان در این آئین مشاهده کرد؛ وقتی که به بحث
قربانی کردن انسان اشاره می کند؛ چون اگر قربانی کردن انسان قبیح است،
پس چرا این عمل توجیه می شود؟

1. Anton LaVey (1930-1997)

2. <http://www.syedali313mosavi.blogfa.com/post/48>

3. Federal Bureau of Investigation (FBI)

4. <http://shariatism.blogfa.com/8907.aspx>

از طرف دیگر، لاوی می‌گوید:

یک شیطان‌پرست حتی نمی‌تواند به یک حیوان یا کودک، آزاری برساند؛ پس چگونه است که آزار جنسی کودکان و حتی آزار جنسی حیوانات در سراسر دنیا از سوی شیطان‌پرستان به طور وحشیانه‌ای صورت می‌گیرد.

بر این اساس، لاوی قربانی انسان را قبیح خواند؛ اما کسی از او سؤال نکرد، که چرا در کلیسای شیطان - همه ساله - مراسم قربانی انسان برگزار می‌گردد؟ هم‌چنین، لاوی قربانی انسان را یک شایعه از جانب دشمنان دانسته، و آن را نشانه احساسات منفی برشمرد؛ اما هیچ‌گاه پاسخ نداد که چرا این مراسمات با حضور خود او برگزار می‌گردید؟^۱

نکته بعد این‌که قربانی توسط آب مقدس غسل داده شده، و بر روی محراب خوابانده می‌شود؛ البته قربانی‌ها قبل از مراسم بی‌هوش می‌شوند، و در کاملترین مراسم قربانی کردن برای شیطان، قربانی پس از کشته شدن و نوشیدن خون او، توسط آتش سوزانده می‌شود؛ در این مراسم خواندن اوراد مخصوصی به زبانی - کاملاً - بی‌معنی و گاهی عبری، انجام می‌گیرد.^۲

بیان این نکته نیز لازم است، که در شیطان‌پرستی قدیم قربانی کردن در هنگام کسوف و خسوف انجام می‌شد؛ به طوری که آن‌ها شیطان را خدای سیاهی‌ها و تاریکی‌ها دانسته، و می‌پنداشتند اگر قربانی‌ای به او اهدا نشود، او عصبانی‌تر می‌شود.

1. <http://mysavior.ir/Ceremony.html>

2. <http://antidevil13.blogfa.com>

۲- مراسم نماز (جماعت) سیاه

این نماز عبارت است از مراسمی شبیه به نماز جماعت مسیحیان با این اختلاف که همه کارها به صورت معکوس انجام می‌شود، و صلیب‌وارانه آویخته می‌شود روی محراب؛ به جای پارچه سپید پارچه سیاه انداخته می‌شود، و شمع سیاه سوزانده می‌شود، کشیش و حاضران برهنه مراسم را اجرا می‌کنند، و وقتی که نام خدا یا مسیح آورده می‌شود همگی حرکاتی کفرآمیز انجام می‌دهند.^۱

علاوه بر آن، دعاها و سرودهای مذهبی وارانه خوانده می‌شود؛ یعنی جاهایی که سخن بهشت و زیبای است، سخن از زشتی پلیدی به میان می‌آید؛ البته در آغاز اعمال جنسی در این مراسم وجود نداشت، و تنها مسیحیت و اعمال آن‌ها مورد مضحکه و تمسخر قرار می‌گرفت؛ اما بعد از چندی این اعمال نیز با این مراسم، در هم آمیخت.^۲

با این وجود، به نظر می‌رسد شیطان‌پرستان- به طور حساب شده‌ای- با تقلید از مراسم عشای ربانی به توهین و تمسخر مسیحیت می‌پردازند؛ چرا که در این مراسم کارهایی انجام می‌شود که جای دفاع منطقی برای مسیحیان باقی نمی‌گذارد. در مراسم عشای ربانی^۳، مسیحیان به کلیسا می‌روند و از کشیش بزرگ قطعات کوچک نان مقدس و قطرات شراب می‌گیرند؛ آنان معتقدند که نان تقدیس شده توسط کشیش، جسم مسیح است؛ به این معنا که با خوردن نان، جسم و خون مسیح را تناول کرده‌اند.

1. <http://devil.vgt.loxblog.com>

2. <http://alsham3.blogfa.com/post/11>

3. Eucharist

در قرون اخیر بسیاری از کارگردانان کلیساها معتقدند:

هر کس، نان و شراب مقدس را بخورد، مسیح در او حلول می‌کند، و او همان حیات جاودانه و هویت و شخصیت عیسی مسیح را پیدا خواهد کرد.

این عقیده از خرافی‌ترین مسائلی است که مسیحیت معاصر به آن گرفتار شده است؛ به طوری که به عاملی جهت جدایی کلیساها از یکدیگر تبدیل شده است؛ پس، از آن جایی که شیطان‌پرستان می‌دانند که مسیحیان به دلیل انتقادهای جدی به عشای ربانی حساسیت کمتری روی آن دارند؛ لذا مسیحیان را مورد توهین و تمسخر قرار می‌دهند.

با این وجود، به نظر می‌رسد این مراسم شیطان‌پرستان زمینه‌ای برای توهین به سایر ادیان الهی است؛ چه این‌که اگر برای این فرقه موقعیت مناسب ایجاد شود- به طور علنی- در مراسم نماز سیاه، به توهین و تمسخر مبانی دین اسلام نیز می‌پردازند.^۱

قسمتی از مراسم شیطان‌پرستی را می‌توان در فیلم «چشمان باز بسته^۲» به کارگردانی استنلی کوبریک^۳ و بازی تام کروز^۴ و نیکول کیدمن^۵- محصول سال ۱۹۹۹ میلادی در سینمای هالیوود^۶- مشاهده کرد.

1. <http://wup-forum.com/viewtopic.php?f=89&t=25281&view=previous>

2. Wyes Wide Shut

3. Stanley Kubrick (1928-1999)

4. Thomas Cruise (1962)

5. Nicole Mary Kidman (1967)

6. Hollywood

۳- مراسم پیوستن عضو جدید (بوسه مقدس)

در مراسم پیوستن عضو جدید به شیطان پرستان، که مشابه آن در جادوگری با عنوان بوسه مقدس وجود دارد، بوسه توسط همسر و یا کشیش به بدن شخص عضو شونده زده می‌شود، که باعث خیر و برکت و تقدس او در میان شیطان پرستان و تشکر از وی به منظور عضو شدن و در نهایت قبول فرد عضو شونده می‌شود.

شخص جدید در وسط پنتاگرام- چه در جادوگری و چه در شیطان پرستی و در هر دو پنتاگرام- زانو می‌زند؛ در حالی که- کاملاً- عریان است؛ بر این اساس، بوسه‌ها بر زانو، آلت تناسلی، سینه‌ها و لبان شخص جدید زده می‌شود. به طور کلی، در این دنیا اعتقاد و احترام خاصی به اندام تناسلی قائل هستند؛ زیرا زندگی و جهان را بدون وجود آن پوچ دانسته، و آن را تضمین بقای بشریت می‌دانند؛ هم‌چنین، تضمین بقای آدمیت را به وجود آن می‌دانند.^۱ اخیراً شروط جدیدی از سوی شیطان پرستان برای پذیرش در گروه‌هایشان اعلام شده است، که یکی از این شرایط عضویت در فرقه نوظهور شیطان پرستی، مصرف مواد مخدیری بسیار قوی از جمله کوکائین، حشیش و قرص‌های اکس است، که دلیل استفاده این گروه‌ها از این مواد نیز ورود به حالت خلسه برای انجام مراسمات است.^۲

۴- مراسم نیایش

شیطان پرستان مراسم و برنامه‌های خاص نیایشی دارند، که بارزترین آن‌ها بدین قرار است: اعضای این گروه به گورستان‌ها و- به ویژه- به گورستان «کومولث»

1. <http://mysavior.ir/Ceremony.html>

2. <http://www.bhzad-90.blogfa.com/post-27.aspx>

در شهرک مصر- قاهره- می‌رفتند، و اجساد مردگان را از قبرها بیرون آورده، و صلیب شکسته و ستاره شش‌پر داودی یا ستاره پنج‌پر را در جسد مرده فرو می‌کردند، و سپس برای تقرب به شیطان، دور آن می‌گشتند.

هم‌چنین قربانی‌هایی برای شیطان تقدیم می‌کردند، که عبارت بود از ذبح گربه ماده یا سگ، که پس از کشتن این حیوانات خون آن‌ها را به صورت و دست‌های خود می‌مالیدند، و دور یک دایره می‌چرخیدند تا شیطان از آن‌ها راضی شود، و اگر حیوانی برای قربانی نمی‌یافتند دست خود را زخمی می‌کردند تا خون جاری شود؛ سپس خون را به صورت خود می‌مالیدند، و آن‌گاه نسخه‌ای از قرآن را پاره‌پاره می‌کردند، و بعد در حالی که صدای موسیقی مشهور راک نواخته می‌شد، به استقبال مواد مخدر و حشیش می‌رفتند. از دیگر ویژگی‌ها و اعتقادات این فرقه، برگزاری مراسم در روزهای شنبه بود، که از نظر یهود، مقدس است؛ هم‌چنین رابطه جنسی با دختران در دو مکان- یکی در گورستان‌ها و دیگری در ساحل دریا هنگام شب- است؛ و نیز معتقدند در رابطه جنسی با دختران، تخم شیطان را در رحم آنان قرار می‌دهند.^۱

۵- مراسم کسب قدرت تاریکی

این مراسم به منظور کسب قدرت بی‌پایان تاریکی‌ها صورت می‌گیرد؛ در این مراسم نباید به نتیجه بدبین بود، و در نهایت، آرامش و دوری از افکار بیهوده برای شخص باقی می‌ماند.^۲

1. <http://www.mysavior.ir/Ceremony.html>

2. <http://morvarid-bb.mihanblog.com/post/58>

البته اجرای این مراسم به واسطه بهره‌مندی از برخی ابزارهای آن انجام می‌شود، که عبارتند از:

- محراب؛ مقابل دیوار غربی قرار گرفته، و پارچه سیاهی به روی آن کشیده می‌شود؛ سپس بالای سر محراب- روی دیوار- ستاره پنج‌پر وارونه نصب می‌کنند و از برخی وسایل استفاده می‌کنند؛ مثل: خنجر مخصوص مراسم، مجسمه انسان که معمولاً از مواد مصنوعی ساخته شده است، یک زنگ و یک جام، شمع‌های سیاه که برای نور بیشتر در گوشه‌های اتاق استفاده می‌شود.
 - خون؛ جام را با مایعی به رنگ قرمز پر می‌کنند؛ البته ماهیت مایع اهمیتی ندارد؛ چون این مایع نماد خون قربانی است.
 - آتش؛ آتشدان را در مرکز محراب قرار می‌دهند.
 - پوشش؛ به طور کامل سیاه بوده، و همراه با ستاره پنج‌پر وارونه، بر گردن آویخته می‌شود.
 - مراسم؛ به ترتیب ذیل زنگ به صدا درآورده می‌شود: شش بار در جهت جنوب، شش بار در جهت شرق، شش بار در جهت شمال؛ سپس با خنجر مرکز پنتاگرام را نشانه رفته، و چنین نیایش می‌کنند: به نام شیطان بزرگ و افتخار او- لوسیفر- من نیروهای تاریکی و قدرت شیطان را به درون فرا می‌خوانم.^۱
- بر این اساس، با خنجر پنتاگرام وارونه‌ای را در هوا رسم می‌کنند، و آتش را افروخته، و دوباره نیایش می‌کنند؛ سپس جام را در مقابل پنتاگرام

وارونه بالا برده، انگشت سبابه دست راست را درون جام فرو می‌برند، و دور لبه آن ساعتگرد می‌چرخانند؛ سپس جام را تا انتها و در یک نفس می‌نوشند؛ سپس آتش را خاموش کرده، و زنگ را در خلاف جهت اولیه آن دوباره چرخانده، و شمع‌ها را خاموش می‌کنند.^۱

۶- جشن هالووین

روز ۳۱ اکتبر روز هالووین- روز مادر زمین- است. یکی از جشن‌هایی که در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌شود، جشن هالووین^۲ نام دارد؛ مردم این کشورها- اغلب- شناخت زیادی از این جشن ندارند؛ آنها می‌گویند هالووین جشن ارواح است؛ جشنی که از کودک تا بزرگسال در شکل ارواح و اجنه ظاهر می‌شوند تا همدیگر را بترسانند؛ با این حال بیشتر آنها نمی‌دانند که هالووین یک جشن شیطانی است. برای آشنایی بیشتر با این جشن- لازم است- از پیشینه آن مطلع شد؛ بنیانگذاران این جشن شیطانی، قوم اروپایی سلت^۳ بودند، که سال‌ها پیش از میلاد مسیح در ایرلند و شمال فرانسه زندگی می‌کردند. آن‌ها در شب آخر سال، مراسمی را به افتخار سامهین^۴- موسوم به پروردگار مرگ- برگزار می‌کردند؛ سلتی‌ها در این مراسم، دور هم جمع شده، آتش افروخته و برای دستیابی به برکت فراوان- دام و غله- اولین فرزند خانواده را قربانی می‌کردند.

1. <http://www.rasekhoon.net/article/show/653929>

2. Halloween

3. Celts

4. Samhain

مردم این قوم باور داشتند که در این شب، جادوگران سوار بر جاروی خود در آسمان پرواز کرده، زنان با شیطان رابطه جنسی برقرار نموده، و در شیطان شیپور نواخته و ارواح خبیث بر بلندای تپه‌ها با جادوگران به رقص و پایکوبی می‌پردازند. هم‌چنین بر این باور بودند، که شب پایان سال، مرز میان دو جهان به نازک‌ترین حد ممکن رسیده، و موقعیت برای راندن ارواح پلیدی که ممکن است به محصولات آن‌ها آسیب برساند، فراهم می‌شود؛ لذا در این مراسم که سامهین نام داشت، از یک طرف صورت‌های خود را با نقاب پوشانده و با لباس‌های عجیب خود را به شکل ترسناکی در می‌آوردند، و با حرکت دسته‌جمعی - به زعم خود- ارواح سرگردان را فریب داده، و از روستاهای محل زندگی خود دور می‌کردند؛ از طرف دیگر، سیب و گردو و بادام و غذا و نوشیدنی را داخل سینی‌ها گذاشته، و تقدیم ارواح می‌کردند.¹

قوم سلت، این مراسم را که منشأ شیطانی و بت‌پرستی داشت، هر سال انجام می‌دادند تا این‌که رومی‌ها به این منطقه حمله کردند؛ یکی از نتایج این حمله، ورود مسیحیان به این سرزمین بود که باعث تغییراتی در مراسم سامهین شد.

در نتیجه، رهبران کلیسا جشن‌های غیر مسیحیان را با مراسم و تعطیلات مسیحیان تلفیق کردند، و بر اساس آن، جشن‌های روز سامهین نیز با اعیاد روز تمامی قدیسان در اول نوامبر - که در آن یاد شهدای اولیه مسیحیت گرامی داشته می‌شود - و روز تمامی ارواح در دوم نوامبر - که در آن یاد تمامی درگذشتگان گرامی داشته می‌شود - ترکیب شد؛ لذا شب پیش از روز تمامی قدیسان، به نام شب تمامی مقدسات² نامیده شد، که واژه هالووین³ نیز برگرفته از نام همین شب است.

1. <http://heiran1.blogfa.com/post/19>

2. All Hallows Eve

3. Halloween

از حیث تاریخی- در اوایل قرن ۱۹ میلادی- بسیاری از ایرلندی‌ها به آمریکا مهاجرت کردند و این جشن شیطان‌پرستی را به آمریکا سرایت دادند؛ البته این مراسم در آمریکا دچار تغییراتی شد؛ به طور مثال، آمریکایی‌ها حضور شیاطین و ارواح خبیث در هالووین را بیشتر مورد استقبال قرار داده، و بیشتر نمادهای ترسناک و خشن را برای آن در نظر گرفتند؛ لذا برگزاری این مراسم، مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرد؛ به طوری که مجرمان آمریکایی در این شب مردم را مورد آزار و اذیت قرار داده، به خانه‌ها حمله کرده و با سنگ و کلوخ دودکش خانه‌ها را مسدود می‌کردند، و در برابر اعتراض مردم، ادعا می‌کردند که این اتفاقات ناشی از حضور ارواح مرموز و شیاطین است، و آن‌ها هستند که مردم را تحریک می‌کنند.

بنابراین، آسیب‌هایی که این مراسم به همراه داشت، موجب شد برگزاری هالووین در آمریکا برای مدتی متوقف شود.

پس از آن، برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ میلادی دولت آمریکا تحت تدابیر امنیتی مجوز رسمی برگزاری این مراسم شیطان‌پرستی را صادر کرد؛ با این حال در طی سال‌ها، محافظت پلیس از این مراسم بیشتر حالتی نمادین داشته است؛ چرا که اخبار حوادث در شب هالووین نشان می‌دهد حوادثی نظیر آتش‌سوزی، ضرب و شتم و حتی مرگ به بالاترین حد خود در طول سال می‌رسد.^۱

جیمز فریزر^۲- منتقد و نژادشناس مذهبی- در کتاب «شاخه زرین^۳»، هالووین را جشنواره مردگان کافر با دستمایه‌هایی از مسیحیت می‌خواند، و از این‌که در آستانه

1. <http://www.bbcfars.ir/getlink/206688>

2. James George Frazer (1854-1941)

3. The Golden Bough

مقدس‌ترین مراسم کلیسا که به تبرک روحانیون مسیحی و یادبود درگذشتگان اختصاص دارد، چهره‌های شیطانی و جادوگران مشاهده می‌شود، ابراز تأسف می‌کند.^۱ امروزه در این مراسم کارهای مختلفی انجام می‌شود، که در این قسمت به بیان چند نمونه اکتفا می‌شود:

- توزیع مواد خوراکی مسموم؛ شیرینی و شکلات- اغلب فاسد- بین مردم تقسیم می‌شود. بر اساس آمار فدراسیون ملی فروشگاه‌های ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ میلادی، بیش از ۷۲ درصد از آمریکاییان در روز هالووین، به دیگران شکلات داده‌اند.
 - کوبیدن درب منازل برای گرفتن شکلات؛ افراد مزاحم ضمن کوبیدن درب خانه‌های مردم، شروع به داد زدن می‌کنند، آن‌ها از صاحبخانه می‌خواهند هدیه‌ای بیاورد؛ در صورتی که صاحبخانه به آن‌ها هدیه دهد، به سراغ خانه بعدی می‌روند؛ در غیر این صورت، بلایی سرش می‌آورند.
 - کدو و شلغم‌های کنده‌کاری شده؛ کدوها را به شکل صورتک‌هایی ترسناک برش می‌دهند، که این کار را به تقلید از قوم سلت انجام می‌دهند. سلتی‌ها شلغم‌های بزرگ را از درون خالی می‌کردند، و به اشکال وحشتناکی درآورده، و پشت پنجره‌ها قرار می‌دادند تا ارواح از خانه آن‌ها دور شوند؛ البته اروپایی‌ها به جای کدو از شلغم استفاده می‌کنند.
- در این میان، آنچه باعث گسترش روزافزون این مراسم شده، تبلیغات رسانه‌های صهیونیستی و حامیان آن‌ها برای این جشن است. از طرف دیگر، یکی از نتایج این تبلیغات این است که حدود ۴۰ درصد از مردم آمریکا در روز هالووین لباس‌های ویژه این روز- که به شکل شیطان،

1. <http://www.yjc.ir/fa/news/4613913>

غول و چیزهای غیر عادی است- را می‌پوشند، و ۱۲ درصد از آمریکاییان نیز لباس‌های هالووین را بر تن حیوانات خانگی خود می‌پوشانند.

با این وجود، در رسانه‌های آن‌ها اشاره‌ای به این‌که هالووین یک مراسم شیطان‌پرستی است، نمی‌شود؛ در عین حال، از آن به عنوان یک جشن معمولی که در میان کودکان و بزرگسالان محبوبیت زیادی دارد، یاد می‌شود؛ اما اسکلت، ماسک دراکولا، زخم مصنوعی روی صورت، ماسک‌های گربه و سگ و خفاش، کدو و شلغم نورانی و... نمی‌تواند تنها بیان‌گر یک جشن معمولی برای تفریح و سرگرمی باشد.

بیان این نکته لازم است، که این کار رسانه‌های غربی از دید مسیحیان پنهان‌نمانده، و اعتراض آن‌ها را در پی داشته است؛ به طور نمونه، یک تارنمای مسیحی با تأکید بر این‌که در پس پرده هالووین قدرت شیطان است که تقویت می‌شود، می‌نویسد:

هنگامی که مسیحیت رواج یافت؛ دشمنان کلیسا با تحقیر و آزار مسیحیان در شب هالووین، شیطان را می‌ستودند. پرستندگان شیطان جمجمه و مذبح و صلیب و منبر در برابر خانه‌های خود قرار می‌دادند، و در قرون گذشته بر دیوارهای کلیسا صلیب‌های زشت کشیده مسیحیان را مسخره می‌کردند.

نتیجه آن‌که شیطان‌پرستان قدیمی در طی سالیان طولانی، بدون این‌که از منشأ شیطانی هالووین حرفی بزنند، این مراسم را انجام می‌دادند؛ اما شیطان‌پرستان مدرن از این‌که مردم به شیطانی بودن این جشن پی ببرند، ابایی ندارند.

شیطان‌پرستان مدرن نیز حتی تاریخ مرگ آنتوان لایوی را دو روز پس از مرگش- در روز هالووین- اعلام کردند تا به مردم بفهمانند، که این یک جشن شیطانی است.

اعلام خبر مرگ لاوی در روز هالووین به حدی تأثیرگذار بود، که بسیاری به اشتباه می‌گویند: روز مرگ لاوی با نام هالووین در آمریکا شناخته می‌شود. در عین حال، در آمریکا خیلی کم از اسم هالووین استفاده می‌شود، و بیشتر با اسم اصلی‌اش که شب شیطان است، خوانده می‌شود.^۱

۷- سادیسم و مازوخسیم

دیگرآزاری^۲ و خودآزاری^۳، یکی دیگر از انحرافات شیطان‌پرستی است که تبلیغ می‌شود؛ هر چند که شیطان‌پرستان در جوامع عمومی خود را مبری می‌دانند، اما رفتار و عملکرد آنان چیز دیگری را نشان می‌دهد، که نگاهی به کنسرت‌ها، همایش‌ها و جلسات ذکرگویی شیطان‌پرستان این واقعیت را به وضوح نشان می‌دهد. تصاویر منتشر شده از مراسم آن‌ها- به اندازه کافی- گویای ماهیت آن جلسات است؛ حتی در کنار خودآزاری، خودکشی نیز به گونه‌ای دیگر نمود دارد، و به رکن غیر قابل انکار شیطان‌پرستی مبدل گشته است، که همواره- چه در آثار مکتوب و چه در آثار موسیقایی- تبلیغ و ترویج می‌گردد؛ برای نمونه می‌توان به کتاب «هنر قتل»^۴ اشاره کرد، که در این زمینه نوشته شده است، که- به وفور- می‌توان در آن روش‌های قتل و خودکشی را یافت.^۵

1. <http://globemuslims.com/fa/news/4727>

2. Sadism

3. Masochism

4. The Art of Murder

5. <http://www.mysavior.ir/sadism.html>

نگاه شیطان‌گرایان در مورد شیطان

ادیان توحیدی- ابراهیمی- برای مدتی طولانی کتاب‌هایی در مورد ظاهر و چگونگی اعتقادشان به شیطان نوشته‌اند، آن‌ها باور دارند که شیطان در ظاهر، اهریمنی و بدذات است، و این چیزی جز دروغ و گفته‌ای کفرآمیز نیست، او شاخ و دم قرمز ندارد، شبیه هیولای هالووین نیست و چشمان قرمز آتشین و بال‌های سیاه و ترسناک ندارد، این‌ها توصیفاتی هستند که برای توهین، لکه‌دار کردن و بی‌حرمتی به مقدسات او انجام شده است.

در این جا تصاویری از شیطان واقعی که توسط برخی دیده شده است، وجود دارد؛ بر خلاف طرز تفکری که در ذهن عوام حک شده است به این صورت که شیطان پرستی، تاریک‌پرستی و پیروی از پلیدی و سیاهی نیست؛ بلکه شیطان ردای بلند سفیدی به تن دارد، که نشانه پاکی و مهربانی اوست؛ لذا کسی که او را بشناسد، دیوانه‌وار دوستش خواهد داشت.

در ادامه به برخی تلقیات از شیطان اشاره می‌شود:

- روز شیطان، دوشنبه است.
- رنگش قرمز، آبی و مشکی است.
- به عنوان حاکم زمین شناخته می‌شود.
- به او ملک الطاوس نیز می‌گویند.^۱
- خدای سومری است.
- حیوانات مقدس او طاووس، مار، بز، اژدها و کلاغ سیاه است.
- اعداد او ۱، ۴، ۱۱ و ۲۰ است.

- عدد ۶۶۶ نمادی از سن برج دلو- بهمن ماه- است.
- زمانی دوباره به حکومت جهانی خود می‌رسد.
- سیارات او اورانوس و زهره- ستاره صبح- است.
- مسیر او شرق و جنوب است.
- مهم‌ترین روزش در سال، ۲۳ دسامبر- مصادف با ۲ دی ماه- است.
- هنگامی که خورشید در مدار برج جدی وارد می‌شود، دهم برج جدی هنگامی که اولین لحظات ورود به روز ۱۱ این برج است، روز مخصوص اوست؛ روزی که در آن هر شخص شیطان‌پرست باید آن را لحظه مقدس و نقطه تحولی برای خود بداند.

شیطان از زبان شیطان‌گرایان

توصیف کلی که شیطان‌گرایان از زبان شیطان می‌کنند، این است که: من شیطان هستم و دشمن حماقت و جهل انسان هستم. مطلب دیگر این‌که شیطان یک نهاد نیست؛ بلکه یک ایده، اسطوره، استعاره، نمونه اولیه، چیزی در درون شما و بدون شما تجسم است، که تجربه با شیطان شایستگی را نگه می‌دارد، که البته با توجه به تفسیر ذهنی هر فرد است. بر این اساس، اگر چیزی را با تجربه خود، با شیطان بیاموزید، آن به شما کمک خواهد کرد؛ اگر شیطان به شما کمک کرد، سپس تجربه درونی به یک واقعیت بیرونی تبدیل خواهد شد.

از نظر تاریخی- در رویکرد شیطان‌پرستان- هنگامی که انسان در طول میلیاردها سال پس از جهان ایجاد گردید، تصمیم به ایجاد خدایان گرفته شد؛ لذا جهان واقعی به فراتر از درک انسانی مربوط است؛ بنابراین،

چهره‌های اساطیری ساخته شد؛ مثل «یهوه^۱»، «خدا^۲»، «ویشنو^۳»، «کالی^۴»، «شیطان»، «لوسیفر^۵»، «پان^۶» و «آفرودیت^۷».

هم‌چنین در نگاه آن‌ها، کلمه شیطان به معنای دشمن یا متهم است؛ اما نه دشمن خدا؛ بلکه او دشمن به حماقت و جهل انسان است؛ لذا می‌توانید یک راهرو از نیروی خالص از اراده و میل را به چیزی تظاهر کنید، که این کار به طور موقت انرژی دور از واقعیت میان فکر و فرم ایجاد می‌کند.

به طور کلی، شیطان به عنوان یک نمونه اولیه نشان دهنده بیانیه‌های شدید در حمایت از فردگرایی است؛ افرادی که با تحسین قوی، مستقل، سر راست، تفکر انتقادی و شک به این شخصیت کشیده شده‌اند.

بنابراین، شیطان‌پرستی در نگاه شیطان‌پرستان به معنی پرستش شیطان به عنوان قدرتی قوی از نیروهای خوب دنیوی هم‌چون خدا است؛ در شیطان‌پرستی، شیطان به عنوان نماد قدرت و حاکمیت بر روی زمین است، قدرتی که به عنوان برترین قدرت دو جهان مورد توجه و پرستش قرار دارد، و این دنیایی را که به عنوان دوزخ برشمرده می‌شود را قانونمند می‌کند. در شیطان‌پرستی - غیر از شیطان به عنوان قدرت تاریک و مطلق - از نیروها و اجنه و روح‌های پلید و شیطانی نیز برای رسیدن به اهداف استفاده می‌شود، و در نهایت معنای شیطان‌پرستی، پرستش قدرت پلیدی است.^۸

-
1. Jehovah's Witnesses
 2. God
 3. Vishnu
 4. Kali
 5. Lucifer
 6. Paan
 7. Aphrodite
 8. <http://osvehsabr-zenab.blogfa.com/post/39>

چگونگی پرستش شر و بد

نمی‌توان تعریف شر را بدون بحث درباره آن‌چه خوب است، بیان کرد؛ چون این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند؛ لذا نمی‌توان تاریکی را بدون تجربه نور درک کرد؛ هم‌چنان که نمی‌توان روز را بدون نیاز به شب درک کرد؛ با این‌که متضاد هستند، اما تعریف و تکمیل یکدیگر هستند.

بر این اساس، از بین بردن همه شر در جهان به این معنی خواهد بود که درکی از خوبی وجود نداشته باشد؛ لذا شیطان پرستی عبادت و یا بی‌احترامی نیست.

از طرف دیگر، تعریف خوب و بد در معرض تغییر است؛ زیرا تنها درک از محیط به شمار می‌روند؛ چه این‌که شیطان برجسی است به کسانی که از لحاظ سیاسی نادرست هستند، و با توجه به نوسانات خلق و خوی ما تعیین جایگاه می‌شود.

بنابراین، چیزهایی که دوست داریم، خوب تلقی شده؛ و چیزهایی که دوست نداریم، شیطان نامگذاری می‌شوند؛ پس - اغلب - به تعریف انسان بستگی دارد؛ همان‌گونه که دایان ورا می‌گوید:

اگر شما یک موش هستید، گربه شیطان هست؛ اما برای صاحب حیوان خانگی، گربه آسمانی است.

لذا بدذات شدن بر اساس قضاوت در مورد یک ارزش است؛ از این دیدگاه، مسیحی‌ها شیطان هستند؛ چون با بی‌رحمی از شیطان پرستی جلوگیری کرده، و بدگویی می‌کنند.

این در حالی است، که برنامه شیطان‌پرستان این است که هر مرد و زنی برای خود تصمیم بگیرد؛ به این معنا که بر اساس نظم نوین جهانی^۱ همه آزاد باشند از مذاهب جلوگیری کنند؛ چون مذهب عامل شقاوت است.^۲

مخالفت با توبه در رویکرد شیطان‌پرستی

شیطان‌گرایان معتقدند توبه کردن از اعمال مضحکی است، که هر فردی ممکن است مرتکب شود.

بر این اساس، هنگامی که یک شیطان‌گرا عملی انجام می‌دهد که از سوی ادیان توحیدی گناه اعلام شده است، دو حالت بیشتر ندارد:

۱- اگر از آن گناه لذت برده باشد، بر انجام دوباره این کار بر می‌آید؛ چون همواره برای او خشنودی و لذت به همراه خواهد داشت، و عذاب وجدانی در کار نخواهد بود.

۲- متوجه شده باشد که این عمل خطا بوده، و برای او عذاب وجدان به همراه داشته است؛ پس به جای توبه در درگاه الهی، سعی می‌کند از این عمل درس گرفته تا دیگر این عمل را انجام ندهد.

هم‌چنین شیطان‌گرایان می‌دانند که هر انسانی گاهی خطا می‌کند؛ پس توبه کردن و اعتراف به گناه اعمال بیهوده‌ای هستند که سرچشمه آن‌ها ترس از خدای خیالی است، که روحانیون برای او ساخته‌اند.

از طرف دیگر، زمانی که برای توبه و طلب بخشش صرف می‌شود نیز هدر دادن زمان است؛ چون حاصلی جز پست و ذلیل کردن نفس خود در بر نخواهد داشت.

1. New World Order

2. <http://sheytan-parasti.persianblog.ir/post/4>

در تکمیل این جملات می توان از این تمثیل استفاده کرد: شاید گفته شود دزدی یا انسان آزاری نیز گناه است، و شیطان گرایان آن‌ها را انجام می دهند؛ اما شیطان گرایی دارای قانون شیطانی است، که برای داشتن یک زندگی شیطانی به آن نیاز است؛ لذا در این قوانین، از انجام اعمالی مثل دزدی، انسان آزاری، حیوان آزاری و تجاوز جنسی باز می دارد.^۱

راهکارهای پیشگیری و کنترل

در مقام راه حل یابی، به نظر می رسد ۵۰ درصد راه مقابله، شناخت عرفان‌های کاذب است، و این که راه‌های نفوذ آن‌ها بسته شود، که در ادامه به برخی از مهم ترین راهکارها اشاره می شود:

- ۱- کنترل و تعطیلی کامل فعالیت گروه‌های موسیقی متالیکا^۲ و راک و اقسام آن؛
- ۲- نظارت بر تارنماها و وبلاگ‌های فعال فارسی، قانونی سازی و محدود کردن آن‌ها؛
- ۳- اطلاع رسانی و اعلام ویژگی‌های نمادها و سمبل‌های مورد استفاده شیطان پرستان به اصناف جهت کنترل در عدم فروش آن‌ها؛
- ۴- کنترل و پیگیری مستمر اخبار منتشره از تارنماهای داخلی و خارجی در خصوص تحرکات این گروه‌ها؛
- ۵- کنترل و اشراف اطلاعاتی بر عناصر شناسایی شده مرتبط با این جریان‌ها؛
- ۶- جمع آوری و ارسال مطلب از سوی سفارتخانه‌ها؛

1. <http://korosh999.blogfa.com>

2. Metallica

تحلیل شیطان‌گرایی مدرن از فضای مجازی / ۱۴۳

۷- تهیه بولتن‌های ویژه آگاهی‌رسانی و در اختیار قرار دادن آن‌ها به هموطنان اعزامی به سایر کشورها؛

۸- محدودیت در دسترسی به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی شیطان‌پرستان به زبان انگلیسی؛

۹- اطلاع‌رسانی محدود و جهت‌مند به اقشار مختلف و تأثیرگذار هم‌چون معلمان و روحانیون؛

۱۰- انتشار پژوهش‌های کامل‌تر و فراگیرتر جهت بهره‌برداری مطبوعات و رسانه‌های فعال کشور؛

۱۱- حفظ اصل عدم اعمال اقدامات شتابزده و غیر کارشناسانه؛^۱

۱۲- قبیله‌ای فکر و عمل نکردن.

این مسئله آخر، عارضه‌ای فرهنگی شبیه آمار خودکشی و طلاق نیست که آشکار باشد؛ بلکه بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی یک ملت از فقر خطرناک‌تر است؛ به دلیل این‌که ممکن است ثروت به یک کشور بازگردد، اما در کشوری که تصمیم‌گیری قبیله‌ای در آن ترویج شود، آن ملت- به صورت خودکار- خود را نابود می‌کند.

بنابراین کپسولی و قبیله‌ای فکر کردن، یک سیاست و فکر در حال اجرا از جانب دشمن است، که گستردگی شبکه‌های خارجی فارسی‌زبان گواه این مدعا است؛ این در حالی است که تصمیم‌گیرنده‌های اصلی و سیاستگذاران نیز در روند تدریجی کپسولی و قبیله‌ای شدن عمل می‌کنند، که رسانه ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد فارابی و سایر نهادهای همسوی فرهنگی، دچار همین ضعف هستند.

1. <http://www.sh-t-salehin-orumiye.blogfa.com/post-50.aspx>

راهکارهای فرصت‌سازی و جایگزینی

پس از طرح بحث راهکارهای پیشگیرانه، به نظر می‌رسد ۵۰ درصد دیگر راهکارها به پیشنهاد عرفان جایگزین برگشت می‌خورد؛ چون نمی‌شود به جوان گفت این مطلب یا فضا بد است؛ بلکه لازم است راهی پیشنهاد داد که روح تشنه جستجو کنندگان را سیراب کند.

در ادامه به برخی از این راهکارها اشاره می‌شود:

- ۱- ارائه و ترویج جلوه‌های زیبا و فطرت‌طلب عرفان اسلامی؛
- ۲- راه‌اندازی تارنما و وبلاگ‌های اینترنتی؛
- ۳- تهیه فیلم‌های کوتاه و بلند؛
- ۴- تدوین آثار و نوشته‌های روان، دلنشین و قابل فهم برای عموم.
- ۵- برگزاری جلسات در فضاهای علمی به ویژه برای دانشجویان و جوانان؛
- ۶- همسانی حرف و عمل عاملان و توصیه کنندگان به منظور اثرگذاری؛
- ۷- توصیه به تفکر؛
- ۸- جلوگیری از خلط عرفان و مباحث عرفانی با ابزاری در خدمت سیاست قرار گرفتن؛
- ۹- احساسی نشدن و قوانین بازی را رعایت کردن؛
- ۱۰- اثبات حق، نه اثبات خود.

نتیجه آن‌که از مهم‌ترین عواملی که در نقد مکاتب معنوی باید رعایت شود، این‌که گاهی اوقات افراد در پی انتقاد، هدفی دیگر را دنبال می‌کنند، و آن اثبات خود است نه حق، که ناخودآگاه مخاطب متوجه شده، و در پی جبهه گرفتن - ولو در مقابل کلام حق - بر می‌آید.^۱

منابع و مأخذ

1. <http://alsham3.blogfa.com/post/11>
2. <http://amirwarcraft.blogfa.com/post-25.aspx>
3. <http://antidevil13.blogfa.com>
4. <http://ch5moghabeleh.blogfa.com>
5. <http://devil.vgt.loxblog.com>
6. <http://fanoosekhis.blogfa.com>
7. <http://globemuslims.com/fa/news/4727>
8. <http://heiran1.blogfa.com/post/19>
9. <http://korosh999.blogfa.com>
10. <http://morvarid-bb.mihanblog.com/post/58>
11. <http://mysavior.ir/Ceremony.html>
12. <http://osvehsabr-zenab.blogfa.com/post/39>
13. <http://shariatism.blogfa.com/8907.aspx>
14. <http://sheytan-parasti.persianblog.ir/post/4>
15. <http://www.sh-t-salehin-orumiye.blogfa.com/post-50.aspx>
16. <http://wup-forum.com/viewtopic.php?f=89&t=25281&view=previous>
17. <http://www.bbcfars.ir/getlink/206688>
18. <http://www.bhzad-90.blogfa.com/post-27.aspx>
19. <http://www.mysavior.ir/sadism.html>

1. <http://www.nrmnews.ir/category/new-religious/sorcery/>

146) / PURE LIFE, Vol.4.No.12, (Jumada al-Thani 1439. Esfand 1396. March 2018)

20. <http://www.nrmnews.ir/category/new-religious/sorcery/>
21. <http://www.rasekhoon.net/article/show/653929>
22. <http://www.syedali313mosavi.blogfa.com/post/48>
23. <http://www.yjc.ir/fa/news/4613913>



دورية علمية متخصصة (متعددة اللغات)

PURE LIFE

العدد الخامس بمونان: ﴿ المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني ﴾ (٣)

العدد الثاني عشر - السنة الرابعة، جمادي الثاني ١٤٣٩ / ١٣٩٦ ش / ٢٠١٨ م

صاحب الامتياز: جامعة المصطفى العالمية

جامعة المصطفى العالمية، عمادة البحث والإنتاج العلمي

المشرف العام: الدكتور محسن قنبري

رئيس التحرير: الدكتور عابدين سياحت اسفندياري

السكرتير العلمي: الدكتور توفيق أسدوف

المدير التنفيذي: الشيخ محمد جواد نجفלו

أعضاء هيئة التحرير

محسن قنبري	معاون التعليم في جامعة المصطفى العالمية (إيران)
عابدين سياحت اسفندياري	عميد البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى العالمية (إيران)
توفيق أسدوف	مدير الدراسات الإسلامية في جامعة المصطفى العالمية (آذربايجان)
غلامجاور محمدي	مدير الدراسات القرآنية في جامعة المصطفى العالمية (باكستان)
سيد محمد علي عون نقوي	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى العالمية (الهند)
بهيبي عبدالحسن الدوخي	عضو في اللجان العلمية في جامعة آل البيت (العراق)
بيلديز قدرلي	أستاذ في جامعة المصطفى العالمية (تركيا)

العنوان: قم، شارع ساحلي جنوبي، غربي مصلى القدس، ما بين الزقاقين ٤-٦

ص ب: ٣٧١٣٩١٣٥٥٤ **العاتف / الفاكس:** ٢٢١١٤١٧٥ - ٢٢٦١٢٨٧٥

نوع الطبع: إلكتروني

عدد الصفحات: ٢٥٠ ص

Web: http://journals.miu.ac.ir/content.php?pagename=journal&publication_id=320&journal_id=7

Email: research@mou.ir

موضوع القرار:

حسب القرار المنبثق من الاجتماع الثاني والعشرين لمجلس إدارة منشورات المصطفى عليه السلام (بتاريخ: ١٣٩٢/١٢/١٩)،
لقد تمت المصادقة على إصدار هذه المجلة المصنفة ضمن المنشورات العلمية المتخصصة، رقم ترخيص ٧٤٣٢٧ الصادر من الجهاز الشامل لوسائل الإعلام الرسمية (وزارة الثقافة والأرشاد الإسلامي)

هذه المجلة متاحة بشكل إلكتروني، ويمكن تحميلها على العنوان التالي:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

شروط كتابة المقال

- ١- يجب أن يتضمن المقال ما يلي: العنوان، والملخص، والمفردات الرئيسية، والمقدمة، والعرض، والنتيجة، والمصادر.
- ٢- تخضع المقالات المستلمة للتحكيم العلمي شريطة أن لم تنشر سابقاً، ويتعين على الكاتب التعمد بعدم قيامه بإرسال مقاله إلى مؤسسات أخرى.
- ٣- يتحمل «الكاتب المراسل» مسؤولية صحة المعلومات الواردة في المقال من الناحيتين العلمية والحقوقية.
- ٤- تحتفظ المجلة لنفسها بحق رفض المقالات أو قبولها، كما تتعهد أمانة المجلة بتقديم تقرير عن نتيجة التحكيم العلمي للكاتب المراسل، خلال فترة لا تتجاوز شهر (30 يوماً) على الأكثر.
- ٥- لا يتم القبول النهائي لطبع المقال في المجلة، إلا بعد موافقة هيئة التحكيم وهيئة التحرير عليه.
- ٦- يجب عدم تجاوز حجم المقال 8 صفحات كحد أدنى، و25 صفحة كحد أقصى، وكل صفحة عبارة عن 250 كلمة.
- ٧- يجوز النقل والاقْتباس من المقالات المنشورة الأخرى شرط ذكر المصدر.
- ٨- يستخدم نوع الخط (B-Lotus) وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالفارسية، ويستخدم نوع الخط (Taher) وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالعربية، ويستخدم نوع الخط (Alvi Nastaleeq) وحجم الخط (١٤) في طباعة المقال بالأردية. ويستخدم نوع الخط (Times New Roman) وحجم الخط (١٤) في طباعة المقال بالإنجليزية.
- ٩- يتضمن فهرس المصادر المرتبة وفق الحروف الأبجدية ما يلي:
 - ✓ فيما يتعلق بالكاتب: لقب واسم الكاتب، (تاريخ النشر)، عنوان الكتاب (بخط غامق)، اسم المترجم، الطبعة، مكان النشر، اسم الناشر.
 - ✓ فيما يتعلق بالمقالة: لقب واسم الكاتب، عنوان المقالة، اسم المجلة، الدورة، العدد (تاريخ النشر): مجموع صفحات المقالة.
- ١٠- تدرج التوثيق المرجعية في النص الأصلي على النحو الآتي (اسم المؤلف، تاريخ النشر: الصفحة).
- ١١- تدرج التوثيق التوضيحية في هامش الصفحة نفسها، ككتابة المفردة باللاتينية، وشرح المصطلحات وغيرها.
- ١٢- على كاتب أو كاتب المقال إرسال أبحاثهم إلى معاونة البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة عبر هذا العنوان: (research@almustafaou.com) مزودة بالمعلومات: الاسم واللقب، والمستوى العلمي، والعنوان المقالة.
- ١٣- نظراً لتنوع لغات المجلة، يمكن للباحثين الأعزاء إرسال مقالاتهم إلى مكتب المجلة بإحدى اللغات التالية: الفارسية، والعربية، والأردية، والإنجليزية، والفرنسية، والتركية، والآذرية...
- ١٤- يتعين على أمانة سر المجلة إرسال نسخة من المجلة الإلكترونية - بعد نشرها - إلى كاتب أو كاتب المقال عبر البريد الإلكتروني.

كلمة المشرف العام

مجلة "PURE LIFE" سوف تظل نافذةً إلى حياة الإنسان الأبدية. تهدف جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة بوصفها داعية الإنسان الأرضي إلى معرفة التعاليم الإلهية، لبناء حياة جديدةٍ من خلال ما أودعه الله فيه من علم، ولتجلب له السكينة الدنيوية والسعادة الأخروية معاً.

"PURE LIFE"؛ هي فرصة للباحثين وخريجي الجامعات لبسط معلوماتهم العلمية المعرفية عبر الفضاء الإلكتروني على نطاق واسع، وإسقاط المعارف الدينية على مختلف شؤون الحياة البشرية.

على أمل أن تسطع أنوار هذه النافذة أكثر فأكثر في ظل جهود الباحثين عن نور المعرفة.

كلمة رئيس التحرير

البحثُ العلميُّ هو بمثابة شريان الحياة في مجال المعرفة والبصيرة، والذي يُمكنُ أن يُحفِّزَ - في ديناميتها - النموَّ والتوسُّعَ لحدود العلم والمعرفة، ويؤدِّي إهمالُ هذا المجالِ إلى ركود المعرفة بل موتها في نهاية المطاف. فإنَّ الجهلَ هو أوَّلُ آثارِ التخلُّى عن البحث، كما نشهدُ اليوم كارثةَ الجهلِ العصرية التي ظهرت جرأً فقدانِ البحثِ القويم في مختلف المجالات.

ثم يتمُّ توسيعُ حدودِ المعرفة من خلال البحوث، بوصفها حائزةً على مكانةٍ مرموقةٍ ضمن الأنشطة البشرية اليوم. فإنَّ التحقيقَ في مجال العلوم الإنسانية والإسلامية يمكنُ الباحثَ من فهم المشكلات والقضايا الإنسانية، كما يُوفِّرُ لها حلولاً عملية.

والتطوُّرُ المتزايدُ في المجال المعرفي يفرضُ علينا الدخولَ في المجالات العلمية أكثر فأكثر، فالآن العديد من مجالات المعرفة الإسلامية هي بحاجةٌ إلى الشرح والعرض على نطاق عالمي.

"PURE LIFE" هي مجلة طلابية تحاولُ إعدادَ أرضيةٍ لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة، وتحسين مستوى البحوث الطلابية المتعلقة بالعلوم الإسلامية، كما هي تعدُّ أرضية مناسبة لتطوير العلاقات بين الباحثين في مجال العلوم الإسلامية الإنسانية.

"PURE LIFE" هي مجلة فصلية، متعددة اللغات، إلكترونية - تخصصية. أما

عنوان هذا العدد فهو: «المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب

الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني»، وهو يتكون من تسع مقالاتٍ

باللغات الثلاثة (الفارسية والعربية والأردية)، حيث قامت بها معاونيةُ البحوث في

جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة.

يتمُّ إصدار مجلة "PURE LIFE" برعاية لجنة نشر الكتب في جامعة المصطفى ﷺ

العالمية ووزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي في إيران، بصفتها أوَّلَ مجلةٍ علميةٍ في جامعة

المصطفى ﷺ المفتوحة، وهي مستعدة لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ العالمية.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعلم الإلكتروني وأمنه

(إيهاب مختار محمد)

الكاتب: حيدر الشمري (عراق)^١

قبول: ١٤٣٨/١١/١٤

استلام: ١٤٣٨/٠٣/٢٦

المستخلص

ميز الله سبحانه وتعالى الإنسان وفضله على بقية خلقه بالعقل والإدراك وعلمه ما لم يعلم أحداً من خلقه. قال تعالى: «الذي علم بالقلم* علم الإنسان ما لم يعلم»، ووهب الله تبارك وتعالى للإنسان الكثير من الجوارح والحواس التي تمكنه من تفعيل الإدراك والتعلم بوسائل وأساليب مختلفة، ويتفاوت تعلم الإنسان وإدراكه حسب اختلاف هذه الوسائط المتعددة. ويشير ويليام جلاسر الى أن الإنسان يتعلم - بمعنى يستوعب ويدرك - ١٠٪ مما يقرأه، و ٢٠٪ مما يسمعه، و ٣٠٪ مما يراه، و ٥٠٪ مما يراه ويسمعه، و ٧٠٪ مما يناقشه مع الآخرين، و ٨٠٪ مما يجربه، و ٩٥٪ مما يعلمه لشخص آخر. والتعلم الإلكتروني، هو أحد الوسائل التعليمية التي تعتمد على الوسائط الإلكترونية لإتاحة المعرفة للذين ينتشرون خارج القاعات الدراسية، ويشار إليه باللغة الإنجليزية بالمصطلح: Electronic Learning أو E-learning. وفي السنوات الأخيرة شهد العالم الإلكتروني ثورة ضخمة في تطبيقات الحاسب التعليمي ولا يزال استخدام الحاسب في مجال التربية والتعليم في بداياته التي تزداد يوماً بعد يوم، بل أخذ أشكالاً عدة فمن الحاسب في التعليم إلى استخدام الإنترنت في التعليم وأخيراً ظهر مفهوم التعليم الإلكتروني الذي يعتمد على التقنية لتقديم المحتوى التعليمي للمعلم بطريقة جيدة وفعالة، كما أن هناك خصائص ومزايا لهذا النوع من التعليم وتبرز أهم المزايا والفوائد في اختصار الوقت والجهد والتكلفة إضافة إلى إمكانية الحاسب في تحسين المستوى

١- طالب في لجنة علوم القرآن والحديث، جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة، قم، إيران،

العام للتحصيل الدراسي، ومساعدة المعلم والطالب في توفير بيئة تعليمية جذابة، لا تعتمد على المكان أو الزمان. ورغم تلك الأهمية لهذا النوع من التعليم والنتائج الأولية التي أثبتت نجاح ذلك إلا إن الاستخدام لازال في بداياته حيث يواجه هذا التعليم بعض العقبات والتحديات سواء أكانت تقنية تتمثل بعدم اعتماد معيار موحد لصياغة المحتوى أم فنية وتتمثل في الخصوصية والقدرة على الاختراق أو تربوية وتتمثل في عدم مشاركة التربويين في صناعة هذا النوع من التعليم. وأحد المفاهيم الهامة لدينا والذي تتعرض له ورقة العمل هو التعليم الافتراضي. ويعد التعليم الافتراضي هو طريقة لإيصال العلم وللتواصل والحصول على المعلومات والتدريب عن طريق شبكة الإنترنت. وتهدف هذه الورقة إلى معرفة التعليم الإلكتروني والتعليم الافتراضي وكذلك خصائص التعليم في المجتمع الفضائي وكذلك التطرق إلى فوائد ومزايا التعليم الإلكتروني وأخيرا العوائق التي تقف أمامه، وخلصت الورقة إلى ما يلي:

- ١- التعبئة الإجتماعية لدى أفراد المجتمع للتفاعل مع هذا النوع من التعليم،
- ٢- ضرورة مساهمة التربويين في صناعة هذا التعليم،
- ٣- ضرورة توفير البنية التحتية لهذا النوع من التعليم والتي تتمثل في إعداد الكوادر البشرية المدربة وكذلك توفير خطوط الإتصالات المطلوبة التي تساعد على نقل هذا التعليم من مكان لآخر،
- ٤- ربط المؤسسات الجامعية ومؤسسات التعليم العالي معا في شبكة للمعلومات، مما يزيد مخططي سياسات التعليم الجامعي والعالي ومتخذي القرار، والمسؤولين التنفيذيين والأساتذة الباحثين بالمعلومات اللازمة لإنجاح أعمالهم وإدارتها،

التعلم عن بعد وتحدياته للتعلم الإلكتروني وأمنه / ١٥٥

٥- أن تبادر الدولة إلى وضع سياسات واستراتيجيات للتعليم تنطلق من حاجات العصر وتواكب مع عجلة التطور العلمي التقني، وتبنى وضع خطط تربوية وتكنولوجية للاستفادة من التحولات العلمية في مشاريع التنمية البشرية الشاملة.

الكلمات المفتاحية: التعلم عن بعد، التعلم الإلكتروني، التعبئة الإجتماعية

تعريف التعليم الإلكتروني

التعليم الإلكتروني هو شكل من أشكال التعليم عند بعد، ويمكن تعريفه بأنه طريقة للتعليم باستخدام آليات الإتصال الحديثة كالحاسب والشبكات والوسائط المتعددة وبوابات الإنترنت من أجل إيصال المعلومات للمتعلمين بأسرع وقت وأقل تكلفة وبصورة تمكن من إدارة العملية التعليمية وضبطها وقياس وتقييم أداء المتعلمين.

وفي مؤسسات التعليم العالي كالجامعات تشتمل خطوات التحول نحو التعليم الإلكتروني للمقرر على خطوات إعداد المحتوى التعليمي وتحديد خطوط المحاضرات وتحديد مجموعات الطلاب المتلقية للتعليم الإلكتروني وإدارة العملية التعليمية وتقويم الطلاب وإعداد التقارير والإحصائيات.

ويبحث التربويون باستمرار عن أفضل الطرق والوسائل لتوفير بيئة تعليمية تفاعلية لجذب اهتمام الطلبة وحثهم على تبادل الآراء والخبرات، وتعتبر تقنية المعلومات ممثلة في الحاسب الآلي والإنترنت وما يلحق بهما من وسائط متعددة من أنجح الوسائل لتوفير هذه البيئة التعليمية الثرية، حيث يمكن العمل في مشاريع تعاونية بين مدارس مختلفة، ويمكن للطلبة أن يطوروا معرفتهم بمواضيع تهمهم من خلال الاتصال بزملاء وخبراء لهم نفس الاهتمامات.

أما بالنسبة للمعلمين فإن الاتصال بالشبكة العالمية تمكن المعلم من الوصول إلى خبرات وتجارب تعليمية يصعب الوصول إليها بطرق أخرى.

نعم لقد طرأت مؤخرا تغييرات واسعة على مجال التعليم، لذا فإن المناهج التعليمية خضعت هي الأخرى لإعادة نظر لتواكب المتطلبات الحديثة والتقنيات المتاحة، مثل التعليم الإلكتروني والتعليم المباشر الذي يعتمد على الإنترنت، لكن مجال التعليم الإلكتروني وحلوله لن تكون ناجحة إذا افتقرت لعوامل أساسية من عناصر تتوفر في التعليم التقليدي الحالي.

وتفاوتت اختصاصات مؤسسات التعلم الإلكتروني بين مجموعة متنوعة من الخدمات، مثل الحصول على شهادة الماجستير بشكل مباشر عبر الإنترنت، أو منح الشهادات التقنية للمبرمجين والمتخصصين في مجال تقنية المعلومات.

ومن المتوقع أن تحقق صناعة التعلم الإلكتروني المباشر عبر الإنترنت نموا كبيرا من ٦,٣ مليار دولار في العام ٢٠٠٢ إلى أكثر من ٢٥ مليار دولار في العالم ٢٠٠٥، وذلك حسيما أظهرته الدراسات التي قامت بها مجموعة آي دي سي لأبحاث السوق، مستندة بذلك على التطور الكبير في قطاع كل الأعمال الإلكترونية.

مشكلة الدراسة

تمر المؤسسات التعليمية في الوقت الحاضر في مرحلة تحول جذري يعود الى الضغوط الاقتصادية والتكاليف الضخمة من جهة والى عالم الأعمال من جهة أخرى، والإختلاف الكبير بين الطلاب الذين يختارون الحضور للمدارس أو التعلم من بعد هو أيضا من عوامل ذلك التحول.

لقد اتجهت مؤسسات التعليم وخاصة العالي مع الإزدياد المتكرر للطلاب لإستعمال الإنترنت في تسليم المقررات للطلاب في الأماكن البعيدة، وكذلك شجعت تسليم المقررات للطلاب في حرم المؤسسة التعليمية أيضا، حيث رأت بعض المؤسسات التعليمية أن هذه الطريقة وسيلة لجذب الطلاب الذين ليس بإمكانهم الحضور إلى مباني الجامعة، بينما ترى معاهد أخرى بأنها وسيلة لتلبية احتياجات نوعية جديدة للطلاب.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعلم الإلكتروني وأمنه / ١٥٧

مع ازدياد استعمال التقنيات الحديثة، تقبل كل من الكليات والطلاب على حد سواء التغييرات التي حدثت في بيئة التعليم، فالمقررات والدرجات العلمية أصبحت متوفرة على الإنترنت، وتم إنشاء المدارس والجامعات والمكتبات الافتراضية، وحضور المحاضرات من غير تسجيل أي زيارة فعلية لمباني الجامعة، فعدد من التخصصات والبرامج التعليمية تم تطويرها وذلك ليتم التفاعل بينها وبين الطلاب وهذا النوع يسمى بالتعليم بمساعدة الحاسب، بعض البرامج الأخرى أكثر تفاعلاً حيث تسمح للطلاب بإرسال آرائهم وتعليقاتهم لساحات النقاش وذلك عن طريق المواقع على شبكة الإنترنت وهذا النوع يسمى بالنقاش اللاتزامن فالمشارك في هذا النوع يقرأ ويعلق على الموضوع المطروح للنقاش عندما تتاح له الفرصة بذلك في أوقات فراغه، هناك نوع آخر من التعليم هو التعليم الفوري أو المتزامن والذي يستخدم النقاش الفوري أو الدردشة فهناك المشاركين يمكنهم التفاعل والنقاش فيما بينهم وفي وقت واحد وحقيقي.

وبغض النظر عن الطريقة المستخدمة للتعليم، فالتحول يجب أن يتم من قاعات الدرس التقليدية إلى قاعات الدرس عبر الفضاء المعلوماتي. وهذا هو مستقبل التعليم وهو ما يسمى بالتعليم الإلكتروني، ولذا فإن هذه الدراسة تحاول الإجابة على السؤال التالي:

- ما مفهوم التعليم الإلكتروني؟
- ويمكن من هذا السؤال التساؤل عن الأسئلة التالية:
- ١- ما فوائد التعليم الإلكتروني؟
- ٢- ما عوائق التعليم الإلكتروني؟
- ٣- كيف تطورت العملية التعليمية؟
- ٤- ما هو التعلم الافتراضي؟
- ٥- ما هي مزايا التعليم الافتراضي؟

٦- ما هي متطلبات التعليم الافتراضي؟

أ. أهمية الدراسة

تهدف هذه الدراسة إلى معرفة مفهوم التعليم الإلكتروني، والتعليم الافتراضي ومن ثم التطرق إلى فوائد التعليم الإلكتروني والتعليم الافتراضي؟

ب. حدود الدراسة

نظراً لأن عناصر التعليم الإلكتروني كثيرة جداً لذا فإن هذه الدراسة سوف تقتصر على الإجابة على الأسئلة التالية دون التطرق إلى معايير تصميم التعليم الإلكتروني أو مستقبله أو خصائصه أو مناهج التعليم الإلكتروني.

- مفهوم التعليم الإلكتروني

التعليم الإلكتروني هو طريقة للتعليم باستخدام آليات الإتصال الحديثة من حاسب وشبكات ووسائطه المتعددة من صوت وصورة، ورسومات، وآليات بحث، ومكتبات إلكترونية وكذلك بوابات الإنترنت سواء كان عن بعد أو في الفصل الدراسي المهم المقصود هو استخدام التقنية بجميع أنواعها في إيصال المعلومة للمتعلم بأقصر وقت وأقل جهد وأكبر فائدة.

- التعليم الإلكتروني المباشر

تعني عبارة التعليم الإلكتروني المباشر، أسلوب وتقنيات التعليم المعتمدة على الإنترنت لتوصيل وتبادل الدروس ومواضيع الأبحاث بين المتعلم والمدرس، والتعليم الإلكتروني مفهوم تدخل فيه الكثير من التقنيات والأساليب، اعتماد الأقراص المدمجة¹ للتعليم لكن عيبها كان واضحاً وهو افتقارها لميزة التفاعل بين المادة والمدرس والمتعلم أو المتلقي، ثم جاء انتشار الإنترنت مبرراً للإعتماد

التعلم عن بعد وتحدياته للتعلم الإلكتروني وأمنه / ١٥٩

التعليم الإلكتروني المباشر على الإنترنت، وذلك لمحاكاة فعالية أساليب التعليم الواقعية، وتأتي للمسات والنواحي الإنسانية عبر التفاعل المباشر بين أطراف العملية التربوية والتعليمية ويجب أن نفرق تماما بين تقنيات التعليم ومجرد الاتصال بالبريد الإلكتروني مثلا، وستتناول التدريب في الشركات والتعليم في المدارس والجامعات لتبين فعالية هذا الأسلوب الجديد الذي حملته الإنترنت لنا.

- الواقعية في التعليم

يعتبر الإفتقار للنواحي الواقعية في عملية التعليم الإلكتروني المباشر أهم عيوب هذا الأسلوب في التعليم الذي يحتاج في بعض الحالات للمسات إنسانية بين المتعلم والمدرس، ونخص هنا بالحديث الفئات التي يجدي فيها التعليم الإلكتروني المباشر وحالياً نجد أنه يستهدف طلاب المرحلة الثانوية بشكل رئيسي ثم طلبة الجامعات والمهن الأخرى مثل الأطباء والمهندسين أي بشكل أو بآخر التدريب المؤسسي الذي يتلقاه العاملون والفنيين في المؤسسات والشركات الكبيرة على اختلاف مجالاتها.

وهناك مواد تعليمية تصلح للتعليم الإلكتروني المباشر وتحقق فعالية كبيرة، فمثلاً يمكنني أن أشرح لك مطولا عن ظاهرة علمية طبيعية ولكن لرحلة مدرسية أو الذهاب إلى المختبر ومشاهدة هذه الظاهرة بصورة مباشرة أن يغني عن كل الجهد الذي يمكن أن نبذله في نظام التعليم الإلكتروني المباشر لشرح تلك الظاهرة، أي أن مادة التعليم الإلكتروني المباشر يجب أن تكون مناسبة له وملائمة لأسلوبه، ولذلك يمكننا القول وبكل ثقة أنه يمكن اعتماد التدريب الإلكتروني المباشر بصورة ناجحة كمتتم لأساليب التعليم التربوية الأساسية وذلك لتطوير الموارد المتاحة للطلاب لتدريبهم على استخدام التقنية لتحسين التعلم وإيجاد مدارس أكثر مرونة وزيادة تفاعل أولياء الطلبة في العملية التعليمية إضافة لزيادة وصول الطلاب وإتاحة التقنية لهم وتوسيع فرص التطوير المهني للمعلمين ويمكن للتقنية، تعزز قدرات الطلاب والمدرسين والتربويين.

ويرى بعض التربويين والخبراء أن التعليم الإلكتروني المباشر أو التعليم بالاعتماد على الكمبيوتر سيلقى مقاومة تعيق نجاحه إذا كان يخل بسير العملية التعليمية الحالية، أو يهدد أطرافها الحاليين لكونه أحياناً يعتمد على حلول جذرية في تنفيذه.

- أولاً: التعليم الإلكتروني المعتمد على الحاسب

لازال التعليم الإلكتروني المعتمد على الكمبيوتر¹ أسلوباً مرادفاً للتعليم الأساسي التقليدي ويمكن اعتماده بصورة مكتملة لأساليب التعليم المعهودة وبصورة عامة يمكننا تبني تقنيات وأساليب عديدة ضمن خطة تعليم وتدريب شاملة تعتمد على مجموعة من الأساليب والتقنيات، فمثلاً إذا كان من الصعب بث الفيديو التعليمي عبر الإنترنت فلا مانع من تقديمه على أقراص مدمجة أو أشرطة فيديو² طالما أن ذلك يساهم في رفع جودة ومستوى التدريب والتعليم ويمنع اختناقات سعة الموجة على الشبكة ويتطلب التعليم الإلكتروني ناحية أساسية تبرر اعتماده والاستثمار فيه وهي الرؤية النافذة للالتزام به على المدى البعيد وذلك لتجنب عقبات ومصاعب في تقنية المعلومات ومقاومة ونفور المتعلمين منه.

ويحضرني هنا قول أحد أساتذتي وهو أحد من المخضرمين في التعليم والتوجيه التربوي حيث قال لي مؤخراً أنه كان ينفر من الكمبيوتر والحديث عنه من كثرة ما سمعه من مبالغات حوله على أنه العقل الإلكتروني الذكي الذي سيتحكم بالعالم لكنه أدرك أن الكمبيوتر لا يعدو كونه جهاز غبي ومجرد آلة يتوقف ذكائها المحدود على المستخدم وبراعته في إنشاء برامج ذكية وفعالة تجعل مكن المستخدم يستفيد منها بدلاً من أن تستفيد هي وتستهلك وقته وجهده بلا طائل ويكمن في قوله هذا محور نجاح التعليم الإلكتروني الذي يتوقف على تطوير وانتقاء نظام التعليم الإلكتروني المناسب من حيث تلبية متطلبات التعليم

1. Computer-Based Training (CBT)

2. VHS

التعلم عن بعد وتحدياته للتعليم الإلكتروني وأمنه / ١٤١

كالتحديث المتواصل لمواكبة التطورات ومراعاة المعايير والضوابط في نظام التعليم المختار ليكفل مستوى وتطوير المتعلم ويحقق الغايات التعليمية والتربوية.

- ثانياً: فوائد التعليم الإلكتروني

لاشك أن هناك مبررات لهذا النوع من التعليم يصعب حصرها في هذا المقال ولكن يمكن القول بأن أهم مزايا ومبررات وفوائد التعليم الإلكتروني ما يلي:

١- زيادة إمكانية الإتصال بين الطلبة فيما بينهم، وبين الطلبة والمدرسة،

وذلك من خلال سهولة الإتصال ما بين هذه الأطراف في عدة اتجاهات مثل مجالس النقاش، البريد الإلكتروني، غرف الحوار، ويرى الباحثين أن هذه الأشياء تزيد وتحفز الطلاب على المشاركة والتفاعل مع المواضيع المطروحة.

٢- المساهمة في وجهات النظر المختلفة للطلاب: المنتديات الفورية

مثل مجالس النقاش وغرف الحوار تتيح فرص لتبادل وجهات النظر في المواضيع المطروحة مما يزيد فرص الاستفادة من الآراء والمقترحات المطروحة ودمجها مع الآراء الخاصة بالطالب مما يساعد في تكوين أساس متين عند المتعلم وتتكون عنده معرفة وآراء قوية وسديدة وذلك من خلال ما اكتسبه من معارف ومهارات عن طريق غرف الحوار.

٣- الإحساس بالمساواة: بما أن أدوات الاتصال تتيح لكل طالب فرصة

الإدلاء برأيه في أي وقت ودون حرج، خلافاً لقاعات الدرس التقليدية التي تحرمه من هذا الميزة إما لسبب سوء تنظيم المقاعد، أو ضعف صوت الطالب نفسه، أو الخجل، أو غيرها من الأساليب، ولكن هذا النوع من التعليم يتيح الفرصة كاملة للطلب لأنه بإمكانه إرسال رأيه وصوته من خلال أدوات الإتصال المتاحة من بريد إلكتروني ومجالس النقاش وغرف الحوار.

هذه الميزة تكون أكثر فائدة لدى الطلاب الذين يشعرون بالخوف والقلق لأن هذا الأسلوب في التعليم يجعل الطلاب يتمتعون بجرأة أكبر في التعبير عن أفكارهم والبحث عن الحقائق أكثر مما لو كانوا في قاعات الدرس التقليدية، وقد أثبتت الدراسات أن النقاش على الخط يساعد ويحث الطلاب على المواجهة بشكل أكبر.

٤- سهولة الوصول إلى المعلم: أتاح التعليم الإلكتروني سهولة كبيرة في الحصول على المعلم والوصول إليه في أسرع وقت وذلك خارج أوقات العمل الرسمية، لأن المتدرب أصبح بمقدوره أن يرسل استفساراته للمعلم من خلال البريد الإلكتروني، وهذه الميزة مفيدة وملائمة للمعلم أكثر بدلا من أن يظل مقيدا على مكتبه، وتكون أكثر فائدة للذين تتعارض ساعات عملهم مع الجدول الزمني للمعلم، أو عند وجود استفسار في أي وقت لا يحتمل التأجيل.

٥- إمكانية تحوير طريقة التدريس: من الممكن تلقي المادة العلمية بالطريقة التي تناسب الطالب فمنهم من تناسبه الطريقة المرئية، ومنهم تناسبه الطريقة المسموعة أو المقروءة وبعضهم تناسب مع الطريقة العملية، فالتعليم الإلكتروني ومصادره تتيح إمكانية تطبيق المصادر بطرق مختلفة وعديدة تسمح بالتحوير وفقا للطريقة الأفضل بالنسبة للمتدرب.

٦- ملائمة مختلف أساليب التعليم: التعليم الإلكتروني يتيح للمتعلم أن يركز على الأفكار المهمة أثناء كتابته وتجميعه للمحاضرة أو الدرس، وكذلك يتيح للطلاب الذين يعانون من صعوبة التركيز وتنظيم المهام الاستفادة من المادة وذلك لأنها تكون مرتبة ومنسقة بصورة سهلة وجيدة والعناصر المهمة فيها محددة.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعليم الإلكتروني وأمنه / ١٦٣

٧- المساعدة الإضافية على التكرار: هذه ميزة إضافية بالنسبة للذين يتعلمون بالطريقة العملية فهؤلاء الذين يقومون بالتعليم عن طريق التدريب، إذا أرادوا أن يعبروا عن أفكارهم فإنهم يضعونها في جمل معينة مما يعنى أنهم أعادوا تكرار المعلومات التي تدرّبوا عليها وذلك كما يفعل الطلاب عندما يتعدون لامتحان معين.

٨- توفر المناهج طوال اليوم وفي كل أيام الأسبوع (٢٤ ساعة في اليوم، ٧ أيام في الأسبوع): هذه الميزة مفيدة للأشخاص المزاجيين أو الذين يرغبون التعليم في وقت معين، وذلك لأن بعضهم يفضل التعلم صباحا والآخرا مساء، كذلك للذين يتحملون أعباء ومسئوليات شخصية، فهذه الميزة تتيح للجميع التعلم في الزمن الذي يناسبهم.

٩- الإستمرارية في الوصول إلى المناهج ك هذه الميزة تجعل الطالب في حالة استقرار ذلك أن بإمكانه الحصول على المعلومة التي يريدّها في الوقت الذي يناسبه، فلا يرتبط بأوقات فتح وإغلاق المكتبة، مما يؤدي إلى راحة الطالب وعدم إصابته بالضجر.

١٠- عدم الإعتماد على الحضور الفعلي: لا بد للطلاب من الإلتزام بجدول زمني محدد ومقيد وملزم في العمل الجماعي بالنسبة للتعليم التقليدي، أما الآن فلم يعد ذلك ضروريا لأن التقنية الحديثة وفرت طرق للإتصال دون الحاجة للتواجد في مكان وزمان معين لذلك أصبح التنسيق ليس بتلك الأهمية التي تسبب الإزعاج.

١١- سهولة وتعدد طرق تقييم تطور الطالب: وفرت أدوات التقييم الفوري على إعطاء المعلم طرق متنوعة لبناء وتوزيع وتصنيف المعلومات بصورة سريعة وسهلة للتقييم.

١٢- الإستفادة القصوى من الزمن: إن توفير عنصر الزمن مفيد وهام جدا للطرفين المعلم والمتعلم، فالطالب لديه إمكانية الوصول الفوري للمعلومة في المكان والزمان المحدد وبالتالي لا توجد حاجة للذهاب من البيت إلى قاعات الدرس أو المكتبة أو مكتب الأستاذ وهذا يؤدي إلى حفظ الزمن من الضياع، وكذلك المعلم بمكانه الاحتفاظ بزمنه من الضياع لأن بمكانه إرسال ما يحتاجه الطالب عبر خط الإتصال الفوري.

١٣- تقليل الأعباء الإدارية بالنسبة للمعلم: التعليم الإلكتروني يتيح للمعلم تقليل الأعباء الإدارية التي كانت تأخذ منه وقت كبير في كل محاضرة مثل استلام الواجبات وغيرها فقد خفف التعليم الإلكتروني من هذه العبء، فقد أصبح من الممكن إرسال واستلام كل هذه الأشياء عن طريق الأدوات الإلكترونية مع إمكانية معرفة استلام الطالب لهذه المستندات.

١٤- تقليل حجم العمل في المدرسة: التعليم الإلكتروني وفر أدوات تقوم بتحليل الدرجات والنتائج والاختبارات وكذلك وضع إحصائيات عنها وبمكانها أيضا إرسال ملفات وسجلات الطلاب إلى مسجل الكلية.

- ثالثاً: معوقات التعليم الإلكتروني

التعليم الإلكتروني كغيره من طرق التعليم الأخرى لديه معوقات تعوق تنفيذه ومن هذه العوائق:

١- تطوير المعايير: يواجه التعليم الإلكتروني مصاعب قد تطفئ بريقه وتعيق انتشاره بسرعة، وأهم هذه العوائق قضية المعايير المعتمدة، فما هي هذه المعايير وما الذي يجعلها ضرورية؟ لو نظرنا إلى بعض المناهج والمقررات التعليمية في الجامعات أو المدارس، لوجدنا أنها بحاجة لإجراء تعديلات وتحديثات كثيرة نتيجة للتطورات المختلفة

التعلم عن بعد وتحدياته للتعليم الإلكتروني وأمنه / ١٦٥

كل سنة، بل كل شهر أحيانا فإذا كانت الجامعة قد استثمرت في شراء مواد تعليمية على شكل كتب أو أقراص مدمجة، ستجد أنها عاجزة عن تعديل أي شيء فيها ما لم تكن هذه الكتب والأقراص قابلة لإعادة الكتابة وهو أمر معقد حتى لو كان ممكنا، ولضمان حماية استثمار الجهة التي تتبنى التعليم الإلكتروني لابد من حل قابل للتخصيص والتعديل بسهولة، أطلق مؤخرا في الولايات المتحدة أول معيار للتعليم الإلكتروني المعتمد على لغة ايكس.ام.ال^١ واسمه سكورم^٢.

٢- الأنظمة والحوافز التعويضية من المتطلبات التي تحفز وتشجع الطلاب على التعليم الإلكتروني، حيث لازال التعليم الإلكتروني يعاني من عدم وضوح في الأنظمة والطرق والأساليب التي يتم فيها التعليم بشكل وواضح كما أن عدم البت في قضية الحوافز التشجيعية لبيئة التعليم هي إحدى العقبات التي تعوق فعالية التعليم الإلكتروني.

٣- التسليم المضمون والفعال للبيئة التعليمية:

- نقص الدعم والتعاون المقدم من أجل طبيعة التعليم الفعالة،
- نقص المعايير لوضع وتشغيل برنامج فعال ومستقل،
- نقص الحوافز لتطوير المحتويات.

٤- علم المنهج أو الميثودولوجيا^٣: غالبا ما تؤخذ القرارات التقنية من قبل التقنيين أو الفنيين معتمدين في ذلك على استخداماتهم وتجاربهم الشخصية، وغالبا لا يؤخذ بعين الاعتبار مصلحة المستخدم، أما عندما

1. XML

2. Standard Sharable Content Object Reference Model (SCORM) 1.2

3. Methodology

يتعلق الأمر بالتعليم فلا بد لنا من وضع خطة وبرنامج معياري لأن ذلك يؤثر بصورة مباشرة على المعلم (كيف يعلم) وعلى الطالب (كيف يتعلم)، وهذا يعنى أن معظم القائمين فى التعليم الإلكتروني هم من المتخصصين فى مجال التقنية أو على الأقل أكثرهم، أما المتخصصين فى مجال المناهج والتربية والتعليم فليس لهم رأى فى التعليم الإلكتروني، أو على الأقل ليسوا هم صناع القرار فى العملية التعليمية، ولذا فإنه من الأهمية بمكان ضم التربويين والمعلمين والمدرسين فى عملية اتخاذ القرار.

٥- الخصوصية والسرية: إن حدوث هجمات على المواقع الرئيسية فى الإنترنت، أثرت على المعلمين والتربويين ووضعت فى أذهانهم العديد من الأسئلة حول تأثير ذلك على التعليم الإلكتروني مستقبلا ولذا فإن اختراق المحتوى والامتحانات من أهم معوقات التعليم الإلكتروني.

٦- التصفية الرقمية: هي مقدرة الأشخاص أو المؤسسات على تحديد محيط الإتصال والزمن بالنسبة للأشخاص وهل هناك حاجة لإستقبال اتصالاتهم، ثم هل هذه الإتصالات مقيدة أما لا، وهل تسبب ضرر وتلف، ويكون ذلك بوضع فلاتر أو مرشحات لمنع الإتصال أو إغلاقه أمام الإتصالات غير المرغوب فيها وكذلك الأمر بالنسبة للدعايات والإعلانات.

٧- مدى استجابة الطلاب مع النمط الجديد وتفاعلهم معه.

٨- مراقبة طرق تكامل قاعات الدرس مع التعليم الفوري والتأكد من أن المناهج الدراسية تسيير وفق الخطة المرسومة لها.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعلم الإلكتروني وأمنه / ١٦٧

- ٩- زيادة التركيز على المعلم وأشعاره بشخصيته وأهميته بالنسبة للمؤسسة التعليمية والتأكد من عدم شعوره بعدم أهميته وأنه أصبح شيئاً تراثياً تقليدياً.
- ١٠- وعى أفراد المجتمع بهذا النوع من التعليم وعدم الوقوف السلبي منه.
- ١١- توفر مساحة واسعة من الحيز الكهرومغناطيسي^١ وتوسيع المجال للإتصال اللاسلكي.
- ١٢- الحاجة المستمرة لتدريب ودعم المتعلمين والإداريين في كافة المستويات، حيث أن هذا النوع من التعليم يحتاج إلى التدريب المستمر وفقاً للتجدد التقنية.
- ١٣- الحاجة إلى تدريب المتعلمين لكيفية التعليم باستخدام الإنترنت.
- ١٤- الحاجة إلى نشر محتويات على مستوى عال، من الجودة ذلك أن المنافسة عالمية.
- ١٥- تعديل كل القواعد القديمة التي تعوق الابتكار ووضع طرق جديدة تنهض بالابتكار في كل مكان وزمان للتقدم بالتعليم وإظهار الكفاءة والبراعة.

أخيراً، يمكن القول بأنه يجب إعادة صياغة قوانين ولوائح لحفظ حقوق التأليف والنشر، وذلك لحماية هذه الحقوق من الإنتهاك وكذلك يطبق في التعليم الإلكتروني.

- رابعاً: تطور العملية التعليمية

جاء التطور العلمي والتقني السريع لتوفير أشكالاً أخرى من التعليم، أو بمعنى أصح تقديم الخدمة بأسلوب مختلف وجديد، فحيث يمثل التعليم بوجه عام وظيفي أساسية في المجتمعات البشرية، كان طبيعياً أن تتغير أشكال التعليم بوجه عام،

وتتطور، مع تصاعد التطور التقني، وحيث يعتمد التعليم عن بعد بوجه خاص على تقنيات الإتصال، فإن التطور في هذه التقنية يسهم في تطوير أشكال التعليم عن بعد بشكل أو بآخر.

لذا فإن تطور شبكات البريد أنتج التعليم بالمراسلة عبر المواد المطبوعة والمكتوبة، وأدى البث الإذاعي إلى استخدام الراديو في التعليم، ومن خلال تقدم الصناعات الكهربائية والافتراضية ازداد دور الصوتيات بشكل عام في التعليم من خلال أجهزة التسجيل، ثم ظهر التلفزيون، وتلاه الفيديو، وازدادت أهمية أشكال البث التعليمي، سمعا ورؤية، مع شيوع استعمال الأقمار الصناعية، وبانتشار الحاسبات، خاصة تلك القائمة على التفاعل، من أهم وسائل التعليم عن بعد، وأكثرها فعالية، وعلى وجه الخصوص في ميدان التعلم الذاتي.

- تطور العملية التعليمية

ومن حيث المبدأ، يقوم التعليم عن بعد على عدم اشتراط الوجود المتزامن للمتعلم مع المعلم في الموقع نفسه، أي يتم التغلب على عنصري الزمان والمكان، وبهذا يفقد كل من المعلم والمتعلم خبرة التعامل المباشر مع الطرف الآخر، وعليه تنشأ الضرورة لأن يقوم بين المعلم والمتعلم وسيط، وللوساطة هذه جوانب تقنية وبشرية وتنظيمية.

كما يمكن التعليم عن بعد المتعلم من اختيار وقت التعلم بما يتناسب مع ظروفه، دون التقيد بجداول منتظمة ومحددة سلفا للقاء المعلمين، باستثناء اشتراطات التقييم، الأمر الذي يعنى حضور المدرسة للمتعلم بدلا من ذهابه للمدرسة في التعليم التقليدي.

- خامساً: أحدث أنماط التعليم وهو التعليم الافتراضي

كلمة افتراضي^١ هي ترجمة للمصطلح الأجنبي، وتعني أن المؤسسة التعليمية بما فيها من محتوى وصفوف ومكتبات وأساتذة وطلاب وتجمعات... الخ جميعهم يشكلون قيمة حقيقية موجودة فعلاً لكن التواصل بينهم يكون من خلال شبكة الإنترنت، حيث يمكن أن يتألف الصف الافتراضي من طلاب موزعين ما بين استراليا والسعودية والأردن والهند وسوريا، ويحضرون لأستاذ ما في بريطانيا ويتفاعلون معه افتراضياً، إما مباشرة أو من خلال الخادم التقني الخاص بالمؤسسة، متحررين من حاجزي المكان والزمان.

وقد بدأ استخدام الحقيقة الافتراضية^٢ كثيراً، فنرى الحديث عن المدن الافتراضية، والرق الافتراضية، والرحلات الافتراضية / والصف الافتراضي وما إلى ذلك، وهذه عبارة عن حقائق واقعية سوف يتميز بها نمط الحياة في القرن القادم.

- التعليم الافتراضي

أتى تأسيس الجامعات الافتراضية كمؤسسات أكاديمية تهدف الى تأمين أرفع مستويات التعليم الجامعي العالمي للطلاب من مكان إقامتهم بواسطة شبكة الإنترنت، وذلك عن طريق إنشاء بيئة تعليمية إلكترونية متكاملة تعتمد على شبكة فائقة التطور، وتقدم مجموعة من الشهادات الجامعية من أعرق الجامعات العالمية المعترف بها دولياً، كما تؤمن كل أنواع الدعم والمساعدة للطلاب بإشراف تجمع افتراضي شبكي يضم خيرة الخبراء والأساتذة الجامعيين في العالم، ومن هنا خرج مفهوم التعليم الافتراضي.

1. Virtual

2. Virtual Reality

- ما هو التعليم الافتراضي؟

التعليم الافتراضي هو طريقة لإيصال العلم وللتواصل والحصول على المعلومات والتدريب عن طريق شبكة الإنترنت، وهذا النوع الحديث من التعليم يقدم مجموعة من الأدوات التعليمية المتطورة التي تستطيع أن تقدم قيمة مضافة على التعليم بالطرق التقليدية ونعني بذلك الصف التدريسي المعتاد والكتاب والأقراص المدمجة وحتى التدريب التقليدي عن طريق الكمبيوتر.

ويستطيع الطالب من خلال التعليم الافتراضي الحصول على قدرة أكبر في التحكم حيث أنه مصمم على أساس المحتوى النوعي وآلية تقديم المادة على النحو الأفضل بما يتناسب تماما مع المحتوى وهذه العلاقة المطردة تجعل هذه التجربة دائمة التطور فكلما زادت التجربة تحسن الأداء وتحسنت النتائج.

كما يؤمن التعليم الافتراضي خيارات متنوعة من التعليم لطلابها، مع مناهج مستقاة من أرفع الجامعات العالمية المعترف بها دوليا، وهذا تدعمه مجموعة من التجمعات الافتراضية الخاصة من الأساتذة الجامعيين والعلماء الدارسين في العالم الذين سيضيفون العنصر الثقافي الخاص بمجتمعاتنا على المحتوى العلمي العالمي، حيث تقدم الجامعات الافتراضية فرصة الحصول على اختصاصات جامعية معتمدة من خلال مصادر جامعية متعددة عبر العالم أينما كنت وفي أي وقت.

ويمكن تعريف التعليم الافتراضي بعدة أشكال:

هو عبارة عن مجموعة العمليات المرتبطة بنقل وتوصيل مختلف أنواع المعرفة والعلوم إلى الدارسين في مختلف أنحاء العالم باستخدام تقنية المعلومات، (يشمل ذلك شبكات الإنترنت والإنترنت والأقراص المدمجة وعقد المؤتمرات عن بعد).

إن التطور الهائل في شبكة الإنترنت وتطبيقاتها خاصة فيما يتعلق بالتخاطب المباشر وإمكانية إنشاء مجموعات تحاور افتراضية وإدخال تقنيات الوسائل المتعددة والتخاطب بالصوت والصورة عن بعد ... ساهم في ظهور النمط الحديث من

التعليم الذي يعرف بالتعليم الافتراضي، حيث بدأت معظم الجامعات العريقة في أمريكا وأوروبا بتحويل مناهجها إلى مناهج للتعليم الافتراضي. ومما أعطى مصداقية لهذا النوع من التعليم العالي إن عددا من الجامعات العريقة مثل جامعة روشستر للتكنولوجيا وجامعة جو رجا للتكنولوجيا قررت التحول إلى التعليم الافتراضي بشكل كامل خلال السنوات العشر القادمة.

- ويمكن تعريف الجامعة الافتراضية على أنها:

مؤسسة أكاديمية تهدف إلى تأمين أعلى مستويات التعليم العالي للطلاب في أماكن إقامتهم بواسطة شبكة الإنترنت، وذلك من خلال إنشاء بيئة تعليمية إلكترونية متكاملة تعتمد على شبكة متطورة.

والفرق بين الجامعة التقليدية والجامعة الافتراضية هو أن الجامعة الافتراضية لا تحتاج إلى صفوف دراسية داخل جدران، أو إلى تلقين مباشر من الأستاذ إلى الطالب أو تجمع الطلبة في قاعات امتحانية أو قدوم الطالب إلى الجامعة للتسجيل وغيرها من الإجراءات، وإنما يتم تجميع الطلاب في صفوف افتراضية يتم التواصل فيما بينهم وبين الأساتذة عن طريق موقع خاص بهم على شبكة الإنترنت، وإجراء الإختبارات عن بعد من خلال تقويم سوية الأبحاث التي يقدمها المنتسبون للجامعة خلال مدة دراستهم.

- سادسا: مزايا التعليم الافتراضي

١- تعتبر رحلة الطالب سهلة ومضمونة

دون تعقيدات القبول والتسجيل، تقدم الجامعة الافتراضية تقدم خدمات القبول والتسجيل ووسائل الدفع المادي، والدعم الأكاديمي من خلال مرشدين للطلاب يوجهونهم نحو الأفضل، كما توفر لهم سبل الانخراط في حلقات تفاعل وحوار لتجمعات أكاديمية واسعة.

كما تتيح المكتبة الافتراضية فرصة استثنائية للطالب والباحث بتوفير الملايين من العناوين المختلفة على أن الترجمة الحقيقية للدور المأمول للجامعات الافتراضية يتضح في الميزات العديدة التي توفرها حيث لا يكتفي بميزات التعليم الافتراضي العامة التي تجعل الطالب قادراً على التعلم والعمل في وقت واحد، ومن أي مكان وفي أي وقت، بل وأيضاً تؤمن طيفاً واسعاً من الإختصاصات العلمية غير الموجودة في الجامعات المحلية والإقليمية، وتؤهل القوى العاملة بما يتناسب ومتطلبات اقتصاد المعرفة.

٢- الجامعة الافتراضية تتبع الفرد حيثما يذهب

وهي أحد أهم خصائص الجامعات الافتراضية، إضافة إلى التخطيط السليم ووقوفها الدائم عند تطور الطالب خلال رحلة الدراسة وحتى التخرج فإنها تتبعه حيث ذهب، فجميعنا نعلم أن الظروف القاهرة قد تفرض على الإنسان الانتقال من بلاده لأسباب متعددة، لكن هذا لا يؤثر إطلاقاً على الطالب في الجامعة الافتراضية حيث يستطيع متابعة تحصيله العلمي من أي مكان وفي أي زمان دون ما انقطاع عن الدروس أو الإرشاد وبالتالي فلن يفقد بانتقاله أية ميزة أو خدمة تقدمها الجامعة، ليست الجامعة الافتراضية بديلاً عن الجامعات التقليدية بل إنها مكملتها.

- توفير أبرز الإختصاصات العلمية

إن عملية انتقاء التخصصات التي تطرحها الجامعات الافتراضية عملية ديناميكية مستمرة متعلقة مباشرة بحاجات سوق العمل عموماً، وتشمل العديد من الإختصاصات مثل تكنولوجيا المعلومات والإتصالات، إدارة الأعمال، علوم الكمبيوتر والذكاء الصناعي، إدارة المرافقة السياحية، هندسة الجينات الزراعية، تكنولوجيا التعليم، الإدارة التعليمية، وهذه الإختصاصات كلها وغيرها العديد مطروحة مستويات عدة: دبلوم، بكالوريوس، ماجستير، دكتوراه.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعلم الإلكتروني وأمنه / ١٧٣

وإذا كانت المؤسسة التعليمية التقليدية تخصص مكانا محسوسا للطالب (مقعد، صف، مكتبة)، فإن مقعد الطالب في المؤسسة الافتراضية أمام شاشة الكمبيوتر، وصفه موجود على شبكة الإنترنت ومكتبته ليست محدودة بعدد محدود في قاعة، بل انه يستطيع الإطلاع على ملايين الكتب بأسرع وأسهل طرق التعليم الافتراضي. إن استخدام شبكة الإنترنت قد ساهم في تخطي حواجز الزمان والمكان، إذ أنه يمكن من خلالها إرسال رسالة بالبريد الافتراضي لصدق يبعد آلاف الكيلومترات، أو التحدث إليه مباشرة بالصوت أو عن طريق الدردشة^١ ويمكن تحقيق التواصل بين المعلم والمتعلم بمجرد النقر على زر^٢ في منتصف الليل، ودون الإضطرار لمغادرة الغرفة أو المكتب.

إن إنترنت برأي الخبراء، ستوفر مناهج قياسية، تصل الى أقاصي السوق العالمية وتتيح إدخال المستجدات بسرعة، وإثرائها بالمعارف الجديدة، وتغني عن المباني باهظة التكاليف، وتستبدل هيئة التدريس المكلفة، بمدربين متعاونين غير متفرغين.

١- دواعي التعليم الافتراضي

- ارتفاع مستوى الوعي بأهمية التعليم وإلزامية التعليم إلى سن معينة في معظم دول العالم.
- الحاجة المستمرة إلى التعليم والتدريب في جميع المجالات.
- ارتفاع تكلفة الإنشاءات والمباني.
- عدم المقدرة على تلبية الطلب على الخدمة وقبول من يرغب في الدراسة، وازدحام الفصول الدراسية والنقص النسبي في عدد المعلمين.

- ٢- ومن أهم العوامل التي تساهم في زيادة انتشار تقنيات التعليم الافتراضي حول العالم
- الجدوى الاقتصادية من استخدام تقنية التعليم الافتراضي التي تساهم في تخفيض تكاليف التعليم والتدريب للموظفين أو الدارسين المنتشرين حول العالم.
 - خفض شديد في جميع النفقات الأخرى غير المباشرة مثل طباعة الكتب وتكاليف السفر ومصاريف ونفقات الإقامة التي تترتب على السفر وما شابه.
 - القدرة على إتاحة التعليم لأكبر قدر ممكن من راغبي التعليم في أي مجال وفي أي بلد.
 - انخفاض تكلفة التعليم يساهم في توفير التعليم بأسعار مخفضة للمستفيدين.
 - الحد من تأثيرات العوامل السكانية والديموغرافية والتوسعات العمرانية.
 - التخلص من الكثير من المشاكل الاجتماعية التي تنجم عن التعليم التقليدي، مثل الفروقات بين الطلبة (المظهر والملابس واقتناء السيارات).
 - الحد من الآثار الناجمة عن الازدحام المروري صباح كل يوم مثل التلوث البيئي من جهة، والحوادث القاتلة من جهة أخرى.
 - التخلص من عقبة الزمان وتحرير المستفيدين من الإختيار بين الدراسة والعمل، كذلك بالنسبة للمعلمين، إذ يمكن لكل منهم أن يمارس أعمالاً أخرى.

سابعاً: متطلبات التعليم الافتراضي

- بنية تحتية شاملة تتمثل في وسائل اتصال سريعة وأجهزة ومعامل حديثة للحاسب الآلي.
- تأهيل وتدريب المدرسين على استخدامات التقنية والتعرف على مستجدات العصر في مجال التعليم.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعليم الإلكتروني وأمنه / ١٧٥

- الإستثمار في بناء مناهج ومواد تعليمية إلكترونية.
- بناء أنظمة وتشريعات تساهم في دعم العملية التعليمية بشكلها المعاصر.
- بناء أنظمة معلومات قادرة على إدارة عملية التعليم بشكلها الجديد.

الآثار الايجابية للتعليم الافتراضي

أولاً: زيادة ملحوظة في كفاءة عملية التعليم والتدريب تتمثل في:

- ٥٠ - ٦٠٪ أفضل: في متابعة عملية التعليم والتدريب.
- ٢٥ - ٦٠٪ أفضل: في نسبة التحصيل.
- ٦٠٪ سرعة أعلى: في التعلم.

ثانياً: الحصول على التعليم والتدريب في الوقت المناسب والمكان المناسب.

ثالثاً: إعادة التفكير في كافة الأمور والعناصر وتحقيق نتائج في السلوك

والإدارة وطريق التفكير:

- المعلم يصبح مديراً للعملية التعليمية بدلاً من ملقناً للمادة التعليمية.
- يمنح المدارس الفرصة في اختيار ما يريد أن يدرسه في الوقت الذي يريده.
- عدد قليل من المعلمين المتميزين لأكثر عدد ممكن من الدارسين.
- تقوية الاعتماد على النفس والتقويم الذاتي ومراقبة الذات.
- بناء جيل جديد قادر على الاعتماد على نفسه في كل شيء.

رابعاً: توفير حلول جذرية للمشكلات التربوية مثل:

- تزايد إعداد الطلاب وعدم استيعابهم في الفصل.
- الفروقات الاجتماعية بين الأفراد.
- النقص في عدد المعلمين المؤهلين.

مؤشرات وأرقام وتجارب

إن كثيرا من المنظمات الحكومية والشركات بدأت في استخدام تقنية التعليم الافتراضي في تعليم وتدريب موظفيها، وبدأت في استخدام هذه التقنية لزيادة كفاءة وفعالية العملية التعليمية التي تقوم بها وللإستفادة القصوى من التقنيات والموارد المتاحة وفيما يلي بعض الأرقام والمؤشرات ذات المدلول:

١- شركة آى بى إم^١ وشركة سيسكو^٢، وهما من أكبر الشركات العالمية فى مجال تقنية المعلومات تستخدمما تقنية التعليم والتدريب الافتراضي لتدريب موظفيهم وبذلك توفران مبالغ كبيرة، ففي عام ٢٠٠٠ وفرت شركة آى بى إم ما يقارب ٣٥٠ مليون دولار، فيما وفرت شركة سيسكو ٢٤٠ مليون دولار من مصاريف التدريب.

٢- يعتبر التعليم الافتراضي من اكثر المجالات نموا في مجال التعليم حول العالم حيث يتوقع أن يتضاعف عدد مستخدمي هذه التقنية، ويزداد عدد الجامعات والمؤسسات التعليمية التي بدأت تضع مقرراتها وموادها التعليمية على مواقع إلكترونية لتمكين أي دارس في أي مكان في العالم من الالتحاق ببرامجها الدراسية.

٣- في الولايات المتحدة الأمريكية اليوم، يقوم ٢٠٠٠ من مؤسسات التعليم العالي بـ١١ برنامج (مسار دراسي) واحد على الأقل من برامجها على شبكة الإنترنت، ويشكل هذا العدد نسبة ٧٠٪ من الجامعات الأمريكية، ويتوقع أن ترتفع هذه النسبة عام ٢٠٠٥ إلى ٩٠٪، وتتفاوت هذه الجامعات في عدد البرامج الدراسية التي تقدمها على الشبكة والتخصصات التي تتيحها.

1. IBM
2. Cisco

التعلم عن بعد وتحدياته للتعليم الإلكتروني وأمنه / ١٧٧

- ٤- في عام ٢٠٠٢ تم استحداث «الجامعة الافتراضية السورية» التي تهدف إلى توفير أربعة مستويات من التعليم الجامعي العالمي للطلاب من مكان إقامتهم بواسطة شبكة الإنترنت، فهي تقدم شهادات جامعية من جامعات أوروبية وأمريكية معترف بها دولياً، وتوفر جميع أنواع الدعم والمساعدة للطلاب بإشراف تجمع افتراضي شبكي يضم خيرة الخبراء والأساتذة العرب في العالم، وتؤمن الجامعة طيفاً واسعاً جديداً من التخصصات الحديثة المتوفرة في مختلف الجامعات التي تتعاون معها، وقد هيأت البنية التحتية لهذه الجامعة باستقبال طلبات الطلاب الذين أصبح عددهم ٣٥٠ طالباً وطالبة في اختصاصات مختلفة.
- ٥- في بريطانيا تم تأسيس شبكة وطنية للتعليم، تم من خلالها ربط أكثر من ٣٢٠٠٠ مدرسة بشبكة الإنترنت، و٩ ملايين طالب وطالبة، و٤٥٠٠٠٠ معلم، وقد منح كل طالب وطالبة عنوان إلكتروني، وتم تدريب وتزويد ١٠ آلاف مدرس بأجهزة حاسب نقال، وتم توصيل مختلف المواقع التعليمية بهذه الشبكة، ويتم إرسال المعلومات والمواد التعليمية من موقع الشبكة الوطنية إلى المدارس، كما يمكن الحصول على المنهج الدراسي على شكل أقراص مدمجة.
- ٦- في الولايات المتحدة الأمريكية تم ربط جميع المدارس بالإنترنت.
- ٧- في العديد من دول العالم، تم تبني خطط مستقبلية أولية لتطوير التعليم، ففي ماليزيا هناك مشروع المدرسة الذكية، وفي الأردن هناك خطة لتدريس الحاسب في جميع مستويات التعليم وربط المدارس بشبكة معلوماتية.
- ٨- في المملكة العربية السعودية تضع وزارة التربية والتعليم تطوير البنية التحتية لتقنية المعلومات في بيئة التعليم والتعلم كهدف أساسي تسعى لتحقيقه،

كما تتبنى عدة برامج تطويرية مثل برنامج «تأهيل» لإعداد خريجي الثانوية، وبرنامج «جهازي» لتوفير جهاز لكل طالب ومعلم وهناك مشروع الأمير عبدالله (وطني) لربط المدارس بالإنترنت وتزويد بعض المدرسين بجهاز حاسب آلي، وهناك الخطة الوطنية لتقنية المعلومات (ربط جميع المدارس الحكومية والجامعات) كما تعمل وزارة المعارف على تدريس مادة الحاسب في جميع المستويات الدراسية، وتعمل على تطوير برامج متخصصة لاستخدامها في العلوم والرياضيات وغيرها.

الخاتمة والتوصيات

خلال العقد الماضي كان هناك ثورة ضخمة في تطبيقات الحاسب التعليمي ولا يزال استخدام الحاسب في مجال التربية والتعليم في بداياته التي تزداد يوما بعد يوم، بل اخذ يأخذ أشكالا عدة فمن الحاسب في التعليم إلى استخدام الإنترنت في التعليم وأخيرا ظهر مفهوم التعليم الإلكتروني الذي يعتمد على التقنية لتقديم محتوى للمتعلم بطريقة جيدة وفعالة.

كما أن هناك خصائص ومزايا لهذا النوع من التعليم وتبرز أهم المزايا والفوائد في اختصار الوقت والجهد والتكلفة إضافة إلى إمكانية الحاسب في تحسين المستوى العام للتحصيل الدراسي، ومساعدة المعلم والطالب في توفير بيئة تعليمية جذابة. ورغم تلك الأهمية لهذا النوع من التعليم والنتائج الأولية التي أثبتت نجاح ذلك إلا أن الاستخدام لازال في بدايته حيث يواجه هذا التعليم بعض العقبات والتحديات سواء أكانت تقنية تتمثل بعدم اعتماد معيار موحد لصياغة المحتوى بطريقة فنية وتتمثل في الخصوصية والقدرة على الإختراق أو تربوية وتتمثل في عدم مشاركة التربويين في صناعة هذا النوع من التعليم.

التعلم عن بعد وتحدياته للتعليم الإلكتروني وأمنه / ١٧٩

أخيرا: يمكن القول بأنه لضمان نجاح صناعة التعليم الإلكتروني يجب عمل ما يلي:

- ١- التعبئة الإجتماعية لدى أفراد المجتمع للتفاعل مع هذا النوع من التعليم.
- ٢- ضرورة مساهمة التربويين في صناعة هذا التعليم.
- ٣- توفير البنية التحتية لهذا النوع من التعليم وتمثل في إعداد الكوادر البشرية المدربة وكذلك توفير خطوط الإتصالات المطلوبة التي تساعد على نقل هذا التعليم من مكان لآخر.
- ٤- وضع برامج لتدريب الطلاب والمعلمين والإداريين.

التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية

الكاتبة: زينب جابر (عراق)^١

قبول: ١٤٣٩/٠٣/١١

استلام: ١٤٣٨/٠٣/٠٣

المستخلص

كرم الله عز وجل الإنسان على سائر المخلوقات ورفع من خلال العقل، والذي بواسطته استحق أن يكون «خليفة الله في الأرض»، وقد خلقه وخلق معه أدوات مكنته من التفكير والتدبر والتعبد، وقد حث على إعمال العقل وطلب المعرفة والعلم، لأنه بالعلم وحده يعرف الله عز وجل ويوحد ليصل الى تحقيق دوره في هذا الاستخلاف، فأول ما نزل به القرآن الكريم كان الدعوة إلى القراءة والعلم: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ». وقد حُدِّدَت غايات العقل بتوجيهه نحو معرفة علمية بالكون والطبيعة والإنسان من خلال التبصر والنظر، وقد وجب على البشر تشغيل العقل في معرض تنظيم شؤون دنياهم من خلال ما جاء به نبي الإسلام ﷺ من تشريعات، وقد رفع في بداية دعوته شعار إلزامية التعلم، وأن العلم ليس من باب المستحب، بل هو من الفرائض، فقد اشتهر عنه قوله: «العلم فريضة على كل مسلم ومسلمة»، وفي سيرته نجد أنه جعل فداء الأسرى تعليم الأُميين القراءة والكتابة، وجعل مهر المرأة تعليمها آيات القرآن، كما بين وأهل بيته ﷺ مكانة العلم وآثاره الدنيوية والأخروية. فالعلم والتعليم لهما أهمية كبرى لا يمكن إنكارها، وهما من العوامل الرئيسية التي تساهم في تطوير الفرد والمجتمع: اقتصادياً، اجتماعياً، ثقافياً، وسياسياً، وعلى مر التاريخ البشري فرضت التطورات الطارئة على المجتمعات واقعا جديدا، وامتد غزو تكنولوجيا المعلوماتية ليستوعب كافة مناحي وشؤون الحياة، كل ذلك ترك آثارا عميقة على مستوى الإنسانية كافة لا سيما على المناهج والأساليب التعليمية ليؤدي بالنتيجة إلى تمايزه ما بين الماضي والحاضر.

١- طالبة ماجستير في لجنة تأريخ التشيع، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران،

في هذه المقالة نسلط الضوء على أهمية التعليم الديني، والتغيرات الطارئة على الأساليب التعليمية في ظل الثورة التكنولوجية، ودخول العالم الإلكتروني على خط تحصيل العلوم الإنسانية والدينية، وإتاحة فرصة اكتساب العلوم ونشرها عن طريق الفضاء الافتراضي أو ما يسمى بالدراسة عن بعد وما تحمله معها من خصائص ومنافع.

الكلمات المفتاحية: التعليم الديني، تكنولوجيا المعلوماتية، الفضاء الإلكتروني، الواقع الافتراضي

المقدمة

أعطى الله عزوجلّ المكانة العظيمة لمن تحقق فيه عنواني الإيمان والعلم، فرفع سبحانه وتعالى منزلة العلم والعلماء ووصف نفسه تبارك وتعالى بالأكرم بأنه علم بالقلم، علم الإنسان ما لم يعلم.

قال تعالى:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^١

شدت الروايات الصحيحة والآيات القرآنية على ضرورة التعلم ونشر العلم بشتى الوسائل المتاحة، والتي تؤدي الى نشر تعاليم الإسلام المحمدي ﷺ الأصيل المبني على أسس عقلية عصرية متناسبة مع احتياجات الفرد والمجتمع على حد سواء. وقد فضل العلماء على جميع الأصناف بدرجات فوجب كون العلماء أفضل الناس، وقد خص الله عزوجلّ في كتابه المجيد العلماء بخمس مناقب:

الأولى في الإيمان:

«وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ»^٢

١-المجادلة، ١١.

٢- آل عمران، ٧.

التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية / ١٨٣

الثانية في التوحيد:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ»^١.

الثالثة في البكاء والحزن:

«إِنَّ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا»^٢.

الرابعة في الخشية:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^٣.

وقال الله تعالى مخاطباً نبيه آمراً له مع ما آتاه من العلم والحكمة:

«وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^٤.

إن إحياء الإسلام لا يكون فقط بالعلوم الدينية الإختصاصية، بل قد يحصل من خلال التطوير الإنتاجي للعلم الذي يجعل المجتمع غير مقيد بقيود الظلم، ويجعل المجتمع الإسلامي في مقام جذب الآخرين إليه.

قبل أن يشهد العلم هذه التخصصية الموجودة في عصرنا الحالي كانت الفلسفة هي أم العلوم، وكان موضوعها هو الوجود، وما وراء الوجود، والإنسان.²⁵ مع التطور انقسمت هذه العلوم إلى قسمين علوم طبيعية وأخرى إنسانية، وقد ضمت العلوم الطبيعية: الفلك والفيزياء والرياضيات والكيمياء والطب وغيرها،

١- آل عمران، ١٨.

٢- الإسراء، ١٠٧.

٣- فاطر، ٢٨.

٤- طه، ١١٧.

وصارت العلوم الإنسانية تضم الفلسفة والسياسة والتاريخ وعلم الاجتماع والنفس وغيرها من العلوم، وأصبح لكل فرع من فروع هذه العلوم فروع متخصصة. وقد حققت هذه العلوم جراً تطورها وتخصصها، الكثير من الإنجازات والكشوفات، ومعها ساد الشعور أنّ العلوم قادرة على حل كل مشاكل الإنسان، في رؤيته لنفسه، ورؤيته للعالم المحيط به، ولتفاعلاته مع سائر البشر، لم يقف الإسلام متفجعاً إزاء هذه العلوم بل كانت له إسهامات كبيرة وجادة في تطورها فالإسلام إذ يفتح العقل على باب النظر والتقصي في حقيقة هذا الوجود، جاء ليعيد جميع المحسوسات وجميع العالم إلى مرتبة التوحيد، فتعليماته ليست تعليمات طبيعية أو تعليمات رياضية أو طبية أو التي تدرس في ميادين شتى، إنها تشمل كل تلك، ولكنها مرتبطة بالتوحيد الذي ينتهي إلى مقام الألوهية.

فالمعنى الذي تبغيه العلوم الجامعية هو ذو قيمة كبيرة، ولكن ثمة فصل بين المعنى الظاهري وهو معنى مشترك بين كل العاملين في حقل هذه العلوم، والمعنى الذي يتبغيه الإسلام، وهو أن ترتبط جميع هذه العلوم الطبيعية أو غير الطبيعية بالتوحيد أي أن يكون لكل علم جانب إلهي، فيرى الإنسان الله عندما ينظر إلى الطبيعة، ويرى الله عندما ينظر إلى المادة، وسائر الكائنات، مع أنه لا بد من وجود الطب، ووجود العلوم الطبيعية، والعلاج البدني إلا أن المهم هو مركز الثقل وهو التوحيد الذي ينظر إلى تلك المعنويات بتلك المرتبة العالية، أي حين يستحضر صورة الألوهة من خلال الطبيعة، وأنها موجهة من عالم الغيب، ولو نظر الإنسان إلى الطبيعة بهذا العنوان كان يمكنه أن يكون كائناً إلهياً¹.

أهمية التعلم

إنَّ العلم هو نورٌ وضياءٌ يقذفه الله في قلب من يشاء،^١ والجهل هو ظلامٌ يحرق الأدمى والشعوب، والعلم هو أساس قيام الحضارات والتقدم الذي يرفع من شأن الفرد والأمة، وقد جاءت حاجة الإنسان إلى العلم والمعرفة فانطلق باحثاً يدوّن ما يراه، فاخترع واكتشف الكثير حتى تطورت أفكاره مع مرور الزمن، ليبلغ به الأمر إلى الوصول إلى الفضاء لإكتشاف خفاياه، وقد طوّر وسائل الاتصال حتى تحوّل العالم إلى قرية صغيرة.

فبالعلم تُهذَّب النفس، وتحرر النفس البشرية من قيود الجهل والظلم والظلام، فيكسر الإنسان به قيد التبعية، وبالعلم نشأت الحضارات وتطورت المدن والبلدان، ووصل الإنسان إلى السعادة والتوازن والاستقرار والإعتماد على الذات، فالتعلم والتعليم من الأمور الواجبة التي على الإنسان السعي إلى تحقيقها، وخاصة الأمور المرتبطة بالدين والتي تعتبر من القضايا الأساسية التي أرسل الله عزّ وجلّ الأنبياء لأجلها، حيث كلّفهم بالدعوة إلى الدين، وتعليم الناس الأحكام، كي يتفقهوا في الدين، وتستقيم سلوكهم وعلاقتهم بالله تعالى، فكان لا بدّ للناس تعلّم العقيدة وذلك مما يساعدهم على تصحيح إيمانهم واعتقادهم وفكرهم، ويتعلّمون من الفقه ما ينظّم عباداتهم وعلاقتهم بالله والناس، ومن الأخلاق ما يزكّي النفس ويهذّب السلوك، فهذا المقدار يمكن أن ينجو الإنسان يوم القيامة، ويعيش حياته الدنيويّة بسعادة وانتظام.

وقد نبّه نبي الإسلام محمد ﷺ وأهل بيته الميامين على الإهتمام بنوع العلم وصفته حتى لا تمتلىء النفس البشرية بما يضرّها، أو على الأقل بما لا ينفعها، ففي وصية الخضر ؑ لكليم الله موسى ؑ:

«واعلم أن قلبك وعاءٌ فانظر ماذا تحشو به وعاءك».^٢

١- عن رسول الله ﷺ أنه قال: «العلم نورٌ يقذفه الله في قلب من يشاء». (المجلسي، ١٩٨٣، ج ١، ص. ٢٢٤)

٢- العاملي، ١٤٠٩، ص. ١٤٠.

وقد اشترطوا في العلم المنجي شرطين أساسيين:

١- أن يكون العلم لأجل العمل،

٢- أن يكون العلم خالصاً لوجه الله عزّ وجلّ.

كما قد بين أهل بيت العصمة عليهم السلام ثواباً كبيراً لسالك طريق العلم فاعتبروا أنّ المتعلم كالصائم نهاره القائم ليله، تظّله الملائكة وتستغفر له الأرض، وأنّ بينه وبين الأنبياء درجة ويوم القيامة من العتقاء من النار.

وقد سعى العلماء المخلصين لتحقيق الهدف الأسمى وهو خدمة الدين، وبث التوعية الإسلامية، وتوجيه المسلمين نحو الخلق الكريم والسلوك الأمثل، والجهاد في صيانة الشريعة الإسلامية وتعزيزها، ودأبهم على إصلاح المجتمع وإرشاده، وهذا ما يقتضيهما وقتاً واسعاً، وجهداً ضخماً، وقد أعرب أهل البيت عليهم عن جلاله العلماء وضرورة تبجيلهم وتوقيرهم، قولاً وعملاً، حتى قرّروا أنّ النظر إليهم عبادة، وأنّ بغضهم مدعاة للهلاك، كما شهد بذلك الحديث الشريف، فعن موسى بن جعفر عن آبائه عليهم السلام قال، قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

«النظر إلى وجه العالم عبادة»^١.

وعن أبي عبد الله أنه قال، قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

«أغد عالماً أو متعلماً أو أحب العلماء ولا تكون رابعاً فتهلك ببغضهم»^٢.

فللعلماء مكانة سامية، وفضل كبير على المجتمع، ودور عظيم في تثقيف أبناء المجتمع بالعلوم والآداب، وهم رواد الثقافة، ودعاة العلم، وبناء الحضارة، وموجهو الجيل الجديد.

١- الطوسي، ١٣٨٨، ص. ٤٥٤، ح ٢١.

٢- المجلسي، ١٩٨٣، ج ١، ص. ٥٩.

وحسبك في فضل المعلم ما قاله الشاعر أحمد شوقي:

قُمَّ للمعلِّمِ وَفِيهِ التَّبْجِيلَا كَادَ المعلِّمُ أنْ يَكُونَ رسولا
أعلمتَ أشرفَ أو أجلَّ من الذي يبني وينشئُ أنفَساً وعقولا^١

التعليم الديني في الماضي وفي الحاضر

لقد سعى العلماء في السنوات الماضية الى بذل الجهد لنشر وتعليم العلوم الدينية والإنسانية بغية تحقيق التكامل في المجتمع الإنساني، وتأديةً لوظيفةٍ أخلاقيةٍ شرعيةٍ، تؤدي في النهاية إلى تحقيق التوازن في الحياة الاجتماعية وعلى جميع الأصعدة.

فالتعليم هو القاعدة الأساسية لهوض الأمم، وهو المعني بتأهيل وتدريب وصقل مهارات الكوادر البشرية التي تدير المجتمع بأسره، ولذلك فإن الإهتمام بالتعليم هو القاعدة الأساسية للنجاح والتميز في كل المجتمعات البشرية وعلى مرّ العصور والسنوات، فإذا أردنا التحدث هنا عن إنطلاقة مدرسة التعليم النبوي ﷺ، نجد أن حلقات الدروس كانت تعقد في بيوت رسول الله الأكرم ﷺ وبيوت الصحابة ثم في المسجد النبوي الشريف، وهنالك من يرى أن أول حوزة علمية في تاريخ المسلمين هي حوزة الكوفة التي أنشأها الإمام الصادق عليه السلام، والتي كانت تضم أربعة آلاف طالب.^٢

ومن هنا أخذت الحوزات العلمية دورها البارز في الساحة الدينية، واستغلت مكانتها ورسالتها السامية، فأخذت على عاتقها دور التبليغ والإرشاد، لتأخذ بيد الأمة إلى بر الأمان وساحة الجنان، وقد استمر الأمر على هذا المنوال حتى عصرنا الحاضر. وقد اعتمد العلماء والأساتذة بشكل كبير على ارتياد المنابر في المساجد أو الأماكن العامة لجذب المخاطبين، سواءً بمحاضراتٍ أو خطاباتٍ دينيةٍ، سياسيةٍ أو ثقافيةٍ، بهدف التبليغ الديني، التعليم، والتربية.

١- قصيدة من ديوان للشاعر أحمد الشوقي.

٢- البهادلي، ١٩٩٣، ص. ٩٩.

إلا أن تقدم الزمن والتطور الذي لحقه على كافة الأصعدة، استدعى البعض لأن ينمي بعض آليات إيصال العلم والمعلومة، فيستغلّ التقنيات من أجل تحويل النمط التقليدي في الدراسة والتدريس إلى بيئة إلكترونية حديثة، فمع الثورة التكنولوجية وتوفر الوسائل الميسرة كالكمبيوترات، شبكات الإنترنت، والفضاء الافتراضي والسايري تغيرت السبل ليعتمد التعليم بشكل أساسي على العالم الإلكتروني الذي ما انفك أن أصبح في متناول الجميع، واجتاح تفاصيل الأفراد وحياتهم اليومية. هذا التحول الكبير في عالم التكنولوجيا قد أوجد تغييرات ملحوظة على الصعيد التعليمي الديني، ليمكّن الآلاف في أزمنة وأمكنة مختلفة من الاستفادة من العلوم الدينية بجهد أقل مما كان يبذل في السابق.

وقد أدى استخدام شبكة الإنترنت الى تطور مذهل وسريع في العملية التعليمية، كما أثر في طريقة أداء المعلم والمتعلم، وقد نشأ على المستوى الدولي للتعامل مع الإنترنت وشبكات المعلومات ومصطلحات وفلسفات متنوعه نذكر منها: الجامعات الإلكترونية، الجامعات الافتراضية، التعليم المفتوح، الواقع الافتراضي، الفضاء الافتراضي، الدراسة عن بعد، الفضاء السائبري، وغيرها من المصطلحات التقنية الحديثة التي تطبق بشكل عام في مسار واحد، وهو توظيف الحاسب الآلي بشكل رئيس في عمليتي التعليم والتعلم الديني من خلال تحقيق مستوى عالٍ وفاعل من الاتصال والتفاعل بين مصدر المعلومة والمتعامل معها، ونظراً لحدائثة هذه المصطلحات فقد تباينت الآراء حول تعريفاتها الإجرائية شأنها. إن العصر الذي نعيش فيه هو عصرٌ دخلت فيه التكنولوجيا مجالات الحياة، ففي مجال التعليم بتقنية المعلومات، وفي مجال الطب وعالم المختبرات، وفي الإقتصاد والإجتماع، وفي الدعوة والإعلام والإتصالات، وبصورة نافعة قرّبت كل بعيد وسخرت ما كان صعباً أو محالاً في الأيام الغابرة والعصور الخالية، التي لم فيها الظروف والإمكانات المساعدة للمعلم أو المتعلم على حدٍ سواء كما هي الحال اليوم، ولم يتهيأ لهم أبداً الإمكانيات والدعم والوسائل الحديثة، وحتى الآذان الصاغية والقلوب المشتاقة كما هو الوضع حالياً.

التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية / ١٨٩

وقد كان المسلمون من رواد التعليم في العالم، وكان العلم في الأيام السابقة يعتمد على مجالس العلم وكتاتيب المسجد، وسرعان ما تطورت المراحل التعليمية حتى دشت المواقع والشبكات الإلكترونية، التي مكّنت طلاب العلم من التواصل مع العلماء واستشارتهم فقهياً، عقائدياً، اجتماعياً، وثقافياً.

وإذا ما أردنا ذكر الفوارق الموجودة ما بين التعليم في الماضي والحاضر، فيمكن تسليط الضوء على الوسائل الواردة في هذا المجال والتي ساعدت بشكل كبير في تسهيل عملية التعليم والتبليغ الديني والتي بدورها مكّنت العلماء من نشر التعاليم الدينية بشكلٍ أوسعٍ ولعددٍ كبيرٍ من المخاطبين في كل بقعةٍ من بقاع العالم، وفي فترةٍ زمنيةٍ قليلة، ففي الماضي إذا أراد الفرد معرفة حكمٍ أو مسألةٍ شرعيةٍ أو دينيةٍ عليه الانتظار لأيامٍ حتى يتمكن من الحصول على الإجابة التي يريدها، أما اليوم فقد تأسست المواقع الإلكترونية الخاصة بالعلماء، والتي سهّلت الكثير أمام المقلدين وطالبي العلوم، كما أنّ الكتب الإلكترونية التي تتوفر اليوم بصيغة PDF والتي ساعدت على الوصول إلى المصادر والمنابع والكتب الأساسية، فتمكن المتعلمين من الحصول على الكتب بقيمة مجانية، وبزمانٍ مختصر.

وقد تطوّرت يوماً بعد يوم عملية التعليم الديني حتى غدت الإذاعات المسموعة، والقنوات المتوفرة على الشبكة العنكبوتية، وشبكات التواصل الاجتماعي من أهم الوسائل التي ساعدت على نشر العلوم ومهدت الطريق أمام العالم والمتعلم على حدٍ سواء لتلقي ونشر العلوم الدينية والحديثة وغيرها من العلوم التي يحتاجها الفرد في هذا العصر، وكل ذلك كان منطلقاً لتأسيس الحوزات والجامعات الإسلامية التي تُعنى بالتدريس عن بعدٍ أو بصورة افتراضيةٍ مجازيةٍ.

ففي الآونة الأخيرة اتسعت آفاق المعرفة، وتنوعت السبل أمام طالبي العلوم الدينية والإنسانية، فالإنترنت والفضائيات والمجالات الإلكترونية وكل هذا أدى الى نهضة مفاجئة في مجال التعليم الديني.

التعليم الإلكتروني أو التعليم الافتراضي

أصبح التعليم الافتراضي من أكثر التقنيات التربوية نمواً حول العالم حيث يتضاعف عدد مستخدمي هذه التقنية بسرعة مذهلة، ويزداد عدد الجامعات والمؤسسات التعليمية التي تضع مقرراتها وموادها التعليمية على مواقع إلكترونية لتمكين أي دارس في أي مكان في العالم من الالتحاق ببرامجها الدراسية.

فالتعليم الإلكتروني أو الافتراضي وهو ذلك النوع من التعليم الذي يعتمد على استخدام الوسائط الإلكترونية في الإتصال بين المعلمين والمتعلمين وبين المتعلمين والمؤسسة التعليمية برمتها، وهناك مصطلحات كثيرة تستخدم بالتبادل مع هذا المصطلح: Online Education, Electric Education, Web Based Education وغيرها العديد من المصطلحات^١.

وعلى الرغم من الإنتشار الواسع لهذا النوع من التعليم في الدول المتقدمة إلا أنه مازال في مراحله الأولى في معظم دول العالم، ومازال الكثير من الطلاب لا يحيدونه خاصة أنه يتم عن طريق الإنترنت، إذ إن الكثير من الطلاب يتخوفون من التعامل مع جهات تعليمية يفصل بينه وبينها آلاف الأميال، وقد لا يعلم لها مكانا محدداً، وهم يحيدون أن تكون شهاداتهم الجامعية صادرة من الجامعات الحضورية وبطريقة انتظامية معينة.

والحقيقة أن هذا النوع من التعليم شبيه بالتعليم المعتاد إلا أنه يعتمد على الوسائط الإلكترونية، فالتعليم إذًا حقيقي وليس افتراضياً كما يدل على ذلك مصطلح التعليم الافتراضي. يقول دويس وفليب:

التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية / ١٩١

إن المتعلم افتراضياً هو متعلمٌ حقيقي لكنه يتعلم في بيئة إلكترونية.^١
ويؤكد هذه الحقيقة ريتشارد لويس حينما يتساءل عن طبيعة المعنى الدقيق
لكلمة افتراضي^٢ فيقول:

إنّها تعني شيئاً ليس حقيقياً، ولكن هل التعليم باستخدام التقنيات
الإلكترونية - كما يذكر - ليس حقيقياً؟ يجب أن ننظر إلى النتائج لا أن
ننظر إلى عدم ظهور هذا النوع من التعلم، ولا شك أن نتائج هذا التعليم
توحي بوجود تعليم حقيقي ربما يواكب التعليم المعتاد.^٣

إنّ كلمة افتراضي هي ترجمة للمصطلح الأجنبي، وتعني أنّ المؤسسة التعليمية بما
فيها من محتوى وصفوف ومكتبات وأساتذة وطلاب وتجمعات إلخ جميعهم يشكّلون
قيمة حقيقية موجودة فعلاً لكنّ التواصل بينهم يكون من خلال شبكة الإنترنت.

حيث يمكن أن يتألف الصف الافتراضي من طلاب موزعين على سبيل المثال
ما بين أستراليا والسعودية والعراق ولبنان وسوريا، ويحضرون لأستاذ في بلد ما،
ويتفاعلون معه «افتراضياً» إما مباشرة أو من خلال الخادم التقني الخاص
بالمؤسسة، متحررين من حاجزي المكان والزمان.^٤

ولذلك قد بدأ استخدام مصطلح «الحقيقة الافتراضية»^٥ بدلاً من مصطلح
افتراضي، وأصبحنا نسمع الحديث عن المدن الافتراضية، والطرق الافتراضية،
والرحلات الافتراضية، والصف الافتراضي وغير ذلك، وهذه عبارة عن حقائق
واقعية سوف يتميز بها نمط الحياة في القرن الحالي.

1. Dubois and Phillipp, 1998, p. 137.

2. Virtual

3. Leiw, 1997.

٤- المحسن، ١٤١٩، ص. ١٧٦.

5. Virtual Reality

وفي هذا السياق تظهر الجامعات الافتراضية^١ والتي تهدف إلى تأمين أعلى مستويات التعليم العالي للطلاب في أماكن إقامتهم بواسطة الشبكة العالمية، وذلك عن طريق إنشاء بيئة تعليمية إلكترونية متكاملة تعتمد على شبكة متطورة، وقد أنشئت أول جامعة افتراضية متكاملة ومقبولة تقدم أكثر من ٦٠٠ مادة دراسة على الإنترنت، وهي جامعة جوتر في دنفر كلورادو وموقعها على الإنترنت^٢.
ومن أمثلة الجامعات الافتراضية في العالم: جامعة^٣، الجامعة السورية الافتراضية^٤، وغيرها العديد من الجامعات في العالم.

التعليم الديني عبر الإنترنت

لقد منّ الله عزّ وجلّ على الإنسان بالعقل الذي جعل منه يخترع أساليب وأدوات مكنته من الوصول إلى أهدافه العلميّة مختصراً المسافات والأزمة والأمكنة، وقد كان الإنترنت من الإختراعات التي ألهم الله عزّ وجلّ بها الإنسان ليخترق المسافات، وليدخل بيوت الناس بغير حواجز، فكانت هذه الفرصة للسّاعين وراء اكتساب المعارف، وللطلاب لطلب العلم بطريقة سهلة ومريحة، وللعلماء لنشر العلوم والدعوة إلى تعاليم الدين الإسلامي المحمديّ الأصيل.
وقد نال الإنترنت ما لم تنله أي وسيلة أخرى لنشر المعلومات في تاريخ البشرية من سرعة في الإنتشار والقبول بين أفراد الناس كافّة، تنوعاً في طبيعة المعلومات التي يوفّرها، وسهولة الوصول إلى المعلومات دون أي عقبات زمنيّة أو مكانيّة، وعمقاً في التأثير في حياتهم وتواصلهم مع الآخرين.

1. Virtual University

2. www.jonesknowledg.com

٣- العربي، ١٤٢٣، صص. ٢٨-٢٤.

4. Phoenix

٥- مارتن، ١٩٩٩.

٦- موقع الجامعة على الإنترنت: WWW.svuonline.org/Arab.SVU/index.asp

التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية / ١٩٣

وقد أصبح الإنترنت اليوم المصدر الأول للعلوم والأخبار، حتى كاد أن يهدم إمبراطوريات إعلامية تقليدية أخرى كالصحف والمجلات والإذاعات وغيرها.

كما أن التعليم الديني عبر الإنترنت قد أصبح اليوم واحداً من الأمور المتطورة المطروحة على الساحة التعليمية والذي أدى إلى فتح الطريق أمام المتعطشين لتعلم العلوم الدينية في مختلف الأماكن والأزمنة، فالتعليم الديني الافتراضي فتح الأبواب أمام كل من لم تُتَّح له الفرصة للتحقق وتعلم العلوم الدينية في مختلف بقاع العالم.

ويهدف هذا النوع من التعليم الى تخفيف عناء طلب العلم المستلزم للنفقة والسفر أحياناً من بلد الى اخر، والى بذل الوقت الكثير وذلك من خلال وصول العالم الى المتعلم، ومن هنا تأسست العديد من الجامعات والحوزات الافتراضية والتي تحتوي العديد من الأساتذة العلماء الذين يبذلون قصارى جهدهم لنشر العلوم الدينية والإنسانية، وقد تعددت الخصائص التي ميّزت التعليم الديني الافتراضي ومنها:

تجاوز الحدود والحواجز، تجاوز الزمن، التفاعلية، تنوع التطبيقات، سهولة التواصل وتلقي العلوم، مخاطبة كافة الفئات العمرية، مخاطبة الذكور والإناث، اختصار المسافات، كسر العقبات أمام المتعلمين، اتاحة الفرصة لكافة طبقات المجتمع لتعلم العلوم الدينية، وغيرها العديد من الخصائص التي ساعدت وتساعد على نشر وتلقي العلوم الدينية في ظل التحديات الثقافية والسياسية والاجتماعية والأمنية المختلفة، وفي ظل الهجمة التي تطال الدين الإسلامي.

وقد كان التعليم الديني الافتراضي من أهم ما توصل له الإنسان لتحقيق أهدافه المعرفية في النواحي الحياتية المختلفة وقد ساعد على نشر العلم والذي بدوره هو الطريق الوحيد للنجاة من التخلف والشقاء، والخروج من ظلمات الجهل إلى نور المعرفة.

من هنا نعرّف ببعض الجامعات الإسلاميّة والحوزات العلميّة التي تُعنى بتدريس العلوم الإنسانيّة والدينيّة عبر الإنترنت، والتي سهّلت الطريق أمام من لم تسمح له الظروف الأمنيّة أو الإقتصاديّة أو الاجتماعيّة المختلفة لدراسة العلوم الدينيّة في بلاده.

١- جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة

هي مؤسسة علميّة ثقافيّة دوليّة تعنى بنشر العلوم الإسلاميّة والإنسانيّة والاجتماعيّة وهي تكرّس التقنيّات الحديثة في الفضاء الإلكترونيّ في سبيل إتاحة فرصة دراسة العلوم الإسلاميّة والإنسانيّة لجميع الراغبين فيها من أرجاء العالم على اختلاف المذاهب والقوميّات والأقاليم والجنس بغية تخريج علماء وخبراء متحلين بالتقوى والكفاءة، حريصين على بيان ونشر الإسلام المحمّدي ﷺ الأصيل، ليرغد العالم من خلال ذلك بصافي معين المعارف الإسلاميّة وهدى القرآن الكريم وأهل البيت عليهم السلام.

تعمل هذه الجامعة تحت رعاية جامعة المصطفى ﷺ العالميّة بترخيص رسميّ من وزارة التعلم العالي والأبحاث والتقنيّات في الجمهوريّة الإسلاميّة في إيران. تهدف هذه الجامعة الى تخريج علماء متقين وأكفء في العلوم الإسلاميّة والإنسانيّة، الترويج للإسلام المبين ومعارف أهل البيت عليهم السلام في أرجاء العالم من خلال إنتاج ونشر المضامين الجاذبة والنافعة بمختلف اللغات في الفضاء الإلكترونيّ، التسهيل والدعم العلميّ لإكمال دراسة طلبة القسم الحضوريّ في جامعة المصطفى ﷺ العالميّة بشكل افتراضيّ.

تحتوي هذه الجامعة على اختصاصات بلغات متعدّدة في مقطعيّ البكالوريوس والماجستير، بالإضافة إلى تعليم اللغة الفارسيّة.

موقع جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة على شبكة الإنترنت:

<http://mou.ir/ar>

التعليم الديني ما بين الماضي والحاضر وتأثير الفضاء الإلكتروني على نشر العلوم الدينية / ١٩٥

٢- جامعة آل البيت عليه السلام الإلكترونية

هي أول جامعة إلكترونية عربية في مدينة قم المقدسة، تأسست عام ٢٠١٦م، وهي تعتبر كإحدى المراكز الأكاديمية الرائدة في مجال التعليم الإلكتروني، وتوفر إمكانية منفردة من نوعها لمجموعة واسعة لمشتاقي تعاليم القرآن، وأهل البيت عليهم السلام، وهو أحد إنجازات جامعة آل البيت عليه السلام العالمية، وفقا لمعايير وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا التابعة للجمهورية الإسلامية وعلى مقربة من مرقد السيدة فاطمة المعصومة عليها السلام.

بدأت أنشطتها التعليمية والدوراتها التربوية في إطار جامعة آل البيت عليه السلام الإلكترونية على شبكة الإنترنت، والتي هدفت من خلال تأسيسها إلى نشر علوم ومعارف أهل البيت عليهم السلام في جميع أنحاء العالم، ويقدم هذا المركز دورات أكاديمية موافقة لوزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا وكذلك يتم توفير دورات حرة في مجال العلوم القرآنية ومعارف أهل البيت عليهم السلام عبر الشبكة العنكبوتية.

موقع جامعة آل البيت عليهم الإلكترونية:

<http://aiu.ac.ir/>

٣- جامعة الأديان والمذاهب

جامعة الأديان والمذاهب، أول جامعة تخصصية من نوعها في إيران، انبثت من الحوزة العلمية، لتعمل على تنشئة وتربية كوادر علمية متخصصة في مجال الأديان والمذاهب. هادفة لمعرفة مختلف الأديان والمذاهب، والإرتقاء بحركة التعارف و التواصل؛ وتعميم لغة الحوار القائم على أساس المشتركات بين أتباعها، كما تأمل الجامعة أن تساهم في خلق حالة من التعاون والتفاعل الإنساني، وإشاعة روح السلام، والتخفيف من آلام البشر، ونشر الأخلاق والبادئ المعنوية، والتعريف العلمي بالإسلام وفق رؤية وتعاليم مدرسة أهل البيت عليهم السلام.

وقد أسست هذه الجامعة فرعها الافتراضي في العام ٢٠١٢م، وتدرّس مختلف الاختصاصات باللغة الفارسيّة في مقطعي البكالوريوس والماجستير، وشهادتها رسمية صادرة عن وزارة التعليم الإيرانيّة.

موقع جامعة الأديان والمذاهب الإلكترونيّة على شبكة الإنترنت:

<http://vu.urd.ac.ir/>

٤- حوزة الإمام الصادق عليه السلام الافتراضية

هي حوزة علمية حقيقية تتعاطى أمور التدريس الحوزوي على الإنترنت لإفساح المجال أمام العالم أجمع للتعرف على الحوزة العلمية وما يلقي فيها من دروس ومحاضرات تواصلًا مع الطلبة والراغبين بإكمال الدراسة الحوزوية وتحديث مناهج التدريس بما يتناسب ومعطيات العصر وتأهيل الكوادر للعمل في مجالات الحياة وسهولة الانتماء وقلة الكلفة وعدم تعارض الإستمرار في الحوزة مع العمل اليومي.

الموقع الرسمي للحوزة على شبكة الإنترنت:

<http://www.al-hawzah.com/index.php?plugin=main&display=main>

العالم الافتراضي من منظور قائد الثورة الإسلامية

لقد شدّد قائد الثورة الإسلامية سماحة الإمام الخامنئي على ضرورة استخدام الوسائل المتطورة الحديثة في نشر العلم والعلوم ومواكبة ما يحصل في العالم أجمع، ومواجهة العدو والساعين الى تدمير أصالة الدين الإسلامي المحمدي عليه السلام من خلال هذه الوسائل المعاصرة التي يمكن لها أن تكون مصدر قوة لنا كمسلمين متمسكين بتعاليم نبيّنا المكرم عليه السلام وأهل بيته الميامين عليهم السلام.

وننقل هنا بعض البيانات التي ألقاها سماحته في مناسبات مختلفة.

١- الفضاء الافتراضي ساحة جهاد لا حد لها

إنَّ الفضاء الافتراضي اليوم هو صحراء لا نهاية لها ويمكن التحرك فيها من كل الجهات، لم يعد الأمر كالسابق، حيث كنتم إذا أردتم بيان مطلب ما تضطرون لكتابته على الأوراق ثم تستسخونه أو تطبعونه وتصورونه عشر نسخ أو مئة أو مئتي نسخة؛ الوضع الآن ليس هكذا.

كل شخص يمكنه استخدام الحاسوب لوحده وسيلة إعلامية، إنهم يجلسون ويثون الشبهات والكلام والأفكار ليضلوا الشباب المؤمن السليم، يجب معرفة هذه الأمور، من هو الشخص الذي يجب أن ينزل إلى وسط الميدان ويجعل صدره درعاً ويكون مانعاً لانحراف الشباب؟ من هو الذي يجب أن يقف في وجه أعمال العدو لحرف أذهان الشباب؟ على عاتق من يقع هذا العمل؟ على المجتمع العلمي والديني، أي علماء الدين، أول مسؤولية من مسؤولياتهم هي هذه؛ وهي أهم مسؤولياتهم الواجبة عليهم^١.

٢- الفضاء المجازي: منافع ومضار لا تحصى

لقد أسسنا المجلس الأعلى للفضاء الافتراضي لأجل هذه القضية لكي يجتمع المسؤولون ويجلسوا معاً ويفكروا ويركزوا جهودهم وقراراتهم وإجراءاتهم لمواجهة هذه الحادثة الكبرى.

إنَّ هذا مجال يوجد فيه منافع لا تُحصى ومضار لا تُحصى، هكذا هو مجال الفضاء الافتراضي، يمكن اكتساب الحدِّ الأكثر من المنافع، وهذا هو العمل الذي يقوم به العدو، أنتم أيضاً يمكنكم الاستفادة بالحدِّ الأكثر في الجهة المعاكسة؛ انشروا المفاهيم الإسلامية والمعارف الإسلامية دون أي مانع أو رادع،

١- كلمة الإمام الخامنئي في الجلسة الأولى لدرس البحث الخارج، ٦-٩-٢٠١٦.

كما يقوم حالياً البعض من هؤلاء الناس المؤمنين، من الشباب المؤمن، من المعممين وغير المعممين، العلماء وغير العلماء - بعض هؤلاء الشباب من غير العلماء الذين هم أكثر نشاطاً وفعالية في هذا المجال - بإنجاز أعمال جيدة جداً؛ فجأة، ينشرون على مستوى العالم مطلباً ما، مفهوماً ما، فكرة معينة ويروجونها، ما يربك الطرف المقابل فيحار ماذا يفعل.¹

٣- الفضاء الافتراضي من أكبر رموز التحول العالمي

ظهور الفضاء الافتراضي في العقود الأخيرة أحد أكبر رموز التحول العالمي، إنه حدث راحت تظهر تأثيراته المذهلة على الأبعاد الثقافية والاجتماعية والاقتصادية والسياسية والأمنية والدفاعية على الصعيدين الوطني والدولي أكثر فأكثر وباستمرار.²

٤- الأجواء الافتراضية ساحة حرب

إن الأجواء الافتراضية ساحة حرب حقيقية، وأدعو علماء وطلبة العلوم الدينية للتسلح والاستعداد للدخول الى ساحة التصدي للشبهات والأفكار الخاطئة والمنحرف، بل أن الأخذ بزمام المبادرة بنفسهم، أي أن يخرجوا بنفسهم في وسائل الإعلام لتوضيح الأمور وفضح مخططات الأعداء التي تستهدف المحيط العربي والإسلامي.³

١-مراجعة حكم تأسيس وتعيين أعضاء المجلس الأعلى للفضاء الافتراضي، كلمة الإمام الخامني، (١٧-١٤-١٣٩٠ش).
٢- في كلمة لسماحته، بتاريخ الخامس من أيلول ٢٠١٥.
٣- في كلمة لسماحته، في لقائه آلاف الطلبة الإيرانيين بمناسبة اليوم الوطني لمقارعة الاستكبار العالمي، بتاريخ ١١/٣/٢٠١١.

الخاتمة

إنَّ ما نعيشه اليوم من تحدياتٍ في واقعنا الإسلامي قد تطلَّب من الجميع استخدام شتى الوسائل لنشر العلم والتعليم وخاصةً في ظلَّ الهجمة الثقافية والحرب الناعمة التي تشهدها مجتمعاتنا، لا سيَّما ما تضمَّنته تلك الهجمة من تشويه صورة الإسلام المحمدي ﷺ الأصيل، والنيل من مباني الحضارة الإسلامية.

لذا كان لا بدَّ من تطوير سبيل التعليم الديني وكسر الحواجز التي تعيق الأجيال من انتهاز العلم والمعرفة، ومواجهة التحديات الثقافية، والاجتماعية التي غزت المجتمعات برمتها، فدخل التكنولوجيا إلى مجال التعليم الديني من أبرز التحديات التي ساهمت باختصار الجهد والوقت في سبيل فتح آفاق المعرفة أمام الآلاف في شتى بقاع العالم.

وعليه كان لا بدَّ من تطوير أساليب التعليم الديني مواكبةً لتطورات العصر مع الحفاظ على أصالة العلوم الدينية، وذلك في سبيل إعلاء كلمة الحق، في وجه صانعي الجهل والظلام والتخلف.

المصادر

- ١- القرآن الكريم.
- ٢- بيانات قائد الثورة الإسلامية الإمام الخامنئي.
- ٣- البهادلي، علي، (١٩٩٣)، الحوزة العلمية في النجف الأشرف، معالمها وحرركاتها الإصلاحية، بيروت: دار الزهراء.
- ٤- ديوان أحمد الشوقي.
- ٥- الطوسي، محمد بن حسن، (١٣٨٨)، الأمالي، دار الهادي.
- ٦- العامللي، زين الدين بن علي، (١٤٠٩)، منية المرید في أدب المفيد والمستفيد، بتحقيق رضا المختاري، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، قم.

- ٧- العريني، عبدالرحمن، من التعليم المبرمج إلى التعليم الإلكتروني، *مجلة المعرفة*، ٩١ (١٤٢٣).
- ٨- المجلسي، محمد باقر، (١٩٨٣)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة*، ط ٢، بيروت: مؤسسة الوفاء.
- ٩- المحيسن، إبراهيم بن عبدالله، (١٤١٩)، *تدريس العلوم: تأصيل وتحديث*، الرياض، مكتبة العبيكان.
- ١٠- المحيسن، إبراهيم بن عبدالله، هاشم، خديجة، (١٤١٩)، *التعليم العالي عن بعد* باستخدام شبكة المعلومات الدولية، ورقة عمل مقدمة للمؤتمر الثالث لإعداد المعلم، مكة المكرمة: جامعة أم القرى، كلية التربية.
- ١١- جمعية المعارف الثقافية، (٢٠١١)، *الجامعة في فكر الإمام الخميني*، ط ١.
- ١٢- مارتن، شك، (١٩٩٩)، *مستقبل الإنترنت*، ترجمة موسى يونس، الرياض: بيت الأفكار الدولية، الرياض.

11. Dubois J., Phillip, Will., *The Virtual Learner: Real Learner in a Virtual Environment*, Paper Presented at Virtual Learning Environment Conference, USA: Denver, 1997.
12. Leiw, R., (1997), *How Real is my Virtual University? Paper Presented at Virtual Learning Environment Conference*, USA: Denver, 1997.
13. <http://aiu.ac.ir/>
14. <http://mou.ir/ar>
15. <http://vu.urd.ac.ir/>
16. <http://www.al-hawzah.com/index.php?plugin=main&display=main>
17. www.jonesknowledg.com
18. www.svuonline.org/Arab.SVU/index.asp

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق (دراسة ميدانية)

الكاتب: علي خيري طعتن (عراق)^١، حيدر زحام جبر (عراق)^٢، ياسر حسن نمر (عراق)^٣

قبول: ١٤٣٩/٠٢/١٩

استلام: ١٤٣٨/٠٩/١٢

المستخلص

في ظل التطور العلمي والعولمة الذي يعيشها عصرنا في القرن الواحد والعشرون والتزام عرض المعلومة و الصراع للحصول على أسرع الطرق و الأساليب للوصول الى أفضل النتائج، ادت ظهور التكنولوجيا الحديثة الى توجه العديد من المهتمين بالجانب التعليمي الديني الى اشراك التكنولوجيا بالتعليم إذ ان لذلك الأثر الكبير في جميع النواحي العملية التعليمية والتي تتمثل بطالب العلم والذي يمثل أهم محور في العملية التعليمية، ومن ثم المقررات والمناهج الدراسية والتي تعد الأساس الثابت للعملية التعليمية، ومن ثم المعلم او الأستاذ والذي يعد العنصر المسؤول عن ريادة العملية التعليمية وبدوره يقوم بنقل الأثر التكنولوجي لوسائل التعليم. لا شك أن التكنولوجيا تؤثر بشكل كبير على مستخدميها في كافة المجالات، ولعل من أبرز تلك المجالات المجال التعليمي، فقد تسهم التكنولوجيا في العملية التعليمية بشكل كبير إذا تم توظيفها بشكل جيد يفيد الطلاب والذين يمثلون المحور الرئيسي للعملية التعليمية حيث يساعدهم في عملية التحصيل الدراسي، كما أن التكنولوجيا تساعد في سد النقص الحاصل في أعداد المدرسين والأساتذة، وذلك من خلال الدروس المكتوبة على الحواسيب او من خلال الشبكة العنكبوتية (الإنترنت)، ولكن الأهم هو أن لا يتم إسائة

١- مديرة الإدارة المركزية، هيئة الحشد الشعبي، عراق، ali110_a@yahoo.com

٢- مديرة الإدارة المركزية، هيئة الحشد الشعبي، عراق.

٣- مديرة الإدارة المركزية، هيئة الحشد الشعبي، عراق.

استخدام التكنولوجيا فيما يضر الطلاب، من إدمان الطلاب على الحواسيب والأجهزة الإلكترونية، وتضييع الوقت أمام تلك الأجهزة فيما لا ينفع، إلى جانب الإ اعتماد الكلي عليها وإغفال الدور المهم للعقل، الذي هو الركيزة الأساسية في العملية التعليمية. تبرز أهمية هذه الدراسة من خلال الدور الكبير للتكنولوجيا الحديثة في حياتنا المعاصرة وفي كافة المجالات وبالخصوص استخدامها في المنظومة التعليمية الدينية، فقد وفرت التكنولوجيا الكثير من الجهد والعناء للطلاب والأساتذة والباحثين خاصة بعد تزايد عدد السكان وطالبي العلم في كافة المجالات وتوفر الإنترنت وانتشاره بشكل واسع واتجاه البعض الى التوجه للتعلم عن بعد عن طريق الإنترنت. ان الهدف من الدراسة هو معرفة اثر التكنولوجيا الحديثة على التعليم الديني من خلال معرفة اهداف و متطلبات تحقيق استخدام تكنولوجيا المعلومات داخل المؤسسة التعليمية إضافة الى بيان الآثار الإيجابية و السلبية لتكنولوجيا المعلومات، وبهدف الإقتراب من الموضوعية والوصول الى استنتاجات منطقية، يقتضي منهج البحث وضع حدود للدراسة وذلك من اجل التحكم في إطار التحليل المتعلق بطبيعة الدراسة، فقد تم اختيار عينة عشوائية من طلاب الدراسات الدينية في الجامعات العراقية لغرض اجراء الدراسة الميدانية نظراً لأهميتها في مجال العمل، ولأجل اجراء الدراسة الميدانية وذلك من خلال اعتماد استمارة الإستبيان والتي تتألف من عدة محاور معدة لهذا الغرض. ومن اجل تطبيق منهج الدراسة، قمنا بتقسيم الدراسة الى اربع فقرات، حيث تطرقنا في الفقرة الأولى الى مقدمة عامة عن الدراسة والأهداف المرجوة من الدراسة اضافة الى مشكلة الدراسة و أهميتها، اما في الفقرة الثانية فإننا تطرقنا الى مفهوم تكنولوجيا المعلومات و التعليم واهميته وإيجابياته و سلبياته وسبل تطبيقه في المؤسسات التعليمية الدينية، اما في الفقرة الثالثة فتم التطرق الى الدراسة الميدانية اضافة الى اعداد الاطار المنهجي للدراسة الميدانية واستخدام الأدوات الإحصائية المناسبة في تحليل بيانات الدراسة واستخراج النتائج وتفسيرها، اما في ما يخص الفقرة الرابعة فتم عرض اهم النتائج التي توصلت اليها الدراسة في جانبيها النظري و التطبيقي وكذلك عرض اهم التوصيات والمقترحات.

الكلمات المفتاحية: المعلومات الحديثة، تطوير التعليم الديني، اثر تكنولوجيا، دراسة ميدانية، الجمهورية العراقية

المقدمة

في ظل التطور العلمي والعولمة الذي يعيشها عصرنا في القرن الواحد والعشرون والتزاحم لعرض المعلومة والصراع للحصول على اسرع الطرق والأساليب للوصول الى افضل النتائج، ادت ظهور التكنولوجيا الحديثة الى توجه العديد من المهتمين بالجانب التعليمي الديني الى اشراك التكنولوجيا بالتعليم اذ ان لذلك الأثر الكبير في جميع النواحي العملية التعليمية والتي تتمثل بطالب العلم والذي يمثل اهم محور في العملية التعليمية، ومن ثم المقررات والمناهج الدراسية والتي تعد الأساس الثابت للعملية التعليمية، ومن ثم المعلم او الأستاذ والذي يعد العنصر المسؤول عن ريادة العملية التعليمية وبدوره يقوم بنقل الأثر التكنولوجي لوسائل التعليم.

لا شك أن التكنولوجيا تؤثر بشكل كبير على مستخدميها في كافة المجالات، ولعل من أبرز تلك المجالات المجال التعليمي، فقد تسهم التكنولوجيا في العملية التعليمية بشكل كبير إذا تم توظيفها بشكل جيد يُفيد الطلاب والذين يمثلون المحور الرئيسي للعملية التعليمية حيث يُساعدهم في عملية التحصيل الدراسي، كما أن التكنولوجيا تساعد في سد النقص الحاصل في أعداد المدرسين والأساتذة، وذلك من خلال الدروس المكتوبة على الحواسيب او من خلال الشبكة العنكبوتية (الإنترنت)، ولكن الأهم هو أن لا يتم إساءة استخدام التكنولوجيا فيما يضر الطلاب، من إدمان الطلاب على الحواسيب والأجهزة الإلكترونية، وتضييع الوقت أمام تلك الأجهزة فيما لا ينفع، إلى جانب الاعتماد الكلي عليها وإغفال الدور المهم للعقل، الذي هو الركيزة الأساسية في العملية التعليمية.

مشكلة الدراسة

لقد شهد في السنوات السابقة اهتماماً متزايداً على طلب العلم ونتج عن ذلك ازدياد اعداد الطلب في المدارس والمؤسسات التعليمية المختلفة من ضمنها المؤسسات التي تعنى بالتعليم الديني، كما نجم عن ذلك ازدحام الغرف الصفية بالطلبة، واحتواء المناهج الدراسية على كثير من التفاصيل الجزئية، كل ذلك ادى الى زيادة اعباء المعلم و مسؤولياته في نقل المعرفة الى الطلبة والحاجة الى البحث عن طرائق حديثة لاستخدامها في توصيل المعلومات بشكل يثير دافعية الطلبة للتعلم، لذلك ارتأى الباحث ان يقوم بهذه الدراسة لمعرفة اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة في تطوير التعليم الديني في العراق من خلال اجراء دراسة ميدانية لمجموعة من المؤسسات التعليمية الدينية في العراق.

اهداف الدراسة

ان الهدف من الدراسة هو معرفة اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة في تطوير التعليم الديني في العراق من خلال معرفة اهداف ومتطلبات تحقيق استخدام تكنولوجيا المعلومات داخل المؤسسة التعليمية أضافةً الى بيان الآثار الإيجابية والسلبية لتكنولوجيا المعلومات.

تحاول الدراسة الإجابة على مايلي:

- ١- ما هو مفهوم تكنولوجيا المعلومات والتعليم واهدافه؟
- ٢- ما هي الآثار الايجابية والسلبية لتكنولوجيا المعلومات؟
- ٣- ما هي سبل تطبيق تكنولوجيا المعلومات في المؤسسات التعليمية؟
- ٤- ما هي المشاكل والمعوقات التي تواجه تطبيق تكنولوجيا المعلومات الحديثة في المؤسسات التعليمية؟
- ٥- هل تختلف آراء المبحوثين حول اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة في التعليم والتعلم باختلاف الجنس؟

اهمية الدراسة

تبرز اهمية هذه الدراسة من خلال الدور الكبير للتكنولوجيا الحديثة في حياتنا المعاصرة وفي كافة المجالات وبالخصوص استخدامها في المنظومة التعليمية الدينية، فقد وفرت التكنولوجيا الكثير من الجهد والعناء للطلاب والأساتذة والباحثين خاصة بعد تزايد عدد السكان وطالبي العلم في كافة المجالات وتوفر الإنترنت وانتشاره بشكل واسع واتجاه البعض الى التوجه للتعلم عن بعد عن طريق الإنترنت.

حدود الدراسة

بهدف الإقتراب من الموضوعية والوصول الى استنتاجات منطقية، يقتضي منهج البحث وضع حدود للإشكالية وذلك من اجل التحكم في اطار التحليل المتعلق بطبيعة الدراسة، وكما يتضح من عنوان الدراسة فان الدراسة اقتصر موضوعها على دراسة (اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة في تطوير التعليم الديني في العراق (دراسة ميدانية)) وقد تم اختيار عدد من المؤسسات التعليمية الدينية لأجراء الدراسة الميدانية وذلك من خلال اعتماد استمارة الإستبيان والتي تتكون من محاور تم توزيعها على عينة عشوائية قدرها ٨٠ مفردة تتمثل بطلاب واساتذة من مختلف الجامعات ذات الدراسات الدينية في العراق، علماً ان استخدام اداة الإستبيان تؤدي الى توفير الجهد والوقت والتكلفة فضلاً عن اخذ أكبر عدد ممكن من مجتمع الدراسة مما يسهم في تصميم النتائج.

منهاج الدراسة

يمكن تعريف المنهج على انه الطريقة التي يتبعها الباحث في الدراسة لإكتشاف الحقيقة وللإجابة عن الأسئلة والاستفسارات التي يثيرها موضوع البحث، كما ويعني فن التنظيم الصحيح لسلسلة الأفكار العديدة اما من اجل البرهنة عليها للآخرين حين نكون بها عارفين.

ومن اجل البرهنة على فرضيات بحثنا واثباتها ميدانياً اعتمدنا المنهج الوصفي التحليلي المناسب لموضوع بحثنا، وذلك ان طبيعة البحث هي التي تفرض على الباحث نوع المنهج المتبع وفي بحثنا هذا نود معرفة اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة في تطوير التعليم الديني في العراق ولهذا استخدمنا المنهج الوصفي التحليلي الذي يهدف الى دراسة ظاهرة لها خصائصها وابعادها في إطار معين ويقوم بتحليلها استناداً للبيانات المجمعة حولها ثم محاولة الوصول الى اسبابها والعوامل التي تتحكم فيها، وبالتالي الوصول الى نتائج قابلة للتقييم.

مفهوم تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

ان تكنولوجيا التعليم مأخوذة من الأصل اللاتيني¹ ومعناه تطبيق المعرفة العلمية، ثم انتقلت للمعنى الفرنسي² ثم للمعنى الإنجليزي³، ثم ترجمت للعربية (تكنولوجيا)، وعموماً فان كلمة تكنولوجيا تتكون من شقين⁴ ومعناها حرفة او التطبيق، ولوجي⁵ ومعناها علم، ومن ثم فان تكنولوجيا معناها (علم التطبيق).

وهناك عدة تعريفات لتكنولوجيا التعليم منها:

- ١- الإتصالات السمعية والبصرية التي تهتم بتصميم واستخدام الوسائل التي تتحكم في عملية التعليم.
- ٢- مجال تطوير وتطبيق وتقييم الأنظمة و الأساليب و الوسائل من اجل تطوير التعلم الإنساني.

-
1. Textere
 2. Technique
 3. Technology
 4. Techno
 5. Logy

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٠٧

٣- الوسائل المنبثقة من صور الإتصالات لتحقيق اهداف التعليم بمصاحبة المعلم والكتاب والسبورة كالأفلام و الفيديو والسبورات الضوئية.

٤- النظرية والتطبيق في تصميم العمليات والمصادر وتطويرها واستخدامها وادارتها وتقويمها من اجل التعلم.

٥- تكنولوجيا التعليم عبارة عن علم توظيف النظريات والمستحدثات العلمية لتحقيق اهداف التعليم بفاعلية وتمكن بطريقة اسهل واسرع واقل تكلفة.

٦- تكنولوجيا التعليم الإلكتروني تعرف بانها ذلك النوع من التعليم الذي يعتمد على استخدام تكنولوجيا المعلومات والإتصالات الحديثة في الإتصال بين المعلمين والمتعلمين والمؤسسة التعليمية برمتها فالمقصود هو استخدام التقنية التكنولوجية بجميع انواعها في ايصال المعلومة للمتعلم بأقصر وقت واقل جهد واكبر فائدة.

٧- عرف بأنه طريقة للتعليم باستخدام اليات الإتصال الحديثة من حاسب وشبكاته ووسائطه المتعددة من صوت وصورة ورسومات واليات بحث ومكتبات الكترونية وكذلك بوابات الإنترنت سواء اكانت عن بعد ام في الفصل الدراسي.

٨- عرف على انه نظام تفاعلي للتعليم عن بعد، يقدم للمتعلم وفقاً للطلب، ويعتمد على بيئة الكترونية رقمية متكاملة، تستهدف بناء المقررات وتوصيلها بواسطة الشبكة الإلكترونية، والإرشاد والتوجيه وتنظيم الإختبارات.

كذلك يمكن تعريف تكنولوجيا التعليم الإلكتروني بأنه عملية إيصال وتلقي المعلومات باستخدام التقنيات الحديثة كالحاسوب واجهزة الهاتف المحمولة

وأجهزة المساعد الرقمي الشخصي عبر شبكات الإنترنت أو عبر شبكات الاتصالات اللاسلكية وذلك لأغراض التعليم والتدريب وادارة المعرفة. من خلال التعريف السابق تبين ان الإنترنت و الكمبيوتر او الهاتف المحمول سوف يتم استخدامها في عملية التعليم الإلكتروني وان استخدام الإنترنت في التعليم وفي المؤسسات التعليمية سواء كانت خاصة او حكومية، أصبحت ظاهرة عامة ويرجع سبب ذلك الى الضغوطات التي تمارس على المؤسسات التعليمية من اجل تبني التقنيات الحديثة في تقديم التعليم لطلابهم بشكل حديث ومعاصر والذي يعتمد على الإستنتاج والتحليل والبحث والتقصي بحيث يصبح دور الطالب ليس فقط متلقيا للعلوم والمعارف بل يصبح دورة اكثر فاعلية واكثر نشاطا وتطبيقاً.

أنواع نظم وأشكال تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

فالتعليم الإلكتروني أو التعليم المبني على التكنولوجيا، يشكل جميع النظم التعليمية التكنولوجية، باستخدام الكمبيوتر (التعليم بمساعدة الكمبيوتر، والتعليم المبنية على الكمبيوتر) وباستخدام الشبكات الإلكترونية/ الويب، المحلية، والواسعة (الإنترنت، والإكسترنات، والإنترنت/ الخط) في توصيل التعلم إلكترونياً، وعمليات التفاعل والتعليم، وعمليات الدعم والمساندة، ويمكن تصنيف أنواع نظم وأشكال تكنولوجيا التعليم الإلكتروني (التعليم القائم على التكنولوجيا)، في أربع فئات أنواع رئيسة:

أولاً التعليم بالكمبيوتر/ خارج الخط (الكمبيوتر التعليمي)، يشمل:

١- التعليم بمساعدة الكمبيوتر: ويقصد به استخدام الكمبيوتر في توصيل

المحتوى الإلكتروني، المخزن على القرص الصلب أو اسطوانات

مدمجة^١، أو اسطوانات متعددة الإستخدامات^٢، إلى المتعلمين.

1. CD-ROMs

2. DVDs

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٠٩

٢- التعليم المدار بالكمبيوتر: ويقصد به استخدام الكمبيوتر في إدارة العملية التعليمية.

٣- التعليم المبني على الكمبيوتر: ويقصد به استخدام الكمبيوتر في توصيل التعلم وادارته، ويشتمل على التعليم بمساعدة الكمبيوتر، والتعليم المدار بالكمبيوتر.

ثانياً التعلم بالشبكات / الويب:

التعليم بالشبكات والتعليم على الويب، شيء واحد، وهما مترادفان، ويقصد به توصيل المحتوى الإلكتروني إلى المتعلم، أو إدارته ودعمه، أو هما معاً، عن طريق شبكة الإنترنت، أو الشبكات المحلية، أو الواسعة (الإنترنت والإكسترانت)، باستخدام متصفح ويب الذي يزودنا بروابط لمصادر تعلم أخرى على الشبكة العنكبوتية لذا فمتصفح الويب أساس للتعليم بالشبكات وعلى ذلك، فالتعليم بالشبكات / الويب يشمل:

١- التعليم بمساعدة الشبكات / الويب: وهو تعليم غير قائم بشكل كامل على الشبكات / الويب ويشمل:

أ- التعليم الموزع: وفيه تستخدم الشبكات / الويب في توصيل مواد المقرر، والمواد التعليمية، وعروض الوسائط المتعددة والأنشطة وتوزيعها عن بعد إلكترونياً.

ب- التعليم التعاوني: وهو تعليم تعاوني بين المعلم التقليدي والتعليم الإلكتروني، وذلك في ضوء خطة محددة للتعاون.

ج- التعليم الإثرائي: أو التعليم الإضافي أو الملحق، وفيه تستخدم الشبكات / الويب في تقديم القراءات والمواد التعليمية، والأنشطة والتدريبات الإضافية / الإثرائية للمقرر.

٢- التعليم المدار بالشبكات/ الويب: ويقصد به استخدام الشبكات/ الويب في إدارة العملية التعليمية، حيث يقتصر دورها هنا على عملية الإدارة والتي قد تشمل إدارة الرسائل والتوجيهات والتعليمات وإدارة المعلومات.

٣- التعليم المبني على الشبكات/ الويب: ويقصد به استخدام الشبكات/ الويب في توصيل التعلم وإدارته ودعمه ومن ثم فهو يقوم بشكل كامل على الويب، ويشمل:

أ- التعليم المتزامن: وهو تعليم يحدث بشكل متزامن يلتقي فيه المعلمون والمتعلمون في فصول افتراضية على الويب ويتفاعلون معاً في نفس الوقت.

ب- التعليم غير المتزامن: وهو تعليم يحدث بشكل غير متزامن حيث يلتقي فيه المعلمون والمتعلمون ويتفاعلون معاً من خلال منديات المناقشة غير المتزامنة على الويب.

ج- التعليم التوليقي: وهو توليفة محسوبة مما سبق.

ثالثاً التعليم بالإنترنت/ الخط:

التعليم بالإنترنت والتعليم على الخط، شيء واحد، فهما مترادفان، حيث يقصد بالخط هنا خط الشبكة فعندما تقال كلمة «شبكة» فإنها تعني عرفاً شبكة الإنترنت ويقصد به توصيل المحتوى الإلكتروني إلى المتعلم، أو إدارته ودعمه، أو هما معاً فهو يشمل:

١- التعليم بمساعدة الإنترنت/ الخط: وهو تعليم غير مبني بشكل كامل على الإنترنت/ الخط إنما يستخدم خط الشبكة كمصدر ووسيط مكمل ومساعد ضمن التعليم التقليدي، ويشمل:

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢١١

أ- التعليم الموزع: وفيه تستخدم الإنترنت / الخط في توصيل مواد المقرر والمواد التعليمية وعروض الوسائط المتعددة والأنشطة وتوزيعها عن بعد إلكترونياً.

ب- التعليم التعاوني: وهو تعليم تعاوني بين المعلم التقليدي والتعليم الإلكتروني وذلك في ضوء خطة محددة للتعاون.

ج- التعليم الإثرائي أو التعليم الإضافي أو الملحق: وفيه تستخدم الإنترنت / الخط في تقديم القراءات والمواد التعليمية والأنشطة والتدريبات الإضافية / الإثرائية للمقرر.

٢- التعليم المدار بالإنترنت / الخط: ويقصد به استخدام الإنترنت / الخط في إدارة العملية التعليمية حيث يقتصر دوره هنا على عملية الإدارة والتي قد تشمل إدارة الرسائل والتوجيهات والتعليمات وإدارة المعلومات والمعرفة والمصادر وإدارة الأنشطة والتدريبات وإدارة الاختبارات.

أهداف تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

- ١- تحسين نوعية التعليم والوصول به إلى درجة الإنقان.
- ٢- تحقيق الأهداف التعليمية بوقت وامكانات اقل.
- ٣- زيادة العائد من عملية التعليم.
- ٤- خفض تكاليف التعليم دون تأثير على نوعيته.
- ٥- توفير بدائل وأساليب تعليمية متعددة كالتعليم المبرمج، والكمبيوتر التعليمي مما اتاح للمتعلم فرصة التعليم الذاتي، والتغذية الراجعة.
- ٦- توفير امكانات جيدة لتطوير المناهج والكتب وأساليب التعليم.
- ٧- توفير شكليات مصغرة وأوعية متعددة لحفظ المعلومات.

اهمية تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

تعد تكنولوجيا المعلومات والاتصالات ذات اهمية كبيرة في مجال التعليم وذلك من خلال:

١- تعدد مصادر التعليم: حيث تتميز تكنولوجيا التعليم بالمرونة في

احداث عملية التعلم، حيث انها تشمل على اكثر من مصدر لإتمام عملية التعلم، وهذا التعدد في المصادر يجعل العملية التعليمية مؤكدة او اكثر استيعاباً فهناك المعلم، والأدوات و الأجهزة، والأنشطة المتاحة والمواد والبيئة التعليمية... الخ، فإذا فشل احد هذه المصادر في احداث عملية التعلم ينجح مصدر اخر في القيام بهذه المهمة وهكذا تصل المعلومة للمتعلم ويستوعبها ويمارسها ويتقنها.

٢- مراعاة الفروق الفردية.

٣- التنوع: تساعد تكنولوجيا التعليم من خلال الوسائط المتعددة على ابعاد عامل الملل وحرية الاختيار وتشجيع المتعلمين على ممارسة الأنشطة.

٤- تسهيل عملية التدريس والتعليم: وجود وسائل معينة وادوات واجهزة مناسبة، ووجود معلم متفهم لمادته وموهوب وقادر على ادارة درسه، تسهل من عملية التدريس والتعليم وتحقق كافة اهداف التعليم بكفاءة تامة.

٥- تحقيق مبدأ السرعة في عملية التعلم: بتطبيق تكنولوجيا المعلومات في تعلم المهارات اللازمة تجعل عملية التعلم تتجه مباشرة نحو الهدف اي نحو المهارة المطلوب تعلمها وبذلك تختصر زمن عملية التعلم وتكون السرعة في عملية التعلم سرعة محسوبة وليست سرعة عشوائية تؤثر على تحقيق الغرض المطلوب مع الإقتصاد في الوقت والجهد والمال.

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢١٣

٦- تحسين كفاءة اعداد المعلم: يمكن رفع كفاءة المعلم باستخدام نظام متكامل لتكنولوجيا التعليم وبالتالي يستطيع ان يحقق اهداف العملية التعليمية في ظل ازدياد عدد المتعلمين بالمدارس والجامعات والتغير المستمر في المناهج وقلة الإمكانيات وقلة عدد الكادر التدريسي.

٧- خلق البيئة التعليمية التفاعلية من خلال التقنيات الإلكترونية الجديدة، والتنوع في مصادر المعلومات والخبرة.

٨- زيادة فاعلية عملية التفاعل بين الطلاب والمعلمين من خلال تبادل الخبرات التربوية والآراء والمناقشة والحوار والمعارف بالاستعانة بقنوات الإتصال المختلفة مثل البريد الإلكتروني.

٩- توسيع دائرة اتصالات الطالب من خلال شبكات الإتصالات العالمية والمحلية مما يؤدي الى زيادة مصادر المعرفة، وذلك بربط الموقع التعليمي بمواقع تعليمية اخرى.

الوسائل التعليمية المساعدة على التعلم

ان للوسائل التعليمية دوراً مهماً وفاعلاً في توصيل المادة التعليمية الى المتعلمين، كما ان للجانب النفسي الذي تؤديه اهمية كبيرة في خلق الدوافع ويجاد الرغبة في العمل وصولاً الى المعرفة المطلوبة، وجاء تحديد دورها ما يأتي:

١- تقليل الجهد واختصار الوقت من المعلم والمتعلم.

٢- تعلم بمفردها.

٣- تساعد على نقل المعرفة وتوضح الجوانب المهمة وتثبت عملية الإدراك.

٤- تثبت المعلومات وتزيد من حفظ الطالب وتضاعف استيعابه.

٥- تقوم معلومات الطالب و تقيس مدى ما استوعبه من مادة الدرس.

تقسم الوسائل التعليمية الى ثلاثة اقسام:

- ١- الوسائل البصرية: ان عنصر حاسة البصر في هذه الوسيلة يعد الأساس في استلام المؤثرات، وتمثل في الكثير من الوسائل منها (وسائل العرض المختلفة الصماء كالسينما و التلفزيون والفيديو وجهاز عرض الشرائح^١ واللوحات والرسوم والصور والنماذج والملصقات والرسوم البيانية وجهاز الكمبيوتر).
- ٢- الوسائل السمعية: تكون حاسة السمع هي الأساس في تعيين المثيرات المختلفة التي تتطلب الإستجابة لها ومنها (الإذاعة وشرطة التسجيل وغيرها).
- ٣- الوسائل المختلطة (السمعية والبصرية): تعتمد على حاستي البصر والسمع في توفير المثيرات المطلوب الإستجابة لها وتشمل على الكثير من الوسائل منها (اجهزة العرض المختلفة الناطقة كالتلفزيون والسينما وجهاز الفيديو وجهاز الصور المتحركة واجهزة الشرائح المصحوبة بتسجيلات صوتية وتعليقات وجهاز الكمبيوتر المتعدد الوسائط وغيرها).

اما اسباب استخدام الوسائل التعليمية الإلكترونية فتتلخص بما يلي:

- ١- انفجار المعلومات.
- ٢- زيادة عدد المتعلمين.
- ٣- عدم تجانس المتعلمين.
- ٤- الإرتقاء بجودة التدريس.
- ٥- تساعد على التعليم الذاتي.
- ٦- الإرتقاء المهني بالمتعلمين.

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢١٥

كما ان للوسائل التعليمية الإلكترونية أهمية خاصة في تدريس العلوم المختلفة ومن ضمنها العلوم الإسلامية، إذ تنبثق من الفوائد الناتجة عنها والآثار القيمة التي تخلفها الأفكار والمعلومات في عقول الطلبة وادامتها وجملاء معانيها في اذهانهم ومن الامور التي تدل على اهميتها:

- ١- انها تهيئ خبرات متنوعة ومحسوسة للطلبة.
- ٢- تعمل على اثارة هوايات الطلبة وتجديد نشاطاتهم ومشاركاتهم.
- ٣- تساعد على التذكر وسرعة التعلم .
- ٤- تعمل على مراعاة الفروق الفردية بين الطلبة.
- ٥- تهيئ وتوفر فرص التعلم الذاتي للفرد.
- ٦- رفع انتاجية المؤسسة التعليمية كماً ونوعاً.
- ٧- انها نافعة في المراحل الدراسية كافة.

مزايا وفوائد استخدام تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

ان لتكنولوجيا التعليم الإلكتروني العديد من المزايا و الفوائد منها:

- ١- توفير الوقت: إن الوسيلة البصرية والحسية (الوسائل الحسية) تعتبر بديلاً عن جميع الجمل والعبارات التي ينطق بها المعلم ويسمعها الطالب والتي يحاول أن يفهمها ويكون لها صورة عقلية في ذهنه ليتمكن من تذكرها.
- ٢- الإدراك الحسي: إن الألفاظ لا تستطيع أن تعطي المتعلم صورة حقيقية جلية تماما عن الشيء موضوع الحديث أو الشرح، ذلك الألفاظ لا تستطيع تسيد هذا الشيء مثلما الوسيلة الإيضاحية.
- ٣- الفهم: الفهم هو قدرة الفرد على تمييز المدركات الحسية وتصنيفها وترتيبها، فان الفرد يتصل بالأشياء، والمظاهر المختلفة عن طريق حواسه وبالطبع لا يستطيع هذا الفرد أن يفهم المسميات أو الأشياء إلا إذا تم فهمها والتعرف عليها.

- ٤- أسلوب حل المشكلات: حينما يشاهد الطالب تقنية تعليمية، فإنها في الغالب تثير فيه بعض التساؤلات والتي قد لا تكون مرتبطة مباشرة بموضوع الدرس، وقد تنمي هذه التساؤلات أو التي تنبع من حب الاستطلاع، أسلوب حل المشكلات لدى هذا الطالب إذ في العادة ما يسير هذا الأسلوب.
- ٥- المهارات: تقوم التقنيات التعليمية بتقديم توضيحات علمية للمهارات المطلوب تعلمها.
- ٦- محاربة اللفظية: عدم معرفة الطالب أحيانا لبعض الجمل أو الكلمات، مما يتسبب بخلط المعنى لديه، ولكن بالصورة توضح المعنى لها.
- ٧- تتيح للطالب فترة تذكّر أطول للمعلومات.
- ٨- تشوق المتعلم وتجذبه نحو الدرس.
- ٩- تدفع المتعلم ليتعلم عن طريق العمل.
- ١٠- تدفع الطالب نحو التعلم الذاتي، والتعلم المفرد.
- ١١- تنمي الحس الجمالي فالتقنية التعليمية تكون في العادة ذات إخراج جيد وتناسق لوني جميل.
- ١٢- تنوع حواس المتعلم بمشاركة أكثر من حاسة في التعلم.
- ١٣- المساعدة على تنظيم المادة التعليمية.
- ١٤- تنمية الميول الايجابية لدى الطلاب.
- ١٥- إنها تساعد على تقوية الشخصية للطالب.
- ١٦- تنمي التفكير الإبداعي.

سلبيات استخدام تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

إن الحاسوب على أهميته في العملية التعليمية لا يأخذ مكان المدرس، ولا يمكن الإستغناء عن المعلم بتاتا، وإنما الحاسوب بمنزلة اليد اليمنى له أو المساعد الكبير للمدرس، وهذا نتيجة أسباب عدة هي:

- ١- إن الحاسوب لا يجيب عن جميع الأسئلة التي يسألها الطالب.
- ٢- المدرس قدوة للتلاميذ، فهم يستشفون بعض صفاته التي يحبونها.
- ٣- للمدرس دور إرشادي عند استخدام الحاسوب.
- ٤- المدرس قد يستطيع أن يساعد التلميذ في أي وقت خلافاً للحاسوب.
- ٥- لا يوجد عنصر للمناقشة أو الحوار بين التلميذ والحاسوب، بعكس المدرس الذي يشجع ويحاور الطلبة في موضوعات قد لا يلم بها الحاسوب.
- ٦- الحاسوب لا يوازي الإنسان، ولا يستطيع القيام بكل شيء، ولكنه ينفذ بعض الأوامر، التي يفعلها الإنسان، فقد يخرج صوت أو تظهر ألوان، لكنه في النهاية يعتبر أدق بكثير من الإنسان، كما أننا نستطيع أن نكبر ذاكرة الحاسوب، أما الإنسان فيمكن أن ننمي قدراته، ولكننا لا نستطيع أن نكبر ذاكرته، لأنها محدودة.
- ٧- يؤدي دخول الحاسوب إلى تقليص دور المدرس مما يؤدي إلى البطالة التكنولوجية.
- ٨- عملية التدريس التقليدية تعطي المدرس حرية أكثر ببعض القوانين وطرق التعليم.
- ٩- أحيانا يسبب الحاسوب عدم الثقة بالنفس للمدرس لخوفه من الفشل وعدم النجاح.
- ١٠- يحتاج إلى وقت فراغ من المدرس لدمجه مع المجال التربوي والاجتماعي.

- ١١- الحاسوب ينزع الروح الإنسانية من الحياة التدريسية، فيضيع دور المدرسين الوجداني.
- ١٢- تشتت الإنتباه لمن يستعمله بطريقة مكثفة.
- ١٣- الإعتماد على التكنولوجيا بشكل كلي تقلل من مهارات الإنسان.
- ١٤- كثرة الجلوس أمام الحاسوب يسبب بعض الأمراض مثل الديسك وتوتر الجهاز العصبي والانطواء و ضعف النظر.
- ١٥- تقلل من فرص العمل لان مهارات الإنسان تقل باستعمال الحاسوب المكثف.
- ١٦- مكلفة إذا كان لم نحسن استخدامها.
- ١٧- تحتاج إلى ضبط داخلي خوفا من سلوكات سيئة.
- ١٨- الإستخدام المفرط للتكنولوجيا يورث الكسل، وانعدام بعض السلوكيات مثل سوء الخط، الحساب الذهني السريع.
- ١٩- الإستخدام الخاطئ للانترنت.

سبل تطبيق تكنولوجيا المعلومات

لضمان نجاح التعليم الإلكتروني يجب اتباع ما يلي:

- ١- التهيئة الإجتماعية لدى افراد المجتمع لتقبل هذا النوع من التعليم.
- ٢- ضرورة مساهمة التربويين في تصميم وإعداد هذا النوع من التعليم.
- ٣- توفير البنية التحتية لهذا النوع من التعليم مثل إعداد الكوادر البشرية المدربة وكذلك توفير خطوات الإتصال المطلوبة التي تساعد على نقل التعليم من مكان إلى آخر.
- ٤- وضع برامج لتدريب الطلاب والمدرسين والإداريين للإستفادة بدرجة قصوى من تكنولوجيا التعليم والتعليم الإلكتروني.

من جانب آخر أن نجاح التعليم الإلكتروني يتوقف على الآتي:

- ١- تحديد نوعية البرامج المستخدمة في تأليف البرمجية.
- ٢- تحديد استراتيجية التعلم المناسبة للطلاب.
- ٣- تحديد استراتيجية المزج بين التعليم الإلكتروني والتعليم التقليدي.
- ٤- مراعاة طبيعة المنهج والمادة العلمية.
- ٥- مراعاة حاجات المتعلمين.
- ٦- إعداد مشاريع للبرمجية يمكن تحقيقه.
- ٧- إعداد البرمجية والتطبيق الأولى.

معوقات تطبيق تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

هناك عدة معوقات تحول دون توظيف تكنولوجيا التعليم الإلكتروني في العملية التعليمية منها ما يلي:

- ١- عدم وضوح أسلوب وأهداف هذا النوع من التعليم للمسؤولين عن العمليات التربوية.
- ٢- الأمية التقنية مما يتطلب جهداً كبيراً لتدريب وتأهيل المدرس والطالب استعداداً لهذه التجربة.
- ٣- التكلفة المادية من شراء المعدات اللازمة والأجهزة الأخرى المساعدة والصيانة.
- ٤- إضعاف دور المدرس كمشرف تربوي وارتباطه المباشر مع طلبة، وبالتالي قدرته على التأثير المباشر.
- ٥- إبراز دور الجامعة كؤسسة تعليمية هامة في المجتمع لها دورها الهام في تنشئة الأجيال المتعاقبة.
- ٦- ظهور الكثير من الشركات التجارية والتي هدفها الربح فقط والتي تقوم بالإشراف على تأهيل المدرسين وإعدادهم وهي في الحقيقة غير مؤهلة علماً لذلك.

٧- كثرة الأجهزة العلمية المستخدمة في العملية التعليمية قد يصيب المتعلم بالفتور في استعمالها.

كما أن من معوقات التعليم الإلكتروني:

١- يواجه التعليم الإلكتروني مصاعب قد تطفئ بريقه وتعيق انتشاره بسرعة، ومن أهم هذه العوائق قضية المعايير المعتمدة، وقد أُطلق مؤخراً في الولايات المتحدة أول معيار للتعليم الإلكتروني المعتمد على لغة ايكس.ام.ال^١ واسمه سكورم^٢.

٢- الأنظمة والحوافز التعويضية من المتطلبات التي تحفز وتشجع الطلاب على التعليم الإلكتروني.

٣- علم المنهج والميثودولوجيا غالباً ما تؤخذ القرارات التقنية من قبل المصممين أو الفنيين معتمدين في ذلك على استخداماتهم وتجاربهم التشجيعية.

٤- الخصوصية والسرية واختلاف المحتوى والإمتحانات من أهم معوقات التعليم الإلكتروني.

٥- مدى استجابة الطلاب مع النمط الجديد وتفاعلهم معه.

٦- وعي أفراد المجتمع لهذا النوع من التعليم وعدم الوقوف السلبي منه.

٧- الحاجة إلى تدريب المتعلمين وكيفية التعليم باستخدام الإنترنت.

المؤسسة التعليمية في العراق

مما لاشك فيه ان مؤسسات التعليم ممثلة بالجامعات والمعاهد والمراكز العلمية والبحثية التابعة لها تعتبر ذات اهمية كبيرة وريادية في المجتمع، نتيجة لما تمثله من

1. XML

2. Standard Sharable Content Object Reference Model (SCORM) 1.2

دور قيادي بأعمالها قمة السلم التعليمي والموقع الذي يلتحق فيه الصفوة من الطلبة الذين استطاعوا اكمال مشوارهم الدراسي بنجاح لكي يصلوا الى هذه المرحلة الدراسية المتقدمة والتي يعول عليها كثيرا في بناء وتطوير المجتمع والتأثير فيه بقوة في ضوء اتجاهات وأفرازات التطور العلمي والتكنولوجي في العالم المعاصر.

فالجامعات والمعاهد تمثل ورش عمل حقيقية فيما لو أدت رسالتها بنجاح لأعداد الطلبة قادة المستقبل لبناء البلد وتسلم زمام القيادة الفاعلة فيه والمساهمة في تطويره بما يتناسب مع احتياجات المجتمع والظروف العالمية المستجدة المحيطة به ونتائجها وتأثيراتها عليه.

وفي ضوء ماتقدم لابد من العمل على محاولة تطوير المؤسسات الجامعية بما يتناسب مع تلك الظروف المتغيرة ونتائجها وأفرازاتها، وهذا يتطلب إعادة النظر بين مدة وأخرى بفلسفتها واهدافها وطرائق التدريس والتدريب فيها بما يتناسب مع تلك المتغيرات لكي تتمكن من القيام بواجباتها بصورة صحيحة وتجعلها عاملا مؤثرا وقياديا في المجتمع.

لذا في هذا المبحث سنتطرق الى تطبيق الدراسة الميدانية والتي اعدت من خلال استخدام استمارة استبيان تتكون من ٥ محاور تتعلق بعملية معرفة اثر تكنولوجيا التعليم الالكتروني في تطوير المؤسسات التعليمية في العراق ولقد تم اختيار عينة عشوائية من مجموعة من طلبة واساتذة من مختلف الجامعات الدينية العراقية لمعرفة ارائهم وبيان النتائج والتوصيات من هذه الدراسة.

منهجية الدراسة الميدانية

يمكن تعريف المنهج على انه الطريقة التي يتبعها الباحث في الدراسة لاكتشاف الحقيقة وللإجابة عن الاسئلة والاستفسارات التي يثيرها موضوع البحث، كما ويعني فن التنظيم الصحيح لسلسلة الأفكار العديدة اما من اجل البرهنة عليها للآخرين حين نكون بها عارفين.

ومن اجل البرهنة على فرضيات بحثنا واثباتها ميدانياً اعتمدنا المنهج الوصفي التحليلي المناسب لموضوع بحثنا، وذلك ان طبيعة البحث هي التي تفرض على الباحث نوع المنهج المتبع وفي بحثنا هذا نود معرفة اثر تكنولوجيا التعليم الحديثة في تطوير التعليم الديني في العراق ولهذا استخدمنا المنهج الوصفي التحليلي الذي يهدف الى دراسة ظاهرة لها خصائصها وابعادها في إطار معين ويقوم بتحليلها استناداً للبيانات المجمعة حولها ثم محاولة الوصول الى اسبابها والعوامل التي تتحكم فيها، وبالتالي الوصول الى نتائج قابلة للتقييم. ولأجل اجراء الدراسة الميدانية وذلك من خلال اعتماد استمارة الاستبيان والتي تتكون من محاور تم توزيعها على عينة عشوائية قدرها ٨٠ مفردة تتمثل بالطلاب والأساتذة في المؤسسات التعليمية الدينية في العراق، علماً ان استخدام اداة الاستبيان تؤدي الى توفير الجهد والوقت والتكلفة فضلاً عن اخذ أكبر عدد ممكن من مجتمع الدراسة مما يسهم في تصميم النتائج.

مجتمع الدراسة

يعرف مجتمع الدراسة بانه مجموعة العناصر او الافراد الذي ينصب عليهم الاهتمام في دراسة معينة، وبمعنى اخر هو جميع العناصر التي تتعلق بها مشكلة البحث، وفي بحثنا هذا فأن مجتمع الدراسة يتمثل بالمؤسسات التعليمية الدينية في العراق. وفي بعض الأحيان يصعب الوصول الى جميع مفردات المجتمع وخصوصا المجتمعات الكبيرة لذا يتم اختيار عينة تمثل ذلك المجتمع حيث تعرف العينة بانها مجموعة جزئية من المجتمع وقد استخدم في بحثنا هذا العينة العشوائية البسيطة والتي تتصف بانها مجموعة جزئية من المجتمع بحجم معين لها نفس الفرصة (الإحتمال) في الظهور لتختار كعينة تمثل ذلك المجتمع ولقد تكونت عينة هذا البحث من ٨٠ مفردة من عدد من الجامعات الدينية العراقية.

الأدوات الإحصائية المستخدمة في التحليل

لقد حاولنا استخدام بعض الأدوات الإحصائية لدراسة فرضيات البحث وتحليل محاور الإستمارة وذلك بواسطة:

١- معامل الارتباط البسيط

هو علاقة بين متغيرين (X, Y) بمعنى انه إذا تغير أحد المتغيرين فان الاخر قد يتبعه اما في نفس الإتجاه فيكون الارتباط طردي او في الإتجاه المعاكس فيكون الارتباط عكسي، ويقال ان المتغيرين مستقلين عندما ينعدم الارتباط، مع ملاحظة ان الارتباط لا يدل على السببية حيث ليس شرطاً ان يتغير أحد المتغيرين دائماً بتغير أحدهما.

٢- الوسط الحسابي

يعتبر الوسط الحسابي من اهم وأفضل مقاييس النزعة المركزية الإحصائية ومن اكثرها شيوعاً واستخداماً في التحليل الإحصائي وذلك لما يتمتع به من خصائص وصفات احصائية جيدة حيث يعرف بانه مجموع قيم المجتمع او العينة مقسومة على عددها بمعنى انه القيمة التي تتجمع حولها مجموعة قيم ويمكن من خلالها الحكم على بقية قيم المجموعة، فتكون هذه القيمة هي الوسط الحسابي.

٣- الانحراف المعياري

يعتبر الانحراف المعياري من أكثر المقاييس التشتت استخداماً لقياس مدى تبعر البيانات الإحصائية، اي انه يدل على مدى امتداد مجالات القيم ضمن مجموعة البيانات الإحصائية ويعرف بانه مجموع انحرافات القيم عن وسطها الحسابي بالنسبة لمجموعة البيانات الإحصائية، حيث يتأثر الانحراف المعياري بالقيم المتباعدة او المتطرفة ولكنه لا يتأثر كثيراً بالتغيرات التي تطرأ على العينة.

٤- مقياس ليكارت الخماسي

استخدمنا في هذه الدراسة مقياس ليكارت الخماسي وكان وفق المعادلة ادناه وكما موضح في الجدول رقم:

$$\frac{5 - 1}{5} = \frac{4}{5} = 0.8$$

جدول ١: مقياس ليكارت الخماسي

طول الخلية		المقياس الخماسي	
نهاية	بداية		
١,٨	١	غير موافق بشدة	١
٢,٦	١,٨١	غير موافق	٢
٣,٤	٢,٦١	غير متأكد	٣
٤,٢	٣,٤١	موافق	٤
٥	٤,٢	موافق بشدة	٥

٥- الوصف الإحصائي لعينة الدراسة

فيما يلي وصف للمعلومات الشخصية والمتغيرات الخاصة بعينة الدراسة وكما مبين في الجداول ادناه:

أ. الجنس

جدول ٢: خصائص عينة الدراسة (الجنس)

النسبة المئوية	التكرار	الجنس	
%٨٢,٥٠	٦٦	ذكر	١
%١٧,٥٠	١٤	انثى	٢
%١٠٠	٨٠	المجموع	*

نلاحظ من الجدول رقم (٢) ان غالبية مفردات العينة من الذكور حيث بلغت

٦٦ مفردة اي %٨٢,٥ من عينة الدراسة.

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٢٥



ب. الفئات العمرية

جدول ٣: خصائص عينة الدراسة (الفئات العمرية)

الفئة العمرية	التكرار	النسبة المئوية
١ من ٢٠ سنة فما دون	٣	٣,٧٥%
٢ من ٢١ سنة الى ٢٥ سنة	١٩	٢٣,٧٥%
٣ من ٢٦ سنة الى ٣٠ سنة	٤٩	٦١,٢٥%
٤ من ٣١ سنة الى ٣٥ سنة	٤	٥%
٥ من ٣٦ سنة فأكثر	٥	٦,٢٥%
* المجموع	٨٠	١٠٠%

نلاحظ من خلال الجدول رقم (٣) ان الغالبية العظمى من عينة الدراسة تتراوح اعمارهم ما بين ٢٦ - ٣٠ سنة حيث بلغ عددهم ٤٩ مفردة من اصل ٨٠ مفردة وبنسبة ٦٢,٢٥% من عينة الدراسة.



ج. الحالة الإجتماعية

جدول ٤: خصائص عينة الدراسة (الحالة الإجتماعية)

النسبة المئوية	التكرار	الحالة الإجتماعية	
٥٤٪	٤٣	أعزب	١
٤٦٪	٣٧	متزوج	٢
٠	٠	مطلق	٣
٠	٠	أرمل	٤
١٠٠٪	٨٠	المجموع	*

نلاحظ من خلال الجدول رقم (٤) ان هناك تقارب بين الحالة الإجتماعية لأفراد عينة الدراسة مع تفاوت بسيط بينهما حيث بلغ عدد الافراد غير المتزوجين ٤٣ فرد ونسبة ٥٤٪ من مجموع عينة الدراسة بينما بلغ عدد المتزوجين حوالي ٣٧ فرد ونسبة ٤٦٪ من مجموع عينة الدراسة.



د. المستوى العلمي

جدول ٥: خصائص عينة الدراسة المستوى العلمي

النسبة المئوية	التكرار	المؤهل العلمي	
٨١٪	٦٥	بكالوريوس	١
١١٪	٩	ماجستير	٢
٨٪	٦	دكتوراه	٣
١٠٠٪	٨٠	المجموع	*

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٢٧

يلاحظ من خلال الجدول رقم (٥) ان المستوى العلمي لطلبة البكالوريوس ذات غالبية عظمى اذ بلغ ٦٥ فرد من اصل ٨٠ فرد اي ما نسبته ٨١٪ من مفردات العينة.



عرض وتحليل بيانات الدراسة الميدانية

أ. مصداقية اداة الدراسة وثباتها

لاختبار مدى مصداقية نتائج الاستبيان و الارتباط بين الأسئلة المختلفة واذا ما كانت اجابات افراد العينة على المؤشرات المختلفة موزعة توزيعاً طبيعياً فقد استخراج معامل ارتباط الفا كرونباخ^١ لأسئلة الاستبيان حيث يعرف هذا المعامل بانه يأخذ قيمة تتراوح بين الصفر و الواحد الصحيح، فإذا لم يكن هناك ثبات في البيانات فان قيمة المعامل تكون مساوية لصفر و على العكس اذا كان هناك ثبات تام في البيانات فان قيمة المعامل تساوي الواحد الصحيح، حيث تعتبر قيمة معامل الفا كرونباخ التي تساوي ٦٠٪ مقبولة للحكم على ثبات الاستبيان اي ان زيادة قيمة معامل الفا كرونباخ تعني زيادة مصداقية البيانات من عكس نتائج العينة على مجتمع الدراسة.

1. Chronbach

جدول ٦: حساب قيمة معامل الفا كرونباخ لمتغيرات الدراسة

النسبة المئوية	معامل الفا كرونباخ	متغيرات الدراسة	
٪٨٠،١٠	٠،٨٠١	اهداف تكنولوجيا التعليم	١
٪٧٩،٧٠	٠،٧٩٧	سبل تحقيق التعليم التكنولوجي	٢
٪٧٩،٣٠	٠،٧٩٣	الآثار الايجابية لتكنولوجيا التعليم	٣
٪٩٣،٧٠	٠،٩٣٧	الآثار السلبية لتكنولوجيا التعليم	٤
٪٨٣،٧٠	٠،٨٣٧	متطلبات تطبيق تكنولوجيا التعليم	٥
٪٩٠،٥٠	٠،٩٠٥	استمارة الاستبيان	*

نلاحظ من الجدول رقم (٦) ان معامل ارتباط الفا كرونباخ لإستمارة الإستبيان قد بلغ ٩٠،٥ ٪ وهذه النسبة ممتازة احصائياً، وهذا يعني انه إذا وزع الإستبيان بمؤشراته المختلفة على عينة اخرى غير عينة الدراسة هذه في اوقات مختلفة، فان هناك احتمالاً قدره ٩٠،٥ ٪ للحصول على نفس النتائج .

ويتم قياس مدى صدق الإستبيان من خلال الإتساق الداخلي اي مدى اتساق كل فقرة من فقرات الإستمارة مع المحور الذي تنتمي اليه هذه الفقرة، وقد تم حساب الإتساق الداخلي للإستمارة من خلال حساب معاملات الإرتباط بين كل فقرة من فقرات الإستمارة والدرجة الكلية للمحور نفسه وكما مبين في الجداول ادناه:

جدول ٧: حساب معامل الإرتباط لكل فقرة من فقرات محور اهداف تكنولوجيا التعليم بالنسبة للدرجة الكلية للمحور نفسه

مستوى الدلالة	معامل الإرتباط	الفقرة	
٠،٠٠٠	٠،٦٣٣	اكساب الطلاب المعلومات والمعارف المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات	١
	٠،٧٦٦	مساعدة الطلاب على تحقيق ذاتهم وتحديد مكانتهم في عالم تكنولوجيا المعلومات	٢

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٢٩

٣	٠,٥٥٩	تنمية قدرات الطلاب على التمييز بين المعلومات المقدمة من خلال الأجهزة التكنولوجية الحديثة
٤	٠,٥١٣	تنمية القيم الايجابية التي تزيد من ايجابيات التكنولوجيا في التعليم
٥	٠,٧٥٥	تمكين الطلاب من اكتساب المهارات اللازمة لتوظيف تكنولوجيا المعلومات في خدمة المجتمع
٦	٠,٥٢١	تنمية القدرة على التعلم الذاتي والتنمية المهنية المستمرة في مجال التعلم
٧	٠,٧٧١	تعريف الطلاب على الأسس العلمية لتكنولوجيا المعلومات و اعدادهم للتعامل مع الحكومة الإلكترونية
٨	٠,٦٦٤	تنمية قدرات الطلاب على توظيف تكنولوجيا المعلومات في التدريس

من خلال الجدول رقم (٧) اعلاه نلاحظ ان معامل الارتباط بين كل فقرة من فقرات محور اهداف تكنولوجيا التعليم والدرجة الكلية للمحور ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوي اقل من ٠,٠٥ وبذلك يعتبر المحور صادقاً في قياس ما وضع لقياسه.

جدول ٨: حساب معامل الارتباط لكل فقرة من فقرات محور سبل تطبيق تكنولوجيا التعليم مع الدرجة الكلية للمحور نفسه

مستوى الدلالة	معامل الارتباط	الفقرة	
٠,٠٠٠	٠,٦٨٧	استخدام اجهزة عرض المعلومات والبيانات Data Show داخل قاعات المحاضرات	١
	٠,٦٩٨	تقديم تسهيلات للطلاب للاشتراك في المواقع العلمية والتربوية	٢
	٠,٥٩٤	تسهيل امتلاك الطلاب لاجهزة الكمبيوتر وملحقاتها	٣
	٠,٥٦٧	توفير مكتبة الكترونية للطلاب	٤
	٠,٤٥٣	اعداد مقررات دراسية حول تكنولوجيا المعلومات	٥

٦	٠,٦٧	تدريس المقررات الدراسية باستخدام اجهزة تكنولوجيا المعلومات
٧	٠,٧٥٤	يتعرف الطلاب على نتائج الإمتحانات بطريقة الكترونية
٨	٠,٧٣٦	يعرض الطلاب ارائهم في المقررات الدراسية الالكترونياً على موقع الكلية

من خلال الجدول رقم (٨) اعلاه نلاحظ ان معامل الإرتباط بين كل فقرة من فقرات محور سبل تطبيق تكنولوجيا التعليم والدرجة الكلية للمحور ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوي اقل من ٠,٠٥ وبذلك يعتبر المحور صادقاً في قياس ما وضع لقياسه.

جدول ٩: حساب معامل الإرتباط لكل فقرة من فقرات محور الآثار الإيجابية لتكنولوجيا التعليم مع الدرجة الكلية للمحور نفسه

مستوى الدلالة	معامل الإرتباط	الفقرة
٠,٠٠٠	٠,٦٥٣	تنمية القدرات على حل المشكلات باستخدام تكنولوجيا المعلومات
	٠,٧٢٧	تساعد الطلاب على تحقيق اهدافهم
	٠,٦١٩	تنمية الإتجاهات الايجابية نحو استخدام التكنولوجيا في مجالات الحياة المختلفة
	٠,٦٥٨	تؤدي الى تنمية الثقافة التكنولوجية للطلاب
	٠,٧٢٥	زيادة الإهتمام بقيمة الوقت وتنظيمه
	٠,٦٤٥	التعرف على ثقافات اخرى لتوسيع دائرة التفاعل الثقافي
	٠,٦٦١	زيادة قدرة الطلاب على التعامل مع المعلومات

من خلال الجدول رقم (٩) اعلاه نلاحظ ان معامل الإرتباط بين كل فقرة من فقرات محور الآثار الايجابية لتكنولوجيا التعليم والدرجة الكلية للمحور ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوي اقل من ٠,٠٥ وبذلك يعتبر المحور صادقاً في قياس ما وضع لقياسه.

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٣١

جدول ١٠: حساب معامل الارتباط لكل فقرة من فقرات محور الآثار السلبية لتكنولوجيا

التعليم مع الدرجة الكلية للمحور نفسه

مستوى الدلالة	معامل الارتباط	الفقرة	
٠,٠٠٠	٠,٦٩	عزلة الفرد عن الجماعة	١
	٠,٦٦٤	زيادة السلوك العدواني وتقليد السلوكيات الشاذة	٢
	٠,٧١٢	تفكيك العلاقات الاجتماعية	٣
	٠,٤٩٣	زيادة القيم النفعية والمادية	٤
	٠,٦٠٣	انتشار العلاقات بين الجنسين	٥
	٠,٧١١	ادمان مشاهدة المواقع الاباحية الجنسية	٦
	٠,٨٤٧	التشجيع على انتحال الشخصيات الاخرى	٧
	٠,٧٧٦	العمل على اخفاء الشخصية عند ارتكاب الاخطاء مع الآخرين	٨
	٠,٨٣١	ارسال الرسائل الأخلاقية للآخرين	٩
	٠,٨٣٦	نشر الإشاعات والأكاذيب المدمرة	١٠
	٠,٨٦١	تزوير البيانات الخاصة بالافراد	١١
	٠,٦٩٧	نقل الأموال لعمل غسل لها باستخدام تكنولوجيا المعلومات	١٢
	٠,٧٩١	الإعتداء على حرية الآخرين في الملكية الفكرية	١٤
	٠,٧٦٤	ادمان الإستخدام الخاطئ للإنترنت	١٤
	٠,٦٣٥	تؤدي الأجهزة الإلكترونية الى التعرض للإشعاعات الضارة وحدوث متاعب صحية والإحساس بالصداع	١٥

من خلال الجدول رقم (١٠) اعلاه نلاحظ ان معامل الارتباط بين كل فقرة من فقرات محور الآثار السلبية لتكنولوجيا التعليم والدرجة الكلية للمحور ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوي اقل من ٠,٠٥ وبذلك يعتبر المحور صادقاً في قياس ما وضع لقياسه.

جدول ١١: حساب معامل الارتباط لكل فقرة من فقرات محور متطلبات تحقيق
تكنولوجيا التعليم مع الدرجة الكلية للمحور نفسه

مستوى الدلالة	معامل الارتباط	الفقرة	
٠,٠٠٠	٠,٦٨	استخدام اعضاء الهيئة التدريسية تكنولوجيا المعلومات في عملية التعليم	١
	٠,٦٥٢	التأكيد على الجانب الأخلاقي في استخدام تكنولوجيا المعلومات من جانب اعضاء الهيئة التدريسية	٢
	٠,٦٩٧	استخدام تكنولوجيا المعلومات في اجراءات القيد و تسجيل الطلاب و جداول المقررات الدراسية و اعلان النتائج	٣
	٠,٧٨٤	توفير متخصصين في تكنولوجيا المعلومات ل عمل البرامج و الأنظمة التعليمية و صيانة الأجهزة الإلكترونية	٤
	٠,٦٩٣	وضع خطة للتدريب المستمر للموظفين العاملين و الطلاب و اعضاء الهيئة التدريسية على استخدام تكنولوجيا المعلومات الحديثة	٥
	٠,٥٦	تحويل المقررات الدراسية الى برامج للتعليم الإلكتروني	٦
	٠,٦١٩	اتاحة الفرص للإلتصال الإلكتروني بين الطلاب و اعضاء الهيئة التدريسية	٧
	٠,٧٧٧	توفير الأعداد الكافية من اجهزة تكنولوجيا المعلومات، اضافة الى توفير امكانية نسخ الاسطوانات التي تحتوي على المواد التعليمية داخل المؤسسة التعليمية	٨
	٠,٦٤١	عمل ندوات وورش عمل حول فوائد و اضرار تكنولوجيا المعلومات	٩

من خلال الجدول رقم (١١) اعلاه نلاحظ ان معامل الارتباط بين كل فقرة من فقرات محور متطلبات تطبيق تكنولوجيا التعليم والدرجة الكلية للمحور ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوي اقل من ٠,٠٥ وبذلك يعتبر المحور صادقاً في قياس ما وضع لقياسه.

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٣٣

جدول ١٢: حساب معامل الارتباط لكل محور من محاور الدراسة على الدرجة الكلية للمحاور

مستوى الدلالة	معامل الارتباط	محاور الدراسة	
٠,٠٠٠	٠,٦٣٩	اهداف تكنولوجيا التعليم	١
	٠,٥٨٥	سبل تحقيق التعليم التكنولوجي	٢
	٠,٤٦٩	الآثار الايجابية لتكنولوجيا التعليم	٣
	٠,٧٥٢	الآثار السلبية لتكنولوجيا التعليم	٤
	٠,٥٥٨	متطلبات تطبيق تكنولوجيا التعليم	٥

من خلال الجدول رقم (١٢) اعلاه نلاحظ ان معامل الارتباط بين كل محور من محاور الدراسة والدرجة الكلية لمجموع المحاور ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوي اقل من ٠,٠٥ وبذلك يعتبر اسئلة استمارة الإستبيان صادقة في قياس ما وضعت لقياسه.

ب. اختبار التوزيع الطبيعي للبيانات

لدراسة متغيرات البحث لابد من التأكد اولاً فيما إذا كانت متغيرات الدراسة تتبع التوزيع الطبيعي او لا، تم استخدام اختبار مربع كآي^١ عن طريق البرنامج الاحصائي^٢ لأثبات ان البيانات تتبع التوزيع الطبيعي وقد تبين ان البيانات تتوزع طبيعياً لكافة محاور الدراسة.

ج. نتائج تقييم محاور الدراسة

جدول ١٣: حساب الوسط الحسابي والانحراف المعياري والدرجة

المعيارية لكل فقرة من فقرات محور اهداف تكنولوجيا التعليم

الدرجة المعيارية	الانحراف المعياري	الوسط الحسابي	الفقرة	
موافق بشدة	٠,٦٠١	٤,٦٤	اكساب الطلاب المعلومات والمعارف المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات	١

1. Chi Squared

2. Easy Fit

٢	مساعدة الطلاب على تحقيق ذاتهم وتحديد مكانتهم في عالم تكنولوجيا المعلومات	٤,٤٤	٠,٨٥٥	موافق بشدة
٣	تنمية قدرات الطلاب على التمييز بين المعلومات المقدمة من خلال الأجهزة التكنولوجية الحديثة	٤,٥٩	٠,٧٠٦	موافق بشدة
٤	تنمية القيم الايجابية التي تزيد من ايجابيات التكنولوجيا في التعليم	٤,٤٤	٠,٨٠٩	موافق بشدة
٥	تمكين الطلاب من اكتساب المهارات اللازمة لتوظيف تكنولوجيا المعلومات في خدمة المجتمع	٤,٥٦	٠,٧٠٩	موافق بشدة
٦	تنمية القدرة على التعلم الذاتي والتنمية المهنية المستمرة في مجال التعلم	٤,٦١	٠,٦٦٥	موافق بشدة
٧	تعريف الطلاب على الأسس العلمية لتكنولوجيا المعلومات واعدادهم للتعامل مع الحكومة الإلكترونية	٤,٦٣	٠,٦٠٣	موافق بشدة
٨	تنمية قدرات الطلاب على توظيف تكنولوجيا المعلومات في التدريس	٤,٥٩	٠,٧٢٤	موافق بشدة

يلاحظ من الجدول (١٣) ان هناك اتفاق تام بين الباحثين على ان تكنولوجيا التعليم الالكتروني تحقق اهدافها من خلال اكساب الطلاب المعلومات والمصادر الخاصة والمرتبطة بتكنولوجيا المعلومات والاتصالات وذلك من خلال قيمة الوسط الحسابي (٤,٦٤) وانحراف معياري (٠,٦٠١) اضافة الى انها تساعد الطلاب في تحقيق ذاتهم ومكانتهم في المجتمع وتنمية القدرات على التمييز بين المعلومات المقدمة من خلال الوسائل الحديثة من اجهزة وبرامج،

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٣٥

كما اتفق المستجيبون على ان لتكنولوجيا التعليم الاثر في تنمية القيم الايجابية والتي تزيد من ايجابيات التعليم التكنولوجي كما انها تمكن الطلاب من اكتساب المهارات اللازمة لتوظيف تكنولوجيا المعلومات في خدمة المجتمع وتنمية القدرة على التعلم الذاتي والتنمية المهنية المستمرة في مجال التعليم والتعلم، اضافة الى اهميتها في تنمية قدرات الطلاب على توظيفها لاغراض التدريس والتعلم في المؤسسات التعليمية.

جدول ١٤: حساب الوسط الحسابي والانحراف المعياري والدرجة المعيارية لكل

فقرة من فقرات محور سبل تحقيق تكنولوجيا التعليم

الدرجة المعيارية	الانحراف المعياري	الوسط الحسابي	الفقرة	
موافق بشدة	٠,٧٢٦	٤,٥٦	استخدام اجهزة عرض المعلومات والبيانات Data Show داخل قاعات المحاضرات	١
موافق بشدة	٠,٦٢٦	٤,٦١	تقديم تسهيلات للطلاب للاشتراك في المواقع العلمية والتربوية	٢
موافق بشدة	٠,٥٢٧	٤,٧٢	تسهيل امتلاك الطلاب لأجهزة الكمبيوتر وملحقاتها	٣
موافق بشدة	٠,٥١٣	٤,٤٧	توفير مكتبة الكترونية للطلاب	٤
موافق بشدة	٠,٦٦٥	٤,٦١	اعداد مقررات دراسية حول تكنولوجيا المعلومات	٥
موافق بشدة	٠,٧٤٤	٤,٥٥	تدريس المقررات الدراسية باستخدام اجهزة تكنولوجيا المعلومات	٦
موافق بشدة	٠,٨٥٦	٤,٥	يتعرف الطلاب على نتائج الامتحانات بطريقة الكترونية	٧
موافق بشدة	٠,٦٤٤	٤,٧	يعرض الطلاب ارائهم في المقررات الدراسية الكترونياً على موقع الكلية	٨

كما يشير الجدول (١٤) الى ان هناك توافق في اراء الباحثين حول سبل تحقيق تكنولوجيا التعليم، حيث اتفقوا على جميع بنود اسئلة الإستبيان الخاصة في هذا المحور من خلال استخدام اجهزة عرض المعلومات والبيانات داخل قاعات المحاضرات اضافة الى تقديم تسهيلات للطلاب للشتراك في المواقع العلمية وتزويدهم بالأجهزة الإلكترونية الضرورية كالحواسيب و ملحقاتها اضافة الى توفير مكاتب الكترونية للإستفادة من المصادر الموجودة في الشبكة الإلكترونية وسهولة الوصول اليها، كما اتفق الباحثون على اعداد مقررات خاصة بتدريس تكنولوجيا المعلومات والاتصالات في الجامعات والمؤسسات التعليمية اضافة الى عمل تواصل بين الطلاب والمؤسسة التعليمية من خلال السماح للطلاب بعرض ارائهم و مقترحاتهم في المقررات الدراسية الكترونياً ليتسنى للعاملين والمسؤولين ضمن ادارة المؤسسة التعليمية الى ايجاد الحلول للمشاكل و المعوقات التي تواجه الطلاب.

جدول ١٥: حساب الوسط الحسابي و الإنحراف المعياري و الدرجة المعيارية لكل فقرة من

فقرات محور الاثار الايجابية لتكنولوجيا التعليم

الدرجة المعيارية	الإنحراف المعياري	الوسط الحسابي	الفقرة	
موافق بشدة	٠,٨٦	٤,٣٥	تنمية القدرات على حل المشكلات باستخدام تكنولوجيا المعلومات	١
موافق	٠,٨٣	٤,١٦	تساعد الطلاب على تحقيق اهدافهم	٢
موافق بشدة	٠,٦٧	٤,٥١	تنمية الاتجاهات الايجابية نحو استخدام التكنولوجيا في مجالات الحياة المختلفة	٣
موافق بشدة	٠,٧٣	٤,٥٣	تؤدي الى تنمية الثقافة التكنولوجية للطلاب	٤

1. Data Show

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٣٧

٥	زيادة الاهتمام بقيمة الوقت و تنظيمه	٤،١١	١،٠٣	موافق
٦	التعرف على ثقافات اخرى لتوسيع دائرة التفاعل الثقافي	٤،٤٦	٠،٨٣	موافق بشدة
٧	زيادة قدرة الطلاب على التعامل مع المعلومات	٤،٤٦	٠،٨٢	موافق بشدة

كما يلاحظ من الجدول رقم (١٥) ان هناك تفاوت بسيط بين اراء المبحوثين حول الآثار الايجابية لتكنولوجيا التعليم الإلكتروني حيث اتفق المبحوثون على ان تكنولوجيا التعليم تساعد على تنمية القدرات على حل المشكلات باستخدام تكنولوجيا المعلومات حيث بلغ الوسط الحسابي (٤،٣٥)، كما انها تساعد الطلاب على تحقيق اهدافهم وتنمي الإتجاهات الايجابية نحو استخدامها في مجالات الحياة المختلفة وتؤدي الى تنمية الثقافة التكنولوجية للطلاب، كما يرى المبحوثون ان لتكنولوجيا المعلومات الاثر في زيادة الإهتمام بالوقت و ذلك حسب الوسط الحسابي (٤،١١) الا ان هناك فئات ليست بالقليلة ترى عكس ذلك وهذا ما يفسره الإنحراف المعياري اذ بلغ حوالي (١،٠٣)، فيما يرى المبحوثون ان من فوائد ومزايا تكنولوجيا التعليم التعرف على ثقافات اخرى لتوسيع دائرة التفاعل الثقافي اضافة الى زيادة القدرة على التعامل مع المعلومات.

جدول ١٦: حساب الوسط الحسابي و الإنحراف المعياري و الدرجة المعيارية لكل

فقرة من فقرات محور الآثار السلبية لتكنولوجيا التعليم

الفقرة	الوسط الحسابي	الانحراف المعياري	الانحراف المعياري
١	عزلة الفرد عن الجماعة	٣،٣١	١،٢٤
٢	زيادة السلوك العدواني وتقليد السلوكيات الشاذة	٢،٨٢	١،٢٣

٣	تفكيك العلاقات الإجتماعية	٢,٨٨	١,٣١	غير متأكد
٤	زيادة القيم التفعية والمادية	٣,٧١	١,٠٦	موافق
٥	انتشار العلاقات بين الجنسين	٣,٧٢	١,١٩	موافق
٦	ادمان مشاهدة المواقع الاباحية الجنسية	٣,٤٥	١,١٧	موافق
٧	التشجيع على انتحال الشخصيات الأخرى	٣,٥٨	١,٢٤	موافق
٨	العمل على اخفاء الشخصية عند ارتكاب الاخطاء مع الآخرين	٣,٧	١,٢١	موافق
٩	ارسال الرسائل اللا اخلاقية للآخرين	٣,٥٢	١,٣٦	موافق
١٠	نشر الاشاعات والأكاذيب المدمرة	٣,٧	١,٣١	موافق
١١	تزوير البيانات الخاصة بالأفراد	٣,٣٦	١,٢٩	غير متأكد
١٢	نقل الأموال لعمل غسيل لها باستخدام تكنولوجيا المعلومات	٣,٣٨	١,١٧	غير متأكد
١٣	الإعتداء على حرية الآخرين في الملكية الفكرية	٣,٦٢	١,٣٣	موافق
١٤	ادمان الإستخدام الخاطى للإنترنت	٣,٥٨	١,٢٧	موافق
١٥	تؤدي الأجهزة الإلكترونية الى التعرض للاشعاعات الضارة وحدوث متاعب صحية والإحساس بالصداع	٣,٨٣	١,٢٢	موافق

من خلال الجدول (١٦) نلاحظ ان هناك تفات كبير بين اجابات الباحثين حول الآثار السلبية لتكنولوجيا المعلومات حيث ان الباحثين غير متأكدين فيما اذا كانت عزلة الفرد عن الجماعة وزياد السلوك العدوانى وتقليد السلوكيات الشاذة

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٣٩

وتفكك العلاقات الإجتماعية سببها تكنولوجيا المعلومات الحديثة حيث كان الوسط الحسابي (٣،٣١ و ٢،٨٢ و ٢،٨٨) على التوالي، في حين اتفق المبحوثين على ان لتكنولوجيا المعلومات الأثر السلبي في زيادة القيم النفعية والمادية، وانتشار العلاقات بين الجنسين، كذلك ادمان مشاهدة المواقع الاباحية الجنسية والتشجيع على انتحال الشخصيات الاخرى، والعمل على اخفاء الشخصية عند ارتكاب الاخطاء مع الآخرين كما يتم ارسال الرسائل الأخلاقية ونشر الإشاعات والأكاذيب المدمرة، الان ان هناك فئات غير قليلة ترى عكس ذلك وهذا ما يفسره قيمة الإنحراف المعياري العالية، الا ان المبحوثين غير متأكدين فيما اذا كانت تزوير البيانات الخاصة للأفراد ونقل الاموال لعمل غسيل لها باستخدام تكنولوجيا المعلومات من الآثار السلبية المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات.

في حين اتفقوا على ان تكنولوجيا المعلومات لها الأثر في الإعتداء على حرية الآخرين في الملكية الفكرية اضافة الى الادمان الخاطئ لها في استخدام الشبكة العنكبوتية (الإنترنت) اضافة الى ما تحدثه من ضرر من خلال الأشعة المنبعثة من الأجهزة والتي تؤدي الى حدوث متاعب صحية.

جدول ١٧: الوسط الحسابي و الإنحراف المعياري والدرجة المعيارية لكل فقرة من

فقرات محور متطلبات تطبيق تكنولوجيا التعليم

الدرجة المعيارية	الإنحراف المعياري	الوسط الحسابي	الفقرة	
موافق بشدة	٠،٧١	٤،٤٧	استخدام اعضاء الهيئة التدريسية تكنولوجيا المعلومات في عملية التعليم	١
موافق بشدة	٠،٦٤	٤،٥٣	التأكيد على الجانب الأخلاقي في استخدام تكنولوجيا المعلومات من جانب اعضاء الهيئة التدريسية	٢

٣	استخدام تكنولوجيا المعلومات في اجراءات القيد و تسجيل الطلاب وجداول المقررات الدراسية واعلان النتائج	٤,٥٧	٠,٦٥	موافق بشدة
٤	توفير متخصصين في تكنولوجيا المعلومات لعمل البرامج والأنظمة التعليمية وصيانة الأجهزة الإلكترونية	٤,٦١	٠,٦٣	موافق بشدة
٥	وضع خطة للتدريب المستمر للموظفين العاملين والطلاب واعضاء الهيئة التدريسية على استخدام تكنولوجيا المعلومات الحديثة	٤,٦٢	٠,٦٢	موافق بشدة
٦	تحويل المقررات الدراسية الى برامج للتعليم الإلكتروني	٤	١,٠٩	موافق
٧	اتاحة الفرص للإتصال الإلكتروني بين الطلاب واعضاء الهيئة التدريسية	٤,٥١	٠,٧٣	موافق بشدة
٨	توفير الاعداد الكافية من اجهزة تكنولوجيا المعلومات, اضافة الى توفير امكانية نسخ الاسطوانات التي تحتوي على المواد التعليمية داخل المؤسسة التعليمية	٤,٤٦	٠,٧٩	موافق بشدة
٩	عمل ندوات وورش عمل حول فوائد و اضرار تكنولوجيا المعلومات	٤,٤٦	٠,٦٩	موافق بشدة

يلاحظ من خلال نتائج الجدول (١٧) ان المبحوثين اتفقوا على ان من متطلبات تطبيق تكنولوجيا التعليم هو استخدام اعضاء الهيئة التدريسية في المؤسسات التعليمية للأجهزة الأدوات المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات والإتصالات في عملية التعليم كما اتفقوا على التأكيد على الجانب الأخلاقي في استخدام تكنولوجيا المعلومات من جانب اعضاء الهيئة التدريسية، كذلك استخدام وتوظيف تكنولوجيا المعلومات في اجراءات القيد وتسجيل الطلاب وعرض جداول المقررات ونتائج الإمتحانات

عن طريق استخدام اجهزة تكنولوجيا المعلومات الحديثة، وتوفير متخصصين في مجال تكنولوجيا المعلومات للعمل على تنظيم برامج خاصة بالتعليم اضافة الى صيانة الأجهزة والأدوات المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات، ووضع خطط مستقبلية للتدريب المستمر للموظفين والطلاب والأساتذة على تكنولوجيا المعلومات الحديثة، كما ان هناك تفاوت بين المبحوثين حول تحويل المقررات الدراسية الى برامج للتعليم الإلكتروني وهذا ما يفسره الإنحراف المعياري اذ بلغ (١,٠٩)، في حين ان هناك اتفاق تام بين المبحوثين على انه يجب اتاحة الفرص للإتصالات الإلكترونية بين الطلاب والأساتذة اضافة الى توفير الأعداد الكافية من الأجهزة التكنولوجية الحديثة وملحقاتها وعمل ندوات وورش عمل حول فوائد واضرار تكنولوجيا المعلومات.

الفروق بين متوسطات افراد العينة باختلاف الجنس

للإجابة عن سؤال الدراسة:

- هل يختلف آراء الطلبة حول اثر استخدام تكنولوجيا التعليم الإلكتروني

في المؤسسة التعليمية لأغراض التدريس باختلاف الجنس؟

اجري اختبار (ت) T- test لفحص الفروق بين المتوسطات، الجدول رقم (١٨) يوضح

نتائج اختبار t لفحص الفروق بين متوسطات استجابات افراد العينة تبعاً لمتغير الجنس.

جدول ١٨: اختبار T لفحص الفروق بين المتوسطات باختلاف الجنس

العينة	العدد	الوسط الحسابي	الإنحراف المعياري	قيمة t المحسوبة	مستوى الدلالة
الذكور	٦٦	١٩٤,٧	١٩,٧	-٢,٨٨	٠,٠٠٧
الاناث	١٤	٢٠٥,٧	١١	-	-

تشير النتائج في الجدول (١٨) ان قيمة t المحسوبة كانت (-٢,٨٨) وهي ذات

دلالة احصائية عند مستوى معنوية ٠,٠٥ مما يدل على وجود فروق معنوية بين

اراء المستجيبين حول اثر استخدام تكنولوجيا المعلومات في اغراض التعليم، وذلك لصالح الاناث بوسط حسابي (٢٠٥،٧) وانحراف معياري (١١) .

- الإستنتاجات والتوصيات

بعد استعراضنا للجانب النظري للدراسة وتطبيق التحليل الإحصائي في دراستنا الميدانية والنتائج التي تم الحصول عليها تم استخلاص الإستنتاجات والتوصيات على ضوء نتائج التحليل لبيانات الدراسة.

أ. الإستنتاجات

١- هناك اتفاق تام بين المبحوثين على ان تكنولوجيا التعليم الإلكتروني تحقق اهدافها من خلال اكساب الطلاب المعلومات والمصادر الخاصة والمرتبطة بتكنولوجيا المعلومات و الإتصالات وذلك من خلال قيمة الوسط الحسابي (٤،٦٤) وانحراف معياري (٠،٦٠١) اضافة الى انها تساعد الطلاب في تحقيق ذاتهم ومكانتهم في المجتمع وتنمية القدرات على التمييز بين المعلومات المقدمة من خلال الوسائل الحديثة من اجهزة وبرامج، كما اتفق المستجيبون على ان لتكنولوجيا التعليم الأثر في تنمية القيم الايجابية والتي تزيد من ايجابيات التعليم التكنولوجي كما انها تمكن الطلاب من اكتساب المهارات اللازمة لتوظيف تكنولوجيا المعلومات في خدمة المجتمع وتنمية القدرة على التعلم الذاتي والتنمية المهنية المستمرة في مجال التعليم والتعلم، اضافة الى اهميتها في تنمية قدرات الطلاب على توظيفها لاغراض التدريس والتعلم في المؤسسات التعليمية.

٢- هناك توافق في اراء المبحوثين حول سبل تحقيق تكنولوجيا التعليم، حيث اتفقوا على جميع بنود اسئلة الإستبيان الخاصة في هذا المحور من خلال استخدام اجهزة عرض المعلومات والبيانات داخل قاعات المحاضرات اضافة الى تقديم تسهيلات للطلاب للمشاركة في المواقع العلمية وتزويدهم بالاجهزة الإلكترونية الضرورية كالحواسيب وملحقاتها اضافة الى توفير مكاتب الكترونية للإستفادة من المصادر الموجودة في الشبكة الإلكترونية وسهولة الوصول اليها، كما اتفق المبحوثون على اعداد مقررات خاصة بتدريس تكنولوجيا المعلومات و الإتصالات في الجامعات والمؤسسات التعليمية اضافة الى عمل تواصل بين الطلاب والمؤسسة التعليمية من خلال السماح للطلاب بعرض ارائهم ومقترحاتهم في المقررات الدراسية الكترونياً ليتسنى للعاملين والمسؤولين ضمن ادارة المؤسسة التعليمية الى ايجاد الحلول للمشاكل و المعوقات التي تواجه الطلاب.

٣- ان هناك تفاوت بسيط بين اراء المبحوثين حول الآثار الايجابية لتكنولوجيا التعليم الإلكتروني حيث اتفق المبحوثون على ان تكنولوجيا التعليم تساعد على تنمية القدرات على حل المشكلات باستخدام تكنولوجيا المعلومات حيث بلغ الوسط الحسابي (٤،٣٥)، كما انها تساعد الطلاب على تحقيق اهدافهم وتنمي الإتجاهات الايجابية نحو استخدامها في مجالات الحياة المختلفة وتؤدي الى تنمية الثقافة التكنولوجية للطلاب، كما يرى المبحوثون ان تكنولوجيا المعلومات الأثر في زيادة الاهتمام بالوقت وذلك حسب

الوسط الحسابي (٤،١١) الا ان هناك فئات ليست بالقليلة ترى عكس ذلك وهذا ما يفسره الإنحراف المعياري اذ بلغ حوالي (١،٠٣)، فيما يرى المبحوثون ان من فوائد ومزايا تكنولوجيا التعليم التعرف على ثقافات اخرى لتوسيع دائرة التفاعل الثقافي اضافة الى زيادة القدرة على التعامل مع المعلومات.

٤- هناك تفات كبير بين اجابات المبحوثين حول الآثار السلبية لتكنولوجيا المعلومات حيث ان المبحوثين غير متأكدين فيما اذا كانت عزلة الفرد عن الجماعة وزياد السلوك العدواني وتقليد السلوكيات الشاذة وتفكك العلاقات الاجتماعية سببها تكنولوجيا المعلومات الحديثة حيث كان الوسط الحسابي (٣،٣١ و ٢،٨٢ و ٢،٨٨) على التوالي، في حين اتفق المبحوثين على ان لتكنولوجيا المعلومات الأثر السلبي في زيادة القيم النفعية والمادية، وانتشار العلاقات بين الجنسين، كذلك ادمان مشاهدة المواقع الاباحية الجنسية والتشجيع على انتحال الشخصيات الأخرى، والعمل على اخفاء الشخصية عند ارتكاب الاخطاء مع الآخرين كما يتم ارسال الرسائل الأخلاقية ونشر الإشاعات و الأكاذيب المدمرة، الان ان هناك فئات غير قليلة ترى عكس ذلك وهذا ما يفسره قيمة الإنحراف المعياري العالية، الا ان المبحوثين غير متأكدين فيما اذا كانت تزوير البيانات الخاصة للأفراد و نقل الأموال لعمل غسيل لها باستخدام تكنولوجيا المعلومات من الآثار السلبية المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات، في حين اتفقوا على ان تكنولوجيا المعلومات لها الأثر في الإعتداء على حرية الآخرين في الملكية الفكرية اضافة الى ادمان الخاطى لها في استخدام الشبكة

اثر تكنولوجيا المعلومات الحديثة على تطوير التعليم الديني في العراق / ٢٤٥

العنكبوتية (الإنترنت) اضافة الى ما تحدثه من ضرر من خلال الأشعة المنبعثة من الأجهزة والتي تؤدي الى حدوث متاعب صحية.

٥- اتفق المبحوثون على ان من متطلبات تطبيق تكنولوجيا التعليم هو استخدام اعضاء الهيئة التدريسية في المؤسسات التعليمية للأجهزة الأدوات المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات و الاتصالات في عملية التعليم كما اتفقوا على التأكيد على الجانب الأخلاقي في استخدام تكنولوجيا المعلومات من جانب اعضاء الهيئة التدريسية، كذلك استخدام وتوظيف تكنولوجيا المعلومات في اجراءات القيد وتسجيل الطلاب وعرض جداول المقررات ونتائج الامتحانات عن طريق استخدام اجهزة تكنولوجيا المعلومات الحديثة، وتوفير متخصصين في مجال تكنولوجيا المعلومات للعمل على تنظيم برامج خاصة بالتعليم اضافة الى صيانة الأجهزة والأدوات المرتبطة بتكنولوجيا المعلومات، ووضع خطط مستقبلية للتدريب المستمر للموظفين والطلاب والأساتذة على تكنولوجيا المعلومات الحديثة، كما ان هناك تفاوت بين المبحوثين حول تحويل المقررات الدراسية الى برامج للتعليم الالكتروني وهذا ما يفسره الإنحراف المعياري اذ بلغ (١،٠٩)، في حين ان هناك اتفاق تام بين المبحوثين على انه يجب اتاحة الفرص للإتصالات الإلكتروني بين الطلاب والأساتذة اضافة الى توفير الأعداد الكافية من الأجهزة التكنولوجية الحديثة و ملحقاتها وعمل ندوات وورش عمل حول فوائد واضرار تكنولوجيا المعلومات.

٦- تشير النتائج في الجدول (١٨) ان قيمة t المحسوبة كانت (-٢٤٨) وهي ذات دلالة احصائية عند مستوى معنوية ٠،٠٥ مما يدل على وجود فروق معنوية بين

اراء المستجيبين حول اثر استخدام تكنولوجيا المعلومات في اغراض التعليم، وذلك لصالح الاناث بوسط حسابي (٢٠٥،٧) وانحراف معياري (١١).

ب. التوصيات

- ١- ان تدريب الكوادر التدريسية على استخدام تكنولوجيا المعلومات والاعتماد على استخدام الحاسوب ليس كافياً بل يجب ان يتعدى ذلك من خلال اشراك الكوادر التعليمية في دورات متخصصة في توظيف التكنولوجيا الحديثة واستخدامها في لأغراض التدريس في المؤسسات التعليمية.
- ٢- تدريب الطلاب والمتعلمين على استخدام تكنولوجيا المعلومات والاتصال في التعليم وتزويدهم بالتجهيزات والبرامجيات اللازمة لتطوير واقعهم التعليمي.
- ٣- الدعوة الى جعل تكنولوجيا المعلومات والاتصال اداة اساسية في العملية التعليمية في جميع المراحل الدراسية بالإضافة الى توفير البنية التحتية لهذه التكنولوجيا في المدارس من اجهزة حاسوب ومختبرات وشبكات اتصال وغير ذلك.
- ٤- الاستفادة من تجارب الدول المتطورة في مجال تكنولوجيا التعليم الإلكتروني حيث تبادل الخبرة والتجربة سوف يساعد بشكل اساسي منذ بداية الخطوة الاولى على وضع الإستراتيجيات الصحيحة للتعليم الإلكتروني في الجامعات والمؤسسات التعليمية في العراق.
- ٥- توعية المجتمع التعليمي باهمية ادخال تكنولوجيا المعلومات والاتصال في العملية التعليمية حيث انها تعد الداعم والساند لطريقة التدريس التقليدية.
- ٦- ينبغي التوجه بتطبيق تكنولوجيا التعليم كمرحلة اولى في المدارس الثانوية لغرض تعريف الطلاب باهميته ثم الإنتقال الى المرحلة الثانية في الجامعات فيساعد ذلك على الحل الأمثل للكثير من المشاكل التي تعاني منها المؤسسات التعليمية في العراق.

المصادر

- ١- التركي، عثمان، متطلبات استخدام التعليم الإلكتروني في كليات جامعة الملك سعود من وجهة نظر اعضاء الهيئة التدريسي، جامعة البحرين: مجلة العلوم التربوية والنفسية، ١١ (٢٠١٠): ١٧٤-١٥١.
- ٢- حساني، شوقي محمود، (٢٠٠٨)، تقنيات وتكنولوجيا التعليم، القاهرة: المجموعة العربية للتدريب والنشر.
- ٣- حسن، ارشد وسام، تكنولوجيا التعليم (الوسائل التعليمية)، الكويت: جامعة القادسية، كلية التربية الرياضية.
- ٤- عبد الحميد، عبدالعزيز، (٢٠١٢)، التعليم الإلكتروني ومستحدثات تكنولوجيا التعليم، القاهرة: المكتبة العصرية للنشر والتوزيع.
- ٥- عبدالسميع، مصطفى، (٢٠٠٤)، تكنولوجيا التعليم: مفاهيم وتطبيقات، الاردن: دار الفكر.
- ٦- عزمي، نبيل جاد، (٢٠٠٨)، تكنولوجيا التعليم الإلكتروني، القاهرة: دار الفكر العربي.
- ٧- الموسى، عبدالله بن عبدالعزيز، (٢٠٠١)، التعليم الإلكتروني: مفهومه، خصائصه، فوائده، عوائقه، الرياض: جامعة الملك سعود، كلية التربية.
- ٨- الموسى، عبدالله بن عبدالعزيز، المبارك، احمد، (٢٠٠٥)، التعليم الإلكتروني: الأسس والتطبيقات، الرياض: مؤسسة شبكة البيانات.

9- Horton, Willan., Horton, Katherine., (2000), **E-Learning Tools and Technologies**, New York: John Wiley and Sons.

10- http://nmalmarky.blogspot.com/p/blog-page_9659.html

مدونة الكترونية

المعايير التقييمية في الحوار بين المذاهب الفقهية

الكُتّاب: عبدالله محمد الدرويش (سوريا)،^١ الدكتور. نضال حنش شبار الساعدي (عراق)^٢

قبول: ١٤٣٩/٠١/٢٢

استلام: ١٤٣٨/٠٩/٢٩

المستخلص

هذا بحث يشرح ويحلل ويبين تشابك العلاقات بين المذاهب الفقهية الإسلامية من حيث المصادر والأهداف والمعايير، مستفيداً من فلسفة الفقه وعلم المقاصد وغيرهما، حدّد فيه موقع مباني الشريعة من تمتين العلاقة بينهم على معالم الحق والصواب. والهدف تحديد مصادرهم المندرجة تحت مظلة مشتركة نظراً إلى الإطلاق والنسبية، والأهداف العليا من الحق والخير والجمال التي يبحث عنها الجميع، ومعاييرهم التقييمية من الحل والحرمة ذات التدرجات المتشابهة. وكل ذلك يؤكد أهمية الرابطة الإيجابية بينهم التي هي طاغية على السلبيات إن وجدت، إذ الاختلاف بينهم اختلاف تنوع لا اختلاف تضاد، ييسر ذلك على الأمة سبل تطبيق الشريعة مما يقطع الطريق على شياطين الإنس والجن في إبعاد الناس عن الصراط المستقيم، ومن خلال هذا البحث ستم الإشارة إلى الرابط بين الفقهاء العموم والخصوص مطلقاً، حيث إنّ الاختلاف بينهما اختلاف تنوع لا اختلاف تضاد، إنّ كثرة وتعدد وتنوع مصادر الفقه ألقى بظلاله ليكون أكثر مرونة وأوسع مدى، وكما تجدى

١. ماجستير فرع فلسفة الأخلاق، لجنة الأخلاق الإسلامية، كلية الأخلاق والتربية،

جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة، قم، إيران. critc78@gmail.com

٢. أستاذ في جامعة بغداد، لجنة علوم القرآن والتربية الإسلامية، كلية التربية ابن رشد،

جامعة بغداد، بغداد، العراق، nidhalsaede2017@gmail.com

الإشارة إلى أنّ مصادر الفقه الأساسية توقيفية، لكن العقل يتدخل في الاستنباط، ومن خلالها يظهر الارتباط الوثيق بين العقل والنقل، وعندها سيكون من المعلوم الهدف من الفقه والذي هو الوصول للسعادة بالواسطة، والوصول لمنظومة القيم (الحق، الجمال، الخير)، والأهداف الموصولة بالمتفقه تشير إلى سعيه إلى التزام الأوامر الإلهية والضوابط العقلية، والوقاية من الوقوع فيما لا يرضي الله، والبعد عن التشبه بالمذمومين. إنّ المعيار المتحكم في الفقه مع اختلاف مدارسه هو مدى مطابقته لمراد الله سبحانه، ومن هنا فإنّ غرض الحوار الفقهي ليس نفي الآخر، وإنما الوصول للحق من غير منازعة بل عن طريق المسامحة والمروءة، مع ما يترتب عليها من نتائج مهمّة على صعيد الفرد والمجتمع.

الكلمات المفتاحية: الحوار، المذاهب الفقهية، المعايير التقييمية

المقدمة

وجد الحوار الفقهي الإسلامي منذ نشأة الفقه الأولى، فلم يكن الحكم الفقهي ليصل إلى من يلزمه تطبيقه إلا ويمر عبر قنوات من النظر والبحث والحوار المثمر البناء. ولما أصبحنا نميز في المجتمع طبقة خاصة تعرف بالفقهاء أو القراء (العلواني، ٢٠٠١: ٩٥) انتقل في العقلية العملية الانفصال بين المدارس الفقهية، وأصبحنا كأهل الكتاب الذين لم يختلفوا إلا من بعد ما جاءهم العلم بغياً بينهم.

والمدارس الفقهية تدعو إلى الله لإنتاج العمل الصالح، وهل يوجد «أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (فصلت، ٣٣).

إنها مدارس تدعو إلى الدفع بالتي هي أحسن؛ ليؤدي ذلك إلى إزالة العداوة والبغضاء «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ». (فصلت، ٣٥)

وهذا يحتاج إلى الصبر والاختصاص بالحظ العظيم من الله سبحانه للعباد المخلصين «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت، ٣٥) وإن حدث شيء من النزاع فلا بد من العودة إلى الله والاستعاذة به من شر الشيطان الذي لا يريد لنا غير الفرقة والتناحر «وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (فصلت، ٣٦)، ولما كان الاتفاق هو الدخول في الرحمة الإلهية لقوله تعالى: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ» (الشورى، ٨) والمختلفون هم المبعدون عنها الذين لا يريدون الصواب ولا يقبلونه «وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (الشورى، ٨)، لزم من لم يتمكن من الوصول إلى اتفاق صحيح مع الآخرين أن يفوض الأمر ويتركه لله لفصل ذلك فهو القادر على ذلك ووليه «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (الشورى، ١٠)؛ إذ المطلوب «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (الشورى، ١٣)؛ لأن ذلك مدعاة لقهر المعاندين «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» (الشورى، ١٣) وعدم الفرقة يتضمن شقين الأول من الله بالاجتباء «اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ» (الشورى، ١٣) والثاني: من العبد يستجلب بها الهداية الربانية، فهي مرتبطة برغبة العبد بالعودة إليه سبحانه «وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (الشورى، ١٣) وهو مبين للأخوة بين المؤمنين الذين يسعون للإصلاح فيما بينهم لينالوا

الرحمة الربانية «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (الحجرات، ١٠)

وهذا بحث أساسي لحلّ مسألة هامة، تعرّفنا بالحوار المثمر البناء من حيث المصادر والأهداف والمعايير، ليسهل حل المشكلة، ورفع النقص، باستخدام المنهج الاستنطاعي في تحقيقٍ وصفي للمحتوى مع الاستفادة من المنهج التحليلي والنقدي والمقارن. وكانت المطالعة لهذه العلوم من الدرجة الأولى في بحث التعريفات والمصادر، ومن الدرجة الثانية في بحث الأهداف والغايات وتبينها مع بحث المعايير. وهي متممة بالوصفية في البحث عن المصادر في الفقه، ومتممة بالتبينية والتعليلية؛ أي: ما وراء الفقه، في بحثها عن العلل والغايات، ومتممة بالمعيارية حين بحثها الموازين والضوابط لتحديد معايير التقييم، ومن جهة المعيارية نتعرف على الجانب التطبيقي.

وقد فصّلت الحديث عن ذلك في: مقدمة، وأهداف البحث، ثم بيان المسألة، وتوضيح: السؤال الأصلي، والأسئلة الفرعية، وذلك في الإجابة على الأسئلة الفرعية الثلاثة؛ الأول: ما هو الحوار الفقهي من حيث المصادر؟ والثاني: من حيث الأهداف؟ والثالث: من حيث معايير تقييم القيم؟ لنصل في النهاية إلى العلاقات المشتركة بينهم.

وفي الختام: أهم النتائج التي توصل لها، ثم المصادر.

أهداف البحث

معالجةً لمسألة يحتاجها الإنسان المعاصر، وخاصة أهل الإسلام الذين يتناحرون فيما بينهم مراعاة لجانب عدوهم في النظر إليهم هملاً لا فائدة ترحى منهم، مما يخفض من شأنهم، ويذهب بكرامتهم، ويأخذ بيدهم إلى النقص والخذلان، واكتشافاً للعلاقات القائمة بين الفقهيات المأخوذة من

معين الهداية الربانية، وما يؤيده من دلائل العقول الرشيدة في الدلالة على السديد من الاستنباطات، وذلك بتحديد المصادر والأهداف والمعايير التقييمية. وتركيزاً على أهمية الرابطة الإيجابية بين الفقهاء على تنوع مشاربهم. وللتمكن من حسن التعارف المعمق والمثمر بين أبناء الأمة الواحدة التي مزقتها الأهواء والعصبيات، ليعيدوا بشكل مناسب وبتاء إنتاج ما يرسخ المعايير الصحيحة في الفرد والمجتمع، ويحسن علاقة الإنسان بأخيه الإنسان، فتعود الأمور إلى نصابها الصحيحة في الحفاظ على القيم الكبرى. مع ما في ذلك من تشجيع الباحثين لتعميق هذه الدراسات لما فيها من فوائد تعود على النفوس والمجتمعات. والغاية المرجوة:

- قبول الصواب ونصره، والخضوع للحق والعلم، وقد ضرب الله لنا مثلاً من حوارهِ مع الملائكة «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (البقرة، ٣٠) ليكشف لنا أن العالم الحق تخضع له الرقاب، وينبغي أن يسمع ما يقول.
- قبول الحق الموافق، وعدم لبسه بالباطل، وعدم اتباع الأهواء.
- التزام ما أمر الله به «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (البقرة، ٤٤)
- السمع والطاعة والدخول الكامل في الصواب، واستبعاد من أشرب حُبَّ غير الله «وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ» (البقرة، ٩٣)
- والمحاجة بالصواب لا بالادعاء «لِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (ال عمران، ٦٦) وعدم التعنت

والبحث عن الجزئيات للهروب من الكليات كما كان يفعل
بنو إسرائيل عندما طولبوا بذبح بقرة.

بيان المسألة

الفقه: علمٌ بالأحكام الشرعية الفرعية التي تحدد وظيفة المكلف العملية. والذي عرّف في اليونانية بـ (علم النمو)¹، لما يتضمنه من البحث العلمي الموزون، الذي يساهم في نمو المجتمعات والأفراد. (الدرويش، ٢٠٢١: ٢١١)

ولم يفارق النبي ﷺ هذه الحياة إلا بعد تكامل بناء الشريعة بالنص الصريح على الأسس والكليات فيها، كما قال تعالى: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة، ٣) ولكن النبي ﷺ لم يترك لأصحابه فقهاً مدوناً، بل ترك جملة من الأصول، والقواعد الكلية، ومن الأحكام الجزئية والأقضية الماثورة في القرآن والسنة، وكان هذا كافيهم مع امتداد سلطان الإسلام إلى بقاع الأرض حيث لا قوا من المستجدات أموراً ووقائع وعاداتٍ لا عهد لهم بها، فعادوا إلى الكليات في تنظيمها، وإقامة القواعد لها لإنزالها المنازل اللانقة بها من الشريعة ومقاصدها، وكانت الأسس القرآنية أصولاً راسخة فيها من المرونة ما جعلها قابلة لتوسيع مفاهيمها لتشمل كل المستجدات، ففتح ذلك للعلماء باب التفكير في المسائل، واستخراج القوينة الملائمة في ضوء الدين الجديد لأمر الحياة العملية، ولتعليم الأمم الداخلة في دين الله أفواجاً في الإسلام ما يلزمهم مما يخفى عليهم من الأحكام الشرعية بتنسيقها لتنظيم المعاملة ومعرفة الحقوق. فتنامى الفقه بمرور الزمن حتى أصبح بناءً عظيمًا فيه كل أنواع المعاملات والعلاقات الإنسانية، ومن يتبع حركة الفقه

الإسلامي يلاحظ مروره بمراحل مختلفة خلال القرون الماضية من تاريخ هذا الأمة، حيث تنوعت الكتابة فيه تبعاً لمذاهب الأئمة، فكان فيه من الأصول والشروح والمختصرات والمعتصرات والتمتون والموسوعات، والقواعد الفقهية ومنها الأشباه والنظائر، والفقه المقارن بمحاوراته ومساجلاته، والنظريات والتعريفات والحدود والقوانين، ثم بروز ظاهرة التقريب والتألف. وقد مرّ الفقه الإسلامي في تسعة أدوار رئيسة مندرجة تحت مراحل: (السايس، ١٩٧٠ / الدسوقي والجابر، ١٩٩٩ / مذكور، ١٩٩٦ / زيدان، ١٩٦٩)

المرحلة التمهيدية لتدوين الفقه الإسلامي

- الدور الأول: عصر الرسالة وحياة النبي، وفيه تكامل البناء الشرعي باكمال الدين.
- الدور الثاني: منذ وفاة النبي إلى منتصف القرن الأول الهجري.

المرحلة التأسيسية لتدوين الفقه

- الدور الثالث: من منتصف القرن الأول إلى أوائل القرن الثاني، حيث استقل علم الفقه وأصبح اختصاصاً ينصرف إليه، وتكونت المدارس الفقهية التي سميت فيما بعد بالمذاهب الفقهية.

المرحلة الكمالية لتدوين الفقه الإسلامي

- الدور الرابع: من أوائل القرن الثاني إلى منتصف القرن الرابع حيث تم الفقه وتكامل.

مرحلة الجمود والتقليد في التأليف في الفقه

- الدور الخامس: من منتصف القرن الخامس إلى سقوط بغداد في أيدي التتار في منتصف القرن السابع، وفيه بدأ الفقه في الاجترار لما سبق.

مرحلة الطفرة المقاصدية:

- الدور السادس: من منتصف القرن السابع إلى منتصف القرن الثامن، حيث برز أمثال الشاطبي وابن خلدون كطفرة في عالم غارق في المشاكل.

مرحلة الضعف في أساليب التدوين

- الدور السابع: من منتصف القرن الثامن إلى أوائل العصر الحديث، وهو امتداد للدور الخامس.

مرحلة الانبعاث والتجديد والتقارب

- الدور الثامن: من منتصف القرن الثالث عشر الهجري إلى اليوم، وفيه توسعت الدراسات الفقهية المقارنة، والتفت فيها إلى فقه التقارب والتآلف بين أبناء الأمة المسلمة، بحيث نادى بعضهم بإسلام بلا مذاهب.
- الدور التاسع: في العقود الأخيرة من هذا القرن، وفيه عودة للفقه الأخلاقي الذي كان في الدور الأول لتأسيس قوننة جديدة تعيد للأمة تالد مجدها، وتفتح آفاقاً للعلم لم تطرق من قبل.

وإن الشريعة الإسلامية تهتم بعلاقة الإنسان بربه، ونفسه، ومن يحيط به، نظمتها أحكام الفقه الدائرة في إطار الفرض/ الوجوب، الاستحباب/ المنذور، التخيير/ المباح، المكروه. وهذه الأحكام تتعلق بالفعل المؤدي تبعاً لا أصالة

إلى وصول الإنسان إلى السعادة. (إسلامي نسب، ٢٠١٩: ٦، الدرس ١٠) إذ موضوع الفقه يبحث فيه عما يعرض لفعل المكلف من حل وحرمة ووجوب وندب. وأهل الفقه يحملون في داخلهم قابلية الفهم، فهم بذلك أهل ذكاء، ويلبسون نتيجته ثوب الذكاء، والنضج، والصيانة، فالفقيه بعد فهمه قادر على صيانة نفسه والآخرين، وعلاج المشكلات كرام الجرح. وسماه يحيى بن عمار عندما تحدث عن العلوم فقال: «العلوم خمسة» ثم عددها، فذكر منها: «وعلم هو دواء الدين، وهو الفقه». (الذهبي، ١٩٩٦: ٤٣٠-٤٢١ و٩٩) وهذا مصداق حديث رسول الله ﷺ: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ». (ابن حنبل، ١٩٩٠، ج١: ٣٠٦/ الترمذي، ٢٠٠٢، رقم ٢٦٤٧)

والفقيه الحقيقي هو المؤهل لامتلاك المعرفة بحال الخلق فيعطيهم من المعلومات ما يصلح حالهم في دنياهم وآخرتهم، كما قال علي عليه السلام: «الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ». (نهج البلاغة، ح ٩٠: ٧٩)

ذلك أن الفقه كما قال الحكيم الترمذي: «انكشاف الغطاء عن الأمور، فإذا عبد الله بما أمر ونهى بعد أن فهمه وعقله، وانكشف له الغطاء عن تدبيره فيما أمر ونهى، فهي العبادة الخالصة المحضنة، وذلك أن الذي يؤمر بالشيء فلا يرى زين ذلك الأمر، وينهى عن الشيء فلا يرى شينه. هو في عمى من أمره، فإذا رأى زين ما أمر به، وشين ما نهى عنه، عمل على بصيرة، وكان قلبه عليه أقوى، ونفسه به أسخى، وحمد على ذلك وشكر، والذي يعمى عن ذلك فهو جامد القلب، كسلان الجوارح، ثقيل النفس، بطيء التصرف». (الترمذي، ٢٠٠٢: ١٠)

والفقه في أصل الوضع: هو الفهم. وفي العرف: العلم بوضع الشرع وأحكامه. (المقري، ١٤١٤: ٩٣) وليس أي فهم؛ إنه فهمه العميق. والفقه في اللغة عبارة عن فهم غرض المتكلم من كلامه. (الجرجاني ١٤٠٥: ١٩٨؛ المناوي، ١٩٩٠: ٥٥٩)

ومنه قوله تعالى: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (الإسراء، ٤٤)، وعليه يحمل قوله تعالى: «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا». (الكهف، ٩٣)

وأما قوله تعالى عن المنافقين: «لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا» (النساء، ٧٨) فهم يعرفون القول وفنونه إلا أنهم لا يؤمنون بما وراءه ويعملون بخلافه. وقال الفراهيدي في العين: «الفِقهُ: العِلْمُ في الدِّينِ يُقَالُ: فَقَّهَ الرَّجُلُ يَفْقَهُ فِقْهًا فَهُوَ فِقِيهٌ، وَفَقَّهَ يَفْقَهُ فِقْهًا إِذَا فَهَمَ، وَأَفْقَهُتُهُ بَيَّنْتُ لَهُ، وَالتَّفَقُّهُ تَعَلَّمَ الْفِقْهَ»، (الفراهيدي، ١٤٢٤، ج ٣: ٣٧٠ / الزبيدي، ١٩٩٢، ج ١٩: ٧٣-٧٢) وقال الفيومي: «الفِقهُ فهم الشيء، قال ابن فارس: و كل علم لشيء فهو فقه و(الفِقهُ) على لسان حملة الشرع علم خاص و(فَقَّهَ فِقْهًا) من باب تعب إذا علم و(فُقِّهَ) بالضم مثله وقيل بالضم إذا صار الفقه له سجية. قال أبو زيد: رجل (فُقِّهَ) بضم القاف و كسرهما، وامرأة (فُقِّهَتْ) بالضم ويتعدى بالألف فيقال: (أَفَقَّهْتُكَ) الشيء، وهو (يَتَفَقَّهُ) في العلم مثل يتعلم». (الفيومي، ١٩٧٧: ٢٧٨)

ولعلمهم نبهوا بذلك لمعنى التفقه الذي أمر الله به «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ». (التوبة، ١٢٢). وهو إشارة ظاهرة إلى التعلم من قبل طائفة لتنتقل ما تعلمته لمن لم يحضر. (الدرويش، ١٩٨٢) وقد سمى النبي ﷺ حديثه فقهاً فعن

زيد بن ثابت قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «نَصَرَ اللهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَحَفِظَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ غَيْرَهُ فَرَبَّ حَامِلٍ فَفَقِهَ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ وَرَبَّ حَامِلٍ فَفَقِهَ لَيْسَ بِفَقِيهِ». (البيهقي، ١٩٩٨، رقم ٣١٣)

وذهب الحكيم الترمذي في اشتقاق الفقه مذهباً لطيفاً، فقال: «مشتق من تَفَقَّهَ الشَّيْءَ، يقال في اللغة: فَعَا الشَّيْءَ، إذا انفتح. وفقاً الجرح: إذا انفرج عما اندمل. والاسم فقيء والهَاء والهمزة تبدلان تجزي إحداهما عن الأخرى، فقييل: فقيء وفقيه». (الترمذي، ٢٠٠٢: ١٠)

ولما عرض لمعنى الفهم ومقارنته بالفقه قال: «هو العارض الذي يعرض في القلب من النور، فإذا عرض انفتح بصر القلب فرأى صورة ذلك الشيء». فالانفتاح هو الفقه، والعارض هو الفهم. وقد ذكر الله تعالى في تنزيله الفقه فقال: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا». (الأعراف، ١٧٩)

فأعلم أن الفقه من عمل القلب. وقال رسول الله ﷺ للأعرابي حين قرأ عليه: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». (الزلزلة، ٧-٨)

فولى وقال: حسبي، حسبي. فقال: «فَقَّهَ الرَّجُلُ». (السيوطي، ١٤٠٤، ج ٦: ٣٨٢-٣٨١) وقال أبو الدرداء: «إِنَّكَ لَنْ تَفْقَهَ حَتَّى تَرَى لِلْقُرْآنِ وَجُوهًا كَثِيرَةً». (الإصبهاني، ١٩٧٤، ج ١: ٢١١)

وفي الاصطلاح: «هو العلم بالأحكام الشرعية العملية المكتسب من أدلتها التفصيلية. وقيل: هو الإصابة والوقوف على المعنى الخفي الذي يتعلق به الحكم، وهو علم مستنبط بالرأي والاجتهاد، ويحتاج فيه إلى النظر والتأمل، ولهذا لا يجوز أن يسمى الله تعالى فقيهاً لأنه لا يخفى عليه شيء» (الجرجاني، ١٤٠٥: ١٩٨)، وفي المفردات للراغب: «التوصل إلى علم غائب

بعلم شاهد فهو أخص من العلم، وشرعاً العلم بالأحكام الشرعية التي
طريقها الاجتهاد». (الراغب الإصفهاني، ١٩٩٠: ٤٤١)

وعلى الحكيم الترمذي سبب وجود الفقه بقوله: «إن الله كلف العباد أن
يعرفوه، ثم اقتضاهم بعد المعرفة أن يدينوا له، فشرع لهم شريعة الحلال
والحرام. والدين: هو الخضوع، والدون مشتق من ذلك، وكل شيء اتضع فهو
دون. فأمرت بأمور لتضع نفسك لمن اعترفت به رباً، فسمي ذلك الفعل، وتلك
الأمور ديناً، فمن فقه أسباب هذه الأمور التي أمر ونهي، لماذا أمر ونهي، ورأى
زين ما أمر وبهائه، وشين ما نهى، تعاضم ذلك عنده، وكبر في صدره شأنه،
فكان أشد تسارعاً فيما أمر، وأشد هرباً وامتناعاً مما نهى. فالفقه في الدين:
جند عظيم يؤيد الله تعالى به أهل اليقين الذي عاينوا محاسن الأمور،
ومشايئها، ومقدار الأشياء وحسن تدبير الله لهم في ذلك بنور يقينهم ليعبدوه
على يسر، ومن حرم ذلك، عبده على مكايده وعسر، لأن القلب وإن أطاق
وانقاد لأمر الله. فالنفس إنما تخف وتتقاد إذا رأت نفع شيء أو ضرر شيء.
والنفس: جندها الشهوات. وصاحبها محتاج إلى أضدادها من الجنود حتى
يقهرها، وهي الفقه». (الترمذي، ٢٠٠٢: ١٠٣)

ثم أعطى مثلاً موضعاً فقال: «أحل الله النكاح، وحرم الزنا، وإنما هو إتيان
واحد لامرأة واحدة، إلا أن هذا بنكاح، وذاك بزنى، فإذا كان من نكاح فمن
شأنه العفة والتحصيل للفرج، فإذا جاءت بولد ثبت النسب، وجاء العطف من
الوالد بالنفقة والتربية والميراث، وإذا كان من زنى ضاع الولد لأنه لا يدري
أحد من المواطنين لمن هذا الولد، فهذا يحيله على ذلك، وذاك يحيله على
هذا، وحرم الله الدماء، وأمر بالقصاص، ليتحاجزوا وليحيوا، وقال تعالى في
تنزيله: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ». (البقرة، ١٧٩)

وبين الشريعة والفقہ عموم وخصوص من وجه؛ حيث تشمل الشريعة على الأحكام العملية والإيمانية والأخلاق، بينما يختص الفقہ بمعناه الاصطلاحی بالأحكام العملية فقط. ويشمل الفقہ اجتهاد العلماء سواء فيما أصابوا فيه أو أخطأوا، ولا يُعد من الشرع إلا ما أصاب فيه المجتهدون فقط. فالفقہ من وجه أعم لاشتماله على الرأي والاجتهاد. والشريعة أساس الفقہ، ولولاها لما ظهر، وأيما رأي فقهي لا يستند إلى هذا الأساس لا قيمة له شرعاً. والفقہ من مقتضيات الشريعة وملزوماتها؛ إذ لا بد لها من فهم وتطبيق، والفقہ عبارة عن مجموع الفهوم والتفاسير والتطبيقات من قبل العلماء المختصين. (ميرعلي، ٢٠٠٩، ج:١، ١٢٣)

والشريعة هي الدين المُنزَّل من عند الله تعالى، أما الفقہ فهو فهم المجتهدين لتلك الشريعة، فإذا أصاب العلماء الحق في فهمهم كان الفقہ موافقاً للشريعة من هذه الحيثية، وإذا أخطأوا لم يخرج اجتهادهم عن الفقہ، وإن كان ليس من الشريعة حتماً. (الأشقر، ١٩٨٢: ١٨)

وأحكام الشريعة صواب لا خطأ فيها، وأحكام الفقہ التي استنبطها الفقهاء قد يدخلها الخطأ الناتج من فهمهم. ولكن ينبغي التحذير من الدعوى الخطيرة التي تولى كبرها بعض الكُتاب المُعاصرين والتي ترمي إلى نزع الصفة التشريعية عن الاجتهادات الفقهية تمهيداً لنزع القداسة عن الشريعة نفسها، حيث يُعتبر أصحاب هذه الدعوى الشريعة آراء رجال أكثر من أن تكون أحكاماً إلهية. وهذا خطأ بَيِّن؛ فإن الشريعة أحكام إلهية، والفقہ مأخوذ من تلك الشريعة الإلهية، واستنباط العلماء صائب في معظم الأحيان، ومُعَبَّر عن هذه الأحكام التشريعية، وإنما الخطأ الصادر أحياناً يكون فقط من فهمهم الشخصي لبعض النصوص والأدلة.

فالفقه بلا ريب علمٌ شرعي، لأنه من العلوم المبنية على الوحي الإلهي، وعمل العقل في استنباط الأحكام ليس مطلقاً من كل قيد، بل هو مُقَيَّد بالأصول الشرعية في الاستدلال. (القرضاوي، ١٩٩٣: ٢٢)

والشريعة بربانيتها أقرب إلى الثبات، وأحكامها خالية من معاني الجور والنقص والهوى والجهل، والفقه أقرب إلى المرونة، (ميرعلي، ٢٠٠٩، ج: ١: ١٢٣) وأحكامه تحاول التنزه عن معاني الجور والنقص والهوى والجهل.

والشريعة أكمل من الفقه، وهي المقصودة بقوله تعالى: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». (المائدة، ٣) ولذلك تتناول الشريعة القواعد والأصول العامة، أما الفقه فهو استنباط المجتهدين من الكتاب والسنة اعتماداً على هذه القواعد وتلك الأصول. والشريعة عامة بخلاف الفقه. قال تعالى: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (الأنبياء، ١٧) وهذا العموم ملموس من واقع الشريعة ومقاصدها ونصوصها التي تُخاطب البشر كافة.

والشريعة الإسلامية مُلزِمة للبشرية كافة، فكل إنسان إذا توفرت فيه شروط التكليف مُلزِم بكل ما جاءت به عقيدة وعبادة وخلقاً وسلوكاً، بخلاف الفقه المُسْتَنَبَط من الأدلة الشرعية عن طريق اجتهاد المجتهدين؛ فرأي أي مجتهد لا يُلزِم مجتهداً آخر. والفقه قد يُعالج مشكلات المجتمع في زمان أو مكان بعلاج يُمكن ألا يَصْلُح لمشكلات زمان أو مكان آخر، بخلاف الشريعة الكاملة لكل زمان ومكان. (الأشقر، ١٩٨٢: ٢٠-١٨)

السؤال الأصلي

- ما الحوار بين المذاهب الفقهية من حيث المصادر، الأهداف ومعايير التقييم؟

لا يمكن أن يكون بين الناس حوار إذا لم تبين القاعدة المشتركة، ولغة الخطاب المميزة، التي يتصف بها الملوك، لمعرفة كل واحد منهم حدوده التي لا يتجاوزها، وتنتج بحثاً سامياً بعد تلاقح الأفكار، فيشرى الخير، ويتوضح العدل، ويتحصن الصواب، ويتكشف ضياء الحقيقة الثيرة، وتقرّ القلوب وتهدأ. وهو يتفرع إلى:

• السؤال الفرعي الأول: ما الحوار بين المذاهب الفقهية من

حيث المصادر؟

والمصدّر: «أصل الكلمة التي تصدّر عنها صَوَادِرُ الأفعال»، (الفراهيدي، ١٤٢٤، ج ٧: ٩٦ / الزبيدي، ١٩٩٢، ج ٧: ٨٠) و«التولي عن محل الورود بالصدر». (المناوي، ١٩٩٢: ٥٥٩) و«صُدْرَةُ القَوْمِ: مُقَدِّمُوهُمْ. وَصَدْرُ القَوْمِ: رَئِيسُهُمْ كَالْمُصَدَّرِ، ومنه: صَدْرُ الصُّدُورِ: للقائم بأعباء المُلْكِ. والصَّدَارَةُ بالفتح: التَّقَدُّمُ». (الزبيدي، ١٩٩٢، ج ٧: ٨٠) فمعانيها تشير إلى التقدم والرئاسة، وهي في علم الفقه ما له الصدارة في سن الشريعة، وتوجيه السلوك، وتعيين القيم والمعايير.

وهي الأصول التي يعتمدها الفقه ويرجع إليها في عملياته الاجتهادية، وهي ما يندرج تحت بحث الحجج والأدلة في أصول الفقه الإسلامي؛ إذ علم الأصول هو المحدّد لمصادر الاجتهاد وطرائقه. (حيدر، ٢٠١٥، ج ٥: ٢٦)

وتتنوع مصادر الفقه بما تعود إليه من نقل أو عقل، ذلك أنه يمتاز بالثبات والمرونة، ثبات بالنصوص ومرونة بالفهم والاجتهاد، حيث يفني الاجتهاد «بكل الحلول والحاجات ومواجهة كل المستجدات، وهو البرهان على خلود الشريعة ومرورتها وصلاحتها لكل زمان ومكان، وذلك في ظل أصولها الثابتة وأحكامها الكلية». (ابن عبدالسلام، ٢٠١٤: ٣٨٧)

ونلاحظ كثرة وتعدد وتنوع مصادره ليكون أكثر مرونة وأوسع مدى، فتكثر حيويته وصلاحه، فيصل به المجتهد إلى استنباط الأحكام من أدلة معتبرة عند إمام من الأئمة الربانيين.

وتقسم المصادر إلى قسمين:

المتفق عليها بين جميع المذاهب على تعددها وهي مصادر رئيسة، أصلية، نقلية، نصية: وتشمل الكتاب والسنة، وقد رفض كثير من الأئمة أن يكون غيرها مصدراً، ومستنداتهم كثيرة منها قوله تعالى: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَى لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ»، (يونس، ٥٩) وما قاله الإمام الصادق: «ما من شيء إلا وفيه كتاب أو سنة». (الكليني، ٢٠٠٧، ج:١، ٥٩، ح ٤)

وغير المتفق عليها والتي هي محل اختلاف، (الروكي، ١٩٩٤) وتعرف بالمصادر الفرعية، التكميلية، التبعية، الواقعية، الاجتهادية، وتشمل: الإجماع، ومنه: عمل أهل المدينة.

والعقل، ومنه: الاستصحاب، والتمثيل؛ أي: القياس عند الإمامية. (الكشفي الدارابي، ١٤٢٩، ج:١، ٩٧)

ومنهما تتفرع مصادر أخرى ك: الاستحسان، وشرع من قبلنا، وسد الذرائع، والمصالح المرسلة، والأخذ بالأخف، والبراءة الأصلية، والاستدلال، والاستقراء، والعصمة. (كاشف الغطاء، ١٩٨٨)

ويمكننا تقسيمها تقسيماً يتناسب مع بحثنا فننظر إليها من جهة الإطلاق والنسبية، فتقسم مصادر الفقه إلى قسمين: الأول: المصادر المطلقة، وفيها: القرآن الكريم، والسنة؛ والثاني: المصادر النسبية، وفيها: الإجماع، والعقل وما يلحق به.

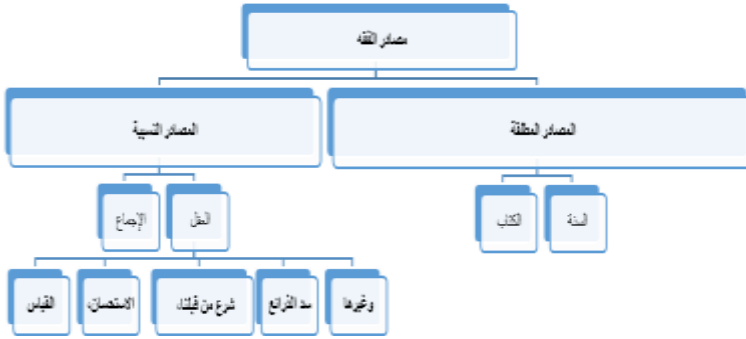
فمصادر الفقه ترتبط بالعقل والنقل، وعليه فإن منها المطلق الذي لا يشوبه الخطأ، ومنها النسبي المتعلق بما يحيط به من متغيرات زماناً أو مكاناً. ويراد بالإطلاق الإلهية التي يستند إليها الفقه الأصلي لا تفرعاته، ومن حَكَمَ العقل في المصدرية فكان عنده العقل مقدماً على النقل لظنه أن بينهما خلافاً، وهذا صحيح إن كان النقل فيما فيه التباس وقابلية الخطأ والصواب، وأما ما انتفى منه الالتباس، وكان محكماً، فلا يمكن أن يتعارض مع العقل الصحيح، وليس الأهواء والرغبات والشهوات، فالعقل الصحيح لا يخالف النقل الصحيح الذي يرويه عدلٌ ضابطٌ عن مثله.

والقرآن الكريم المنزّل من عند الله (المطلق) وكذلك السنة المطهرة، فيكون داخلاً في دائرة قوانينه المطلقة، فمدخلاته مطلقة لا تقبل التبديل ولا التغيير، وآياته تتصف بالإطلاقية، وهي كلية المفهوم. ولكنه منزل للبشر (النسبيين)، فما ينتج من فهمهم يتصف بالنسبية، وبالتالي فإن المستنبطات من آياته يتناسب مع أفهام النسبيين في كل زمان ومكان. فهو ثابت نصاً، يعتري المفهوم منه التغير، ولا ينافي ذلك الإطلاقية والثبات للكليات.

ولم أدرج الإجماع في المطلقات لصعوبة تأكيد وجوده في الغالب الأعم، وإلا فكل مذهب يعتمد من الإجماع ما لا يوافق عليه غيره من المذاهب المعتمدة. وعلى هذا فهو من التوافقات النسبية، فإن تبين وجوده حقيقة فيلحق بالمطلق. ولم يكن فقهاء المسلمين، معبرين عن وجهات نظر شخصية، وإن وجد جزئيات من الأقوال والآراء اليومية، ولا يعمم ذلك ليشمل الفقه الإسلامي بأكمله، وما نجده من اختلاف في المذاهب وأحكامها، فمرده إلى اختلافهم في الفهم وطرق الاستنباط.

ونستنتج من البحث في المصادر من حيث إطلاقيتها اشتراكهم في المصادر. ومن حيث المصادر النسبية، فإنهم يشتركون أيضاً في الإجماع، ويتوافقون في العقل الذي هو مرجعهم في التفكير الواعي المؤدي إلى اكتشاف ما ينبغي وما لا ينبغي، والصح والخطأ وإن لم يسمّ عقلاً عند من سماه قياساً أو استحساناً.

ويمكن أن نرى اختلاف الفقهاء من حيث مصادر كل منهم فيما يرتبط بنتائج الاستنتاج والاستنباط، لا من حيث الاستمداد والمرجعية.



• السؤال الفرعي الثاني: ما الحوار بين المذاهب الفقهية من

حيث الأهداف؟

الهِدْفُ: «الغرض. والهدف من الرجال: الجسيم الطويل العنق العريض»، (الفراهيدي، ١٤٢٤، ج ٤: ٨) و«أَهْدَفَ عَلَيْهِ: إِذَا أَشْرَفَ. وَأَهْدَفَ إِلَيْهِ: إِذَا لَجَأَ. وَأَهْدَفَ لَهُ الشَّيْءُ: إِذَا عَرَضَ لَهُ. وَأَهْدَفَ مِنْهُ: إِذَا دَنَا. أَوْ أَهْدَفَ: إِذَا انْتَصَبَ وَاسْتَقْبَلَ». (الزبيدي، ١٩٩٢، ج ١٢: ٥٣٦) وتتوصل من هذه المعاني الحقيقية والمجازية أن الهدف شيء واضح للعيان عند المجموع الباحث عن معالم بيّنة ظاهرة مستفادة، مادية أو معنوية.

ويتبع الأهداف، باستقراء الغايات، والجزئيات المرتبطة بالكليات، نكتشف أن جميع ما يمكن الوصول إليه في العلمين يعود إلى كبريات القيم التي لا يخرج عنها في ميزان العقلاء شيء، ويضاف إليها الأهداف الموصولة بالمتفقه؛ من التزام الأوامر الإلهية: تنفيذاً لأمر الله لأنبيائه بقوله: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»، (الأنبياء، ٧٣) وللناس بقوله: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ». (التوبة: ١٢٢) والوقاية من الوقوع فيما لا يرضي الله: حذراً من المخالفة للثوابت، والوقوع في الأخطاء، كما قال الإمام علي عليه السلام: «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ ارْتَضَمَ فِي الرَّبَا». (نهج البلاغة، ح ٤٣٩: ٨٨٨) والبعد عن التشبه بالمذمومين: إذ إن البعد عن التفقه مدعاة لسقوط القيمة بين الخلق.

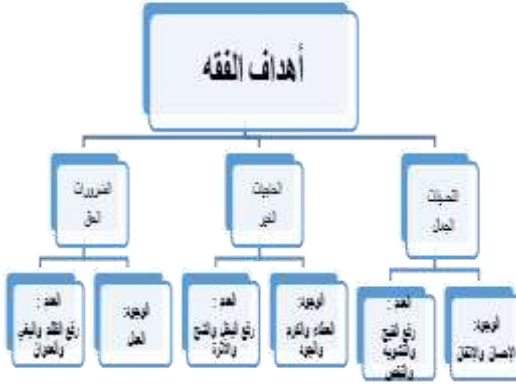
ويهدف الفقه إلى الارتقاء بالإنسان؛ ليمتلك ناصية القيم المطلقة (الحق، الخير، الجمال)، من خلال معرفته لنفسه الممهدة لمعرفة الله، بالارتباط بأصول العقائد من الإيمان بالرسول الذين يكشفون ما يلزمه لينال السعادة والكمال، بالوصول إلى أهداف كبرى وقيم عليا، تشمل الضرورات والحاجيات والتحسينات، في أطرافها الوجودية والعدمية: فمن حيث الوجود للحق الضروري يتحقق العدل، ومن حيث العدم يرتفع الظلم والبغي والعدوان. ومن حيث الوجود للخير الحاجي يتحقق العطاء والكرم والجود، ومن حيث العدم يرتفع البخل والشح والأثرة. ومن حيث الوجود للجمال التحسيني يتحقق الإحسان والإتقان، ومن حيث العدم يرتفع القبح والتشويه والنقص.

ولنأخذ (الطهارة) مثلاً فنسجد فيها من جانب (الحق): حق الله (بأمره)، وحق النفس (بحاجتها إلى إزالة ما يلحقها من أذى، وما يستفيده الجسد من تشييط ونشاط)، وحق الآخرين (بما تناله نفوسهم من الراحة بالرائحة الطيبة، وعدم التأذي بالمؤذيات)، ويتبع ذلك العدالة في استخدام أدوات الطهارة بلا

إسراف بما يلائم كل جزء من الأجزاء المأمور بطهارته. ومن جانب (الخير): تعويد النفس على البذل والعطاء على النفس أولاً بسكب الماء الذي قد يكون عزيزاً يصعب العثور عليه، وبالتالي سيسهل عليه البذل لغيره. ومن جانب (الجمال): تحسين صورته عند نفسه وعند الآخرين، فالله جميل يحب الجمال. وهي متداخلة لا توجد حدود فاصلة قاطعة بينها، فالوصول إلى (الحق) الشخصي وإعطاء المستحقين منه حقهم هو (الخير) الذي سيكون (جمالاً) إن أدي من غير منٍّ أو أذى.

وكل هذه المعاني مطلوبة عند الفقهاء وإن اختلفوا في جزئيات الطهارات، وكلهم يستدل لفهمه بالمصادر التي اعتمدها، والعامل لا يجد غضاضة في تعدد الفهوم، ويلتمس لأصحابها الأعذار، إذا لم يجد مساعاً لغيره، ولعله بذلك يكون في معرض الامتحان من الله له هل سيعود للصواب إن رآه عند غيره لا يحجبه عن ذلك هوى أو عصبية؟ أم سيتمادي في الضلال والبغي؟ والنتيجة: الفقه واضح المعالم، محدد الأهداف، تدور أهدافه حول جلب المصالح ودفع المفسدات عن الإنسان أو عن النوع الإنساني. وتراعي مصالح الإنسان وتكلفه بما يطاق.

فهل يوجد مذهب فقهي إسلامي يخرج عن هذه الأهداف ظاهراً وباطناً؟ وإن وجد فهل يستحق أن يوصف بالإسلامية؟



• السؤال الفرعي الثالث: ما الحوار بين المذاهب الفقهية من

حيث معايير التقييم؟

المعيار من حيث هو أداة يتم بها معايرة الأشياء، يَستخدِمُ لكل حالة لَبوسها المناسب لها؛ إذ كل علم يستعمل من الأوزان ما يلائمه. والمعايير: قواعد ذات خصوصية للسلوك، خارجة عن ذات الإنسان غالباً، وتحدد الواجبات والالتزامات، أما القيم فهي مستويات ذات عمومية في التفضيل، شخصية وداخلية، تحدد ما يفضل في الفقه. وتقسم معاييرها إلى: صحة وقيمة.

معيار الصحة: تحدد فيه الشروط المعتمدة لتمام العمل. ومعيار القيمة: يحدد الحل أو الحرمة، وبالتالي الأحكام الخمسة من الوجوب أو الاستحباب والندب أو الإباحة، أو الحظر أو الكراهة. فإننا في الفقه نستخدم معيار: الحلال والحرام، ولدينا من أوزانه: الأحكام الخمسة المرتبطة بالحل والحرمة، فمن الحل ما يقبل منك عمله وتركه، وهو المباح، ومنها ما يلزمك أدائه، وهو الفرض والواجب، ومنها ما تحثّ على فعله ولا تؤاخذ على تركه وهو المستحب. وهذا من جانب الإلزام والإباحة الإيجابيان. أما الإلزام السلبي ففيه

الحظر والمنع، ويدخل فيه الكراهة التي تقارب المحرم، ويخرج منها الكراهة التنزيهية التي تدخل في المباحات.

وأحكام الفقه مرتبطة بما يجب أن يكون وبما يكون، و«الحكم الفقهي وإن يساعد على الملكات النفسية بواسطة لكن ثبوت الحكم ليس من جهة تأثيره في إيجاد ملكة ما». (إسلامي نسب، ٢٠١٩: ٦-٥، الدرس ١٠)

وليس من اللازم أن ما كان مباحاً أو مستحباً في فقه مذهب أن يبقى مباحاً أو مستحباً في كافة المذاهب، ويشبه ذلك خلاف أحكام الفقهاء لأحكام علماء الأخلاق، فقد يتغير التقييم، لأن الحُسْنَ والبُخَ مندرج تحت أحكام العقل العملي، وهي غير متطابقة دائماً مع الواجب والمحرم في الفقه. ومن أمثلة ذلك: العفو والصفح، فهو مستحب في الفقه، واجب في الأخلاق. وإن كانت معانيها مثبتة في أبحاث الأخلاق، وتمر في الفقه في الديات والقصاص. وهي كأمر جاءت في مصادرهما، ولكن لم ير فيه الفقهاء الوجوب، وساعدتهم القرائن على حمله على الاستحباب، وذلك في قوله تعالى: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (النور، ٢٢)

والعلاقات الطيبة بين الناس وتمني الخير لهم مما تحسّنه الأخلاق وتدعو إليه الشرائع، ولكنه مقيدٌ فقهاً فيما لا نهى عنه من الشارع، وذلك في مورد الاستغفار لمن تبين ضلاله، قال تعالى: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ». (التوبة، ١١٤-١١٣)

والحل والحرمة متوقفان على الإذن الإلهي، وإلا كان المحلل أو المحرم ممن يفترى الكذب، وليس أي كذب إنه الكذب على الله. فالفقيه الذي لا

يقف عند الحدود المنصوصة يخالف الأمر، قال تعالى: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ». (يونس، ٥٩)

الدرجات	المعيار
فرض/ واجب	الحلال
مندوب/مستحب	
مباح	
المكروه تنزيهاً/ خلاف الأولى	
المكروه تحريماً/ المبعوض	الحرام
الحرام/ المحظور	

والمعيار الفقهي هو معيار عام لكل شيء

- أولاً: هو الحد الأدنى من المعايير؛
 - ثانياً: على الرغم من كونه حدًّا أدنى، إلا أنه مع ذلك معيار ضروري؛
 - ثالثاً: لأنه كمعيار هو حد أدنى وضروري على حد سواء، فهو غير كامل إذا كان قانوناً وضعياً، أما الفقه المستند للنص من الكتاب والسنة فهو كامل بكمال الشريعة الإلهية.
- وبذلك نصل إلى النتيجة التي لا مَعْدِل عنها ألا وهي:

إذا كان الحوار الفقهي على أسس صحيحة أثمر نتائج إيجابية تخدم الفرد والمجتمع، وإن لم يكن كذلك أعقب ظهور من لا يعرفون حقاً، ولا يعرفون عن منكر.

الخاتمة

يكاد يكون هذا البحث تعريفاً بالفقه وخصائصه والتشريع الإلهي الحق، المتصفة بها العقول الصحيحة، والفطر السوية. ولعلي استطعت الوصل في البحث إلى النتائج التالية:

- الرابط بين الفقهاء العموم والخصوص مطلقاً والاختلاف بينهما اختلاف تنوع لا اختلاف تضاد. ومثل الفقهاء في تنوع واختلاف ما ينتجونه كمثل الماء النازل من السماء (الشرع)، فسلكه الله سبحانه ينابيع في الأرض (الفقهاء) فأخرج به الزروع المختلفة الألوان (ر. ك: الزمر، ٢٣): الفهوم التي تعددت بها المدارس.
- الحضارة الإسلامية حضارة فقهية تنتج فقهاء.
- المطلق من المصادر ما يكون ثابتاً، لا يعتريه الخطأ، ولا يتطرق إليه الشك. وعكسه النسبي الذي يقبل التعدد، ويرتبط بالمطلق.
- كثرة وتعدد وتنوع مصادر الفقه ليكون أكثر مرونة وأوسع مدى، فتكثر حيويته وصلاحه.
- ومصادر الفقه الأساسية توفيقية، ثم يتدخل العقل في الاستنباط، والارتباط الوثيق بين العقل والنقل.
- والهدف من الفقه الوصول للسعادة بالواسطة، والوصول لمنظومة القيم (الحق، الجمال، الخير).

- والأهداف الموصولة بالمتفقه تشير إلى سعيه إلى: التزام الأوامر الإلهية والضوابط العقلية، والوقاية من الوقوع فيما لا يرضي الله، والبعد عن التشبه بالمذمومين.
- والمعيار المتحكم في الفقه مع اختلاف مدارسه مدى مطابقته لمراد الله سبحانه فهو اتفاقي داخلي.
- وليس من اللازم أن ما كان مباحاً أو مستحباً في فقهه أن يبقى مباحاً أو مستحباً في فقه آخر، بل قد يتغير تقييمه، تبعاً للأدلة وثبوتها.
- والقواعد المعيارية الفقهية لا بد منها ليكتمل البناء المجتمعي على تقوى من الله ورضوان.
- والمعيار الفقهي هو المعيار لكل شيء، فهو الحد الأدنى من المعايير؛ ومع ذلك فهو معيار ضروري، وكامل بكمال الشريعة الإلهية.
- وليس من غرض الحوار الفقهي نفي الآخر، وإنما الوصول للحق من غير منازعة ولا مشاحة، مع المسامحة والمروءة، مع الحصول على ثمار مهمة منها:
- هداية الله للمؤمنين الراغبين في الوصول إلى التقوى بعبادة الله الواحد، وعدم اتخاذ الأنداد والشركاء معه سبحانه «فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (البقرة: ٢١٣)
- ونصر أهل الإيمان على المجادلين «وَارْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود، ٩٣)، وكان حواراً بالحجة والبرهان في قصة إبراهيم مع النجوم والشمس والقمر (ر. ك: الأنعام، ٧٦)، وعلى المتعنتين

كإبليس (ر. ك: الأعراف، ١٢) وقد ضرب لنا الله سبحانه أمثلة من الحوار مع المعاندين كالذي حاج إبراهيم في ربه (ر. ك: البقرة، ٢٥٨) ومع المتعجبين كالعزيز (ر. ك: البقرة، ٢٥٩) ومع المثبتين كإحياء الطيور لإبراهيم (ر. ك: البقرة، ٢٦٠) ومائدة الحواريين (ر. ك: المائدة، ١١٣).

- والفلاح للأمة الداعية إلى الخير، والآمرة بالمعروف، والناهية عن المنكر (ر. ك: ال عمران ١٠٤).
- والتأييد الإلهي بروح منه، ولا يكون ذلك إلا بالاستعانة بالصبر والصلاة (ر. ك: البقرة، ٤٥) والإيمان الكامل بالكل لا بالجزء «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» (البقرة، ٨٥)

ولا يسعني في نهاية هذه المقالة إلا أن أتقدم برغبات أحسبها لازمة للمساهمين والقائمين على توحيد الصف ورأب الصدع الذي ينفذ منه العدو إلى إرادة الأمة من غير استثناء، لتحطيم ما تبقى من خير كامن في أعماق القلوب، وأهمها ألا ننسى الله ونحن ندعي محبته، وأن يقترن القول بالعمل، والصدق مع الصواب، والحق مع الرحمة التي هي رسالتنا للعالم بعد حسن خطابنا لمن هم أقرب إلينا ممن يكيدون لنا في السر والعلن. وأحذر من:

- ادعاء امتلاك ناصية الخير حتى لا نكون ممن أنكر الله عليهم حين قالوا: «لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكَافٌ قَدِيمٌ». (الأحقاف، ١١)
- البغي بعد الوصول للعلم الحق، والذي يظهر في التنازع والتفرق «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (الحجرات، ١٤)

وبالمقابل الذين انتفى منهم البغي والحسد هم ممن أراد وجه الله، وكانوا على ﴿شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ﴾ وقد أمر الله باتباعها «فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». (الجاثية، ١٨)

• الطبع على القلوب فنتبع الأهواء ولا نعي ما نسمع «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (محمد، ١٦). فلا ينبغي الحوار مع المختوم على قلوبهم وسمعهم وأبصارهم، ولا المخادعون الذين لا يخدعون إلا أنفسهم، والذين يدعون عدم فقه الخطاب كقوم شعيب «ما نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ». (هود، ٩١)

• الكذب والغش والخداع، وهي الأمراض النفسية التي في القلوب «فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا». (البقرة، ١٠)

• التكبر، فلا يظن نفسه أرقى من غيره «أَنْتُمْ مِّنْ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ». (البقرة، ١٣)

• السخرية والاستهزاء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ». (الحجرات، ١١)

• الظن والتجسس والغيبة «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضِكُمْ». (الحجرات، ١٢)

• اتباع الظن، وخطوات الشيطان، وأهواء النفس بعد مجيء الهدى من الله «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِّنْ

رَبِّهِمُ الْهُدَى»، (النجم، ٢٣) «وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» (النجم، ٢٨) وتعتمد التحريف بعد الفهم والاستيعاب.
(ر. ك: البقرة، ٧٥)

- الاكتفاء بما كان عليه الآباء والتفوق على الذات «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ». (البقرة، ١٧٠)
- الإفساد وعدم الإصلاح، «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ». (البقرة، ١١)
- فمن تنتف منه هذه الأشياء، فستكون عاقبته الخسارة وعدم الهداية «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»، (البقرة، ١٦) بذهاب النور منهم، ورتوعهم في الظلمات، وعاقبتهم «النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ». (البقرة، ٢٤)

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. نهج البلاغة.
٣. الأشقر، عمر سليمان (١٩٨٢). تاريخ الفقه الإسلامي. الكويت: مكتبة الفلاح.
٤. ابن حنبل، أحمد بن محمد (١٩٩٠). المسند. بتحقيق عبدالله الدرويش. بيروت: دار الفكر.
٥. ابن عبدالسلام، سليمة (٢٠١٤). أثر الأدلة العقلية في مرونة الشريعة الإسلامية. مجلة الإحياء. ع ١٧-١٨.
٦. إسلامي نسب، حمزة علي (٢٠١٩). فلسفة علم الأخلاق. قم: جامعة المصطفى ﷺ العالمية.
٧. الأصبهاني، أبونعيم أحمد بن عبدالله (١٩٧٤). حلية الأولياء وطبقات الأصفياء. القاهرة: مطبعة السعادة.
٨. البيهقي، أحمد بن الحسين (١٩٩٨). الإعتقاد والهداية إلى سبيل الرشاد. بتحقيق عبدالله الدرويش. دمشق: دار اليمامة.
٩. الترمذي، محمد بن علي (٢٠٠٢). نوادر الأصول. بتحقيق عبدالحميد الدرويش. دمشق: عالم التراث.
١٠. الجرجاني، علي بن محمد (١٤٠٥). التعريفات. بتحقيق إبراهيم الأبياري. بيروت: دار الكتاب العربي.

١١. حب الله، حيدر (٢٠١٥). دراسات في الفقه الإسلامي المعاصر: بحث المدخل إلى فلسفة الفقه دراسة في الهوية والمساحة والجدوائية. بيروت: دار الفكر.
١٢. الدرويش، عبدالله (٢٠٢١). الجذور العربية للمفردات العالمية. دمشق: عالم التراث.
١٣. الدرويش، عبد الله (١٩٨٢). سوء فهم في تفسير آية. مجلة التمدن الإسلامي. ٤٨م، ع٣.
١٤. الدسوقي، محمد وأمينة الجابر (١٩٩٩). مقدمة في دراسة الفقه الإسلامي. ط٢. قطر: دار الثقافة.
١٥. الذهبي، محمد بن أحمد (١٩٩٦). تاريخ الإسلام. بتحقيق: عبدالسلام التدمري. بيروت: دار الكتاب العربي.
١٦. الراغب الإصفهاني، الحسين بن محمد (١٩٩٠). مفردات غريب القرآن. بتحقيق صفوان الداوودي. دمشق: دار القلم.
١٧. الروكي، محمد (١٩٩٤). نظرية التقعيد الفقهي وأثرها في اختلاف الفقهاء. الرباط: كلية الآداب والعلوم الإنسانية، الرباط.
١٨. الزبيدي، المرتضى (١٩٩٢). تاج العروس. بتحقيق علي شيري. بيروت: دار الفكر.
١٩. زيدان، عبد الكريم (١٩٦٩). المدخل لدراسة الشريعة الإسلامية. ط٤. القاهرة: الإسكندرية.
٢٠. السائس، محمد علي (١٩٧٠). نشأة الفقه الاجتهادي وأطواره. القاهرة: مجمع البحوث الإسلامية.

٢١. السيوطي، جلال الدين (١٤٠٤). الدر المنثور في التفسير بالمأثور. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٢٢. العلواني، طه جابر (٢٠٠١). مقاصد الشريعة. بيروت: دار الهادي.
٢٣. الفراهيدي، خليل بن أحمد (١٤٢٤). كتاب العين. بتحقيق مهدي المخزومي وإبراهيم السامرائي. بيروت: دار ومكتبة الهلال.
٢٤. الفيومي، أحمد بن محمد (١٩٧٧). المصباح المنير. بتحقيق عبدالعظيم الشناوي. ط ٢. القاهرة: دار المعارف.
٢٥. القرضاوي، يوسف (١٩٩٣). مدخل لدراسة الشريعة الإسلامية. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٢٦. كاشف الغطاء، علي بن محمد (١٩٨٨). مصادر الحكم الشرعي والقانون المدني. النجف الأشرف: وزارة الأوقاف.
٢٧. الكشفي الدارابي، جعفر (١٤٢٩). نخبة العقول في علم الأصول. بتحقيق مهدي المهريزي. قم: مكتبة الفقه والأصول المختصة.
٢٨. الكليني، محمد بن يعقوب (٢٠٠٧). أصول الكافي. بيروت: منشورات الفجر.
٢٩. مذكور، محمد سلام (١٩٩٦). المدخل للفقه الإسلامي. ط ٢. القاهرة: دار الكتاب الحديث.
٣٠. المقرئ، محمد بن جعفر (١٤١٤). الحدود. بتحقيق محمود يزدي مطلق. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
٣١. المناوي، عبدالرؤوف (١٩٩٠). التوقيف على مهمات التعاريف. بتحقيق محمد رضوان الداية. بيروت: دار الفكر.

٣٢. ميرعلي، إحسان (٢٠٠٩). المقاصد العامة للشريعة الإسلامية
بين الأصالة والمعاصرة. دمشق: دار الثقافة للجميع.

منهج التفسير عند العلامة الطباطبائي في التعامل مع الرواية

الكتاب: الدكتور. ساجد صباح ميس العسكري (عراق)،^١ الدكتور. محمد سليمان (فرنسا)^٢

قبول: ١٤٣٨/١٢/٢٤

استلام: ١٤٣٨/٠٨/٢٤

المستخلص

تعتبر الرواية المصدر الثاني للتشريع، ولها أهمية كبيرة في تفسير القرآن الكريم فقد تكون مبينة أو مؤكدة أو مؤسسة ولأن دلالتها في الأعم الأغلب ظنية، لذا كثر الكلام عن حجيتها وإشكالياتها السنية. والبحث التفسيري بحث عن إثبات الواقع في أغلب الآيات القرآنية، لذا قال أكثر المفسرين بعدم حجية الأخبار الظنية في التفسير، فالتجأ بعض المفسرين الى طرق توجيه الرواية من خلال نقد المتن، ومن أهم الطرق هي العرض على القرآن الكريم، ومن اولئك العلامة الطباطبائي الذي قلما يلتفت الى منهجه الروائي في التفسير، ف جاء البحث لموسوم: «منهج العلامة الطباطبائي في التعامل مع الرواية» ل يبحث عن المنهج الروائي عند العلامة الطباطبائي ومبررات منهجه وبعض التطبيقات لمنهجه في التعامل مع الرواية، ومن خلال الطرح الذي تقدمه ستم الإشارة إلى عدد من المسائل المهمة التي تهض به هذه المقالة فالاتجاه المعتدل في التعامل مع الرواية التفسيرية هو الاتجاه الذي يجعل من الرواية وسيلة وقرينة للتفسير، ويجعل من القرآن شاهداً ومؤيداً لصحتها وعلى رغم الإشكاليات السنية لروايات التفسير فإن لها دوراً كبيراً في مجال

١. أستاذ مساعد في لجنة الشريعة والعلوم الإسلامية، كلية الإمام الكاظم عليه السلام، جامعة ذي قار،

ذي قار، العراق، sajediraq804@gmail.com

٢. الباحث في جمعية الغدير الإسلامية، باريس، فرنسا،

sleimanmohamad@ymail.com

التفسير فهي مبينة أو مؤكدة لما ورد في القرآن الكريم أو مؤسسة لما لم يرد في القرآن الكريم كما يمكن اعتبار العلامة الطباطبائي من أشد المدافعين عن الرواية، ففي منهجه الذي سلكه في نقد متن الرواية من خلال العرض على القرآن، أوجد مؤيدات وقرائن للروايات الظنية، فحول دلالتها من ظن إلى علم، بالإضافة الى حل إشكاليات التعارض بين الروايات، حيث إنَّ المنهج الذي اتبعه العلامة الطباطبائي له تأصيلات نظرية في روايات أهل البيت، وهذا منهجه في التأسيس لقواعد التفسير عن طريق استنطاق روايات المعصومين.

الكلمات المفتاحية: منهج التفسير، التعامل مع الرواية، العلامة الطباطبائي

حجية التفسير الروائي وموقف الإتجاهات التفسيرية منه

١. التفسير الروائي عن المعصوم حجة بلا شك والادلة على ذلك كثيرة منها:
٢. قوله تعالى: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (النحل، ٤٤) وهذا تصريح بحجية بيان النبي للقران الكريم.
٣. حديث الثقلين: روى الكليني بسنده عن الرسول ﷺ أنه قال: «إني قد تركت فيكم أمرين لن تضلوا بعدي ما إن تمسكتم بهما : كتاب الله وعترتي أهل بيتي ، فإن اللطيف الخبير قد عهد إلي أنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض». (الكليني، ١٣٦٣، ج ٢: ٤١٥) وهو حديثٌ متواترٌ، (الحسيني الميلاني، ١٤٣١: ٢٠) يثبت حجية أقوال المعصومين، بدلالة التلازم بين العترة والقران وإن التفريق بينهما لا يعصم من الضلال.

٤. إن النبي محمد ﷺ والأئمة عليهم السلام قاموا بتفسير القرآن قولاً وعملاً وهذا السيرة حُجة، لان قول المعصوم وفعله وتقريره حجة ومن هنا نشأة إشكاليتين في حجية التفسير الروائي وهما:
- هل يمكن أن نفسر القرآن بخبر الواحد؟
 - هل أقوال الصحابة والتابعين حجة كما هي أقوال المعصومين عليهم السلام؟

وللجواب على الإشكال الأول نقول: اختلف العلماء في حجية هذا المنهج فالبعض جعله منحصراً بالروايات القطعية كالطوسي والطباطبائي، (ينظر: الطوسي، ١٤٠٩، ج ١: ٦ / الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٢: ٢٦٢) والبعض وسع الدائرة ليشمل الأخبار الضنية كخبر الواحد كالزركشي والخوئي. (ينظر: الزركشي، ١٩٥٧، ج ٢: ١٥٦ / الخوئي، ١٩٧٥: ٣٩٨)

أما الاشكال الثاني فيجيب عنه السيد الطباطبائي عند التفسير لايه ٤٤ من سوره النحل بقوله: في الآية دلالة على حجية قول النبي ﷺ في بيان الآيات القرآنية واما ما ذكره بعضهم ان ذلك في غير النص والظاهر من المتشابهات أو فيما يرجع إلى اسرار كلام الله وما فيه من التأويل فمما لا ينبغي ان يصغى إليه. هذا في نفس بيانه ويلحق به بيان أهل بيته لحديث الثقلين المتواتر وغيره واما سائر الأمة من الصحابة أو التابعين أو العلماء فلا حجية لبيانهم لعدم شمول الآية وعدم نص معتمد عليه يعطى حجية بيانهم على الاطلاق. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٢: ٢٦١)

نعم يمكن الأخذ بقول الصحابي والتابعي في المسائل اللغوية مع افتراض اطلاعهم على لغة العرب، وفي مسائل اسباب النزول إذا شهر الصحابة

الحادثة وكان ثقة، إما أقوالهم الشخصية الاجتهادية في التفسير فلا يختلف حالهم عن حال بقية المفسرين. (ينظر: الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٨٦)

موقف الإتجاهات التفسيرية من التفسير بالرواية

عند البحث عن موقف المفسرين من التعامل مع الرواية نجد ان هناك أربع اتجاهات هي:

١. الاتجاه الرفض للاعتماد على الرواية في التفسير، ويرى استقلال القرآن وعدم احتياجه إلى الرواية، لأنه نزل بلسان عربي مبين (ينظر: الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٧٩) وهذا الاتجاه يتعارض مع قوله تعالى: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»، ويتعارض مع حديث الثقلين الذي يفترض أن للجوء إلى أحدهما دون الآخر لا يعصم من الضلال.

٢. الإتجاه الرفض للتفسير بغير الرواية ومن هؤلاء الاخبارية، فقالوا بعدم جواز تفسير القرآن إلا في ضوء الروايات، (ينظر: الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٨١) محتجين بقول: «إنما يعرف القرآن من خوطب به» (الكليني، ١٣٦٣، ج: ٨، ١٢) فغير المعصوم عاجز عن الإحاطة بتفسير القرآن.

ويرد عليه:

- أن هذا الرأي يتعارض مع الحديث الثقلين.
- إن التفسير الروائي لا يمكن إن يكون منهجاً مستقلاً في التفسير، لكثرة الإشكاليات على الروايات التفسيرية، ولعدم وجود روايات تفسير كل آيات القرآن.

- الإحاطة بتمام المراد الإلهي وإن كانت منحصرة في المعصوم إلا أن ذلك لا يمنع تفسير القرآن ومقاربة مراد المولى، وإلا لكانت الدعوة للتدبر ولتفكر في آيات القرآن لغواً حاشاه تعالى عن ذلك علواً كبيراً.

٣. الاتجاه المعتدل: الذي يجعل من الرواية وسيلة وقرينة تفسير آيات القرآن الكريم. (ينظر: الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٨٣)

٤. الإتجاه الذي يجعل من القرآن شاهد ومؤيداً على صحة الرواية أو عدمه، وهذا المنهج هو الذي سار عليه العلامة الطباطبائي في تفسيره وسنفضل القول في المبحث القادم.

دور الرواية في التفسير

جمعت روايات الرسول ﷺ والأئمة المعصومين ؑ التفسيرية في مجاميع تسمى التفاسير الروائية كتفسير ابن عباس وتفسير الإمام الباقر ؑ وتفسير الصادق ؑ وتفسير القمي وتفسير وفيات الكوفي وتفسير العياشي والتفسير المنسوب للإمام الحسن العسكري ؑ وتفسير الصافي للكاشاني... الخ، هذه التفاسير تمثل المجاميع الروائية التفسيرية عند الإمامية.

أما التفاسير الروائية عند الجمهور فهي كثيرة أيضاً منها: تفسير الطبري والدر المنثور للسيوطي وتفسير ابن كثير وتفسير بن عطية... الخ، وبالإضافة للتفاسير الروائية هناك روايات تفسيرية كثيرة وردت في كتب الحديث عند الشيعة والسنة في أبواب القرآن وتفسيره وقد صنف العلماء والباحثين هذه الروايات إلى أقسام:

- توضيح مفردة قرآنية

سُئِلَ النبي ﷺ عن المراد بـ (باسقات) في قوله تعالى (والنخل باسقات لها طلع نضيد) (ق، ١٠) فأجاب النبي ﷺ (طويلات). (الطبري، ١٩٩٥، ج ٢٦: ١٩٧)
عن أبي عبد الله ﷺ في قوله تعالى: «أصبروا وصابروا وربطوا»
(آل عمران، ٢٠٠)، قال: أصبروا على الفرائض وصابروا على المصائب وربطوا على الأئمة. (العياشي، ١٣٨٠، ج ١: ٢١٢)

التطبيق على المصداق المفهوم

سُئِلَ النبي ﷺ عن كفارة القسم عن مقدار الكسوة (وكسوتهم) قال: (عباءة لكل مسكين)، (الطبري، ١٩٩٥، ج ٧: ٣٣) وهنا بيان لأحد المصدايق مع أن المفهوم لا ينحصر بمصداق واحد، (الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٨٣) وورد في الحديث أن المقصود بالصراط في قوله تعالى «اهدنا الصراط المستقيم» (الفاتحة، ٤)، هو علي ﷺ (ينظر: الفيض الكاشاني، ١٤١٦، ج ٢: ١٧١) وهنا بيان للمصداق الأعلى لمفهوم الصراط مع أن هناك مصدايق أخرى لهذا المفهوم فأن طرق الأنبياء والأئمة من الطرق المستقيمة. (الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٨٨)

بيان مجملات آيات الأحكام الشرعية

سُئِلَ النبي ﷺ عن الإستطاعة في قوله تعالى: «ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً» (آل عمران، ٩٧)، قال الزاد والراحلة، (القزويني، ١٤١٥، ج ٢: ٩٦٧) وبيانه لتفاصيل الصلاة والحج قال: «صلوا كما رأيتموني أصلي» (المجلسي، ١٩٨٣، ج ٨٢: ٢٧٩) وقوله: «خذوا عني مناسككم». (ابن حجر العسقلاني، ١٣٧٩، ج ١: ١٩٣)

١. بيان أسباب النزول

وأمثلة ذلك كثيرة وقد صنفت كتب في ذلك كأسباب النزول للواحدي وأسباب النزول في ضوء روايات أهل البيت للطبرسي وشواهد التنزيل للحسكاني، ولا يكاد يخلو تفسير من ذكر روايات تبين أسباب النزول.

٢. تخصيص عموم الآية

مثل قوله تعالى «والمطلقات يتربصن بأنفسهن ثلاثة قروء» (البقرة، ٢٢٨) فهذه الآية عامة وشاملة لجميع المطلقات ولكن السنة أشتت الصغيرة، وغير المدخول بها، واليائس، (ينظر: الحر العاملي، ١٤١٤، ج ٢: ١٧٥) وفي مثل هذه الحالات فلا عدة على النساء.

٣. تقييد الآية المطلقة

قال تعالى: «من بعد وصية يوصى بها أو دين» (النساء، ١١) فقد جاءت الوصية مطلقة في هذه الآية ولم يعين مقدارها ولكن السنة عينت مقدار الوصية بالثلث.

٤. بيان باطن الآية وتأويلها

علاقة التفسير بالتأويل ومعنى التأويل من المواضيع الواسعة و يحتاج إلى بحوث مستقلة ومن الأمثلة على التأويل عن الصادق عليه السلام أنه قال عن الآية الكريمة: «وعلامات وبالنجم هم يهتدون» (النحل، ١٦): النجم هو رسول الله صلى الله عليه وآله والعلامات هم الأمة عليهم السلام. (الرضائي الأصفهاني، ١٤٢٦: ٨٩)

٥. بيان الناسخ والمنسوخ

روي عن الصادق عليه السلام أن هذه الآية «واللذان يأتيها منكم فأذوهما فإن تابا وأصلحا فأعرضوا عنهما» (النساء، ١٦) نسخت بآية الجلد. (العياشي، ١٣٨٠، ج٢: ٢٥٦)

فما تقدم يتبين أن للرواية دورٌ كبيرٌ في تفسير النص ، فقد تكون مفسرةً أو مكملةً أو مؤسسةً، ولا يمكن التفكيك بين القرآن والسنة ، فالهداية لا تتحقق إلا بهما.

اشكاليات التفسير الروائي

الروايات التفسيرية كغيرها من الرايات فيها من الاشكاليات السندية والمنتية الكثيرة ومن أهم تلك الاشكاليات:

١. ضعف السند

المشكلة الاولى التي تواجه التفسير الروائي هي ضعف سند الأحاديث المفسرة للقران الكريم، والضعف قد ينشأ من حذف السند أساساً أو بسبب وجود مجاهيل في السند أو وجود ضعاف أو وضاعين. (<http://hobbollah.com/books>) والاکثر من ذلك ان هناك مصادر تفسيرية لم تثبت صحة انتسابها الى اصحابها، كالتفسير المنسوب للإمام الحسن العسكري، والذي هو من املاء ابي يعقوب يوسف بن محمد بن زياد، وابي الحسن علي بن محمد بن سيار، ورواه عنهما ابو الحسن محمد بن القاسم الخطيب المعروف بالمفسر الاسترابادي، وهؤلاء الثلاثة مجاهيل. (ينظر: معرفة، ٢٠٠٩، ج٩: ٤٤٦)

وتفسير القمي الذي ينسب الى علي ابن ابراهيم القمي، فان البعض يرى انتسابه الى ابن ابي الجارود، والبعض الاخر ان بعضه للقمي وبعضه لغيره.
(<http://hobbollah.com/books>)

يقول الشيخ محمد باقر الإيرواني: ان القمي وان كان له كتاب باسم التفسير ولا يمكن التشكيك في ذلك باعتبار ان النجاشي والطوسي قد نصا على وجود التفسير المذكور وذكرنا اليه طريقاً صحيحاً، ولكننا نشكك في كون التفسير المذكور المتداول اليوم هو نفس تفسير القمي، ونحتمل عدم كونه للقمي رأساً او لا اقل بعضه للقمي والبعض الاخر قد دس فيه. (الإيرواني، ١٤٢٨: ١٧٤)

كما أن بعض أصحاب التفاسير الروائية أتهموا بالوضع أو التدليس أو الجهالة ونحو ذلك كالضحك بن مزاحم، وإسماعيل بن عبد الرحمن السدي الكبير، ومحمد بن السائب الكلبي، ومقاتل بن سليمان، ومحمد بن مروان السدي الصغير، و فرات الكوفي وبن يسار، وغيرهم.
(<http://hobbollah.com/books>)

٢. كثرة الأحاديث الموضوعية

من الإشكاليات التي تلازم الحديث الشريف في مختلف المجالات وفي مجال التفسير خصوصاً هي اشكاليات الوضع والدس. وكانت بداية الوضع في صدر الإسلام، يقول الذهبي: مبدأ ظهور الوضع في سنة إحدى وأربعين من الهجرة. (الذهبي، ١٤٠٥، ج: ١، ١١٦)

وقد ذكر العلماء عدد اسباب لوضع الأحاديث في التفسير من اهمها:

- افساد الدين وإيقاع الخلاف والإفتراق بين المسلمين

فقد نقل عن حماد ابن زياد قوله: «وضعت الزنادقة على رسول الله ﷺ أربعة عشر ألف حديث». (الموضوعات، ابن الجوزي، ١٣٨٦، ج:١، ٣٨)

- الوضع لنصرة مذهب معين

الكثير من المذاهب المبتدعة واصحاب الرأي تضع احاديث لنصرة مذهبها، خصوصاً وأن الآيات المتشابهة فيها من القابلية للتأويل والتوجيه بحسب ما يريد الذين في قلوبهم زيغ.

فقد استدلّه المجسّمه واصحاب الظاهر في تفسيرهم لقوله تعالى: «يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون»، (القلم، ٤٢) بالحديث الذي اخرجه البخاري عن ابي سعيد عن النبي ﷺ: «يوم يكشف ربنا عن ساقه فيسجد له كل مؤمن ومؤمنة ويبقى من كان يسجد في الدنيا رياء وسمعة فيذهب ليسجد فيعود ظهره طبقاً واحداً، (البخاري، ١٤٠١، ج:٦، ٧٢) مع ان الساق كناية عن الكرب والشدة. (التيمي، ١٩٧٠، ج:٢، ٢٦٦)

- الترغيب في قراءة القرآن

يبدو ان الكثير روايات فضائل السور من الروايات الموضوعية، وضعت لترغيب الناس بقراءة القرآن، فقد روى ابن الجوزي بسنده عن ابي عمار المروزي قال: قيل لابي عصمة نوح ابن ابي مريم: من اين لك عن عكرمة عن بن عباس في فضائل القرآن سورة سورة وليس عند أصحاب عكرمة هذا! فقال: اني رأيت الناس أعرضوا عن القرآن واشتغلوا بفقّه أبي حنيفة ومغازي ابن إسحاق فوضعت هذا الحديث حسبة. وقد حكى مؤمل بن إسماعيل أن رجلاً وضع في فضائل القرآن حديثاً طويلاً. (الموضوعات، ابن الجوزي، ١٣٨٦، ج:١، ٤١)

٣. الإسرائيليات في التفسير

الإسرائيليات في اصطلاح اهل التفسير: كل ما تطرف للتفسير من اساطير قديمة، منسوبة في اصل روايتها الى مصدر يهودي او نصراني او غيرهما. (معرفة، ٢٠٠٩، ج ٢: ٥٩٤)

بل توسع بعضهم في تعريف الإسرائيليات فجعل منها كل ما هو مدسوس في التفسير من قبل اعداء الاسلام.

وهي نوع وضعا على الرسول ﷺ وانما اطلق علماء التفسير والحديث لفظ الإسرائيليات على كل ذلك من باب التغليب للون اليهودي على غيره؛ لان غالب ما يروى من هذه الخرافات والاباطيل يرجع الى مصدر يهودي. (ينظر: الأمين، ١٤٢٨: ٨٣)

وقد تنبه النبي محمد ﷺ الى خطر تلك الروايات فنهى عن الاخذ بها، فقد اخرج احمد في مسنده: عن جابر بن عبد الله أن عمر بن الخطاب أتى النبي ﷺ بكتاب أصابه من بعض أهل الكتب فقرأه النبي ﷺ فغضب فقال أمتهوكون فيها يا ابن الخطاب والذي نفسي بيده لقد جئتكم بها بيضاء نقية لا تسألوهم عن شيء فيخبروكم بحق فتكذبوا به أو بباطل فتصدقوا به والذي نفسي بيده لو أن موسى كان حيا ما وسعه الا أن يتبعني. (ابن حنبل، بي تا، ج ٣: ٣٨٧)

وانكر بعض الصحابة على من يأخذ بروايات اهل الكتاب ، فقد روي عن ابن عباس انه قال: يا معشر المسلمين كيف تسألون أهل الكتاب وكتابكم الذي انزل على نبيه صلى الله عليه وسلم أحدث الاخبار بالله تقرؤنه لم يشب وقد حدثكم الله ان أهل الكتاب بدلوا ما كتب الله وغيروا بأيديهم الكتاب. (البخاري، ١٤٠١، ج ٣: ١٦٣)

ولما كثر من الصحابة سؤالهم اهل الكتاب عن بعض ما لم يرد في القرآن، أصبحت هذه النقول تشكل خطراً للذس في التفسير وفتحت الباب واسعاً امام الإسرائيليات لدخولها تفاسير المسلمين.

قال الذهبي: بل لا اكون مبالغاً ولا متجاوزاً حد الصدق ان قلت ان كتب التفسير كلها انزلت مؤلفوها إلى ذكر بعض الإسرائيليات، وإن كان يتفاوت قلة وكثرة وتعقيباً عليها وسكوتاً عنها. (الذهبي، ١٤٠٥: ١١٩)

وقال العلامة الطباطبائي: ان انساب الإسرائيليات وما يخلق بها من الموضوعات والمدسوسات بين رواياتنا لا سبيل إلى انكاره ولا حجية في خبر لا يؤمن فيه الذس والوضع. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٢: ١١٢)

والشواهد على وجود الإسرائيليات في تفاسير المسلمين كثيرة منها:

- ما ينقله الطبري في شأن نبي الله داود وان له تسع وتسعون امرأة وكيف انه دفع بقائد الجيش للحرب كي يقتل ويتزوج زوجته. (الطبري، ١٩٩٥، ج ٢٣: ١٧٠)

- قصه الجساسة التي رواها مسلم في صحيحه (ينظر: القشيري النيسابوري، بى تا، ج ٨: ٢٠٤) والتي تثبت فضيله لتميم الداري من خلال خرافه لا يمكن لعامل أن يصدقها.

- قصه هاروت وماروت التي يرويها السيوطي في الدر المنثور، وفيها من الخرافة ما فيها. (ينظر: السيوطي، ١٤٠٤، ج ١: ٤٦)

- قصه عوج بن عوق الذي كان طوله ثلاثة الاف ذراع وكان يمسك الحوت فيشويه في عين الشمس، وان طوفان نوح لم يصل الى ركبته (الطبري، ١٩٩٥، ج ١٧: ١٣٣) وغيرها من الإسرائيليات والتي اكثرها

يمس عصمه الانبياء اعرضنا عن ذكرها طلب للاختصار ويمكن ان تراجع في مضانها. (ينظر: معرفة، ٢٠٠٩، ج:٩: ١٩٩-١٢٩)

- اعتماد اكثر التفاسير الروائية على أقوال الصحابة والتابعين في التفسير على نحو اعتمادهم على المأثور من المعصوم، الامر الذي يجعل الكثير من الأحاديث ليست بحجه في التفسير لأنها لم تنقل عن المعصوم. (معرفة، ١٤٢٦، ج:٢: ٥٣٩)

منهج العلامة الطباطبائي في نقد الرواية

سلك العلامة الطباطبائي منهجاً مهماً في التعامل مع روايات التفسير من خلال نقد متن الحديث بالعرض على القرآن الكريم، ولم يسبقه الى هذا المنهج أي مفسر وأن كان لهذا المنهج جذور في روايات المعصومين أستفاد منها العلامة الطباطبائي ووظفها لخدمة القرآن، وهذا ديدنه في الاستفادة من روايات المعصومين واستخراج القواعد التفسيرية منها، وبهذا المنهج حل العلامة إشكاليات الروايات التفسيرية وجعلها توصف بالعلم بعدما كانت توصف بالظن. وسوف يتركز الكلام في هذا المبحث عن منهج العلامة الطباطبائي ومبررات منهجه وتطبيقات منهجه في نقد الرواية.

١. التعريف بمنهج العلامة الطباطبائي في التعامل مع الرواية

تقدم الكلام في المبحث الأول عن حجية الخبر الواحد في التفسير وإشكالياته وخلصنا إلى أن رأي السيد الطباطبائي هو عدم جواز تفسير القرآن روئياً إلا بالخبر المتواتر والآحاد الصحيح المحفوظ بقرائن قطعية، لأن البحث في القرآن الكريم عن إثبات الواقع فلا يمكن الاستناد إلى الرواية ما لم

تكن علماءً وما دام البحث في الغالبية العظمى من الآيات القرآنية بحثاً في القضايا الواقعية فلا بد من اعتماد العلم.

إما المسائل الفقهية فيمكن الأخذ بخبر الواحد ما دام الأمر هو بحث عن قضايا ضنية فاعتماد الرواية في المجالات الفقهية أمر واقع، لأن الشارع المقدس اجاز العمل بخبر الواحد.

قال السيد الطباطبائي: أن الحجية الشرعية من الاعتبارات العقلانية فتتبع وجود أثر شرعي في المورد يقبل الجعل والاعتبار الشرعي والقضايا التاريخية والأمر الاعتقادي لا معنى لجعل الحجية فيها لعدم أثر شرعي ولا معنى لحكم الشارع بكون غير العلم علماً وتعييد الناس بذلك، والموضوعات الخارجية وإن أمكن أن يتحقق فيها أثر شرعي إلا أن آثارها جزئية والجعل الشرعي لا ينال إلا الكليات. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٠: ٣٥١)

فلأجل الأخذ بالروايات الآحاد في التفسير وحل الإشكاليات السندية وإشكاليات التعارض الممتني أتخذ السيد الطباطبائي منهجاً خاصاً في التعامل مع الرواية وهو عرض الرواية على القرآن وجعل القرآن شاهداً على صدق الرواية أو على كذبها من دون الخوض في نقاش سندها.

قال السيد الطباطبائي في رسالة بريدية أرسلها إلى الأستاذ علي الأوسي بإملاء أحد طلبته لتوضيح منهجه في التعامل مع الرواية «الاستعانة بالروايات عن النبي ﷺ والأئمة عليهم السلام في تأييد المعنى المستفاد من الآية أو بمعنى أصح عرض الروايات على الآيات وإثبات مضامين الروايات وذلك عن طريق تأييد الآيات لما جاء في مضمون تلك الروايات من دون التعرض لأسانيد تلك الروايات بعدما تبين لنا مطابقة مضمونها لنص القرآن.. فالأصل أذن المعنى

المستفاد من الآية ومن ثم الاستعانة بالآية في إثبات صحة ما ثبت في الرواية والاستعانة بالرواية لتأكيد ما ثبت في الآية. (الأوسي، ١٤٠٥: ١٥٢)

ووفق هذا المنهج يعتبر العلامة الطباطبائي من أشد المدافعين عن الرواية من خلال إيجاد المؤيد لها. فمع أن الرواية ظنٌ فتنحول إلى علمٍ بعد أن تؤيد بالعلم لأن القرآن قطعي الدلالة فتصبح الرواية محفوفة بقريضة قطعية.

وعلى هذا المنهج سار السيد كمال الحيدري في تصحيح الرواية من خلال جمع القرائن لتحصيل الوثوق فيكون البحث عن الخبر الموثوق لا خبر الثقة، وجعل من العرض على القرآن الكريم القريضة الأولى لنقد الرواية ومعرفة صحتها من عدمها «ومن هنا نفهم لماذا يشترط السيد الحيدري علم التفسير وعلم القرآن كأول علم يحتاجه العالم الديني لاستنباط المعارف الديني، وذلك لأنه يرى بأن أول خطوة يجب أتباعها في أي رواية، سواءً كانت في باب فقهي أو تفسيري أو عقائدي هي العرض على كتاب الله، فإذا كانت معارضة له يُضرب بها عرض الجدار». (<http://aldiyarlondon.com/2012-08-09-12-36->)

(201-articles/10821-2013-11-22-12-44-15)

وينبه السيد كمال الحيدري على نقطة مهمة في عرض الرواية على القرآن إذ يقول: ليس العرض بأن نجد موافقاً له تفصيلاً أو أن لا يخالفه تفصيلاً، بل أن يكون موافقاً مع الروح العامة التي تحكم كل معارف القرآن، وأن لا يكون مخالفاً للروح العامة التي تحكم كل معارف الإسلام.

(<http://alhaydari.com/ar/2012/09/39605>)

ومسألة نقد متن الحديث من خلال العرض على القرآن من المسائل القديمة ولعل تاريخها يرجع إلى ما بعد وفاة الرسول ﷺ عندما احتجت

الزهراء على الخليفة الأول حينما منعها فدك بقوله «أني سمعت رسول الله ﷺ يقول نحن معاشر الأنبياء لا نورث ذهباً ولا فضة».

فانتقدت متن الحديث من خلال استدلالها بشواهد قرآنية هي: «يَرْتُبِي وَيَرْتُّ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مريم، ٦) وقوله تعالى: «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ...» (النمل، ١٦)

فبينت أن هذه الرواية لا تصمد أمام النقد العلمي لأنها تخالف القرآن الكريم. (ينظر: سامي شير علي، ١٤٢٨: ٥٠-٤٩)

ولمسألة نقد متن الحديث في فترة عصر صدر الإسلام شواهد كثيرة يمكن مراجعتها في مضانها. (ينظر: سامي شير علي، ١٤٢٨: ٦٨-٥١)

وعليه يكون العلامة الطباطبائي قد أوجد حلاً للإشكاليات السندية وإشكاليات تعارض الروايات مع القرآن ومع بعضها البعض وفق منهج أصل له أئمة أهل البيت وطبقة السيد الطباطبائي في تفسيره.

المبررات لمنهج الطباطبائي في توجيه الرواية

لمنهج نقد متن الرواية من خلال العرض على القرآن عند العلامة الطباطبائي عدة مبررات أهمها:

١. أحاديث العرض على القرآن

عرض الحديث على القرآن قاعدة مهمة في قبول الرواية أو ردها من خلال جعل القرآن الكريم حاكم على الرواية وميزان لتمييز الصحيح من السقيم، وقد ورد فيها الكثير من الروايات عند الشيعة والسنة، حتى قال البعض بتواترها معنوياً، (ينظر: الأنصاري، ١٤١٩، ج١: ٢٤٧) والأدلة على هذه القاعدة كثيرة منها:

- عن هشام بن الحكم عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «قال رسول الله في خطبة بمنى أو بمكة: يا أيها الناس ما جانكم عنى يوافق القرآن فأنا قلتة وما جانكم عنى لا يوافق القرآن فلم أقله». (العياشي، ١٣٨٠، ج: ١، ٨)
- عن السكوني ، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «قال أميرالمؤمنين عليه السلام: إن على كل حق حقيقة وعلى كل صواب نورا». (الكليني، ١٣٦٣، ج: ٢، ٥٤)
- عن أيوب بن الحر قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: «كل شئ مردود إلى الكتاب والسنة، وكل حديث لا يوافق كتاب الله فهو زخرف». (الكليني، ١٣٦٣، ج: ١، ٦٩)
- عن عبد الرحمن بن أبي عبدالله عليه السلام قال: «قال الصادق عليه السلام: إذا ورد عليكم حديثان مختلفان فاعرضوهما على كتاب الله، فما وافق كتاب الله فخذوه، وما خالف كتاب الله فردوه، فإن لم تجدوهما في كتاب الله فاعرضوهما على أخبار العامة، فما وافق أخبارهم فذروه، وما خالف أخبارهم فخذوه». (الحر العاملي، ١٤١٤، ج: ٢٧، ١١٨)
- عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إنها تكون بعدي رواة عني الحديث، فأعرضوا حديثهم على القرآن، فما وافق القرآن فخذوا به، وما لم يوافق القرآن فلا تأخذوا به». (الدارقطني، ١٤١٧، ج: ٤، ١٣٤)
- عن أبي جعفر عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه دعا اليهود فسألهم فحدثوه حتى كذبوا على عيسى فصعد النبي صلى الله عليه وآله المنبر

فخطب الناس فقال: «إن الحديث سيفشو عني فما أتاكم عني يوافق القرآن فهو عني وما أتاكم عني يخالف القرآن فليس عني». (الشافعي، ١٤٠٣، ج٧: ٣٥٨)

وقد يسأل البعض إذا كان التفسير الروائي حجة وقد تقدم إثبات ذلك فلماذا تُعرض الروايات على القرآن وما ذلك إلا تعارض بين الأمرين؟
ويجاب بأنه لا منافاة بين حجية السنة في التفسير وكونه المصدر الثاني للتشريع وبين روايات العرض على القرآن لأن الذي يُعرض على القرآن هو الحديث الذي يُشك في صدوره عن المعصوم وليس الحديث الثابت عنه فلا اشكال في الأخذ به والعمل بمقتضاه لأن طاعة الرسول نابعة من طاعة الله.
(ينظر: سامي شير علي، ١٤٢٨: ١٥٦)

٢. القرآن مصباح وميزان

كثيرة هي الآيات التي تحث على التدبر والتفكر في آيات القرآن الكريم قال تعالى: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا». (محمد، ٢٤)
وصرحت آيات أخرى بأنه نورٌ وهدى وتبيانٌ لكل شيء، قال تعالى: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (النساء، ١٧٤)، وقال تعالى: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ». (النحل، ٨٩)

ولازم ذلك أن القرآن دوره دور المصباح الذي يضيء الطريق، لذا ورد في روايات المعصومين حثٌ وتأكيدهُ على اللجوء إلى القرآن والتمسك به فقد جاء في الرواية عن النبي ﷺ أنه قال: «... فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن فإنه شافع مشفع وماحل مصدق ومن جعله أمامه

قاده إلى الجنة ومن جعله خلفه ساقه إلى النار...»، (الكليني، ١٣٦٣، ج ٢: ٥٩٩) وفي حديث الثقلين الداعي لتمسك بالقرآن والسنة إشارة لما تقدم. فصار القرآن ميزان نحتكم إليه عند الاختلاف، ومنه الاختلاف في صحة صدور الرواية عن المعصوم من عدمه.

فعلى مبنى السيد الطباطبائي لا يمكن اعتماد مرجعيات أخرى غير القرآن في فهم النص لأن القرآن مصباح وميزان، قال السيد الطباطبائي: ولازم ذلك أن يكون القرآن الذي يعرف نفسه (بأنه هدى للعالمين ونور مبين وتبيان لكل شئ) مهدياً إليه بغيره ومستتيراً بغيره ومبيناً بغيره، فما هذا الغير! وما شأنه! وبماذا يهدي إليه! وما هو المرجع والملجأ إذا اختلف فيه! وقد اختلف واشتد الخلاف. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١: ٩)

وقال في موضع آخر: وحاشا أن يكون القرآن تبياناً لكل شئ ولا يكون تبياناً لنفسه، وقال تعالى: «هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان». وقال تعالى: «إنا أنزلنا إليكم نورا مبيناً الآية». وكيف يكون القرآن هدى وبينة وفرقانا ونورا مبيناً للناس في جميع ما يحتاجون ولا يكفيهم في احتياجهم إليه وهو أشد الاحتياج. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١: ١١)

وهذا النتيجة التي يخلص إليها العلامة الطباطبائي تبرر منهجه في توجيه الرواية من خلال العرض على القرآن لأن القرآن له دور الميزان على غيره.

التوجيه في ضوء المنهج العام للتفسير (تفسير القرآن)

المنهج العام الذي ابتنى عليه تفسير الميزان هو (تفسير القرآن بالقرآن)، من خلال ضم الآية إلى أختها فما أجمل في آية يُبين في أخرى.

وقد أشار المعصومون إلى هذا المنهج قديماً فعن الأمام علي عليه السلام: «كتاب الله تبصرون به وتنطقون به وتسمعون به وينطق بعضه ببعض ويشهد بعضه على بعض». (نهج البلاغة : الخطبة ١٣٣)

ولعل السيد الطباطبائي هو أول من طبق هذا المنهج في تفسيره. قال الشيخ سبحاني: لا بد لنا في البداية من الاعتراف بأن السيد محمد حسين الطباطبائي هو مؤسس أسلوب التفسير الخاص والتميز، وهو أسلوب لم يرد مثله سوى في أخبار آل بيت النبوة. فكان العلامة أول من أثار انتباه الأمة الإسلامية إلى أهمية هذا الأسلوب التفسيري الذي عُرف فيما بعد بـ (تفسير القرآن بالقرآن) الذي يهدف إلى إزالة الغموض عن آية بواسطة آية أخرى. (مجموعة مؤلفين، ٢٠١٢: ٤٧-٤٦) وفي ضوء هذا المنهج حاكم الروايات بضم الرواية إلى الآية وجعل من بعض الآيات ركائز لمنهجه التفسيري.

قال الشيخ عبدالله جوادي آملي: أطلق المرحوم العلامة عبارة غُرر الآيات على الآيات القرآنية الرئيسية (أو الأساس) التي كان يعتبرها وسيلة دقيقة لحل الكثير من المعضلات الموجودة في الآيات القرآنية الأخرى إلى جانب اعتماده عليها قاعدة صلبة لحل بعض الاشكاليات الواردة في الأحاديث. (مجموعة مؤلفين، ٢٠١٢: ٩٧)

ولم يقتصر هذا الأسلوب على توجيه الرواية بل شمل حتى علوم القرآن فكان انعكاسه واضحاً في بيان المكي والمدني، وأسباب النزول ... الخ. (الأوسي، ١٤٠٥: ٢١٦ و٢١٢)

- الإشكاليات السندية

من المعلوم أن أهم الإشكاليات التي تواجه المفسر هي اشكاليات سند الرواية، ولأنّ الرواية هي المصدر الثاني للتشريع فلا بد من إيجاد طريقة لتصحيح الرواية من دون النظر إلى سندها، فكان الطريق الذي اختاره السيد الطباطبائي هو نقد المتن وإحفاؤه بقرينة قطعية ليكون علماً فأوجد مخرجاً لحل الإشكالية ولعل بعض الروايات رفضت ولكن السيد الطباطبائي يقبلها على أساس موافقتها للقرآن الكريم، ولم يكن السيد الطباطبائي يرفض العمل بالرواية كما يتصور البعض.

قال الشيخ سبحاني: إن شغف العلامة الطباطبائي بالحديث وعلومه لا يمكن وصفه، فقد كان يشير على الدوام إلى أن المعارف الإسلامية في القرآن غالباً ما تكمن في الآيات المكية وأحاديث أهل البيت النبوة. (مجموعة مؤلفين، ٢٠١٢: ٦٥)

تطبيقات لمنهج العلامة في نقد الرواية

١. تأييد المعنى القرآني دليل صحة الرواية

كثيراً ما نجد العلامة في تفسيره يُعضد ما توصلي إليه من معنى من خلال الروايات والشواهد على ذلك كثيرة منها:

- في تفسيره لقوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى». (البقرة: ٢٦٤)

يقول العلامة: تدل الآية على حبط الصدقة بلحوق المن والأذى، وربما يستدل بها على حبط كل معصية أو الكبيرة خاصة لما يسبقها من الطاعات، ولا دلالة في الآية على غير المن والأذى بالنسبة إلى الصدقة. (الطباطبائي،

ثم يؤيد ما توصل إليه برواية الأمام الصادق عليه السلام عن الرسول صلى الله عليه وسلم قال: «من أسدى إلى مؤمن معروفا ثم أذاه بالكلام أو من عليه فقد أبطل صدقته». (الحر العاملي، ١٤١٤، ج:٩: ٤٥٤)

- وفي تفسيره لقوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ». (ال عمران، ١٠٢)

يقول العلامة: أن التقوى وهو نوع من الاحتراز إذا كان تقوى الله سبحانه كان تجنباً وتحريماً من عذابه. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج:٣: ٣٦٧)
ثم يؤيد كلامه برواية ابن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم: «يطاع فلا يعصى ويذكر فلا ينسى ويشكر فلا يكفر». (الحر العاملي، ١٤١٤، ج:١٥: ٢٣٥)

٢. رفض الروايات لمخالفتها القرآن الكريم

تعرض العلامة الطباطبائي لكثير من الروايات بالنقد ورفضها لمخالفتها القرآن الكريم ومن تلك الروايات:

- ما رواه السيوطي في الدر المنثور عن عبادة بن الصامت قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أيكم يبإيعني على هؤلاء الآيات الثلاث ثم تلا قل تعالوا أتل ما حرم ربكم عليكم إلى ثلاث آيات ثم قال فمن وفى بهن فأجره على الله ومن انتقص منهن شيئاً فآذركه الله في الدنيا كانت عقوبته ومن أخره إلى الآخرة كان أمره إلى الله ان شاء آخذه وان شاء عفا عنه». (السيوطي، ١٤٠٤، ج:٣: ٥٤)

فلا يقبلها العلامة لأنها تخالف القرآن إذ يقول: أقول: والرواية لا تخلو عن شئ فإن فيما ذكر في الآيات الشرك بالله ولا تكفى فيه عقوبة الدنيا ولا تناله مغفرة في الآخرة بنص القرآن، قال تعالى: «إن الله لا يغفر أن يشرك به»

(النساء، ٤٨) وقال: «إن الذين كفروا وماتوا وهم كفار أولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس أجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون». (البقرة، ١٦٢)

وما رواه الطبرسي عن قتادة قال: كانت الآية تنسخ بالآية، وينسي الله نبيه من ذلك شيئاً. (الطبرسي، ١٤١٥، ج: ١، ٣٤١)

ويعلق العلامة على هذه الرواية بقوله: أقول: وروى فيه أيضاً في معنى الانساء روايات عديدة وجميعها مطروحة بمخالفة الكتاب كما مر في بيان قوله: أو ننسها. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج: ١، ٢٥٦)

٣. نقد روايات أسباب النزول

المسلك الذي سلكه العلامة في قبول روايات أسباب النزول لا يختلف عما سلك في تعامله مع روايات التفسير وهذه الطريقة تسقط أكثر الروايات عن الاعتبار، إلا إن ما يوافق القرآن الكريم يكسب الاعتبار والوثوق. (ينظر: الطباطبائي، ٢٠٠٧: ١٢٩)

ومن الأمثلة على ذلك ما يذكره العلامة الطباطبائي في سبب نزول قوله تعالى: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...». (الحديد، ١٦)

أفاد المفسر أن في الآية عتاباً للمؤمنين على ما عرض لقلوبهم وعدم خشوعها لذكر الله والحق النازل من عنده. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج: ١٩، ١٦)

وفي البحث الروائي ذكر سبب النزول الذي يرويه الأعمش قال: لما قدم أصحاب رسول الله ﷺ المدينة فأصابوا من لين العيش ما أصابوا بعد ما كان بهم من الجهد فكأنهم فترتوا عن بعض ما كانوا عليه فوعتبتوا فنزلت ألم يأن للذين آمنوا لآية. (السيوطي، ١٤٠٤، ج: ٦، ١٧٥)

ووصفها العلامة بأنها أعدل الروايات في سبب النزول (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٩: ١٦٨) وذكر بعد ذلك رواية في سبب نزولها عن عبد الله بن مسعود ولكن العلامة يرفضها لأن الرواية تفيد أن الآيات مكية وسيق آيات السورة مدنية، قال العلامة: وقد عرفت أن سياق آيات السورة تألّى إلا أن تكون مدنية، ويمكن حمل رواية ابن مسعود على كون آية «ألم يأن» الخ أو هي والتي تتلوها مما نزل بمكة دون باقي آيات السورة. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٩: ١٦٩)

٤. نقد القصص التاريخية

كما أن العلامة الطباطبائي يخضع الرواية للقرآن الكريم لنقد متنها، فكذلك القضايا التاريخية ينقدها من خلال القرآن ومن ذلك:

• رفضه قصة ورقة بن نوفل لمخالفتها صريح القرآن

يقول العلامة منتقداً القصة، القصة لا تخلو من شئ وأهون ما فيها من الاشكال شك النبي ﷺ في كون ما شاهده وحيا إلهيا من ملك سماوي ألقى إليه كلام الله وتردده بل ظنه أنه من مس الشياطين بالجنون، وأشكل منه سكون نفسه في كونه نبوة إلى قول رجل نصراني مترهب وقد قال تعالى: «قل إني على بينة من ربي» (الأنعام، ٥٧) وأي حجة بينة في قول ورقة؟ وقال تعالى: «قل هذه سبيلي ادعوا إلى الله على بصيرة أنا ومن اتبعني» فهل بصيرته هي سكون نفسه إلى قول ورقة؟ وبصيرة من اتبعه سكون أنفسهم إلى سكون نفسه إلى ما لا حجة فيه قاطعة؟ وقال تعالى: «إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح والنبيين من بعده» (النساء، ١٦٣) فهل كان اعتمادهم في نبوتهم على مثل ما تقصه هذه القصة؟ والحق أن وحي النبوة والرسالة يلازم اليقين من النبي والرسول بكونه من الله تعالى على ما ورد عن أئمة أهل البيت عليهم السلام. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ٢٠: ٣٢٩)

• رفض العلامة أن يكون (كهف أفسوس) الذي يقع في مدينة أفسوس التركية هو الكهف المذكور في القرآن لأن أوصاف كهف أفسوس لا تتناسب مع الأوصاف المذكور في القرآن الكريم للكهف. (الطباطبائي، ١٤١٧، ج ١٣: ٢٧٦)

الخاتمة

توصل البحث الى النتائج التالية:

- الاتجاه المعتدل في التعامل مع الرواية التفسيرية هو الاتجاه الذي يجعل من الرواية وسيلة وقرينة للتفسير، ويجعل من القرآن شاهداً ومؤيداً لصحتها.
- رغم الإشكاليات السندية لروايات التفسير فإن لها دوراً كبيراً في مجال التفسير فهي مبينة أو مؤكدة لما ورد في القرآن الكريم أو مؤسسة لما لم يرد في القرآن الكريم.
- يمكن اعتبار العلامة الطباطبائي من أشد المدافعين عن الرواية، ففي منهجه الذي سلكه في نقد متن الرواية من خلال العرض على القرآن، أوجد مؤيدات وقرائن للروايات الظنية، فحول دلالتها من ظن الى علم، بالإضافة الى حل إشكاليات التعارض بين الروايات.
- المنهج الذي أتبعه العلامة الطباطبائي له تأصيلات نظرية في روايات أهل البيت، وهذا منهجه في التأسيس لقواعد التفسير عن طريق استنطاق روايات المعصومين.

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. نهج البلاغة.
٣. الأمين، إحسان (١٤٢٨). منهج النقد في التفسير. بيروت: دار الهادي.
٤. الأنصاري، مرتضى (١٤١٩). فرائد الأصول. تحقيق لجنة تحقيق تراث الشيخ الأعظم. قم: مجمع الفكر الإسلامي.
٥. ابن حنبل، أحمد (بي تا). مسند أحمد. بيروت: دار صادر.

٦. ابن الجوزي، أبي الفرج عبدالرحمن بن علي (١٣٨٦). الموضوعات. تقديم وتحقيق عبدالرحمن محمد عثمان. المدينة المنورة: المكتبة السلفية.
٧. ابن حجر العسقلاني، شهاب الدين (١٣٧٩). فتح الباري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
٨. الايرواني، محمد باقر (١٤٢٨). دروس تمهيدية في القواعد الرجالية. ط٢. قم: مؤسسة مدين.
٩. الأوسي، علي (١٤٠٥). الطباطبائي ومنهجه في تفسيره الميزان. طهران: معاونية الرئاسة للعلاقات الدولية في منظمة الإعلام الإسلامي.
١٠. البخاري، أبو عبدالله محمد بن إسماعيل (١٤٠١). صحيح البخاري. بيروت: دار الفكر.
١١. التيمي، أبو عبيدة معمر بن المشي (١٩٧٠). مجاز القرآن. ط٢. تحقيق محمد فؤاد سزكين. بيروت: دار الفكر.
١٢. الحر العاملي، محمد بن حسن (١٤١٤). وسائل الشيعة. ط٢. قم: مؤسسة آل البيت.
١٣. الحسيني الميلاني، السيد علي (١٤٣١). حديث الثقلين. قم: مركز الحقائق الإسلامية.
١٤. الخوئي السيد أبو القاسم (١٩٧٥). البيان في تفسير القرآن. ط٤. بيروت: دار الزهراء.
١٥. الدارقطني، علي بن عمر (١٤١٧). سنن الدارقطني. تعليق وتخريج مجدي بن منصور سيد الشوري. بيروت: دار الكتب العلمية.
١٦. الرضائي الإصفهاني، محمد علي (١٤٢٦). دروس في المناهج والاتجاهات التفسيرية. قم: منشورات المركز العالمي للدراسات الإسلامية.

منهج التفسير عند العلامة الطباطبائي.../٣٠٧

١٧. الزركشي، بدرالدين محمد بن عبدالله (١٩٥٧). البرهان في علوم القرآن. بيروت: دار إحياء الكتب العربية.
١٨. الذهبي، محمد حسين (١٤٠٥). الإسرائيليات في التفسير والحديث. دمشق: دار الإيمان.
١٩. سامي شير علي، حسين (١٤٢٨). القواعد المنهجية لنقد متن الحديث. النجف الأشرف: دار الضياء.
٢٠. السيوطي، جلال الدين (١٤٠٤). الدر المشور في التفسير بالمأثور. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٢١. الشافعي، محمد بن إدريس (١٤٠٣). الأم. ط ٢. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٢٢. الطباطبائي، السيد محمد حسين (٢٠٠٧). القرآن في الإسلام. ترجمة السيد أحمد الحسيني. ط ٢. قم: مؤسسة الثقلين الثقافية.
٢٣. الطباطبائي، السيد محمد حسين (١٤١٧). الميزان في تفسير القرآن. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
٢٤. الطبرسي، أبوعلي الفضل (١٤١٥). تفسير مجمع البيان. تحقيق لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٢٥. الطبري، محمد بن جرير (١٩٩٥). جامع البيان (تفسير الطبري). ضبط وتوثيق وتخريج صدقي جميل العطار. بيروت: دار الفكر.
٢٦. الطوسي، محمد بن حسن (١٤٠٩). التبيان في تفسير القرآن. تحقيق أحمد حبيب قصير العاملي. قم: مكتب الإعلام الإسلامي.
٢٧. العياشي، محمد بن مسعود (١٣٨٠). تفسير العياشي. تحقيق السيد هاشم الرسولي المحلاتي. طهران: المكتبة العلمية الإسلامية.

٢٨. الفيض الكاشاني، محمد محسن (١٤١٦). التفسير الصافي. بتحقيق حسين الأعلمي. ط٢. طهران: مكتبة الصدر.
٢٩. القزويني، محمد بن يزيد (١٤١٥). سنن ابن ماجة. تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار الفكر.
٣٠. القشيري النيسابوري؛ أبي الحسين مسلم (بي تا). صحيح مسلم. بيروت: دار الفكر.
٣١. الكليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٣). الكافي. تصحيح وتعليق علي أكبر الغفاري. ط٥. طهران: دار الكتب الإسلامية.
٣٢. المجلسي، محمد باقر (١٩٨٣). بحار الأنوار. بيروت: مؤسسة الوفاء.
٣٣. مجموعة مؤلفين (٢٠١٢). مفسراً وفيلسوفاً. تعريب عباس صافي. بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي.
٣٤. معرفة، محمد هادي (١٤٢٦). التفسير والمفسرون بثوبه القشيب. ط٢. مشهد المقدسة: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
٣٥. معرفة، محمد هادي (٢٠٠٩). التمهيد في علوم القرآن. ط٢. قم: منشورات ذوي القربى.
٣٦. بحث خارج الفقه. مفاتيح عملية الاستنباط الفقهي. الدرس رقم ٩٦. على الرابط: <http://alhaydari.com/ar/2012/09/39605>
٣٧. حب الله، حيدر. التفسير الأثري عند المسلمين، مطالعة في المفهوم، الأدوار، التاريخ، الأعمال، الإشكاليات. موقع حيدر حب الله: <http://hobbollah.com/books>
٣٨. عبد الأعلى، سلمان. نظرة حول منهج السيد كمال الحيدري في التعامل مع الرواية. سلمان عبد الأعلى على الرابط: <http://aldiyarlondon.com/2012-08-09-12-36-20/1-articles/10821-2013-11-22-12-44-15>

القراءات الخاطئة للدين؛ التيارات التكفيرية ودورها في تباعد العالم الإسلامي

الكتاب: مالك مهدي خلسان (أمريكا)،^١ الدكتور. رياض عبدالحليم الباهلي (عراق)^٢

قبول: ١٤٣٩/٠١/٠٥

استلام: ١٤٣٨/٠٩/٢٢

المستخلص

من التحديات التي تقف أمام تقدم الأمة الإسلامية، والنهوض بحضارتها وفي مقدمة هذه التحديات التي تمويلها الدول الكبرى، لدفعها من الداخل كي تكون شوكة في طريق التقدم، وهذه التيارات هي الحركات التكفيرية، والفتن التي تثيرها سواء كانت هذه الفتن تبث النعرات الطائفية أو إثارة العنف والارهاب بطريقه التكفير، نحت ستار الدين نسال الله البصيرة في الدين، والتامل في التصرفات من كافة الجوانب، وفق ما جاءت به الشريعة الاسلامية، وهذا البحث تعرض فيه الى تعريف التكفير، والعنف ونشر الارهاب، والتعصب والتطرف، وإستخدام السب والشتم واللعن، والإكراه، وزرع الاحقاد بدافع الغرور والتعصب، والإنفعال واستغلال النصوص الدينية والأحاديث، وتوظيفها لنشر التشدد والإستدلال ببعض الآيات التي يحرفونها لأغراضهم، ويفسروها لتشدد والتعصب، وزرع الفتن، ونتطرق الى اسلوب التعامل، وقد تكون بسبب القراءات الخاطئة للدين - ان أحسننا الظن - وكيفية معالجة هذه الأمور كي لا تقف مانعا في وجه الحضارة وان لا تكون عاملا للتباعد في القيم الإسلامية والدين.

الكلمات المفتاحية: القراءات الخاطئة للدين، التيارات التكفيرية، العالم الإسلامي

١. ماجستير فرع التفسير وعلوم القرآن، لجنة القرآن والحديث، كلية علوم القرآن،

جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة، قم، إيران، ammer.5@hotmail.com

٢. استاذ مساعد في لجنة القرآن والحقوق، كلية علوم القرآن، جامعة البصرة، البصرة، العراق،

eraqd@yahoo.com

المقدمة

ان التحديات التي تهدد الحضارة الاسلامية والتي تبرز من الداخل، وتتحرك بشكل واسع النطاق، ويشكل واسع وتحمل تحت طياتها الافكار التكفيرية، وتقوم باستباحة الدماء والاموال والاعراض، تحت ستار الدين لغرض تشويه سمعة الدين، والمسلمين بدافع من الاستكبار العالمي، الذي يسعى الى سلب الاموال، واستغلال الدول الضعيفة، وتوجيه الاتهامات، ووضع الاسباب لغرض التدخل في الامور الداخليه لسيادة البلدان الاسلامية، واستخدام ادواتهم لنشر العنف والفتن والتكفير، وزرع الفتن الطائفية والاحقاد، والعذوانية لاجتياح العالم الاسلامي برمته من الداخل، وانتاج الفكر التكفيري.

فقد ابتلى المسلمون بهذا الداء، وبدات التفرقة تنتشر، والقتل يعم وبات الناس يعيشون بعيدين عن السلام والامن، والامان بدافع الغلو في الدين بتحريض من الاجنبي، واصبحت الدول العربية في تمزق، وقتل واتهامات ليس بسبب الاختلاف السياسي، بل بدافع الظلم، والجهل، والتستر بقناع الدين.

في هذا البحث المتواضع نبين مفهوم التكفير، اسبابه، علاجه، وتوضيح الاسباب والاعراض، والامراض التي يتصف بها التكفيري ويتعلق بها، اما لسوء الفهم بسبب القراءات الخاطئه للدين او القصور في المعرفة الدينيه او الاعراض، والاطماع المالية المدفوعه من قبل الاجنبي، سواء اكانت بشكل مباشر او غير مباشر ومن الله التوفيق.

اسلوب التكفيريين

أبرز الامور التي يتحلى بها التكفيري ويتخذها كأداة لغسل أدمغة الساذجين، والجهلة وسقيمي الفهم، والمتعصبين، والمتطرفين، والمتسرعين بالحكم، والبعيدين عن التسامح أو المجرمين، والمتعصبين، والمرضى المنشغلين بالهوامش،

والمتصفين بسرعة الانفعال والاستعلاء والتضليل، والمفرورين ومن لهم دوافع النقص، وحب البروز على حساب أذى الآخرين من باب خالف تعرف، ومن المتظاهرين بالعلم دون العمل، كل هؤلاء من يساهم ويكون فريسه لتقيل الفكر التكفيري بسهولة، وابتسط الامور التي يلجأ اليها التكفيري: أثبات الكفر، واللعن، والسب، والشتم والعنف، والارهاب والتعصب، والتسرع بالتكفير والاستعلاء، والجرأة على أحكام الله، وكأنه حينما حصل على بعض من القواعد والمعارف العلمية، واستخدمها كوسيله لاثبات جرائمه وأمراضه، وكأنه شارك رب العزة في الاحكام، ويعفي نفسه عن الالتزام والمحاسبة لواقعه أو واقع عائلته ويكون ربوبيا، ومفتيا وصاحب القرار، ويستخدم أسلوب الطاغية والظالم، والاستبداد بالرأي، دون استمالة الى من يوجهه أو من يرشده الى ما يحمله من جهل مركب، سواء أكان تصرفه عن جهل أو عن قصد لاسباب النقص.

قال الامام الصادق عليه السلام: لا يتكبر المتكبر الا نقص في ذاته. في الكافي للكليني: قوله ما من رجل تكبر أو تجبر، الا لذلة وجدها في نفسه.

وعنه: ما من أحديتيه، الا من ذلة يجدها في نفسه، لنبداً في تعريف اللعن في اللغة: اللعن يقع على قسمين:

١. اللعن من الله تعالى: وهو الطرد من رحمته، وهذا النوع من اللعن مختص بالله وحده.

٢. اللعن من الناس: وهو السب. والشتم، زالدعاء على الآخرين. فالنسبة بين السب، واللعن، العموم والخصوص من وجه. مع ان اللعن من الناس كما هو الحال، وسنبيته لاحقاً في الآيات الكريمة يدل على الدعاء من قبل العبد كي يبعد الشخص عن رحمته، لا ان يوجه الشتم والسب والاهانه ضده كما سنبين.

مفهوم اللعن في القرآن

فيمكن النظر اليه لاكثر من جانب:

- الجانب الاول: أما بملاحظة اللاعن من هو؟ هل هو الله أم الانسان؟ فان كان اللعن من الله فهو الطرد من رحمته تعالى، ويكون بحد ذاته عذابا وعقوبة من الباري عز وجل، وأما اذا كان من الناس، فكما قلنا فانه يكون من باب الدعاء على الغير بما يستحق العذاب وطلب الطرد من رحمته تعالى وأنزال العقوبة عليه.

- الجانب الثاني: النظر الى الايات الكريمة، وأوجه اللعن فيها: أكد أغلب المفسرون على أن اللعن في القرآن الكريم له اربعة جوانب:

١. العذاب: يطلق في هذه الايات ويعني فيها العذاب كما هو الحال في قوله تعالى: «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ». (البقرة، ٨٨)

٢. «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِاللِّسَانِ وَأَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا». (النساء، ٤٦)

٣. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ». (البقرة، ١٥٩)

٤. «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا». (الأحزاب، ٥٧)

٥. «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا». (الأحزاب، ٦٤)

- الجانب الثالث: الدعاء من الانسان على غيره من بني جنسه:

١. «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ». (هود، ١٨)
٢. «رَبَّنَا أَنْتُمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَتُمْ لَعْنًا كَبِيرًا». (الاحزاب، ٦٨)

- الجانب الرابع: اللعن المسخ

١. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا». (النساء، ٤٧)

- الجانب الخامس: اللعن، الطرد من الرحمة:

١. «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا». (الأحزاب، ٦١)
٢. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَرَاءُ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ». (آل عمران، ٨٧)

فاللعن المستخدم من الناس: هو دعاء للاخراج من رحمة الله، وليس مرجوحا او واجبا، وان كان جائز في نفسه مع وجود المبررات والاسباب، لكن العفو عن الاخرين أفضل اذا لم يتجاوز الحد الشرعي، والا أصبح محرما لكونه يصبح ها هنا الظالم مظلوما، والمظلوم ظالما.

والحقيقة تكمن في الفرق بين السب والشتم واللعن، والفرق شاسع وواضح؛ لان الله تعالى يبعد عن رحمته الكافر والانسان يدعو ربه لاجراج الكافر عن رحمته، وليس المقصود السب بالمعنى العرفي ملعون مهان كتوجيه الالهانه.

أبدا حاشا رب العزة ان يذل مخلوقا ويهينه باهانات وسب وشتم وتوجيه الناس الى استخدام اللاأخلاقية، وأستخدام الالفاظ القبيحه مطلقا. قال تعالى «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (القلم، ٤).
في رواية لأمير المؤمنين عليه السلام:

روي نصر بن مزاحم: عن عمر بن سعد (الاسدي) عن عبدالرحمن، عن الحارث بن حصيرة، عن عبدالله بن شريك قال: خرج حجر بن عدي وعمر بن الحمق يظهران البراءة من أهل الشام، فأرسل اليهما على أن يكفا عما يبلغني عنكما. فاتياه فقالا: يا أمير المؤمنين ألسنا محقين؟ قال: بلى.

قالا: أوليسوا مبطلين؟

قال: بلى.

قالا: فلم منعنا من شتمهم؟!

قال: كرهت لكم ان تكونوا: لعانين، شتامين تشتمون، وتبترأون، ولكن لو وصفتم مساويء أعمالهم فقلتم من سيرتهم كذا وكذا، ومن أعمالهم كذا وكذا، كان أصوب في القول وأبلغ في العذر (لو) قلتم مكان لعنكم اياهم، وبرائتكم منهم: اللهم احقن دمائهم، ودماننا، واصلح ذات بينهم وبيننا. واهدهم من ضلالتهم، حتى يعرف الحق منهم من جهله، ويرعوي عن الغي والعدوان منهم من لهج به، لكان أحب الي، وخيرا لكم.

فقالا: يا أمير المؤمنين نقبل عظتك ونتأدب بأدبك. وقوله تعالى: (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ).

(الأنعام، ١٠٨)

هذا النهي يدل على قبح السب والشتم، ولو كان اللعن مشاركا لهما في ذلك فدل عدم نهيه عنه، واستخدامه له، ونسبته الى الله لنهى القرآن الكريم عنه، فاللعن بعيد عن السب ومخالفا له تماما. (المجلسي، ١٤٠٣، ج ٣٢: ٣٩٩)

قال السيد الخوئي:

مسألة حرمة سب المؤمن، قوله: التاسعه: سب المؤمن: حرام في الجملة بالادلة الاربعه.

أقول: قد أستقل العقل بحرمة سب المؤمن في الجملة، لكونه ظلما وايدا، وعلى ذلك أجماع المسلمين من غير نكير. وكل سب تترتب عليه مفساد عظيمه كأراقة دماء المؤمنين فهو محرم دون شك.

فالبسطاء والسذج الذين لا يتمكنون من فهم البراهين العلمية ويصدقون الاحاديث الضعيفه لتلبس بعض المغرضين أو مجالس الكفار، فلا شك انهم يرتكبون ذنبا كبيرا من حيث لا يدرون ولا يشعرون بما يفعلون.

وبما ان اللعن أو السب ليس واجبا.

ومن ناحية الاخلاق الاسلاميه والتحلي بالانسانية، والاخلاق الرساليه فمن الارحج تركه وان اعتقد بامه حق، ما دام هذا الشيء يثير الفتنة والكراهيه، وأي فعل يؤدي الى نتائج مؤذيه ومضرة أو تكون قد تعرض المسلمين الى اراقه الدماء فيلزم تركها عقلا. (التوحيدى، ١٣٧٧)

أما تسخير بعض الآيات وتوجيهها لتجوير السب، والشتم بصفة اللعن، فهو باطلا قطعاً وليس من الدين بشيء، ومرفوض عقلاً، وشرعاً وما جاء في تحريف تفسير بعض الآيات؛ يستطيع القاريء الرجوع الى التفاسير، فيجد الحفائق واضحته.

في قوله تعالى (عتل بعد ذلك زنيم) المقصود العتل عظيم الكفر، والزنيم المستتر بكفره وليس للآية علاقه بالمعنى اللغوي الاخر الدعي أو ابن الزنا، والقرآن فيه اسلوب التصوير الفني كما في قوله : (كمثل الحمار يحمل اسفارا) والغاية بيان الجهل وعدم الاستفادة من العلم وقوله (كالكلب ان تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث) اي كمثل الكلب هراش لا صاحب له، ويلهث من غير هدف، ويتضرع من غير ان يجد من يشفق عليه، وهذا التصوير الفني للعمل المتعب؛ لكن دون ان يحصل او يجني فائدة؛ وليس من السب، والاهانة بشيء، وغير ذلك من الآيات التي تفسر بشكل غير صحيح، وأسأل ما هي الغاية من تثبيت تجوير السب للمسلم وهل ان ذلك واجبا، وان كان مسنحبا؛ فهل من الرشد ان نفعل شيئاً مخالف للعقل، ومضر للاخرين علما ان من شروط الامر بالمعروف، والنهي عن المنكر سقوط الواجب عنا في حالة جلب الضرر للاخرين أو للدين؛ ولو اطلعنا الى كافة الاديان السماوية، وحتى العقائد الاخرى؛ فلا نجد قيما ولا دينا مهما كانت ادعائه، يجوز أيداء الاخرين سبهم، وشتمهم ولا يوجد نبي او مرشد؛ يدعو الناس الى الرذيلة واللاأخلاقية.

يا ترى ماذا يريد التكفيريين أثباته؟ هل يريدون ان نعبد رباً يدعو الى اللاأخلاقية والسب والشتم والاهانه؟

اذن فما معنى هذه الايات: (ادع الى سبيل ربك بالحكمه والموعظة الحسنه وجادلهم بالتي هي أحسن) وقوله: (لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم) وقوله (لا تستوي الحسنه ولا السيئه ادفع بالتي هي أحسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم) وقوله (اذهبا الى فرعون انه طغى فقولا له قولا لينا لعله يتذكر أو يخشى) وقوله (وقولا للناس حسنا) وقوله (واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما) وقوله (لا اكراه في الدين) وغير ذلك من الايات (انك لن تهدي من احببت) فيا ترى هل ان التكفيريين قد وكلهم الله كسياط على أعناق الناس لاجبارهم الى الدين، كرها، واعلان العقوبة لكل من لا يتماشى مع افكارهم؟

العملاء المتسترين بقناع الدين الاسلامي

مما لا يخفى على كل عالم دين او متلقي للعلوم الدينيه من معرفة الحقائق وكشف زيف الادعاءات، سواء كانت باسم الاسلام ومذهب اهل البيت أو متخذين من بعض الطوائف (الاخباريه) غطاء لها لوجود بعض اوجه الشبه او الالتقاء في بعض الامور العقائديه؛ منها عدم الاعتقاد بالتقليد، وعدم الاعتقاد في علم الاصول وعلم الفلسفه والمنطق كذريعه للتشابه مع الفارق.

لان هذه الطائفه تتكلم باسم مذهب اهل البيت، وتدعي الاحقيه لنفسها دون اي فئه اخرى، حيث تقوم باعلان السب والشتم والتكفير للمخالفين لمذهب اهل البيت، ويتظاهرون في لباس المدافع عن الحق، لكن الحقيقه خلاف ذلك.

لان أصحاب مذهب اهل البيت يتخلقون باخلاق اهل البيت عليه السلام ويؤمنون بالتقيه؛ التي طالما كان الامام الصادق عليه السلام يحث عليها بقوله: «التقيه ديني

ودين ابائي» وذكر في حديث: عن محمد بن مسلم، عن الإمام الباقر عليه السلام قال: «إنما جعلت التقية ليحقن بها الدم فإذا بلغ الدم فليس تقية». (الكليني، ١٤٢٦، ج٢: ١٦ و٢٢٠)

ان هذه الفرقة اشد الاعداء للدين الاسلامي؛ لانها تحمل بذور العداة واثارة الفتنة بين المذاهب الاسلاميه والعمل بكل قواها لهدم مبدأ الوحدة الاسلاميه التي طالما أكد عليه النبي صلى الله عليه وآله والائمة الاطهار عليهم السلام والعلماء والقاده المسلمين، واکابر المتكلمين في العقائد الاسلاميه لمذهب اهل البيت عليهم السلام حيث اثارَت الفتنة بين صفوف المسلمين، والفتت انتباه المخالفين لمذهب اهل البيت عليهم السلام ظنا منهم بان هؤلاء يتكلمون باسم الشيعة ويمثلوهم، ومما يكثر الشك وقوف اغلب العلماء عن رد هؤلاء او حتى اصدار فتوى بخصوصهم او على الاقل الاستنكار لهم من جانب شرط الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، كونهم يشكلون عائقا في مسير حضارتنا الاسلاميه نحو التقدم، والرقى وتركيز اركان الوحدة الاسلاميه، ومواجهة الصعوبات التي تندفع نحو الاسلام وخصوصا المواجهات الحقيقية والمهمه التي تصدر من الغرب والمحاربه التي تحاول بتر الدعوه الاسلاميه، وليس اعاقه سير تقدمها فقط واعاقه سيرها في درب البناء والتقدم وارساء اساس الحضاره الاسلاميه.

من خلال دراستنا الحوزويه، وخوضنا في المطالب العلميه والاستدلالات الفقهيه والاصوليه، والبحث في آيات الاحكام والقواعد الفقهييه، وبحوث علم الاصول، وعلم الفقه والعقائد، والخبره التي نمر بها وكيف ان بعض الامور نكاد نصور أحيانا بان المشكل في البحث الذي يثيره الخصم، نكاد ان نعتقد بان لا مخرج منه، لكن بعد التحقيق والتحليل نجد الحل والتفسير الحقيقي والشافى، فكيف الحال للعوام من الناس، الذين لا علميه لهم، هؤلاء يصدقون

كل ما يقال وبمجرد استدلال بسيط، وقد لا يجد مشقه بتوجيه الاشكالات، والاختفاء وتوجيه الاتهامات؛ لكل من لا يتوافق مع افكارهم، مهما كانت صفتة وبدون نزعة ورع او خوف او حتى نوع من الاخلاقيه، هؤلاء هم الاعداء الحقيقيون، والذين يقفون امام الحضارة الاسلاميه، ويجعلون سدا منيعا للوصول الى الرقي والتطور، لانهم الواجهه الحقيقيه للعدو والاداء، والعين التي ترصد كل تحركات وتطورات الساحه الاسلاميه ومن الداخل.

اللعن والتكفير للمسلمين حلال في دين التكفيريين

من الطبيعي ان مفهوم اللعن في اللغه هو الطرد والابعاد من الرحمه وذلك من الله. قال الراغب الاصفهاني، اللعن: الطرد من الرحمه، أما السب والشتم مترادفان، وهوان تصف الشيء بما هو ازراء ونقص وهو قبيح الكلام.

اما اللعن من الناس فهو دعاء بالطرد من الرحمه، بالتالي فهو شيء غير السب والشتم اللذابين يعينان الكلام القبيح المستخدم في الذم والتنقيص.

قال تعالى: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ». (الأنعام، ١٠٨)

في وصيته الرسول ﷺ الى ابوذر: «إذا تلاعن اثنان فتباعد عنهما. فإن ذلك مجلس تنفر منه الملائكة». (الطوسي، ١٣٨٠)

وهذا النهي يدل على قبح السب والشتم، فاللعن يبعد كل البعد عن السب والشتم قال رسول الله ﷺ:

المؤمن لا يكون بالطعان ولا باللعان... ليس المؤمن بالسباب ولا البذيء، اما في عرف التكفيريين فاللعن معناه يا ملاعين اي

كالالفاظ التي تطلق بصفة الشتم والاهانه وهذا تفكير الجهله والذين ليس لهم ادنى معرفه باللغه والدين وابسط الامور العقائديه.

قال تعالى: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (القلم، ٤)

فحرمه السب واللعن لا تنزه الطرف الاخر، ولا تبرؤه من كفره ان كان كافرا او من فسقه، ان كان فاسقا.

وقال تعالى: «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ». (الأنعام، ١٦٤)

مخالفة شروط الامر بالمعروف والنهي عن المنكر

الامر بالمعروف والنهي عن المنكر له عدة شروط وهي خمسة على سبيل الحصر:

١. ان تعرف المعروف وتعرف المنكر ولو اجمالا، فلا يجب الامر بالمعروف على الجاهل به، ولا يجب النهي عن المنكر على الجاهل به، نعم يجب التعلم مقدمه للامر بالاول والنهي عن الثاني.
٢. احتمال اتمام المامور بالمعروف بالامر، وانتهاء المنهي عن المنكر بالنهي، فلو علم انه لا يبالي ولا يكثر بهما، فالمشهور بين الفقهاء انه لا يجب شيء تجاهه.
٣. ان يكون تارك المعروف او فاعل المنكر بصدد الاستمرار في ترك المعروف وفعل المنكر، ولو عرف من الشخص انه بصدد ارتكاب المنكر او ترك المعروف ولو لمرة واحده وجب امره او نهيه قبل ذلك.
٤. ان لا يكون فاعل المنكر أو تارك المعروف معذورا في فعله للمنكر او تركه للمعروف، لا اعتقاد ان ما فعله مباح وليس بحرام او ان ما ارتكبه ليس بواجب. نعم، اذا كان المنكر مما لا يرضى الشارع بوجوده مطلقا

كقتل النفس المحترمه فلا بد من الردع عنه، ولو لم يكن المباشر مكلفا فضلا عما اذا كان جاهلا.

٥. ان لا يخاف الامر بالمعروف والناهي عن المنكر ترتب ضرر عليه في نفسه أو عرضه أو ماله بالمقدار المعتد به، ولا يستلزم ذلك وقوعه في حرج شديد لا يحتمل عادة، الا اذا أحرز كون فعل المعروف أو ترك المنكر بمثابة من الاهميه عند الشارع المقدس يهون دونه تحمل الضرر والحرج كخوف الاضرار ببعض المسلمين في نفسه أو عرضه أو ماله بالمقدار المعتد به سقط وجوبه.

اذا كان كذلك، فكيف التكفيريون بالدعوه الى مخالفين المذهب الشيعي، وباساليبهم العجيبة للدعوه الذي لا يرتضيها عقل، ولا نظام، ولا قانون او شريعته في الارض او حتى من له ادنى شعور، ويعلم جيدا ان الشروط للامر بالمعروف والنهي عن المنكر مخرومه ومنتزله، وذلك لانه بهذه الطريقه سوف يعرض المسلمين الى ضرر كبير وحرج شديد للاضرار بارواح المسلمين، وخصوصا الوقت الراهن والعراق تحت طائلة الحرب، علما بان اغلب السائلين من العراق قد اعلنوا سخطهم واحتجاجهم على النتائج التي جرت اثر اعلان السب، والشتم، واللعن للخلفاء، والسيدة عائشه على الفضائيات التي تدعمها الدول الكبرى، وهو على يقين بان هذا الاجراء سيؤدي بحياة المسلمين الاضرار بهم من قبل المخالفين، والذين تاججوا بالحقد والكراهيه لهذا المذهب الذي يعتقدون بان هؤلاء التكفيريين ليس لهم من يمثلهم الا الدول الكبرى التي تمولهم.

وعند توجيه السؤال اليهم يقولوا: لا يوجد تعليق كما هو ديدانهم حينما يسالوا عن الامور الماليه وغسيل الاموال عن طريق التبرعات فجوابهم: لا تعليق. والسبب يعود الى جهلهم أو تعمدهم التستر في الدين كواجهه لاطماعهمك واستغلال ذوي النفوس الضعيفه والقليلي التفقه في الدين والمتسرعين في الاحكام على حساب ارواح الابرياء من أبناء وطنهم.

ما هو السر في عدم تعرض التكفيريين لاي نوع من التهديد من قبل داعش؟ ليس غريبا ان يقوم التكفيريين في سب الصحابه (ابو بكر الصديق، وعمر بن الخطاب، وعثمان بن عفان) وكذلك سب السيده عائشه واتهامها بالفاحشه رغم ذلك، لم نسمع ولا حتى همسا؛ بان داعش قام بتوجيه تحذير او تهديد اليهم؟ علما بان المشهور من داعش: انه يتعرض حتى الى الممثلين او الى اي شخص بدرت منه الاساءه بالقول اليهم والمساس بافكارهم.

فماذا يكون اوضح من ذلك؟ أليس هذا دليلا قاطعا على العماله، ولو لم يكن كذلك فما هو السر وما هذه الصداقة العجيبه بين من يدعي الدوله الاسلاميه، والدفاع عن مذهب السنه، وبين من يسب رموزهم ويلعنهم أمام الملائ كل يوم.

من الغريب ان كافة الدول الاسلاميه تطلق الاتهامات الى الدوله الاسلاميه في ايران، بينما لم نجد اي موقف ضد شخص واحد بمجموعه من الحثالات العميله لن تتعرض لاي انتقاد، هل ذلك بمجرد صدفه؟ ام ان هنالك سبب ما لا يخفى على اي عاقل؟

ثم لنتفكر في المدة الزمنيه التي استمرت فيها هذه الجماعات التكفيرية في سب الصحابه، قد لا تكون كافيه اذا قلنا خمسة عشر سنه، بل اكثر من ذلك ولا يزالوا يعلنوا السباب والشتم وكأن داعش لا علاقه له بالموضوع او انه

لا يسمع او يجهل ما سمعه او كأنه لا يقدر على الوصول الى التكفير، وكلنا يعلم ما اثار في اغلب الدول الاوربيه، كفرنسا المجاورة لانكلترا، والمانيا وغيرها من الدول، تراه نسى أم لم يسمع به؟ ام ان هنالك علاقه مشتركه بينهما اترك الاجابه للقاريء الكريم.

خلافة داعش

بعد اندلاع احداث ١١ سبتمبر ٢٠٠١ توالى الثورات من الداخل سواء من قبل الاكراد او من عقيب الطوائف الداعية الى تجزئه البلد من اشهرها «خلافة داعش التي هي ظاهرة غير محدودة القوة والدعم لانها تفكر بمنطق الجيش وتتبع حرب العصابات وتعيد تحديد اولياتها العسكريه باستمرار وكل هذه العناصر غائبة عن الجبهتين. وهذا التنظيم العسكري يتالف معظمه من ضباط سابقين في الجيش العراقي وسوريين ومنهم من السعوديه والاردن وبلدان اجنبيه». (مناع، ٢٠١٤)

لست بصدد عرض داعش لكن احببت ان ابين احد الموانع التي تقف امام بناء الحضاره علما بانه لا شك من ان اي عربي يعرف جيدا اذا قامت اي مجموعه او عصابه داخل البلد ماذا سيكون مصيرها، وان تجاهل ذلك فليراجع تاريخ الحكام العرب من صدام الى اي حاكم عربي، سيعلم كم من الوقت تاخذ بيدهم لمعالجة هذه المشكله، والقضاء على هذه المجموعه، لكن عندما يكون الامر مؤامرة خبيثه بثتها القوى العظمى، والامبرياليه بواسطه الاعلام وبث السموم، والافكار الخاطئه وتمويلها بكافه الامكانيات، والكفاءات التي تجعل منها قاعده توسعيه تعمل لوحدها مع كبح اي قوه في داخل البلد والكل يعلم ان دخول القوات الامريكيه للعراق.

ماذا قام من اجراءات؟ اولها تفكيك الجيش العراقي، ونزع الاسلحة، وفسح المجال من زمن بعيد للعرب في طلب اللجوء السياسي والانساني في أوروبا لتشتيت افكار المسلمين، وتسميمها بالحضارة الغربية وارجاعهم الى بلدانهم لتوسيع الفتنة، واثارة البلبلة تحت شعار الديمقراطية الزائفة.

واكتفي بأن أبين لكم خبر واحد، قد نشر من بين مئات الاخبار التي تؤكد اكثر من ذلك اي مساعدة ودعم قوى داعش، بالاسلحة وكافة الامكانيات ناهيك عن الدعم المادي، لكن الحمد لله انقلبت عليهم اعمالهم، حيث تجرأ هؤلاء الى الدخول في العمق الى الدول الغربية مصدقين انفسهم بانهم على حق.

واشير الى حديث ينقله السنه انفسهم ولا احب ان انسب الحديث الى مصادره بل انقله عن طريقهم عن الامام علي عليه السلام:

«إذا رأيتم الرايات السود فالزموا الأرض ولا تحركوا أيديكم ولا أرجلكم! ثم يظهر قوم ضعفاء لا يوبه لهم، قلوبهم كزبر الحديد، هم أصحاب الدولة، لا يفون بعهد ولا ميثاق، يدعون إلى الحق وليسوا من أهله، أسماؤهم الكنى ونسبتهم القرى، وشعورهم مرخاة كشعور النساء حتى يختلفوا فيها بينهم ثم يؤتي الله الحق من يشاء».

الإمام علي عليه السلام يخبرنا عن داعش وأخواتها.

- أصحاب الدولة: دولة العراق والشام (داعش)
- أسماؤهم الكنى: يكثرها أبو البراء، أبو مصعب، أبو دجاجة
- نسبتهم القرى: البغدادي، الجولاني، الحراني
- شعورهم كشعور النساء: واضحة جدا جدا، يختلفوا بينهم كما هو وضعهم حاليا، وأهم جملة قالها مولاي أمير المؤمنين عليه السلام هي: يدعون إلى الحق وليسوا من أهله. (الشبكة الوطنية الكويتية)

الأحرار: طائرات التحالف الدولي ترمي الاسلحة لداعش وتقصف الجيش والحشد الشعبي

اتهمت النائبة عن كتلة الأحرار نوال جمعة، الأحد، أمريكا والتحالف الدولي بأنهما لا يريدان القضاء على تنظيم «داعش» حاليا تخوفا على مصالحهما الخاصة وإفشال مخططاتهما، مؤكدة أن طائرات التحالف ترمي الاسلحة والذخائر للتنظيم وتقصف الجيش والحشد الشعبي.

وقالت جمعة في حديث لـ«السومرية نيوز»، إن «الولايات المتحدة الامريكية والتحالف الدولي لديهما القدرة للقضاء على تنظيم داعش الارهابي خلال ايام من خلال إمكانياتهما العسكرية والتكنولوجية التي يمتلكونها بالكشف عن تجمعات داعش عبر الاقمار الصناعية» وأضافت جمعة أن «أمريكا والتحالف الدولي لا يريدان القضاء على داعش في الوقت الحاضر تخوفا على مصالحهما الخاصة وإفشال مخططاتهما»، مشيرة الى أن خير دليل على ذلك تصريحات وزير الدفاع الامريكي السابق بأن القضاء على داعش ستستغرق ٣٠ عاما:

- طيران التحالف يدمر مقرال«داعش» في رواه غربي الانبار
- أدغلو: قوات التحالف الدولي قد تساعد في تحرير الرقة والموصل

وأضافت جمعة أن «أمريكا والتحالف الدولي لا يريدان القضاء على داعش في الوقت الحاضر تخوفا على مصالحهما الخاصة وإفشال مخططاتهما»، مشيرة الى أن «خير دليل على ذلك تصريحات وزير الدفاع الامريكي السابق بأن القضاء على داعش ستستغرق ٣٠ عاما» وتابعت النائبة عن كتلة الأحرار أن «الطائرات الامريكية والتحالف الدولي رمت الاسلحة

والذخائر لتنظيم داعش متحججة بأن ذلك عن طريق الخطأ»، لافتة الى أن «هذه الطائرات قصفت ابناء الجيش والحشد الشعبي في عدد من مناطق البلاد» وكان عضو مجلس الشيوخ الأمريكي جون ماكين اعتبر، اليوم الاحد (١٩ تشرين الأول ٢٠١٤)، أن القصف الجوي لا يجدي نفعا مع تنظيم «داعش» الذي تأقلم مع غارات التحالف الدولي، داعيا الى إيجاد المزيد من القوات البرية وتسليح البيشمركة، فيما لفت الى أن التنظيم الإرهابي غير قادر على السيطرة على بغداد لكنه يستطيع السيطرة على مطارها.

يذكر ان وزير الخارجية البريطاني فليب هاموند نفى، في (١٣ تشرين الاول ٢٠١٤)، قيام الطائرات التابعة للسلاح الجوي الملكي بقصف مناطق يسيطر عليها مقاتلو الحشد الشعبي في العراق، فيما أكد أن الطيران الحربي يحرص على إصابة الأهداف بدقة. (السومرية نيوز، الأحرار: ١٩ تشرين الأول ٢٠١٤)

تصريحات الرئيس الامريكى ترامب بسرقة النفط العراقي ونهب كل ثرواته: هل هي سياسة القذافي الجديدة أم صراحة وجراًة لسياسة الاحتلال الحديث؟

صرح الرئيس الامريكى ترامب في اجتماع صحفي قال فيه: بأن العراق لديه ثاني أكبر حقول نفط في العالم بقيمة ١٥ ترليون دولار، يأتي ثانيا بعد السعودية. جيشهم قد تمت أبادته... لديهم جيش ضعيف، أنه مجتمع فاسد على أية حال، وكل شيء هنالك فاسد تماما.

- فانا قلت ببساطة شديدة، لو عاد الامر لي فساخذ النفط.
- سؤال لاحد الصحفيين: ماذا عن الحد الادنى الذي يجب عليهم دفعه مقابل تحريرهم؟

- ترامب: على أقل تقدير عليهم ان يدفعوا لنا ١/٥ ترليون دولار، هذا عغلى أقل تقدير. وأضاف قائلاً: عندما ذهبت الى هناك(العراق) أنا قلت انا أفترض أننا سنأخذ النفط. فهل سنأخذ النفط. هنالك عبارة قديمة عن الحرب تقول: الى المنتصر تعود الغنائم.

أنا قلت اذا كنا سنترك العراق فليكون النفط لنا على الاقل، ليدفعوا ما عليهم، وأتت عناوين الصحف الرئيسية ترامب أنسان فضيع، يريد ان يأخذ النفط من بلد ذو سيادة... ذو سيادة! على مهلكم معي؛ ألا ترون الناس تنهب هناك. (تصفيق)

- ولا يصدق انا سوف اخذ ثروتهم. سوف اخذ النفط.
- الصحفي: أليس بهذه الطريقة أنت تدمر ثروة العراق؟
- ترامب: لا... لا... دعني أقول لك شيئاً: لا يوجد شيء اسمه العراق. لا يوجد شيء اسمه العراق. قادتهم فاسدون.
- الصحفي: لكن العراقيين يختلفون معك؟
- ترامب: أسمح لي... لا يوجد عراقيين، انهم مقسمين الى فصائل مختلفة.
- الصحفي: ألن تكون بحاجة الى قوات أمريكية لحماية النفط؟
- ترامب: نعم... سأضع حلقة حماية حولهم سأضع حلقة حماية. ونأخذ كل الثروة هذا ما يجب فعله...
- الصحفي: كيف تأخذ النفط؟ كيف ستفعل ذلك؟

- ترامب: نترك قوات هناك، ثم نسيطر على المناطق التي فيها النفط. الناس هنا لا تعرف ان العراق ، بان لديهم ثاني أكبر مخزون للنفط في العالم. في كل العالم.
- الصحفي: أذن أنت ستبقي قوات في العراق بعد هذه السنة؟
- ترامب: سأخذ النفط .
- الصحفي: أنا لا أفهم كيف ستأخذ النفط؟ هل هذا يعني ستبقي قوات هناك أو أنك ستدخل في العراق؟
- ترامب: أنت سمعتني... سأخذ النفط.
- الصحفي: لكن ماذا سنفعل بخصوص هذا الامر؟
- ترامب: نبقي ونحمي النفط ونأخذ النفط، وندفع لأنفسنا ترليون ونصف من الدولارات أو أكثر وندفع لبريطانيا وباقي الدول التي ساعدتنا وأن لا نبقي أغبياء جدا. نقطة أخرى بخصوص هذا الموضوع: أنا دائما أقول كان من المفروض أن نأخذ النفط من العراق. (تصفيق). (يوتيوب)

الخاتمة

تعريف التكفيريين واهدافهم واستخدامهم لاسلوب اللعن والتكفير، بيان الاسلوب الصحيح للامر بالمعروف والنهي عن المنكر كوسيلة تقييدية لكل الافعال، فضح التصريحات التي يستخدمها الامريكان والتي تفضح أطماعهم، مساعدة ودعم الدول الكبرى للتكفيريين وثبات ذلك، بيان دور التكفيريين في تباعد الدين الاسلامي وسعيه لذلك بدعم من الغرب.

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. أبو زيد، نصر حامد (١٩٩٥). التكفير في زمن التكفير. القاهرة: مكتبة مدبولي.
٣. التوحيدي، محمد علي (١٣٧٧). مصباح الفقاهة: تقرير ابحاث سماحة آية الله العظمى السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي. قم: مكتبة الداوري.
٤. الخشن، حسين أحمد (٢٠٠٦). الإسلام والعنف، قراءة في ظاهرة التكفير. المغرب: المركز الثقافي العربي.
٥. الخشن، حسين أحمد (١٤٣٤). العقل التكفيري. الكويت: مجمع الإمامين الحسينين.
٦. الدشتي، عبدالله (٢٠٠٧). تطهير المناهج من التكفير. عراق: شبكة الفكر.
٧. الساعدي، أبو محمد (١٣٩١). نفي ظاهرة التكفير عند الإمامية. طهران: نشر مشعر.
٨. شريف، عمر (١٤٣٥). وهم الإلحاد. القاهرة: جامعة الأزهر.
٩. الصباغ، الدكتور بسام (٢٠٠٨). بلاء التكفير. بيروت: دار البشائر.
١٠. الطوسي، أبي جعفر محمد بن الحسن (١٣٨٠). الأمالي. طهران: دار الكتب الإسلامية.
١١. كامل، عمر عبدالله (٢٠٠٣). التحذير من المجازفة بالتكفير. بيروت: بيسان للنشر.
١٢. الكلباني العماني، خليفة عبيد (٢٠٠٧). اللعن في الإسلام. بيروت: دار المحجة البيضاء.
١٣. الكليني، محمد بن يعقوب (١٤٢٦). أصول الكافي. بيروت: دار المرتضى.
١٤. المجلسي، محمد باقر (١٤٠٣). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار^{عليهم السلام}. الطبعة الثانية. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

330) / PURE LIFE, Vol.4.No.12, (Jumada al-Thani 1439, Esfand 1396, March 2018)

١٥. مناع، هيثم (٢٠١٤). خلافة داعش. جنو: اصدارات معهد الاسكندنافي لحقوق الإنسان.

- مواقع الكترونية

١٦. السومرية نيوز الشعبي (١٩ تشرين الأول ٢٠١٤). الأحرار: طائرات التحالف الدولي ترمي الأسلحة لداعش وتقصف الجيش والحشد:

<http://www.alsumaria.tv/news/113809>

١٧. الشبكة الوطنية الكويتية (١٨ يناير ٢٠١٤). الإمام علي عليه السلام يخبرنا عن داعش وأخواتها:

<http://www.nationalkuwait.com/forum/index.php?threads/257022>

١٨. يوتيوب. ترامب يصرح بسرقة نفط العراق ويشتم العراق:

<https://www.youtube.com/watch?v=u-xhzBmP208>



سہ ماہی علمی - مخصوص مجلہ (کثیراللسانی)

PURE LIFE

خصوصی مجلہ: پہلی انٹرنیشنل کانفرنس مذہبی تعلیم کے ارتقاء میں ساہرا اسپیس کا کردار

اور مواقع (۳)

بارہواں نمبر، چوتھا سال، جمادی الثانی ۱۴۳۹ (اسفند ۱۳۹۶/مارچ ۲۰۱۸)

جامعۃ المصطفیٰ ﷺ العالمیہ

تحقیقی ڈپارٹمنٹ، المصطفیٰ ﷺ ورچوئل یونیورسٹی

مدیر اعلیٰ: ڈاکٹر محسن قنبری

مدیر: ڈاکٹر عابدین سیاحت اسفندیاری

علمی معاون: ڈاکٹر توفیق اسداف

اجرائیات کا مسئول: حجیۃ الاسلام محمد جواد نجفلو

ہیئت تحریریہ:

حسن قنبری	ڈپٹی ایجوکیشن المصطفیٰ ﷺ انٹرنیشنل یونیورسٹی (ایران)
عابدین سیاحت اسفندیاری	تحقیقی معاون المصطفیٰ ﷺ ورچوئل یونیورسٹی (ایران)
توفیق اسداف	اسلامیات کے ڈائریکٹر، المصطفیٰ ﷺ ورچوئل یونیورسٹی (آذربائیجان)
غلام جابر محمدی	انچارج شعبہ قرآن اور حدیث، المصطفیٰ ﷺ اوپن یونیورسٹی (پاکستان)
سید محمد علی عون نقوی	پروفیسر، المصطفیٰ ﷺ ورچوئل یونیورسٹی (ہند)
حجی عبدالحسن الدوحی	پروفیسر، آل البیت ﷺ یونیورسٹی (عراق)
سیلہ ز قدری	پروفیسر، المصطفیٰ ﷺ ورچوئل یونیورسٹی (ترکیہ)

ایڈرس (پتہ): قم، خیابان ساحلی جنوبی، زسیدہ بہ مصلیٰ، بین کوچہ ۶ و ۳

ٹیلی فون نمبر: ۳۲۱۱۳۱۴۵، فیکس نمبر: ۳۲۱۱۳۸۴۵

تعداد صفحات: ۳۵۰ صفحہ

Web: http://journals.miu.ac.ir/content.php?pagenam=journal&publication_id=320&journal_id=7

Email: research@mou.ir

مورخہ (۲۰۱۴/۳/۱۰)

المصطفیٰ ﷺ پبلیکیشنز کونسل کی بائیسویں نشست اور مورخہ (۲۰۱۵/۳/۲)
قومی ذرائع ابلاغ کے جامع نظام کے (وزارت ثقافتی و اسلامی امور) ایکٹ
کے تحت اس جریدہ کو علمی - تخصصی سطح کی حیثیت سے نشریاتی لائسنس
(۷۴۳۲۷) جاری کیا گیا

یہ جریدہ درج ذیل اڈریس پر دستیاب ہے:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

محققین و مؤلفین کی رہنمائی:

- ۱۔ مقالہ مندرجہ ذیل امور پر مشتمل ہو:
 - عنوان، خلاصہ، الفاظ مر موز، مقدمہ یا موضوع کا اشارہ، مقالہ کا اسٹرکچر، نتیجہ، فہرست ماخذ و منابع
 - ۲۔ فقط ان مقالات کو برسی و تحلیل کیا جائیگا جو اس سے قبل کسی دوسری جگہ پر نہ نشر ہوئے اور نہ ہی محقق کسی اور مقام پر اس کو نشر کروانے کے ذمہ دار ہوں۔
 - ۳۔ مقالے کی علمی حوالے سے صحیح ہونے کی ذمہ داری محقق کی ہے۔
 - ۴۔ منشور مقالے کو قبول یا تردید کرنے کا اختیار رکھتا ہے۔ البتہ دبیر خانہ کی ذمہ داری ہے کہ ایک مہینہ کی مدت معینہ میں محقق کو مقالہ کی مکمل اطلاع دے۔
 - ۵۔ مقالے کے نشر ہونے یا نہ ہونے کی آخری تائید ججز اور مسقذین کے بعد مجلس تحریر یہ کے ذمہ ہے۔
 - ۶۔ مقالہ کم از کم ۸ صفحہ اور زیادہ سے زیادہ ۲۵ صفحات پر مشتمل ہونا چاہئے۔
 - ۷۔ مقالہ سے کسی بھی قسم کے مطلب کو نقل کرنا ذکر ماخذ کے ساتھ جائز و آزاد ہے۔
 - ۸۔ فارسی، عربی اور انگریزی مقالات کے خلاصہ حد اکثر ۲۵۰ کلمات میں منحصر ہوں۔
 - ۹۔ فارسی مقالات کے لئے ۱۳ سائز کا B Lotus فونٹ؛ چنانچہ عربی مقالات کے لئے ۱۳ سائز کا Taher، اردو مقالات کے لئے ۱۳ سائز کا Alvi Nastaleeq فونٹ استعمال کیا جائے، اور انگریزی مقالات کے لئے ۱۳ سائز کا Times New Roman فونٹ استعمال کیا جائے۔
 - ۱۰۔ مقالات کی فہرست الفبائی ترتیب سے اس شکل میں لائی جائے:
 - کتاب: فیملی نام، نام، نشر کی تاریخ، عنوان (Bold میں)، مترجم یا مصحح کا نام، محل نشر، تاریخ نشر۔
 - مقالات: فیملی نام، نام، عنوان (Bold میں)، مترجم، عنوان منشور، دورہ، نمبر، کل تعداد صفحات، تاریخ نشر۔
 - ۱۱۔ چنانچہ کسی متن کے درمیان کسی منبع کی طرف رجوع کی درخواست ہو تو اس طریقے سے لایا جائے:
 - مولف کا نام، نشر کی تاریخ، صفحہ نمبر، بطور مثال: طباطبائی، ۸۹: ۶-۱۳۔
 - توضیح ارجاعات جیسے لائن میں کتاب کا نام یا کلمات مر موز کی شرح وغیرہ، اسی صفحہ کے ذیل (حاشیہ) میں لایا جائے۔
 - ۱۳۔ مؤلف یا مؤلفین کی ذمہ داری ہے اپنا مقالہ ”معاونت پڑو ہٹی و تولید دانشگاہ“ کے ایمیل ایڈرس پر معہ نام، فیملی نام، علمی رتبہ، ایڈرس، موبائل نمبر اور ایمیل ایڈرس کے ارسال فرمائیں۔
 - کیونکہ یہ منشور کثیر اللسانی ہے لہذا محققین اپنی تالیفات فارسی، اردو انگریزی اور عربی میں سے کسی بھی زبان میں دے سکتے ہیں۔
 - ۱۴۔ مقالہ کے نشر ہونے کے بعد دبیر خانہ کی ذمہ داری ہے کہ مقالے کی ایک الیکٹرونک کاپی محقق کو ارسال کی جائے۔

ہمارے بارے میں

"PURE LIFE"، جاویدانی زندگی کے لئے ایک راستہ ہے۔ المصطفیٰ ﷺ اور چوکل یونیورسٹی خود کو، خاک نشیں انسانوں تک الہی تعلیمات پہچانے کا ذمہ دار جانتا ہے، تاکہ جو راستہ اللہ تعالیٰ نے انسانوں کو دکھایا ہے اس پر گامزن ہو کر دنیاوی سکون اور اخروی سعادت تک رسائی ہو سکے۔

"PURE LIFE"، ایک ایسی فرصت ہے جس سے یونیورسٹی کے طلبہ حضرات دینی تعلیمات کو سائبر فضا میں نشر کر سکیں اور عالمانہ انداز میں دین کی معرفت کو زندگی کے مختلف پہلوؤں میں رسوخ دلا سکیں۔

امید ہے کہ علم کے خواہان افراد اس دریچے علم کی شعاع کو نہ صرف خاموش نہیں ہونے دیں گے، بلکہ اس کو اور پر نور کرتے نظر آئیں گے۔

اداریہ

اللہ تعالیٰ کا شکر ادا کرتے ہیں کہ اس نے ہمیں یہ توفیق عنایت فرمائی کہ سائبری فضا میں سب سے پہلا سائبری منشور ہمارے ذریعہ نشر ہوا اور نیز محققین کے علمی مقالات کے نشر ہونے کا زینہ فراہم ہوا۔ منشور کے اس نمبر میں، ”پہلی انٹرنیشنل کانفرنس مذہبی تعلیم کے ارتقاء میں سائبر اسپیس کا کردار اور مواقع“ کے عنوان سے مقالوں کو نشر کیا جائے گا جو تین زبانوں عربی، فارسی اور اردو پر مشتمل ہوں گے۔

ہر مقالہ کی استاد منقذ کے دست میں جانے کے بعد چند مراحل میں اصلاح ہوگی۔ درحقیقت ”مذہبی تعلیم کے ارتقاء میں سائبر اسپیس کا کردار اور مواقع“ ایک وسیع تحقیقی موضوع ہے جس پر مفصل تحقیقات کی ضرورت ہے۔

"PURE LIFE"، جریدہ آئندہ آنے والے نمبروں میں علمی مقالات کو نشر کرنے کے لئے اپنی وسعت کا اظہار کرتا۔

سائبر اسپیس اور اسلامی طرز زندگی

سیدہ ہما مہدی جعفری (پاکستان)^۱

انتخاب: ۲۰۱۷/۰۸/۰۹

دریافت: ۲۰۱۷/۰۷/۱۷

خلاصہ

انٹرنیٹ، سائبر اسپیس اور اس سے مربوط ٹیکنالوجی کا استعمال اپنے معاشرے کی تہذیبی شناخت اور مقدمہ سازی کے بغیر ممکن نہیں اور اس کے بغیر اقدار، اعتقادات اور منہجی رجحانات کی ترویج اور دوسرے الفاظ میں ہمیں ”اسلامی طرز زندگی“ کی نئی نسل کو انتقال کے عمل میں واضح مشکلات اور چیلنجز درپیش ہیں۔ اس ٹیکنالوجی نے ہمارے لئے بہت سے نئے افق روشن کئے ہیں جس کی بدولت اس کی اہمیت سے انکار نہیں کیا جاسکتا، لیکن ایک حقیقی زندگی کے ساتھ ایک نئی اور مجازی زندگی نے جنم لیا ہے جسکے اثرات معاشرے پر بتدریج رونما ہو رہے ہیں۔ اس تحقیق میں انٹرنیٹ اور سائبر اسپیس کے نوجوان نسل پہ ہونے والے اثرات کا جائزہ لیا جائے گا جن کی وجہ سے اسلامی معاشرے میں رائج طرز زندگی کو اہم خطرہ درپیش ہے۔

بنیادی الفاظ: سائبر اسپیس، اسلامی طرز زندگی، اسلامی معاشرے

مقدمہ

عصر حاضر کو بہت سے لوگوں نے انفارمیشن ٹیکنالوجی کے انقلاب کا زمانہ قرار دیا ہے اجتماعی ارتباط کے وسائل معاشرے پر پورا امن تسلط کے لیے کارآمد ترین ہتھیار اور افکار و نظریات کی ترویج کے پیچیدہ ترین ہتھکنڈے ہیں۔ حالیہ چند عشروں کے دوران ترقی و پیشرفت کی حیرت انگیز رفتار اور انفارمیشن ٹیکنالوجی کی ترقی کے پیش نظر دنیا میں ان وسائل اور آلات کی پیچیدگی اور ان کے کارآمد ہونے میں بھی اضافہ ہو گیا ہے۔

۱۔ شیعہ شناسی پبلیکیشنز کورس، دانشکدہ ہدی جامعۃ الزہراء علیہا السلام، قم، ایران، h.jaffri72@gmail.com

عصر حاضر میں انسانی معاشرے کے پھلاو نے انسانوں کے اجتماعی تعلقات کے میدان میں ذرائع ابلاغ عامہ اور میڈیا کے وجود کو ایک ناگزیر امر بنا دیا ہے۔ ماضی میں انسانوں کا ایک دوسرے سے آمنے سامنے ربط ہوتا تھا کہا جاسکتا ہے کہ انسانی معاشرے روزانہ کی صورت میں ایک دوسرے کے ساتھ رابطے میں ہیں اور یہی قریبی رابطے عالمی سطح پر نئی زندگی کے انداز اور طور طریقے تیزی کے ساتھ تبدیل ہونے کا باعث بنے ہیں۔

اس وقت رابطوں میں تیزی اور ترقی سے معاشروں پر بہت سے اثرات مرتب ہوئے ہیں اور ان میں تبدیلیاں رونما ہوئی ہیں اور میڈیا نے جن میں ٹی وی چینل، سیٹلائٹ حتیٰ انٹرنیٹ بھی شامل ہے، معاشرے میں وہ مقام حاصل کر لیا ہے کہ جس کا اس سے پہلے کسی نے تصور بھی نہیں کیا تھا۔ ذرائع ابلاغ موجودہ حالات میں معاشرے کے عام لوگوں اور ان کے طرز زندگی پر گہرا اثر ڈال رہے ہیں اور اس میں زیادہ کردار ٹی وی چینلوں اور سائبر ذرائع ابلاغ کا ہے۔ اس کی وجہ بھی یہ ہے کہ لوگوں کی اکثریت ان کو استعمال کرتی ہے کہ جوان کی حساسیت کو بڑھادیتی ہے اور ان زیادہ کار آمد بنا دیتی ہے۔ اس قسم کے ذرائع ابلاغ نے گزشتہ چند دہائیوں کے دوران بہت سے ناظرین کو اپنی طرف کھینچا ہے جس کے نتیجے میں طرز زندگی کا مسئلہ بھی چاہتے اور نہ چاہتے ہوئے بھی اس سی جڑ گیا ہے۔ اس لیے عصر حاضر کے بہت سے دانشوروں کا کہنا ہے کہ اجتماعی رابطے کے وسائل حتیٰ نظریہ اور سوچ کو بنانے میں بھی اہم کردار ادا کر رہے ہیں۔

ذرائع ابلاغ وسیع اور مختلف قسم کے اثرات کے حامل ہیں جن میں نفسیاتی سیاسی اقتصادی اور ثقافتی اثرات شامل ہیں اس کے علاوہ یہ عقائد، اقدار، سلیقوں اور کلی طور پر طرز زندگی کو بدلنے میں بھی اہم کردار کے حامل ہیں۔ آج ذرائع ابلاغ نے ثقافتی طاقت کے اثر و رسوخ کو بے حد تیزی اور تنوع بخشا ہے۔ ثقافتی طاقت، دوسروں کے جاذب نظر زندگی کے طور طریقوں کو بنانے اور ان کو معانی کے لیے افراد یا گروہوں کی طاقت و توانائی ہے۔

برطانیہ کے مشہور ماہر سماجیات انتھونی سیڈنزا سی سلسلے میں لکھتے ہیں کہ ٹیلی وژن کی ایجاد نے انسانوں کی روزمرہ کی زندگی پر گہرے اثرات مرتب کیے ہیں کیونکہ بہت سے لوگ ٹی وی پروگراموں سے متاثر ہو کر اپنا طرز زندگی اسی طرح کا بنانے کی کوشش کرتے ہیں۔

اس میں کوئی شک نہیں کہ عصر حاضر کا میڈیا معاشرے اور لوگوں کی زندگی پر گہرے اثرات مرتب کر رہا ہے۔ اب یہاں یہ سوال پیدا ہوتا ہے کہ مخاطب کس طرح راضی ہوتا ہے کہ ذرائع ابلاغ اور میڈیا اس کے لیے کسی چیز کا انتخاب کرے؟

ماہرین سماجیات میڈیا کو معاشرے کی ضروریات کو پورا کرنے والا قرار دیتے ہیں۔ اس لیے معاشرے کا ایک فرد میڈیا کو اپنے دوست اور مشیر کے طور پر منتخب کرتا ہے اور خود اس سے باعث کیے بغیر اس کی باتیں سنتا ہے۔ لبتہ بعض لوگوں کا یہ کہنا ہے کہ افراد ٹی وی پروگرام دو مقصد کے تحت دیکھتے ہیں ایک وہ لوگ ہیں جو اپنی پسند کے پروگرام دیکھتے ہیں اور اگر ان کی پسند اور مقصد کا کوئی پروگرام نہ ہو تو وہ ٹی وی نہیں دیکھتے اور دوسری قسم کے لوگ وہ ہیں جو بغیر کسی مقصد کے ٹی وی پروگرام دیکھتے ہیں۔ پہلی قسم کو لوگ ٹی وی پروگراموں سے زیادہ اثر نہیں لیتے ہیں لیکن دوسری قسم کے افراد پر ٹی وی پروگرام زیادہ اثرات مرتب کرتے ہیں اور وہ ٹی وی دیکھنے میں زیادہ دلچسپی رکھتے ہیں اسی وجہ سے ان کے طرز زندگی پر ٹی وی پروگراموں کا زیادہ اثر ہوتا ہے۔ تو بہتر ہے کہ ہم طرز زندگی کی بھی کوئی تعریف کریں۔

طرز زندگی، اقدار، رفتار و کردار اور مجموعی طور پر انسان کی عادت کے مجموعے کا نام ہے جس میں اس کی زندگی سے تعلق رکھنے والی تمام چیزیں شامل ہیں۔ اس کے علاوہ ایک معاشرہ بھی ایک خاص طرز زندگی حاصل ہوتا ہے۔ طرز زندگی میں انفرادی اور اجتماعی دونوں طرح کے طرز زندگی شامل ہیں۔

اس بات میں کوئی شک و شبہ نہیں ہے کہ اکثر لوگوں کا خیال ہے کہ خود آزادانہ طریقے سے طرز زندگی کا انتخاب کرنا چاہیے اور یہ ان کے قانونی حقوق اور اختیارات میں شامل ہے۔ لیکن کیا آج کی دنیا میں ایسا ہوتا ہے۔

میڈیا سے وابستہ اکثر افراد کا یہ کہنا ہے کہ لوگ خود اپنے طرز زندگی کا انتخاب کرتے ہیں۔ وہ کہتے ہیں کہ وہ مسلسل اپنے ناظرین کی رائے معلوم کرتے رہتے ہیں اور وہ ان کی رائے اور خیال کا احترام کرتے ہیں اور انہیں یقین دلاتے ہیں کہ ان کے پروگرام ناظرین کی رائے کے مطابق تیار کیے جاتے ہیں لیکن اسی سلسلے میں بعض بنیادی سوالات ذہن میں آتے ہیں اور تمام چیزیں اتنی سادگی سے انجام نہیں پاتی ہیں۔

میڈیا کے شعبے کے ماہرین اس سلسلے میں خبر پہنچانے میں میڈیا کے بعض طریقوں کا ذکر کرتے ہوئے عوام کی سوچ پر میڈیا کے اثرات سے پردہ اٹھاتے ہیں۔ ایک روش خبر کے گیٹ کیمر کے نم سے ہے کہ جس کے تحت انتخاب کا حق میڈیا کو دیا جاتا ہے یعنی یہ کہ میڈیا سب باتیں نہیں کہتا ہے بلکہ وہ مسائل بیان اور نشر کرتا ہے جو اس کی اسٹریٹیجی سے مطابقت رکھتے ہیں۔

میڈیا کی ایک اور روش ایجنڈا سٹینٹنگ ہے کہ جس کس تحت میڈیا تمام خبروں اور مطالب میں سے بعض مسائل کو نمایاں طور پر بیان کرتے ہیں جبکہ ممکن ہے کہ وہ حقیقت میں اتنے اہم نہ ہوں جتنا میڈیا ان کو اہم بنا رہا ہے۔

لیکن ان دو روشوں سے اہم تیسری روش ہے جسے فریمنگ یا خبر کو ایک خاص رنگ دینا کہتے ہیں اس روش میں میڈیا ناظرین کے لیے ایک خاص فریم تیار کرتا ہے اور تمام مسائل اسی فریم کے تحت بیان کیے جاتے ہیں اور ان کی تشریح کی جاتی ہے۔ اس طرح ایک عرصے کے پروپیگنڈے کے بعد ناظرین میڈیا کے ساتھ ہم فکر ہو جاتے ہیں اور اسی فریم کے تحت دنیا کو دیکھتے ہیں۔

اس طرح ہم دیکھتے ہیں کہ میڈیا کسی حد تک افراد کے فکری اور نظری نظام کی تشکیل میں موثر کردار کا حامل ہے۔ اور یہ فکری نظام ہی ہے کہ جو طرز زندگی کی بنیادوں کو واضح کرتا ہے۔ دوسری جانب میڈیا خاص طور پر الیکٹرانک مسلسل طرز زندگی کی تعلیم دے رہا ہے۔ یہ کہ لوگ کس طرح اپنے فارغ اوقات بسر کریں، ان کا گھر کس طرح کا ہونا چاہئے۔ انہیں کہاں دوسروں سے بات چیت کے لئے ملاقات کرنی چاہئے اور سفر کے لیے کہاں جانا چاہئے اور کس کے ساتھ جانا چاہیے۔

سائنس کی بنیادوں کو واضح کرتا ہے۔ دوسری جانب میڈیا خاص طور پر الیکٹرانک میڈیا طرز زندگی کی تعلیم دے رہا ہے۔ یہ کہ لوگ کس طرح اپنے فارغ اوقات بسر کریں، ان کا گھر کس طرح کا ہونا چاہئے۔ انہیں کہاں دوسروں سے بات چیت کے لیے ملاقات کرنی چاہیے اور سفر کے لیے کہاں جانا چاہئے اور کس کے ساتھ جانا چاہیے۔

سائنس اور ٹیکنالوجی کی ترقی کے ساتھ ساتھ انسانی زندگی میں بھی تبدیلیاں آتی جا رہی ہیں۔ اس نے صرف انسانی طرز زندگی کو ہی تبدیل نہیں بلکہ انسانی سوچ، فکر اور اقدار پر بھی گہرے اثرات ڈالے ہیں جس نے انسانی معاشروں کی شکل کو ہی تبدیل کر کے رکھ دیا ہے۔ اخبارات و رسائل اور برقی میڈیا کی ذریعے اگر انسان کو ابلاغ عام (بڑے پیمانے پر پیغام کرتا ہے، اس کے خیالات اور افکار سے آگاہ ہوتا ہے اور اس سے تعلقات استوار کرنا ہے تو پردے کے پیچھے سے۔

دونوں کے درمیان میلوں کا فاصلہ ہوتا ہے۔ وہ اس کی حقیقی کیفیات اور معاملات سے آگاہ نہیں ہوتا۔ اس کے بارے میں وہی کچھ جان پا رہا ہے جو اس پردے کے پیچھے سے نظر آتا ہے۔ اس لیے انٹرنیٹ کی دنیا میں مجازی معاشرے 'قائم ہیں جسے عرف عام میں سوشل میڈیا کا نام دیا جاتا ہے۔ سوشل میڈیا میں سماجی رابطے کی ویب سائٹس اور ایپلی کیشنز جیسے فیس بک، ٹویٹر، گوگل پلس، واٹس ایپ، مائی اسپیس، انسٹاگرام اور بلاگرو وغیرہ شامل ہیں۔

1. Virtual Societies

وقت گزرنے کے ساتھ ساتھ ان کے صارفین کی تعداد بڑھتی جا رہی ہے۔ نہ صرف ترقی یافتہ ممالک بلکہ ترقی پذیر ممالک میں بھی ان کے صارفین کی تعداد میں تیزی سے اضافہ ہوتا جا رہا ہے۔ پاکستان میں سوشل میڈیا کو باقاعدگی سے استعمال کرنے والوں کی تعداد ۲ کروڑ سے زائد ہے۔ اس میں اکثریت نوجوان کی ہے۔ اس کی علاوہ سیاست، سماج، حالات، ٹیکنالوجی اور لوگوں کے مزاج کے بارے میں بھی معلومات ملتی ہیں۔ نوجوانوں کے اس سے وابستہ ہونے کی وجہ ان کے پاس فارغ وقت کا میسر ہونا ہے۔ سکول، کالج اور یونیورسٹی کے طالب علم کے پاس فارغ وقت بہت ہوتا ہے یا وہ نکال لیتے ہیں اور وہ اس کو سوشل میڈیا پر صرف کرتے ہیں وہ اس وقت کو دوستوں کے ساتھ گپ شپ، تصاویر اور ویڈیوز پوسٹ کرنے اور کمنٹس کرنے میں گزارتے ہیں۔

جب بھی کوئی نئی ایجاد انسانی زندگی میں قدم رکھتی ہے تو وہ نئے چینلجز لے کر آتی ہے۔ اس کے مثبت اور منفی دونوں پہلو ہوتے ہیں۔ کسی انسان کی کامیابی یہ ہے کہ وہ کیسے منفی پہلو سے بچ کر اس کے مفید پہلوؤں سے استفادہ کرتا ہے۔ اس حوالے سے نوجوانوں کی بہت زیادہ رہنمائی کی ضرورت ہے کہ وہ کیسے انٹرنیٹ اور سوشل میڈیا کو مفید انداز میں استعمال کر کے ملک و قوم کا بیش قیمت اثاثہ بن سکتے ہیں۔ ہمارا موضوع سوشل میڈیا کے یہی وہ پہلو ہیں جن کے حوالے سے اس کے صارفین کو احتیاط کی ضرورت ہے۔ نوجوان کسی بھی قوم کا بیش قیمت سرمایہ ہوتے ہیں۔

کسی قوم کے مستقبل کا انحصار نوجوانوں کی صلاحیتوں اور ان کی پرورش پر ہوتا ہے۔ اس عمر میں ایک شخص جس انداز سے اپنی صلاحیتوں کو نکھارنے اور ان کو بروئے کار لا کر معاشرے میں مثبت رجحانات کے فروغ اور انسانیت کی فلاح کا سامان کر سکتا ہے۔ وہ دوسروں کے بس کی بات نہیں۔ دوسری اہم بات یہ کہ ہمارے معاشرے میں معاش کو بوجھ بھی نوجوانوں پر نہیں ہوتا۔ والدین ان کی تمام ضروریات پوری کرتے ہیں۔

1. Grooming

جبکہ نوجوانوں کی اکثریت تعلیم کے علاوہ دیگر مصروفیات سے بالعموم آزاد ہوتی ہے۔ یوں وہ وقت اور صلاحتیوں کا بیش قیمت سرمایہ رکھتے ہیں جو بہتر طور پر استعمال کیا جانا چاہئے۔ ایک نوجوان کو ان تمام عوامل کا علم ہونا چاہیے جو اس کی صلاحتیوں کو زنگ آلود کر سکتے ہیں اور اس کے وقت کو دیمک کی سرچاٹ سکتے ہیں۔ سوشل میڈیا کے فوائد کی بات کی جائے تو یہ رابطہ کا موثر ذریعہ ہے۔ علاوہ ازین بہت سی تعلیمی، کاروباری، دینی سہولیات بھی اس پر میسر ہیں۔

تعلیمی رہنمائی کے لیے مختلف ادارے یہاں طلبہ کی تربیت کے لیے مواد رکھتے ہیں۔ اسی طرح دینی رہنمائی کے لیے بھی جید علماء اور ادارے سوشل میڈیا کے ذریعے لوگوں کو رہنمائی دے رہے ہیں۔ اس کے علاوہ کیرئیر، مینجمنٹ، سیاست اور دیگر مسائل کے حوالے سے بھی رہنمائی مل سکتی ہے۔ مگر ان تمام فوائد کے ساتھ اس کے منفی پہلوؤں کا بھی ادراک ضروری ہے۔ عموماً دیکھا گیا ہے کہ کچھ نوجوان سوشل میڈیا میں دنیا و مافیاء سے بے خبر ہو کر سراغ زندگی پانے کی جستجو میں غرق نظر آتے ہیں۔ ایسے نوجوان سوشل میڈیا کے استعمال میں انتہائی ”نان سوشل“ ہوتے ہیں۔

موجود لوگ بات کرنے کے خواہش مند ہوتے ہیں، ان سے تعلقات قائم رکھنا، ان کے مسائل کو سمجھنا ضروری ہوتا ہے مگر اس کے برعکس رابطے میں دور موجود لوگوں سے جاری ہوتے ہیں۔ درحقیقت یہ انسان کو انسانوں سے جوڑتا نہیں بلکہ ان سے توڑتا اور ایک بے حس و حرکت ”ڈیوائس“ سے جوڑ دیتا ہے۔ سوشل میڈیا پر آنے والا فرد ہر کام میں کھلی طور پر آزاد ہوتا ہے، پرائیویسی اور پاس ورڈ کے نام سے وہ دوسروں کی ”مداخلت“ سے آزاد ہوتا ہے۔ حالانکہ ایک نوجوانوں کی پرورش، تربیت اور نگہداشت میں اس کے والدین، بہن بھائیوں اور دوستوں کا بہت اہم کردار ہوتا ہے۔

اچھائی برائی کی تمیز میں واہ ایسے لوگوں کا مرہون منت ہوتا ہے جو اخلاص سے اس کی رہنمائی کر سکیں، مگر سوشل میڈیا کی دنیا میں کھونے والا نوجوان اس سے محروم ہوتا ہے۔

کیونکہ وہ جس سے چاہے تعلقات جوڑ لے اور جس کو چاہے اپنی فہرست سے نکال کر ”بلاک“ کر دے۔ وہ جس کو چاہے رد کر دے اور جس سے چاہے متاثر ہو جائے۔ سوشل میڈیا کا آغاز چونکہ مغرب کی سائنسی ترقی کا نتیجہ ہے تو اس کی تمام ترتیب وہی ہے جو تہذیب مغرب کی عکاس اور اس کی پاسدار ہے۔ ایسا معاشرہ جس میں مرد و زن کی وہ فطری تفریق موجود نہیں جو خالق کائنات نے قائم کی ہے۔

جو فرائض کے احساس کی بجائے حقوق سے مطالبے اور حصول پر زور دیتا ہے۔ جو مذہب کو معاشرت سے نکال کر انفرادی آزادیوں کے نعروں پر کھڑی ہے اور اجتماعیت سے الہامی اخلاقیات کو رد کر کے اس کو عقل کے تابع کرتی ہے۔ لہذا سوشل میڈیا میں بھی مرد و زن کا اختلاط عام ہے۔ یہ باہم رابطے کے وہ تمام مواقع فراہم کرتا ہے جس کی زد میں نوجوانوں اپنی دنیا و آخرت کی تباہی کا بندوبست کر سکتے ہیں۔ سوشل میڈیا کا حد سے زیادہ استعمال بہت سے مسائل پیدا کرتا ہے۔ مطالعہ ظاہر کرتا ہے کہ اس دنیا میں گم رہنے والا نوجوان حقیقی زندگی سے دور ہو جاتا ہے۔ اس کے مزاج میں چڑچڑاپن اور غصہ زیادہ ہو جاتا ہے۔ ایک بچے/نوجوان کی نشوونما کے لیے فطری زندگی سے وابستہ رہنا بہت ضروری ہوتا ہے۔ اگر سوشل میڈیا ہی ”تربیت کا مرکز“ بن جائے تو کسی فرد کی متوازن ذہنی نشوونما نہیں ہو سکتی۔

علاوہ ازیں وقت کے ضیاع کی صورت میں طلباء کی تعلیم کا بہت نقصان ہوتا ہے۔ بہت سی رپورٹیں اور سروے اس حوالے سے کیے جا چکے ہیں جو سوشل میڈیا کے زیادہ استعمال کی وجہ سے بچوں اور نوجوانوں کی تعلیمی کارکردگی پر منفی اثرات مرتب ہوتے ہیں۔ ان میں مطالعہ کی عادت کمزور پڑ جاتی ہے اور وہ مختصر اور خوشنما چیزوں پر ہی قناعت کرتے ہیں۔ انسان کی توجہ پر اس سے گہرا اثر پڑتا ہے، جب ایک پوسٹ سے دوسری پوسٹ اوپھر تیسری پوسٹ اور یوں سلسلہ آگے بڑھتا ہے، تو اس کی کسی مسئلے پر توجہ دینے کی صلاحیتیں متاثر ہوتی ہیں۔

کتابیں کسی بھی موضوع پر ہوں، طلبا کی علمی صلاحیتوں کا نکھارنے میں اہم کردار ادا کرتی ہیں، مگر ان کے مطالعے کا ذوق کم ہوتا جا رہا ہے اور نوجوانوں میں علمی جستجو کم پڑتی جا رہی ہے۔ کسی بھی موضوع چاہے وہ دین ہو، اخلاقیات ہوں یا زندگی کا کوئی اور پہلو کو جاننے کے لیے گہرے مطالعے کی ضرورت ہوتی ہے جو کہ کتابوں کی صورت میں ہی میسر ہوتی ہے۔ جبکہ سوشل میڈیا پر دیکھا گیا کہ ہر شخص دین، سیاست اور حساس معاملات پر ”اتھارٹی“ بن کر فتوے جاری کر رہا ہوتا ہے، جو صریحاً نقصان دہ ہے۔

تلاوت، عبادات، افکار، حقوق العباد کے ساتھ ساتھ پروپیگنڈے کا بھی بہت بڑا ہتھیار ہے۔ آج کل جنگیں بھی اس کے ذریعے لڑی جا رہی ہیں۔ جو تھی نسل کی جنگ اور پانچویں نسل کی جنگ میں سوشل میڈیا بھی بہت اہم کردار رکھتا ہے۔ اس کی مثال عرب ممالک میں ہونے والی بغاوتیں، تیونس کا ”یا سمین انقلاب“، لیبیا میں انتشار و افتراق... ان تمام تحریکوں نے سوشل میڈیا کے ذریعے ہی بڑے پیمانے پر عوام میں رسائی حاصل کی اور حکومتوں کے تختے اٹلے۔

اسی طرح عراق اور شام سے اٹھنے والی تنظیم داعش کی مثال ہے، جس نے ان ممالک میں مسلمانوں کا بہت زیادہ قتل کیا اور اب بھی کر رہی ہے۔ سوشل میڈیا داعش کے پروپیگنڈے اور بھرتی کا بالخصوص مغربی ممالک میں، ایک بڑا مرکز بن چکا ہے۔ آج کل اپنے مقاصد کے حصول اور نظریات کے پرچار کے لیے سوشل میڈیا پر خوب پروپیگنڈا جاری ہے۔

مغربی ممالک میں اسلام کے خلاف پروپیگنڈا کیا جا رہا ہے اور اسلاموفوبیا کی جو کیفیت پیدا کی گئی ہے، اس میں روایتی میڈیا کے ساتھ ساتھ سوشل میڈیا کو بھی بھرپور استعمال کیا جا رہا ہے۔ ایک ویڈیو یا تصویر وائرل ہو کر پوری دنیا میں تحریک پیدا کر دیتی ہے اور اگلے دن اخبارات کی سرخی بن جاتی ہے۔ مختلف لابیوں نے نوجوانوں کو اسلام سے بیزار کرنے کا کام یہاں جاری رکھا ہوا ہے۔

سیکولر ازم، لبرل ازم، جمہوریت اور آزادی کے نام پر اسلامی اقدار اور شعائر سے دور کیا جا رہا ہے۔ تاہم سوشل میڈیا ایکٹ کھلا میدان ہے جس میں ہر قوت اپنے مفادات کی جنگ لڑ رہی ہے۔ کشمیر، فلسطین کی آزادی کی تحریکوں اور بہار عرب میں سوشل میڈیا کا کردار اہم رہا ہے، جس سے پریشان ہو کر بھارتی فوج بار بار کشمیر میں انٹرنیٹ کو بند کر دیتی ہے۔ سوشل میڈیا کے ان تمام پہلوؤں کو سامنے رکھتے ہوئے کے سائبر آفیسرز لیے ضروری ہے کہ وہ اپنے وقت اور صلاحیتوں کو اسلام، اور امت مسلمہ کے لیے کارآمد بنائیں۔

اس حوالے سے اختصار کے ساتھ چند تجاویز دی جا رہی ہیں:

یہ بات طے کریں کہ آپ سوشل سائٹس کو کیوں استعمال کر رہے ہیں اور اس کے لیے کتنا وقت درکار ہے؟

سوشل میڈیا کے استعمال کا شیڈول ترتیب دیں اور صرف اپنے مفید مقاصد اور ضروریات کی حد تک اسے وقت دیں۔

تمام غیر ضروری ایپلیکیشنز کو ختم کر دیں۔ غیر ضروری اور وقت ضائع کرنے والے صفحات، گروپس اور افراد کو ”ان فالو“ کر دیں۔

اپنے موبائل پر سوشل میڈیا پر آنے والی اپ ڈیٹس کو دیکھنے کے اوقات متعین کریں۔ مثلاً دن میں ۴ بار اور ہر دفعہ ۵ سے ۱۰ منٹ۔ مختلف ایپس پر آنے والے پیغامات پر ہونے والی بیل کو خاموش رکھیں۔

رابطے کے لیے جس قدر ممکن ہو، فون کال اور کا استعمال کریں۔

دن/ہفتہ میں مستحب عبادات مثلاً تلاوت، دعاؤں، نوافل وغیرہ، نصابی کتب مطالعہ اور گہر والوں، عزیز واقارب اور دوستوں سے رابطہ کا شیڈول بنائیں اور ان کے ساتھ وقت گزاریں۔

ورزش یا کسی کھیل کے لیے قریبی پارک کا رخ کریں اور اس میں باقاعدگی اختیار کریں۔
اگر آپ کا کام کمپیوٹر سے متعلق ہے تو اس کے حوالے سے بھی پلاننگ کریں اور کام کے
اوقات میں سوشل میڈیا کو بند رکھیں
اگر آپ سوشل میڈیا کا رکن ہیں تو پھر اس حوالے سے بھی اپنے وقت کو ترتیب اور
شیڈول کے مطابق اس کو سرانجام دیں
سوشل میڈیا فرقہ واریت کے فروغ، لسانیت و عصبیت کے نعروں اور تفرقات کے
فروغ کی بجائے اسلامی و ملی یکجہتی کا پیغام عام کریں۔
دوسروں کو اپنی بات کا قائل کرنے کے لیے انتہائی حکمت اور بصیرت سے کام لیں۔

نتیجہ

ماہرین کا کہنا ہے کہ انٹرنیٹ پر لوگوں کے ساتھ رابطے انسانی صحت کیلئے مضر ہیں۔ انٹرنیٹ کی
دوستیاں تنہائی بڑھاتی ہیں۔ اگرچہ آج کل انٹرنیٹ پر دوستی کرنے والی ویب سائٹس میں سب سے
زیادہ اضافہ ہوا ہے خاص طور پر نوجوان یہ سائٹس بہت پسند کرتے ہیں۔ ڈاکٹر ایرک سیگن کہتے ہیں
کہ الیکٹرانک میڈیا کی وجہ سے ۱۹۸۷ء سے لے کر اب تک ذاتی ملاقاتوں کی شرح گرتی جا رہی ہے۔
انہوں نے اس تحقیق میں یہ بھی بتایا ہے کہ ذاتی ملاقات انسانی جسم پر مثبت اثرات ڈالتی ہے ایمیل
پڑھنے سے حاصل نہیں ہوتے۔ سوشل نیٹ ورکنگ لوگوں کو خاص کر نوجوانوں میں ایک غلط طرح کے
رابطے یا رشتے کا احساس پیدا کرتی ہے۔ اجنبیوں سے دوستی نئے گل کھلاتی ہے جو خاندانوں پر آفت
بن کر ٹوٹ رہی ہے۔ طلاق کا رجحان بڑھ رہا ہے خاندان کی اکائی ٹوٹ پھوٹ کا شکار ہے۔ مصر میں
اس رجحان کو بنیاد بنا کر چند علماء نے ان ویب سائٹس کو حرام قرار دے دیا ہے۔

یہ درست ہے کہ سائبر اسپیس اور الیکٹرانک میڈیا کے ساتھ حد سے زیادہ وقت گزارنے کے سبب ہمارے معاشرتی رویے تبدیل ہو رہے ہیں۔ اس تبدیلی کی ایک قیمت وہ ہے جو ان کو استعمال کرنے والے ادا کر رہے ہیں اور کریں گے، اور ایک قیمت وہ ہے جو ان کی آنے والی نسلیں ادا کریں گی۔ یہ بات صحیح ہے کہ سائبر اسپیس آج کی ضرورت ہے لیکن یہ بھی ضروری ہے کہ اس کا استعمال ایک حد تک رکھا جائے، غیر محتمدانہ اور نقصان دہ سرگرمیوں کو مانیٹر کرنا حکومتوں کی ذمہ داری ہے۔ چین، ایران اور دیگر ممالک کی مثال ہمارے سامنے ہے جہاں اس حوالے سے سخت قوانین موجود ہیں، ساتھ ویب سائٹس کو فلٹر بھی کیا جاتا ہے۔ یہ قوانین تمام کمرشل ویب سائٹس بلکہ سائنسی ویب سائٹس کو بھی پابند بناتے ہیں کہ وہ کم عمر نوجوانوں اور بچوں سے ایسی تمام اشیاء اور معلومات سے دور رکھیں جو ان کے لئے کسی بھی لحاظ سے نقصان دہ ہوں۔

حکومت کے ساتھ والدین سمیت معاشرے کے ہر فرد کو اس کیلئے اپنا کردار ادا کرنا ہو گا تا کہ اقدار، تہذیب اور اخلاقیات کی حفاظت ہو سکے۔ معاشرے میں شعور بیدار کرنا ہوگا، انفرادی اور اجتماعی سطح پر جدوجہد کرنی ہوگی۔ اسکے لئے عالمی سطح پر تمام اسلامی ممالک، تنظیموں اور اداروں کو «تھنک ٹینک» بنانے چاہئیں جو پورے وژن سے موثر حکمت عملی تربیت دیں۔ میڈیا کانفرنسیں بین الاقوامی سطح پر مستقل بنیادوں پر منعقد کی جائیں تاکہ وقت کے چیلنجز کا مقابلہ کیا جاسکے۔ جدید ٹیکنالوجی کو دنیا میں اسلام کی حقیقی تصویر اور اسلامی طرز زندگی کے فروغ کیلئے استعمال کیا جائے۔

مکمل آمدگی کے ساتھ اسلامی پروڈکشن ہاؤس بنائے جائیں جس کی ایک بہترین مثال ایرانی صدا و سیما (براڈکاسٹنگ) ادارہ ہے۔ اسکے تجربے سے استفادہ کر کے پوری دنیا میں اسلامی الیکٹرانک میڈیا کا سلسلہ شروع کیا جائے جو معاشرے کی اخلاقی اور تہذیبی بنیادوں پہ تربیت کرے۔ مشترکہ ٹی وی پروگرام تیار کئے جائیں جن میں اسلامی ممالک کے تہذیبی و اخلاقی مشترکات کی واضح طور پہ عکاسی کی جائے۔ اسلامک میڈیا انشٹیٹیوٹ کے ذریعے پروڈیوسرز،

سائبر اسپیس اور اسلامی طرز زندگی / ۳۴۹

اسکرپٹ رائٹرز، کیمرہ مین، ٹیکنیشن اور سائبر اسپیس افسروں کی کھیپ تیار کی جائے جو مکمل اسلامی شعور و ادارک کے ساتھ ابلاغ کی دنیا میں اسلامی انقلاب کی بنیاد رکھ سکے۔

ماخذ

۱- جماعت وومن ڈاٹ اور آر جی۔

۲- روزنامہ اساس۔

۳- روزنامہ نوائے وقت۔

